شماره ۳
نهضت نهضت رادیکال ۵۷ – صفحه ؟

دانشگاه آذرآبادگان

متن تلگرافی نهضت

تبریز – دبیرخانه دانشگاه آذرآبادگان .
توسط جناب آقای دکتر اسماعیل رفیعیان هیئت علمی و کارکنان اداری دانشگاه آذرآبادگان .

هتك حرمت و اسائه ادب به ساحت دانشگاه و دانشگاهیان و فجایع چند ماهه اخیر و مضروب شدن آقای دکتر مسیحا از طرف گارد وحشی و نیروی انتظامی موجب کمال تنفر و تأسف گردید . نهضت رادیکال ایران ضمن محکوم کردن روشهای غیرقانونی مامورین پشتیبانی خویش را از مبارزات و اعتراضهای استادان و دانشجویان آذرآبادگان اعلام و در مبارزه ای که برای دست یابی به حکومت قانون آغاز گردیده برای همه نیروهای ملی آرزوی موفقیت مینماید .

دبیر نهضت رادیکال ایران – مهندس رحمت اله مقدم مراغه

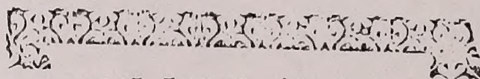
جواب تلگراف

تهران جناب آقای مهندس مقدم دبیر نهضت رادیکال ایران میدان سنائی کوی چهاردهم شماره ۲۶ تلگرامی که درخصوص هتك حرمت و اسائه ادب به ساحت دانشگاه و دانشگاهیان آذرآبادگان همچنین مضروب شدن همکار محترم آقای دکتر سیروس مسیحا مخابره فرموده بودید واصل گردید مراتب تفقد و همدردی آنجناب را به همکاران آموزشی و اداری رساندم ضمن سپاسگزاری امید میرود تلاشهای همه جانبه در راه استقرار حکومت قانونی و عدالت و استحکام مبانی استقلال کشور به ثمر برسد .

اسماعیل
رفیعیان

احترام

بمنظور احترام نسبت به آقای دکتر مرتضوی رئیس سابق دانشگاه آذرآبادگان که در وقایع اخیر دانشگاه مزبور به دنبال رفتار غیرانسانی نسبت به دانشگاهیان از سمت خود استعفاء دادند نامه ای بشرح زیر با امضای کلیه استادان بعنوان معظم اله صادر شده و جمع کثیری از استادان در منزل از آقای مرتضوی دیدار نموده و نامه را تسلیم ایشان نموده اند در این مراسم سخنان پرشوری رد و بدل شده است .



نامه استادان دانشگاه آذرآبادگان

استاد بزرگوار جناب آقای دکتر مرتضوی
دفاع از حقوق و ارزشهای انسانی خواسته فطرت پاك هر فرد آزاده است وقتی رادمردی ندای وجدان خود را با فداکاری و گذشت پاسخ دهد همه انسانها در برابر وبه تجلیل و تکریم می ایستند .
ما امضاء کنندگان این نامه اعضاء هیات علمی و اداری دانشگاه آذرآبادگان در پیشگاه تاریخ و ملت ایران شهادت میدهیم که شما با اقدام شجاعانه خویش به ندای انسانیت پاسخ مثبت داده اید . وبه همین دلیل دربرابر تاریخ و جامعه سرافرازید .

کمیته برای دفاع از حقوق بشر و پیشبرد آن در ایران
پنجم فروردین ماه ۱۳۵۶

خواهران دانش آموز

همه شما کم و بیش با انواع دروغگوئی های بیشرمانه رژیم حاکم بر میهن ما که روزانه بوسیله رادیو تلویزیون و مطبوعات دولتی منتشر میشود آشنا هستید. بعنوان نمونه بخوبی میدانید که در همین سال جاری تحصیلی، دولت بارها و بارها، کلاسهای دبیرستانهای ما را به زور فحش و تهدید، تعطیل کرده و میلیونها ساعات درس را بخاطر براه انداختن تظاهرات ساختگی در پشتیبانی خود، بهدر داده است. ما را به زور و اجبار ساعتها در شرایط نامناسب به خیابانها کشیده تا در برابر تمثال منحرف دو جلاد تاریخ، رژه برویم تا بتوانند در رادیو تلویزیون دولتی، با بوق و کرنا این تظاهرات زورکی و ساختگی را به دروغ بعنوان طرفداری دانش آموزان و فرهنگیان سفلو حزب رستاخیز از حکومت جا بزنند. قطعا کسانی که رسماً با چنین وقاحتی در وسایل ارتباط جمعی رسمی خود اینگونه دروغهائی میگویند، معلوم است که با وقاحت و بیشرمی بیشتر برای مبارزه با جنبش حق طلبانه خلق میهن ما به سرسپردگی و شایعه پراکنی میکنند. در این روزها نظام فاشیستی حاکم، بوسیله مأموران پنهان و آشکار خود، دروغ بیشرمانه ای را در سطح همه دبستانها و مدرسه های راهنمائی و دبیرستانهای دخترانه تهران و شهرستانها شایع کرده است. باین معنی که دختران و خانمهای بی حجاب در معرض خطر اسید پاشی گروه های مذهبی هستند!! به مدارس و دبیرستانها دستور داده شده که این شایعه ساختگی را بعنوان یک اخطار جدی به دانش آموزان و اولیاء آنها اطلاع بدهند، به خبرچینان مأمور انتظامی دستور داده شده که چند روز پیش همزمان در بیمارستانها و ادارات به خانه هایشان تلفن بزنند و بعنوان یک خبر فوری مهم بگویند که دختران در معرض چنین خطری هستند و مادران به خانواده و آشنایان خبر بدهند. خواهران، می بینید کار رسوائی و بیچارگی این حکومت غاصب به کجا کشیده که میخواهند از این راه خانواده ها را در وحشت بیشتر نگهدارند، میخواهند خانواده ها گمان کنند که مبارزه با حکومت فساد و قلدری و جلادی همین وحشی ها هستند که برروی دختران و زنان اسید می پاشند، میخواهند به خانواده ها بگویند نه تنها پسران شما را میکشند، بلکه دختران شما نیز در معرض اسید پاشی همین خرابکاران قرار دارند تا ضمن ایجاد نگرانی در دست از قیام مردم تهم و تبریز دل‌آگاهان، از پیوستن دختران دانش آموز به صف مبارزه - که نمونه های آنرا می بینید - جلوگیری کنند، زهی وقاحت و بیشرمی.

وحشت حکومت از اینکه می بیند بخش عظیمی از روحانیت مترقی ایران بجای شایسته ای در جبهه مبارزه خلق ما علیه حکومت فساد احراز کرده است، موجب اصلی این شایعه کثیف شده است، ما یقین داریم این دروغ بیشرمانه حکومت، مانند هزاران دروغ دیگرش محکوم به رسوائی است، اگر چه این حکومت غیرقانونی، بوسیله مأمورین پنهان خود عملاً هم به اسید پاشی دست بزند، اما ما میدانیم و اعلام میکنیم که فریب این تفرقه اندازیها را نمیخوریم. ما شاهد بوده و هستیم که خواهران و برادران و پدران میهن پرست ما همواره بوسیله این حکومت نوکر امپریالیست به میدانهای اعدام و سیاهچالهای شکنجه و زندان روانه شده اند و همواره این جسمهای شرافت بوسیله دستگاه های تبلیغاتی این حکومت بعنوان ارتجاع سرخ و سیاه نامیده شده اند، زهی وقاحت و بیشرمی!!

ما دانش آموزان دختر دبیرستانهای تهران، احترام و همبستگی عمیق خود را با مبارزه ملی در راه سرنگونی این رژیم فساد و غارت و جنایت اعلام می کنیم و پیشاپیش، هرگونه تلاش مذبوحانه رژیم در جعل اعلامیه و تظاهرات ساختگی بنام دختران دانش آموز را بدینوسیله تکذیب و رسوا میکنیم. ما امسال - مانند همه مردم ایران - عید نداریم. سور چراغانی با میوه های وارداتی کیلوئی ۷۰ تومان شایسته اعمال طبقه استثمارگر حکومت که به همدستی امپریالیسم جهانی به بهای غارت ثروت ملی ما، عید را تمام ۱۲ ماه سال را نسیه دارند. نوروز ما روزی است که دوشادوش برادران و پدران رزمنده مان لکه ننگ این نظام ضد انسانی شاه جلاد را از دامن تاریخ میهنمان پاک کنیم و در بهار آزادی و عدالت اجتماعی حقوق پایمال شده مان را همراه حقوق ربوده شده خلق محروم کشورمان از چنگ غارتگران، باز ستانیم و آن روز دیر نیست.

۲۵ اسفند ماه ۱۳۵۶
دانش آموزان دختر دبیرستانهای تهران

جهت تماس با کمیته برای دفاع از حقوق بشر و پیشبرد آن در ایران با آدرس زیر مکاتبه کنید :

ACTION TRICONTINENTALE . COMITE POUR LA DEFENSE ET LA PROMOTION DES DROITS DE L'HOMME EN IRAN .
46, RUE DE VAUGIRARD ,75006 PARIS ,FRANCE

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

تهران - ایران

مظلومیت آنانرا بگوش هر که انسان است ، و درد انسانی دارد ، رسانده و مجامع ذی صلاح بین‌المللی چون یونسکو را از حال آنان با خبر نماید .

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر با ارسال فتوکپی نامه دانشجویان دانشگاه تهران و ضمن اعتراض باین اعمال غیر قانونی وضد انسانی ، که در باره شریف‌ترین و پر ارزش‌ترین گروه اجتماعی مردم ایران و سرمایه های آینده این مملکت اعمال شده است خواستار رفع فوری تضییقات و مشکلاتی که برای دانشجویان دانشگاه فراهم آورده اند و همچنین تعقیب و مجازات عاملین و محرکین این عملیات تجاوزکارانه خلاف قانون میباشد .

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

تهران - ایران

۶/۴/۱۳۵۷

آقای آموزگار نخست وزیـــر

رونوشت : آقای دادستان کل کشور

کمیسیون جهانی حقوق بشر

سازمان بین المللی یونسکو

دانشجویان دانشگاه تهران ضمن شکوائیه ای خلاصه ای از مظالـم و فجایع مقامات انتظامی و نظامی در باره دانشجویان دانشگاه تهران در ســـال تحصیلی گذشته را باطلاع این جمعیت رسانده اند . غارت متجاوز از ۱۰ هـزار جلد کتاب از کتابخانه های دانشجویان دانشگاه تهران ، ممانعت از ورود آنان به مسجد ، حمله و ... جوییان وحشیانه به کلاسهای درس و محیط دانشگاه و ضـرب و شتم دانشجویان و استادان ، انحلال نیمسال اول تحصیلی ، قطع کمک هزینه و تمر اعاشه دانشجویان قسمتی از فجایعی است که قوای انتظامی ، گارد دانشگاه و مقامات اداری دانشگاه تهران در محیط دانشگاه و در باره دانشجویان مرتکـب شده اند .

در شکوائیه دانشجویان آمده است که " مساله فشار و حمله به بیـرون دانشگاه هم کشیده شد و چند بار در کوهها به دانشجویان حمله شد و متعاقـب آن عده ای مجروح و بسیاری نیز دستگیر شدند . این حملات چند بار در کوههای شمال تهران بوسیله هلیکوپتر و کماندوهای مسلح ارتش و ژاندارمهای چماق و ضرب دست صورت گرفته است " .

فاجعه با حمله پلیس و قوای نظامی به دانشجویان ساکن کوی دانشـگاه و ضرب و جرح حدود ۳۵۰ دختر و پسر و شکستن در اطاقها و اثاثیه و لـــوازم آنان و بالاخره اخراج متجاوز از سه هزار نفر دانشجوی دختر و پسر از کـــوی دانشگاه تکمیل شده است !

دانشجویان دانشگاه تهران از این جمعیت خواسته اند که صـدای

./.

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر
تهران - ایران

هفتم خرداد ماه ۱۳۵۷

هموطنان

باتوجه به کشتار فجیع عده زیادی از هموطنان بیگناه در پانزده هم خرداد ماه ۱۳۴۲ بمنظور محکم ساختن واقعه ناگوار و نظائر آن که در ماههای اخیر بدفعات روی داده و از مصادیق بارز نقض مستمر حقوق بشر در کشور ماست و باعنایت باینکه هیئت حاکمه در مقام اعمال شدت عمل بیشتری جهت سرکوبی هرگونه حرکت ملی و اعتراضات حقه و قانونی مردم میباشد، جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر با الهام از نظر علمای عظام و مراجع عالیقدر، شرکت در اعتصاب عمومی از طریق تعطیل کار و ماندن در خانه ها را در روز دوشنبه پانزده هم ماه جاری ، اولا برای بزرگداشت خاطره شهدای پانزده هم خرداد ، ثانیا بعنوان یکی از طرق مسالمت آمیز اعتراض به نقض لاینقطع حقوق مردم ایران ضروری میشناسد و اکیدا توصیه می نماید برای جلوگیری از حوادث ناگوار که هیئت حاکمه پیوسته درصدد ایجاد آن میباشد ، با تامین قبلی مواد غذائی درخانه های خود بمانند و از حضور و یا حرکت در خیابانها و میادین مطلقا خودداری کنند .

خدایار و مددکارشماست

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

بسمه تعالی

۵۷/۳/۲۱

اطلاعیه

باینوسیله از خواهران و برادران دانشجو که محل اقامت خود را در کوی و خوابگاه دانشگاه بعلت تخریب و یورش مامورین انتظامی از دست داده و اکنون بامرگردانی رقت باری در پارکها و امکنه غیر قابل سکونت زندگی میکنند دعوت میشود از روز سه شنبه ۲۲ تا چهارشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۵۷ بعد ازظهر ها بین ساعت ۴ تا ۷ بدفتر این جمعیت (جاده قدیم شمیران جنب حسینیه ارشاد - خیابان شهرزاد شماره ۱۲) با در دست داشتن کارت دانشجوئی مراجعه فرمایند تا ترتیب اسکان موقت انها در مساجد و خانه های کسانیکه داوطلبانه اماده پذیرائی از دانشجویان عزیز میباشند داده شود .

کمیته اجرائی

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

قطعنامه دانشگاهیان آذرابادگان

اعضاء هیات علمی و اداری دانشگاه آذرابادگان صبح روز شنبه ۳۷/۲/۲۳ درمحوطه دانشگاه گردهم آمدند تامراتب تاثر وانزجار خودرا از حوادث فجیعی که روز دوشنبه ۳۷/۲/۱۸ در دانشگاه رخ داده ابراز دارند . دراین روز بزرگترین وبی شرمانه ترین یورشها علیه هرآنچه که نام فرهنگ ، علم واخلاق وفضیلت ومعنویت دارد صورت گرفت و آن روز را به عنوان روز مصیبت وننگ درتاریخ این دانشگاه به ثبت رسانید . پلیس ومأموران انتظامی دانشجویان بی دفاع را تاخلوت ترین کنج خانه شان یعنی کلاسها و قرائتخانه‌ها دنبال کردند وهمانگونه که باتونهای شکسته ، آثار تیر مسلسلها ، درهای شکسته و لخته‌های خون گواهی می دهد ، حریم قانون وانسانیت وعفت را مورد تجاوز قرار دادند . رفتار آنان بادختران دانشجو و خانم های کارمند یادآور فجایع سپاهیان چنگیزی بود .

بنابراظهار بازپرس ارتش ، این کشتار " مجوزی" نداشته است . دانشگاهیان دانشگاه آذرابادگان اصل این "تجویز" را رد می کنند ومراتب تسلیت وتأثر خود را به خانواده‌های داغدیده دانشگاهیان وبه ملت ایران تقدیم می دارند و تامین خواسته های زیر را انتظار دارند :

۱- اعمال خشونت به هرعنوان در دانشگاه محکوم است . حضور گارد ومأموران انتظامی باستناد تجارب گذشته همیشه موجب تحریک دانشجویان ومنجر به بروز خشونت بوده‌است. لذا خروج گارد وعدم دخالت ماموران انتظامی در دانشگاه ضروری است .

۲- آزادی مجروحان ودستگیر شدگان حوادث اخیر دانشگاه مورد تقاضا است .

۳- درصورتی که براثر حوادث مذکور ، شرایطی پیش‌آید که نیمسال تحصیلی جاری منحل شود ، از اجرای مقررات انحلال ترم (محرومیت واحتساب نمره صفر برای واحدهای انتخاب شده) خودداری شود .

۴- معرفی ومحاکمه علنی وقانونی مأموران متخلفی که این‌حادثه را بار آوردند .

شماره پانزدهم - بیست تیرماه ۱۳۵۷

هشدار... از صفحه ۵

و این تفسیر ناصحیح را تصحیح نماید و همچنین اعلامیه‌ای برای روشن شدن افکار عامه در مورد این قبیل تفاسیر و نسبت‌ها صادر گردد و در آن سازش با دولت محکوم شود و اصالت جنبش با تکائش بر مذهب و سرچشمه گرفتنش از مسئولیت اجتماعی اسلامی نه از یک جنبش خارجی تبیین گردد تا انشاءالله دسیسه آنها نقش بر آب شود و نتوانند افکار مردم را از روحانیت منحرف سازند و جنبش مسلمانان را لکه دار کنند. در خاتمه سلامتی و موفقیت حضرت مستطاب عالی را از خداوند مسئلت می‌دارد.

ضمناً مقاله جعفریان را در روزنامه رستاخیز شنبه ۲۷ آنجا که اشاره‌ای به روحانیت آگاه میکند مطالعه فرمائید".

شنبه ۲۷ خرداد ۱۲۵۷

انتشار بولتن جمعیت حقوقدانان ایران

شماره یکم بولتن جمعیت حقوقدانان ایران روز پنجشنبه پانزدهم تیرماه انتشار یافت. این نشریه نیز برغم ادعاهای استبداد یان مبنی بر آزادی مطبوعات بگونه زیراکس انتشار یافته و نمایانگر سانسور حاکم بر مطبوعات است.

در بولتن جمعیت حقوقدانان ایران هدفهای جمعیت چنین اعلام گردیده است: "استقلال و اعتبار قوه قضائیه یک ضرورت عینی برای پیشرفت اجتماع بسوی آزادی است. بدون این استقلال و اعتبار آزادی مردم و حقوق انسانی همواره در معرض تجاوز مامورین آشکار و مخفی قوه مجریه خواهد بود.

قوه مجریه اعمال و اقتدارات خود را در حدود قانون اساسی اعمال کند و خود را در برابر قوه مقننه و قوه قضائیه مسئول و جوابگو بداند.

قوه مقننه با انجام انتخابات واقعاً آزاد و فارغ از ... از قید سلطه قوه مجریه خارج سازد و نقش راستین خود را بعنوان مرجع تفکر و تدبیر ملی باز یابد.

حقوق و آزادیهای ملت ایران بویژه آزادی بیان و قلم و اجتماعات به معنای واقعی محترم شمرده شود".

خبرنامه، موفقیت این نشریه و وابستگان جمعیت حقوقدانان ایران را در راه بدست آوردن آزادی و استقلال ایران آرزو دارد.

تجاوز به حقوق معلمان مریوان

بیش از هفتاد تن از فرهنگیان شهرستان مریوان در نامه سرگشاده‌ای به تجاوزات بیدریغ آقای رجبی رئیس آموزش و پرورش اعتراض نموده خواهان برکناری این عنصر ضد ملی شده‌اند. در بخشی از این نامه نوشته شده است "آقای رجبی رئیس آموزش و پرورش که مرتباً از روش تهدید به پرونده سازی استفاده می‌کند بعنوان انتقامجوئی شش نفر از معلمان را با داشتن چند سال سابقه خدمت شخصاً اخراج نموده است".

نماز جماعت در سقز

دوشنبه دوازدهم تیرماه روز عید مبعث، روحانیان مبارزی که از شهرهای دیگر به سقز تبعید شده‌اند برای برگزاری نماز جماعت بسوی حسینیه شهر روان شدند و چون ماموران پلیس در آنرا بروی مردم بستند، روحانیان حق‌طلب با گستردن عبای خود برروی زمین تصمیم به برگزاری نماز در خیابان و میان مردم گرفتند.

آنچه بر ارزش این نمایش شکوهمند افزود، همدلی شیعی و سنی بود که به پیشنهاد روحانیان آگاه در پشت سر یک کارگر شریف سقزی بنماز ایستادند.

پشتیبانی از خواستهای استادان و دانشجویان

دانشگاه صنعتی

جامعه بازرگانان و اصناف و پیشه وران بازار تهران نامه‌ای با بیش از هفتاد امضاء به اعضاء هیأت علمی دانشگاه صنعتی آریامهر نوشته و در آن اعتراض شدید خود را نسبت به انحلال این دانشگاه ابراز داشته‌اند. در بخشی از آن چنین آمده است "دوستان دانشگاهی: اعتقاد داریم که موافقت مصادر امور با درخواست شما برای ابقاء دانشگاه صنعتی آریامهر در تهران موجب حل و گشایش بخشی از مشکلات موجود در آموزش عالی مملکت خواهد گردید. ما این حسن تشخیص و پایداری و احساس مسئولیت ملی را به شما تبریک میگوئیم و حمایت و همدردی بازرگانان و اصناف تهران را تا تحقق این مقصود بزرگ به شما اعلام میداریم و همواره موفقیت شما را در خدمتگزاری و تربیت فرزندان وطن مسئلت داریم".

جلوگیری از درمان

حضرت آیت الله العظمی حاج حسن طباطبائی قمی که بیش از ده سال است در خانه‌ای در کرج زندانی هستند هفته گذشته به بستر بیماری افتادند.

باوجود نیاز فوری به درمان، پلیس های مراقب خانه ایشان بدستور ساواک اجازه آوردن پزشک را به بالینشان ندادند و این وضع برغم تلاش خانواده حضرت آیت الله همچنان ادامه دارد.

کارگران، با تشکیل سازمانهای صنفی به صف مبارزه در راه آزادی و استقلال بپیوندید

کمیته ایرانی دفاع از حقوق بشر و پیشبرد آن در ایران
نشریه شماره ۱۳ - سال اول تیر ۵۷

جوانها بخوانند و عبرت بگیرند

هنگامی که سال گذشته چماق بدستهای رژیم در دانشگاهها جوانها را می‌کوبیدند و در کاروانسرا سنگی با فر... زنده باد شاه خانواده هائی را که برای شرکت در اجتماع مذهبی عید قربان گرد هم آمده بودند مضروب می‌کردند شـ... به سفر لهستان و رومانی رفت و در این دو کشور کمونیستی یعنی بقول شاه مرتجعین سرخ !! با نان و نمك استقبال... پذیرائی شد و امروز در گرماگرم کشتار قم و تبریز و تشدید فشار روزافزون بر مردم ایران و در حالیکه مطبوعات رژیم ور... و تلویزیون آن هر روز و هر ساعت به مردم با نثار القاب اخلالگر و توطئه گر و اراذل و اوباش فحش می‌دهند بار دیگر شاه بدعوت دو کشور کمونیستی بلغارستان و مجارستان به آن دو کشور سفر کرد و درآنجاها نیز طبق سنن ملی !! با نان و نمك استقبال شـــــد ۰

ما در اینجا از جوانهائی که بدون تجربه و بدون مطالعه آنچه که از طریق سیاست شوروی و کمونیستهـــا د... سالهای ۱۳۲۰ در سازش با امپریالیزم غرب بر سر مردم ایران آمد می‌خواهیم که به این سئوال جواب بدهند :

اگر شما در رژیم کمونیستی زندگی کنید و رهبران آن رژیم فرانکوی مرحوم و یا ایدی امین و یا موبوتو و یا سلطان حـ... و یا که مظاهر فساد و ظلم هستند به کشور شما دعوت کنند شما چه کار خواهید کرد ؟ آیا با دستمال و دسته گل مثل... مردم لهستان و رومانی و مجارستان و بلغارستان به استقبال آنها می‌روید و مانند گوسفندان به صف کشیده در کنـ... خیابانها برای آنها دست تکان می‌دهید و هورا می‌کشید ؟

شما حاضرید برای دیکتاتورهائی که هزاران نفر از انسانهای هموطن شما را کشته‌اند و قتل عام کرده‌اند و در زیر شکنجه له و لورده کرده‌اند و در زندانها زنده بگور کرده‌اند و بر دهان میلیونها انسان قفل خاموشی و سکوت زده‌اند ثروت میلیونها انسان کارگر و زارع و کارمند و فقیر و محروم را در بانکهای خارجی به حساب خود اندوخته‌اند ، هلهله بکشید و دست بزنیـــــــد ؟

ما نمی‌گوئیم شما به ایدئولوژیهای مترقی جهان امروز تمایل پیدا نکنید ولی می‌گوئیم بین ایدئولوژی و مجریـــان ایدئولوژی تفاوت از زمین تا آسمان است ۰

مجریان ایدئولوژی در کشورهای بظاهر سوسیالیستی و در باطن سرمایه داری دولتی در فکر جمع آوری دلارهای ... هستند ۰ مجریان ایدئولوژی در کشورهای سوسیالیستی نما با اختناق و غارت و دیکتاتوری کشورهائی نظیر مـ... ... ندارند ۰ آنها به رشوه هائی که از رژیمهای دیکتاتوری فاسد می‌گیرند ، بقرار داده های پر سود بازرگانی و ... ... ها متر مکعب گازی که بقیمت حلواجوزی از منابع زیرزمینی ما میبرند و به قیمت های گران به کشورهای دیگـــ... ... فروشند ۰ کار دارند ۰ و بهمین علت است که در کشورهای سوسیالیستی !! مردم گوسفندوار برای دیدن یك نمایـــ... ... در کنار خیابانها به صف می‌ایستند و برای دیکتاتورها که دستهایشان تا مرفق بخون جوانان بیگناه آلوده است ... تکان میدهند ۰ جوانان ما باید ایدئولوژیها را بشناسند و به مایه های مترقی و انقلابی این ایدئولوژیهـــا ... شوند ۰ اما بدانند که هر ایدئولوژی با تمام اصالـــت ... نمی خود می‌تواند به تله‌ای در دست مجریان ایدئولوژی برای فریب افکار جوشان و پر تکاپوی جوانها تبدیل شود و ... می‌بینیم که جوانها چگونه بدون توجه به تجربه گذشته های کشور خودشان و بدون توجه به اینکه در دنیای امروز ... چگونه ایدئولوژیها بصورت دامی برای توجیه غارتگریها و قدرت طلبی‌ها درآمده است از مسائل اساسی وحدت و اتحاد ... درون مبارزه حیاتی مردم ایران بدور افتاده اند و بجای اینکه ایدئولوژی را با گسترده ترکردن افق های فکری خود ... وحدت و اتحاد قرار دهند عامل تفرقه و تشتت و دشمنی قرار داده‌اند و این همان چیزی است که رژیـــــم ... خود نامه حداکثر استفاده از آن را می‌بــــرد ۰

جامعهٔ مسلمانان مبارز

شماره شانزدهم - سی ام تیرماه ۱۳۵۷

یاد بود . . . ازصفحه ٔ ۹

ازدست رفته خود ، کشاورزصد رسخن گفته و دربایان آقای سیف اله گلکار وکیل دادگستری بعنوان یکی از شاگردان آن شادروان باذکرخاطره‌هائی چنـــد سخنانی ایراد نمود .

نامه‌اعتراض‌آمیزپیشوای روحانی مردم‌سنندج

روز هفد هم تیرماه یکروز پس ازیورش وحشیانـــه پلیس به خانواده زندانیان سیاسی کــــه بــــرای دادخواهی به دادگستری سنندج رفته بودنـــد ، بیست و یک تن ازآنهابدستور دادستان شهـــر در مسافر خانه‌های محل اقامت خود بازداشت گردیدند و بدینسان چهره واقعی " دستگاه استبداد " و این عنصر کثیف نمایان ترشـــــد .

در روز هجد هم تیرماه آقای احمد مفتی زاده یکی از پیشوایان روحانی مردم سنندج طی نامـــــه ٔ سرگشاده‌ای خطاب به " دادستان کردستان" پس از شرح اعتصاب غذای زندانیان سیاسی وعلت بست نشستن خانواده‌های آنها در دادگستری ضمـــن اعتراض به زشتکاریهای ماموران ، نوشته‌اند " درجلوی چشمان دادستان (و شاید هم با رضایت او) ، " ضابطان دادگستری" بجان دادخواهان میافتند و با کتک کاری و زندان ، جواب دادخواهی آنانرامیدهدا" و درپایان نتیجه گرفته‌اند " آیامردم حق دارند در " اسلامی بودن " این مملکت و درد رستی و اصالت آن همه پرمدعائی و تظاهربه خلقدوستی ، " مقداری" تردید کنند ؟! و دادگستری رانیز دستگاهی پست و ضد خلق شمارند ؟ " .

پیام‌کنفدراسیون جهانی محصلین ودانشجویان‌ایرانی؛ به‌پشتیبانی‌از زندانیان‌سیاسی ایران

بدنبال انتشارخبراعتصاب غذای زنان زندانـــی سیاسی قصر و نیز دوازده تن زندانیان سیاســـی زندان سنندج ، کوشش های وسیعی به پشتیبانی از این زندانیان درداخل و خارج کشور آغاز گردید .

از جمله کنفدراسیون جهانی محصلیـــــن و دانشجویان ایرانی (سی . آی . اس) تلگراف زیـــر را بوسیلـه ٔ داریوش فروهربرای اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران فرستاده است .

" با غرور و درس‌آموزی از مبارزه افتخارآمیـــز و مقاومت دشمن شکنتان خبراعتصاب غذای رزمندگان در زندان های قصر و سنندج رادریافت نمودیم شما در زیر وحشیانه ترین سلطه سیاه استبداد پرده تزویـــر دمکراسی و آزادی رژیم رابرملامیسازید .

هزاران دانشجوی میهن پرست عضو وهوادار کنفدراسیون جهانی (سی . آی . اس) خود رابـــا شما و مبارزینتان همراه و همسنگر دانسته و باپشتیبانی ازراه به حقتان بانگ رسای زندانیان سیاسی‌میهن‌پرست رابگوش جهانیان میرساند " .

آئین چهلم شهدای کوی دانشگاه

روز سه شنبه بیستم تیرماه برابر با " چهلم کشتار وحشیانه رژیم درکوی دانشگاه تهران " گروه زیادی از دانشجویان دانشکده علم و صنعت اجتماع بـــا شکوهی برپاکردند و یاد بخون خفتگان راگرامـــی داشتنـــــد .

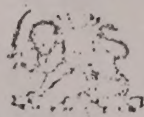
دراین اجتماع متنی که درآن با بررسی اوضـاع و شرایط اجتماعی کشوربه کشتارهای پی در پی‌مردم ایران زمین اعتراض‌گردیده بود خوانده شد .

دانشجویان درپایان این متن نوشته‌اند " مـــا روز ۱۱ خرداد را روز شهدای کوی دانشگاه تهران و روز ۱۸ اردیبهشت را روز شهدای دانشگاه تبریز اعلام می‌کنیم و هرسال دربزرگداشت آن می‌کوشیم" .

دعوت به‌اجتماع درشب میلادمهدی موعود

شصت تن از مبارزان ملی طـــی بیان نامه ای که بمناسبت پانزد هم شعبـان روز میلاد مهـدی موعـود نشر داده‌انـد پس‌از اشاره به مبارزه ٔ مستمر " تشیـع در طول تاریـخ حیات انقلابـی و خونین خـود با تکیـه بردو اصـل (امامـت) و(عدالت) علاوه بـــر اصول دیـگر اسلامـی و ضمـن نقـــل بخشـــی از پیام مرجـع آگاه و عالیقـدر آیت اللـــه العظمی خمینـــی اعلام داشته‌اند " پانزد هـــم شعبان امســال که روز میـلاد امام بحـق قائـــم بالقسـط مهـدی موعود امام زمان عج با خـــون شهیـــدان حق و آزادی آراسته شده است و بـار دیگر این تداوم و استمرار تاریخی تجلی پیدا کرده و مجالس جشن ملت نیز تبدیل به خاطره و یـــاد شهیدان عزیز گشته است . بدینجهت درعصرروزپنج‌شنبه ۱۴ شعبان (۲۹ تیرماه ۱۳۵۷) شب میلاد حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه از ساعت ۷/۵ بعد ازظهرمنعقد می‌باشـــد .

پیروزباد ملت



دانشگاه تهران

هیئت علمی دانشکده پزشکی هزار تختخوابی دانشگاه تهران و کلیه دستیاران و کارورزان و پرستاران و کارمندان و کارکنان این دانشکده همصدا با کلیهٔ طبقات ملت مبارز ایران در جلسه باشکوهی که در تاریخ ۵۷/۹/۸ در محل دانشکده تشکیل شد قطعنامه زیر را باتفاق آراء تصویب و خواسته های خود را بشرح زیر باطلاع مردم ستمدیده ایران میرساند.

۱ــ برکناری فوری دولت نظامیان و الغای حکومت نظامی در سراسر ایران.

۲ــ آزادی بدون قید وشرط کلیه زندانیان سیاسی و دستگیرشدگان مبارزات اخیرکه جز وطن پرستی و وفاداری به آرمانهای ملت ایران گناه دیگری نداشته اند.

۳ــ برقراری هرچه زودتر حکومت دمکراسی ملی برپایه حکومت مردم برمردم از طریق مراجعه به آراء عمومی.

٤ــ دعوت فوری از کلیه تبعید شدگان بخصوص از حضرت آیت الله العظمی خمینی و اعاده حیثیت از کلیه زندانیان و تبعید شدگان سیاسی.

٥ــ انحلال سازمان امنیت (ساواک منفور) و مجازات مسئولین شکنجه ها و جنایات سالهای سیاه گذشته

٦ــ احترام به آزادی قلم و بیان و رفع هرگونه محدودیت و سانسور جراید و رادیو و تلویزیون.

۷ــ خواستهای صنفی ما در جهت رفع تبعیض حقوقی و رفاهی در دانشگاههای مختلف است. مجدانه خواستاریم کلیه افراد کادر آموزشی دانشکده های پزشکی تمام وقت شوند و حقوق کلیه افراد تمام وقت و مزایای آنها از نظر حق کشیک و حق مسکن آنطور که شایسته کادر آموزشی دانشگاه است تأمین گردد.

مجمع عمومی دانشکده ضمن ارج نهادن بر مبارزات دلیرانه و فداکاریهای قهرمانانه آن طبقات از ملت ایران که با آگاهی کامل از حقانیت مبارزات خود به اعتصاب عمومی پیوسته اند باتفاق آراء پشتیبانی کامل و همه جانبه خود را بخصوص از گروه های زیر اعلام میدارد:

۱ــ کارگران و کارکنان شجاع صنعت نفت.

۲ــ نویسندگان، خبرنگاران، کارگران و کارکنان میهن پرست کانون نویسندگان و چاپخانه های مطبوعات و تلویزیون ملی ایران.

۳ــ کارمندان و کارگران وزارت دارائی، گمرکات، مخابرات، توانیر، وزارت بازرگانی و بانکها.

٤ــ کارمندان و کارگران صنعت ذوب آهن و سایر مبارزان وطن پرست که در هرسنگری به مقاومت علیه هیئت حاکمه بپا خاسته اند.

٥ــ فرهنگیان و دانش آموزان.

در ضمن باکمال افتخار آمادگی خود را جهت خدمت و درمان بیماران وابسته به کلیه افراد درحال اعتصاب اعلام داشته ازکلیه هموطنان خواستاریم از خریدن و مطالعه روزنامه های دولتی ورنگین نامه های سرسپرده تا برقراری کامل آزادی مطبوعات خود داری کنند.

هرگونه تجاوز به حریم مقدس بیمارستان توسط نیروهای فرمانداری نظامی و هرگونه آزار و اذیت کارکنان این بیمارستان باعکس العمل شدید تمامی کارکنان این بیمارستان به صورت اعتصاب عمومی وقاطع روبرو خواهند شد.

هیئت علمی، دستیاران، کارورزان، دانشجویان
پرستاران، کارمندان و کارگران دانشکده پزشکی
هزارتختخوابی دانشگاه تهران

پیام

آیت الله طالقانی

به هفته همبستگی دانشگاهیان ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون

فرزندان عزیزم دانشجویان گرامی و با استقامت در راه حق!

مایه تاسف است که به علت بیماری و ضعف مزاج در حال حاضر نمیتوانم در میان شما باشم. در این جمع یاد جوانان فداکاری را گرامی میداریم که بر مبنای تفکر اسلامی و نجات مردم. در میدان تیر و زیر شکنجه و خیابان با نثار خون خود نهضت اسلامی گسترش یابندهٔ امروز ما را بارور کردند.

در همین جا لازمست از فرزند عزیز مهاجر و شهید م دکتر علی شریعتی یاد کنم که در شکوفائی هرچه بیشتر مکتب اسلام و گسترش آن در میان جوانان سهم بسزائی دارد. بر شماست که با دقت و مراقبت کامل در برابر توطئه های تفرقه افکنانهٔ دشمنان به تشکل و محتوا بخشیدن به نهضت حق طلبانه و با برکت خود ادامه دهید و از درگیریهائی که باعث انحراف از وظایف اصلی و موجب بهره گیری دشمن میشود بپرهیزید.

همبستگی دانشگاهیان با مردم و روحانیت پیشرو و متعهد طلیعهٔ پیروزی و مطلع فجر صادقی است برای همگامی و یکی شدن گروههای مختلف ملت در مبارزهٔ بحقشان علیه نظامات طاغوتی، لذا بر شماستکه هرچه بیشتر خود را بمردمی که هر لحظه در کوچه و بازار و شهر و روستا قربانی میدهند نزدیکتر کنید، بطوریکه هیچیك از افراد مردم با شما احساس جدائی نکنند و بتوانید با تائید و خواست خدای متعال رسالت و همبستگی خود را که روشنگری و تشکل دادن است بخوبی ایفا کنید.

من و دیگر زندانیان به پایمردی و با فداکاریها و شهادتهای مردم مبارز ایران از جمله دانشگاهیان ارجمند از زندان بیرون آمدیم ولی بسیاری از خواهران و برادران شما هنوز در بند و اسیر هستند. کوشش ما باید آزادی بلا شرط همهٔ زندانیان سیاسی و ادامهٔ مبارزه تا برپا ساختن یك جامعهٔ توحیدی بر مبنای قسط اسلامی باشد که حقوق همهٔ انسانهای عضو آن جامعه بخوبی تأمین گردد.

در چهل سال مبارزهٔ مستمری که در پشت سر گذاشته ام چنین حرکت با شکوه و گسترده و امید بخشی از طرف تمام گروههای مردم ندیده بودم لذا امیدوارم این نهضت با هشیاری و تقوا هر روز شکوفاتر از روز پیش به جلو رود و به آرمان و هدف مقدس خویش نائل آید.

والسلام علیکم و علی من اتبع الهدی

سید محمود طالقانی

اخبار و پیام جنبش مسلمانان مشهد

از دوهفته قبل تا تاریخ دوم آذر ماه ۱۳۵۷

پنجشنبه ۸/۱۸ ـ سه نفر از مأمورین ساواک سرنشین یک اتومبیل پیکان به شعب چند بانک بشرح زیر: بانک ایران و خاور میانه در خیابان فردوسی بانک تهران در خیابان خسروی، بانک صادرات در خیابان نادری، بانک مرکزی سپه در خیابان نادری و ساختمان تأتر گلشن در خیابان خسروی حمله نموده و آتش سوزی ایجاد کردند و عده‌ای از مردم را که در خیابان اجتماع نمودند به تشدید آتش سوزی دعوت مینمودند و سپس عده‌ئی دیگر از مأمورین نظامی باین مردم بی‌پناه حمله نموده و یکنفر جوان توسط یکنفر سرگرد نظامی مورد اصابت گلوله در ناحیه گردن قرار گرفته و کشته شد و جسد وی نیز وسیله مأمورین از محل خارج گردید. شواهد موجود دال بر انجام این جنایت وسیلهٔ مأمورین ساواک عبارتند از:

۱ ـ قفل درب بانک صادرات شعبهٔ چهارراه خسروی وسیلهٔ مسلسل دستی یکی از سه نفر مأمور مذکور شکسته و درب باز گردید.

۲ ـ بانک ایران و خاورمیانه که در طبقهٔ فوقانی آن خانواده رئیس بانک سکونت داشتند بعلت سر و صدا کردن آنان آتش زده نشد ولی اثاثهٔ بانک بخیابان کشیده شده و آتش زده شد.

۳ ـ عده‌ای از کارمندان بانکهای مذکور در محضر آیت الله مرعشی شهادت داده‌اند که روز قبل مأمورین باصطلاح امنیتی به رؤسای بانکها تلفنی اطلاع داده‌اند که مدارک ضروری و لازم و بهادار را از بانک خارج کنند و در نتیجه مدارک سوخته شده اغلب کهنه، قدیمی و بی اعتبار بوده است.

۴ ـ در جریان آتش سوزی و حتی ازدحام و تجمع مردم و شعاردادن‌های شدید مأمورین انتظامی و نظامی حضور داشته و در ابتدا هیچگونه مخالفت و یا ممانعت و عکس العملی از خود نشان نداده‌اند.

شنبه ۸/۲۰ (عید قربان) ـ بمناسبت حملهٔ مأمورین ساواک در روز ۸/۱۸ و کشته شدن یکنفر جوان در حضور مردم و در چهار راه [illegible]

از طرف کانون ملی پزشکان ایران به شما :

ای برادر سرباز

ای افسر هموطن

که باید پاسدار جان و مال و ناموس هموطنان خود باشی. خواهران و برادران مسلمان خود را به گلوله نبند.

ماپزشکان دائماً شاهد صحنه های دلخراشی هستیم که گلوله هائی که شما شلیک میکنیـــــد بوجود میآورند. برادر، در لحظه‌ایکه هموطن مسلمان خود را هدف تیر قرار می دهی، انسانی فکر کن و خون هم میهنان خود را مریز که خلاف دین، انسانیّت ووجدان پاک است.

اعلامیـــــه　　　　شنبه ۱۱ آذر ۱۳۵۷

در زمانیکه اصالت و حقانیت مبارزات حق طلبانه مردم ایران بر تمامی جهانیان آشکار شده است دستگاه فساد ان حاکم بیش از پیش با درنده خوبی باردیگر مردم بیگناه را که تکبیر گویان علیه استثمار استعمار استبداد و بیدادگـــ بپا خاسته بودند به آتش گلوله بست.

سازمان ملی دانشگاهیان ایران همراه با شدیدترین اعتراضات خود به این سبعیت جنگیزی ارتجاع نظامی یک دیگر همراهی و همگامی خود را با جنبش ملت ایران برای تحقق بخشیدن به نظام دلخواه و منتخب مردم اعلام مید ر از همه پزشکان دانشگاهها میخواهد که بهر وسیله ممکن نحوه یاری و کمک فوری و مطمئن به مجروحان و زخمیان را ساز دهند.

از همه دانشگاهیان ایران می خواهد که با اهدای خون یاری و یاوری به زخمی شدگان را تسریع کنند.

هیئت مدیران موقت

سازمان ملی دانشگاهیان ایران

تاریخ ۱۳۵۷/۹/۱۲

اطلاعیـــــــــه

بعنـــوان اعتراض بکشتار های وحشیانـه وایجاد شرایط نامطلوب وغیرقابل تحمـل امکان انجام کاررا فعلاً تاسیزدهم ماه محـــرم غیرمقـــدور اعلام میداریـم.

قضات دادگاههای شهرستان تهران

... اداره خواهد شد
... ی هیچکس را

... شود اما پیشهاد وراهنمایی ... دیگریست

... منتشر خواهدشد. و ایـن عـده گروهی هستند که از طرف دولت انتخاب شده‌اند که درحال‌حاضر نمیتوانم اسامی آنها رابگویم.

انتظام دربـاره محـاکمه بازداشت شدگان گفـت:محاکمات علنی خـواهد بـود و دادستان دادگـاه انـقـلابـی نـیـز مشغول تهیه ادعانامه برای‌فردفرد کسانی است‌که در بازداشت هستند وبزودی این ادعانامه به‌اطلاع‌همه رسانیده خواهد شد ودولت‌دستور دستگیری هیچکس را صادر نکرده چه‌مأموران‌ساواك‌چه‌ارتش چه‌غیره. ما دراین انتظار هستیم که دادستان ادعانامه‌اش‌را برعلیه افرادی که اتهاماتی به‌آنها وارد است تهیه‌کند و بعد دولت مجری دستوراتی خواهد بودکه ازطرف دادستان صادر شود.

۹ مرکز هما در خارج کشور تعطیل شد

شعبه‌هـای هما در ۹ مرکز خارجی تعطیل شدکه این مراکز عبارتند از سنگاپـور، مـانیل، بانکوك، راولپندی، مسقط‌شارجه، شیکاگو، سانفرانسیسکو، دهلی‌نو.

برپایی حاکمیت‌خودمی باشدوگرنه به‌این یاآن‌شکل تحت سلطه باقی خواهدماندطرح شعار«برقرارباد حاکمیت خلق» بدون‌مشخص کردن جنبه‌های طبقاتی‌آن، سازشکارانه دارد. برنامه حـداقل سازمـان چریکهای فدایی نیزشباهت‌زیادی به برنامه «سازمان پیکـار ...» ... که ازبـررسی آن اجتناب می‌کنیم.

و اما «سازمان پیکـار...» علاوه‌برجنبه‌های اتوپیایی دیگر، مثلا دم‌از ... و ... اصلاحات

طرح دانشگاه صنعتی تهران

بقیه ازصفحه ۱

تکنولوژی ملی باید در کشورمان پایه‌گذاری شود.

دراین نوشته آمده است:

اکنون ما دانشگاهیان، همانند دیگرمردم این آب وخاك همانگونه‌که موظفیم انقلاب، خونین ایران ودستاوردهایش را پاسدار بـاشیم ودر برابر هرگونه تلاشی درجهت انحراف ازمسیرانقلاب بپاخیزیم، می‌بـاید درجهت پیشبرد انقلاب و خواستهای مردم قهرمان ایران نیزبکوشیم، وسهم خود را درساختمان جامعه‌ای نوین اداکنیم. درفضای‌انقلاب دیگرنبایدنقش‌یك دانشگاه به صحنه‌کلاس درس‌وآزمایشگاه محدود باشد. حال می‌باید هردانشگاه گذشته ازآنکه‌بعنوان یك سنگرآزادی استوار بماند، بتمام معنی وباتمام امکانات به خدمت انقلابی و خلقها درآید. حال می‌بایدیك‌دانشگاه صنعتی درعوض آموزش معلق درفضـا وپژوهشی که‌درخدمت صنعت وجامعهٔ دیگری بود، درپایه‌ریزی صنعت ملی‌بکوشد ودرخدمت آن قرارگیرد.

انقلاب ایران از جملـه حکم می‌کندکـه سرانجام تکنولوژی ملی درکشورمان پایه‌ریزی شـود. خون شهدای انقلاب ایران‌ازجمله‌ازمامی‌خواهدکه وابستگی صنعتی‌کشور را بـه امپریالیسم پـایـان دهیم و دوران صنعت وارداتی مونتاژگر و مهندس وکارگر و مـدیر عاریتی‌گران قیمت را بدرود گوئیم. حـال که دلالان و سرمایه داران آریامهری از ایران‌و انقلاب خونینش گریخته‌اند ومشاوران وکارشناسان خارجی سرانجام صحنه را خالی‌کرده‌اند، زمان آن رسیده است‌که به‌کارخانه‌هائی‌که بسته مانده‌اند، کارگرانی که به‌ارتش بیکاران پیوسته‌اند و صنعتی‌که هرگز نـداشتیم بیاندیشیم.

گام نخست درجهت دگرگـونی

بعنوان‌گام نخست دراین راه، درآزمایشی محدود با آغازی کوچك برای آینده‌ای بزرك، دانشکده‌مهندسی برق دانشگاه صنعتی تهران تجارب وامکانات دانشجویان کادر فنی واعضای هیئت‌علمی خود را به‌رایکان عرضه‌میکند.

ـ با دعوت از کلیه دانشجویان وسایر افرادعلاقمند اعلام می‌داریم که برای خدمت دربهره‌گیری از کارخانه‌ها، دستگاهها ووسایلی که بدون استفاده مانده، برای مشاوره‌در اداره کارخانه‌ها، در انتخاب دستگاهها، درجهت‌دگـرگونی مناسبات‌تولیدی‌ودرجهت‌تبدیل صنایع‌مونتاژگرکه‌تنهامصرف کننده بودندبـه صنایعی که درجهت منافع همگان تولید نمایند، آماده‌ایم از آنهائیکه پذیرای خدمت ماهستند واز آنانیکه مایلند دراین راه یاری‌دهند دعوت‌می‌کنیم به‌ستادی که بدین منظور ایجاد شده است، در اطاق ۱۰۶ دانشکده مهندسی‌برق دانشگاه صنعتی تهران (خیابان‌آیزنهاورسابق) یا باتلفن ۹۱۸۴۷ با ماتماس بگیرند.

دانشکده مهندسی برقـ دانشگاه‌صنعتی تهران

ادامه‌دارد

انقلاب ومساله مالکیت

بقیه ازصفحه۴

اقتصادیـ اجتماعی درداخل‌نظام جامعه اقـدام نکرده است، بیاد ...

شکلی، رهائی انسان ازانسان‌را، ازطریق خدعهٔ مالکیت، عمـلی کنند.

طلوع‌تفکر وقوانینی‌پیشرو، در مـنطقـه‌ای از جهـان کـه زمـیـن‌هـای حـاصلخـیـزش ازسوی کویرها وسیلاب‌ها همیشه ...

شبهای شعر کانون نویسندگان

«کانون نویسندگـان‌ایران» بزودی شبهای شعر و سخنرانـی برگزار خواهدکرد. این برنامه ده شب ادامه خواهدداشت. زمان و مکان برنامه هنوز اعلام نشده است.

محمد علی سپـانلو، منشی کانون نویسندگان دریـك تماس تلفنی‌با «پیغام‌امروز» این‌خبررا دراختیار ماگذاشت او اضافه‌کرد برخلاف برنامه‌های سابق شعـر خوانی‌کانون، این بار هرشب به یك سوژه معین اختصـاص داده خواهد شد. سپانلو اضافه کردکه بـزودی بیانیه جـدید کانـون نویسندگان منشر خواهدشد.

سخنرانی فرهاد نعمانی

صبح امروز (شنبه) سـاعت نه وسی دقیقه، دکترفرهادنعمانی، استاد دانشگاه تهران‌در «سازمان گسترش ونوسازی صنایع ایران» سخنرانی خـواهد داشت. دراین جلسه، نعمانی درباره خصوصیات سرمایه داری وابسته ایران بحث خواهدکرد. «سازمان‌گسترش...» درخیابان پهلوی خیابان جام‌جم واقع است.

تشکیل شوراهای دانشجوئی

انتخابات‌شوراهای‌دانشجوئی دردانشکده‌های حقوق، پزشکی و اقتصاد دانشگاه تهران انجام‌شد.

این‌انتخابات برمبنای‌شرکت ۲ـ۲ـ۴ دانشجویان، استادان و کارکنان انجام شده وقراراست ۴ نماینده دانشجویـان هردانشکده به اتفاق ۲ استـاد و ۲ تـن از کارکنـان در شورای دانشکده باشند.

علنی شدن حزب توده

گروه «علی‌امید» هوادارحزب توده ایران، در یـك اعلامیه، خواستار علنی شدن حزب توده شد.

این گروه معتقد است کـه «حزب توده، حزب طراز نوین طبقه‌کارگر ایران‌است‌وبدون‌فعالیت ...

عدم درك اقتصادی [illegible]

همکاری نزدیك دانشگاه با صنعت می‌تو[illegible] [illegible]نزدیك [illegible] بسیار [illegible] برخوردار باشد ازجمله درموارد زیر:

الف، جهت وسیاست تولید

با بررسی احتیاجات مملکت وهمچنین در راه رسیدن به هدف خودکفائی مملکت دانشکده می تواند اولویتهای صنعتی را بررسی نموده وجهت کلی گسترش صنعتی و احتمالا تغییرات لازم در نوع محصولات کارخانجات را بررسی نموده و بصورت گزارشهایی منتشر نماید.

ب، طرح وساخت نمونه

دانشکده می‌تواند بعضی از قسمتهای دستگاههایی راکه در ایران مونتاژمی‌شود بخصوص قسمتهای الکترونیکی کنترل وفرمان را طرح نموده جایگزین مشابه خارجی آن نماید. لازم به تذکر است که این عمل بدون تماس نزدیك با صنایع و شناخت کامل آنها امکان‌پذیر نمی‌باشد. این مسئله باعث خواهد شد که پژوهشهای دانشکده نیزجهت مشخصی پیداکند.

ج، مشاوره وطرح

دانشکده با تماس دائم باکارخانجات داخلی وخارجی وجمع آوری مشخصات و کاتالوگهای دستگاههای مختلف مورد استفاده در صنعت و قیمت آنها یك سرویس مهندسی مشاور در مورد انتخاب دستگاهها با در نظرگرفتن شرایط اقتصادی وامکانات مملکتی ارائه نماید. یکی از اشکالات فارغ‌التحصیلان دانشکده نداشتن درك اقتصادی لازم درهنگام طرح دستگاهها و آشنا نبودن به‌قیمت المانهای مختلف وآنالیز اقتصادی مدارات طرح شده می‌باشد.

احیای سرمایه‌ازبین رفته

در سرویس وتعمیر ماشین آلات‌خراب وبلااستفاده دانشکده می‌تواند با بهره‌گیری از نیروی‌کار دانشجویان‌علاقمندوسرپرستی افرادکادر آموزشی واستفاده‌از تجهیزات دانشکاه‌دستگاههای‌موجود درکارخانجات وبیمارستانها وغیره را مرمت نموده‌وسرمایه کلانی‌را که درحال حاضر عملا بلااستفاده مانده و از بین‌رفته تلقی‌می‌شود احیاء نماید.

این سرویس می‌تواند درآینده وبعداز آنکه تجربه کافی بدست آمد درمواردیکه کارفرما علاقمندباشد درمورد دستگاههای بهره‌دهنده کارخانه نیز تعمیم داده شود. بعلاوه بررسی سیستماتیك اشکالاتی که‌درکار دستگاهی بطور مستمرایجاد می‌شودمی‌تواند به‌دادن طرحهایی درجهت‌بهبود بخشیدن کارآن دستگاه‌منجر گردد.

ه، اندازه‌گیری مشخصات دستگاههای فروخته شده

در بسیاری از موارد مثل دستگاههای مخابراتی ـ آنتن‌ها وغیره. قیمت دستگاهها، به‌مقدار زیاد بستگی به‌مشخصات‌الکتریکی دستگاه ازقبیل قدرت خروجی ونویز وغیره دارد و در حال حاضر هنکام خرید فقط بقول فروشنده ومشخصاتی از دستگاه که‌درکاتالوك آن نوشته شده است اکتفا می‌شود درحالیه لازمست این مشخصات بعداز نصب دستکاه ویا درصورت امکان قبل ازخرید و درهنگام انتخاب آن دقیقاً اندازه‌گیری شود. دانشکده می‌تواند با استفاده از وسایل وتجهیزاتی که در اختیار دارر و با استفاده ازکادر و دانشجویان این‌اندازه‌گیریها راانجام داده واز اجحاف کارخانجات خارجی جلوگیری نماید.

و، نظارت وبررسی طرحهای ارائه شده

در مواردیکه انجام طرحی زیرنظر مهندسین مشاورخارجی انجام می‌گیرد اغلب دیده شده که کارفرما احتیاج به بررسی طرح پیشنهادی و همچنین نظارت برحسن انجام کاردارد، وقسمت اعظم اشکالات بعدی طرحها بخاطر نبودن این‌کنترل و در حقیقت خود مختاری شرکتهای خارجی می‌باشد. دانشکده می‌تواند ضمن دادن، یك سرویس کنترل روی طرحها ونظارت برنصب و راه اندازی دستگاهها، تجربیات ذیقیمتی در جهت خودکفا کردن مملکت از مشاورین خارجی کسب نماید.

ز، سیستمهای مدیریت

با همکاری دانشکده‌صنانع می‌توان پس‌از بررسی مشخصات و در نظر گرفتن موقعیت و خصوصیات هرکارخانه در پیاده‌کردن روشهای مدرن مدیریت درآنها همکاری نمود.

[illegible] فنی هنوز به‌کلاس نرفته‌اند و در اين‌مورد تاکنون جلساتی تشکیل شده‌که تاکنون به نتیجه نرسیده است.

دعوت

سازمان چریکهای فدائی خلق ازتمام هواداران خود تقاضا کرد روزدوشنبه ۱۴ اسفند برای بزرگداشت خاطره دکتر محمد مصدق رهبر مبارزات ملی خلق ایران دراحمدآباد حضور بهم رسانند.

سخنرانی

عبدالرحیم صبوری چریك فدایی خلق امروز ساعت ۳ بعد از ظهر دردانشکده علوم ارتباطات سخنرانی دارد.

موضوع‌سخنرانی‌دانقلاب‌ایران ومسائل‌حادآن می‌باشد.

دانشگاه ملی

قرار است امروز (یکشنبه ۱۳ اسفند)در دانشکده اقتصاد علوم سیاسی دانشگاه‌ملی‌انتخابات جهت تعیین شورا انجام‌شود.

[illegible] نمودند.

در شمارش آرا گروه دموکرات ۵۴رای، پیشگام۲۳۵ رای و گروه مسلمان ۶۲۲ رای آوردند!

گروه دموکرات بسبب‌آراء کم حذف شد و ازگروه پیشگام دو نفر و گروه مسلمان ۴ نفر انتخاب شدند.

دعوت‌برای تشکیل شورا

دانشجویان پیشگام دانشگاه ملی از کلیه دانشجویان‌دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشکده ملی‌دعوت کردند که برای‌انتخاب نماینده شورای دانشکده روزشنبه ویکشنبه ۱۲ و۱۳ اسفند در دانشکده حضور بهم‌رسانند.

پیغام امروز ۱۳ اسفند ۵۷

آگهی فقدان سند مالکیت

بانو پریوش ماهوتچی باتسلیم چهاربرك استشهادیه مصدق شده مدعی است‌که ۱ ـ سند مالکیت چاپی شماره۷۵۱۹۷ مربوط به ششدانك یکقطعه زمین بمساحت ۲۲۰متر مربع بشماره۲۹۸۰ فرعی از ۴۷ اصلی مفروز ومجزی شده از۱۲۷فرعی از اصلی مذکور واقع درمهران بخش ۱۱تهران ذیل ثبت۶۸۰۷۳ صفحه ۴۹۰ دفتر ۲۲۷ املاك بنام متقاضی صادر وتسلیم شده و بموجب صورت مجلس‌شماره۳۴۹۶۱ ـ ۴۵/۱۲/۲ مساحت۱۹/۸۰ متر مربع‌از آن تفکیك وبه غیر انتقال داده شده است،

۲ ـ سند مالکیت چاپی‌شماره۶۳۰۱۴۵ مربوط به‌ششدانك یکقطعه زمین بمساحت۱۹/۸۰ متر مربع‌قطعه اول تفکیکی‌بشماره ۳۳۶۵ فرعی از ۴۷ اصلی مفروز ومجزی شده از۱۲۷ فرعی از اصلی‌مذکور واقع در مهران‌بخش ۱۱تهران ذیل‌ثبت۸۴۰۵۰صفحه ۱۵۱ دفتر۲۵۰ املاك بنام متقاضی صادر وتسلیم‌شده وهردوپلاك فوق بموجب‌سندشماره ۱۷۸۰۱ـ۵۷/۷/۳ دفتر خانه ۲۲۵تهران نزد بانك ملی ایران شعبه خواجه عبداله انصاری دررهن میباشد بعلت سرقت مفقود گردیده تقاضای صدور اسنادمالکیت المثنی نموده لذا باستناد تبصره یك اصلاحی الحاقی بماده ۱۲۰آئین‌نامه قانون ثبت مراتب در دونوبت بفاصله حداقل ده روزآگهی میشود تاچنانچه کسی مدعی انجام معامله‌یاوجود سند مالکیت بالا نزد خود باشد از تاریخ انتشارآخرین نوبت این آگهی ظرف ده روز می‌تواند سند خریداری خود راباصل سند مالکیت مزبوربا نضمام اعتراض خودکتبا باین اداره تسلیم ورسیداخذنمایددرصورت سپری شدن مدت‌مقررو نرسیدن‌اعتراض‌این‌اداره، به‌وظیفه قانونی خودعمل خواهدنمود.

تاریخ انتشار نوبت اول ۵۷/۱۲/۱۳

تاریخ انتشار نوبت دوم ۵۷/۱۲/۲۳

رئیس اداره ثبت قلهك . جعفریان

۲۰۷۳۵ م الف

طرح دانشگاه صنعتی تهران(۲)

کارشناسان خارجی کشور را وابسته می کنند

● همکاری نزدیك دانشگاه باصنعت می‌تواند از يك طيف‌وسيع برخوردار باشد

● دانشکده می‌تواند بعضی‌ازقسمت‌های دستگاههایی راکه درایران مونتاژمی‌شود طرح نموده وجایگزین مشابه خارجی آن‌نماید .

● دانشکده می‌تواند ضمن دادن‌يك سرويس كنترل روی‌طرحها و نظارت بر نصب وراه‌اندازی دستگاهها تجربیات ذیقیمتی درجهت خودکفا کردن مملکت ازمشاورین خارجی کسب‌نماید .

طرح اجرایی

با توجه به این امر که ؛

الف ـ کاربرد متخصصین محلی باعث گسترش تخصصهای مختلف درکشور می‌شود در صورتیکه متخصصین خارجی بجزدرجهت حل مسئله خاص هیچ نوع کمکی نکرده وهمیشه کشور را وابسته به‌خدمات خود می کنند .

ب ـ باشناخت بیشتری‌که متخصصان‌ایرانی ازشرایط محلی دارند، راه حلهایی که بیشتر مربوط بشرایط محل می‌شود در نظر گرفته خواهد شد .

ج ـ با درگیری متخصصین ودانشجویان مسائل صنعتی‌کشور کارائی فارغ‌التحصیلان مؤسسات آموزشی افزایش‌یافته وتکنیسین‌ها ومهندسان مفیدتری به جامعه عرضه می‌شوندکه خود نیزقدمی‌است مؤثر درجهت خودکفائی صنعتی .

عدم درك اقتصادی فارغ التحصیلان

همکاری‌نزدیك دانشگاه باصنعت می‌تواند ازيك طيف‌بسيار وسيع برخوردار باشد ازجمله درموارد زیر؛

الف؛ جهت وسیاست تولید

با بررسی احتیاجات مملکت وهم‌چنین در راه رسیدن به هدف خودکفائی مملکت دانشکده می تواند اولویتهای صنعتی را بررسی نموده وجهت‌کلی‌گسترش صنعتی و احتمالا تغییرات لازم در نوع محصولات کارخانجات را بررسی نموده و بصورت گزارشهایی منتشرنماید.

ب؛ طرح وساخت نمونه

دانشکده می‌تواند بعضی از قسمتهای دستگاههایی راکه در ایران مونتاژمی‌شود بخصوص قسمتهای الکترونیکی‌کنترل وفرمان را طرح نموده جایگزین مشابه خارجی آن نماید. لازم به تذکر است‌که این عمل بدون تماس نزدیك با صنایع و شناخت‌کامل آنها امکان‌پذیر نمی‌باشد. این مسئله باعث خواهد شدکه پژوهشهای دانشکده‌نیزجهت مشخصی پیداکند .

ج؛ مشاوره وطرح

دانشکده با تماس دائم باکارخانجات داخلی وخارجی وجمع آوری مشخصات و کاتالوگهای دستگاههای مختلف مورد استفاده در صنعت و قیمت آنها يك سرويس مهندسی مشاور در مورد انتخاب دستگاهها با در نظرگرفتن شرایط اقتصادی‌وامکانات‌مملکتی‌ارائه‌نماید.یکی از اشکالات فارغ‌التحصیلان دانشکده نداشتن درك اقتصادی لازم‌درهنگام طرح‌دستگاهها‌وآشنا نبودن به‌قیمت المانهای مختلف وآنالیز اقتصادی مدارات طرح شده می‌باشد.

احیای سرمایه‌ازبین رفته

در سرویس وتعمیر ماشین آلات‌خراب وبلااستفاده دانشکده می‌تواند با بهره‌گیری از نیروی‌کار دانشجویان‌علاقمندوسرپرستی افرادکادر آموزشی واستفاده‌از تجهیزات دانشکاه‌دستگاههای‌موجود درکارخانجات وبیمارستانها وغیره را مرمت نموده‌وسرمایه‌کلانی‌را که درحال حاضر عملا بلااستفاده مانده و از بین‌رفته تلقی‌می‌شود

اعلامیه مشترك یازده گروه سیاسی برای

بزرگداشت دکتر مصدق

۱۱ گروه‌سیاسی‌مشترکا برای برگزاری مراسم بزرگداشت خاطره دکتر مصدق اعلامیه‌ای داده‌اند.

دراین اعلام‌آمده‌است.

«باشرکت‌درمراسم‌بزرگداشت دکتر مصدق رهبربزرگ ملی. در روز دوشنبه ۱۴ اسفند ساعت ۲۰ بعدازظهردر احمدآباد همبستگی نیروهای‌دمکرات‌وضدامپریالیست را درجهت نابودی بقایای‌ارتجاع داخلی و قطع‌کامل سلطه ونفوذ امپریالیسم توان‌بیشتری بخشیم.»

گروههایی‌که زیراعلامیه را امضاء‌کرده‌اند بدین قرارند؛

۱ـمبارزان‌راه‌طبقه‌کارگر۲ـ مبارزین آزادی خلق ایران ۳ـ اتحادیه‌کمونیستهای ایران(بخش داخل) ۴ ـ کارگران مبارز ۵ـ اتحادیه مبارزه درراه‌آرمان طبقه کارگر۶ـاتحادیه کمونیستهای ایران ۷ـ گروه‌نبردبرای رهائی کارگر۸ـ کمیته نبرد۹ ـمبارزین آزادی‌طبقه‌کارگر۱۰ـرزمندگان آزادی طبقه‌کارگر ۱۱ـ سازمان پیکاردرراه‌آزادی طبقه‌کارگر.

محل تجمع برای حرکت ساعت ۱۰ تا ۱۱ روز ۱۴ اسفند درخیابان ۲۱ آذر ضلع غربی دانشگاه تهران مقابل‌تالارمولوی اعلام شده است.

شورای دانشکده فنی تشکیل شد

انتخابات شورای دانشکده فنی دانشگاه تهران انجام شد و ۸دانشجو ، ۴استاد و ۴ تن از کارکنان به‌عضویت‌شورادرآمدند. انتخاب ۸ دانشجو برمبنای ۴ مذهبی و۴ غیرمذهبی انجام شد.

درضمن‌دانشجویان دانشکده فنی هنوز به‌کلاس نرفته‌اند و در این‌مورد تاکنون جلساتی تشکیل شده‌که تاکنون به نتیجه نرسیده است .

دعوت

سازمان چریکهای فدائی خلق ازتمام هواداران خود تقاضا کرد روزدوشنبه ۱۴ اسفند برای بزرگداشت خاطره دکتر محمد مصدق رهبر مبارزات ملی خلق ایران دراحمدآباد حضور بهم رسانند .

سخنرانی

عبدالرحیم صبوری

چریك فدایی خلق امروز ساعت ۳ بعد از ظهر دردانشکده علوم ارتباطات سخنرانی دارد.

موضوع‌سخنرانی«انقلاب‌ایران ومسائل‌حادآن می‌باشد.

انتخابات برای تشکیل شورا

در دانشگاه تربیت معلم انتخابات برای تشکیل شورا انجام شد . این شورا شش عضو دارد .

گروه پیشگام ، دمکرات و مسلمان هرکدام‌شش‌کاندیدامعرفی نمودند .

در شمارش آرا گروه دموکرات ۵۴رای، پیشگام۲۳۵ رای و گروه مسلمان ۶۲۲ رای آوردند!

گروه دموکرات به‌سبب‌آراء کم حذف شد و ازگروه پیشگام دو نفر و گروه مسلمان ۴ نفر انتخاب شدند .

دعوت‌برای تشکیل شورا

دانشجویان پیشگام دانشگاه ملی از کلیه دانشجویان‌دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشکده ملی‌دعوت کردندکه برای‌انتخاب نماینده شورای دانشکده روزشنبه ویکشنبه ۱۲ و۱۳ اسفند در دانشکده حضور بهم‌رسانند .

دانشگاه ملی

قرار است امروز (یکشنبه ۱۳ اسفند)در دانشکده اقتصاد علوم سیاسی دانشگاه‌ملی‌انتخابات جهت تعیین شورا انجام‌شود.

آگهی فقدان سند مالکیت

بانو پریوش ماهوتچی باتسلیم چهاربرك استشهادیه مصدق شده مدعی است‌که ۱ ـ سند مالکیت چاپی شماره۷۵۱۹۷ مربوط به ششدانگ یکقطعه زمین بمساحت ۲۲۰متر مربع بشماره۲۹۸۰

بدهند و از پله‌ها سقوط کنند. افراد دیگر سعی می‌کردند درحالیکه هراز خطر تیراندازی می‌رفت دوستان خود را از زمین بلندکنند تا بتوانند براه ادامه دهند. بااین وضع اسفناك و پرمخاطره همه استادان را (غیر از چهار نفر که‌به تراس فرار کرده بودند) به‌طبقه همکف رساندند. در آنجا تعدادی‌از استادان را که در گروه تدارکات و بالطبع بیشتر مورد شناسائی ماموران انتظامی وزارتخانه‌بودند، مورد ضرب و شتم بیشتری قرار گرفتند. سپس با همان خشونت و وحشیگری آنها را از وزارتخانه خارج کردند بطوریکه بعضی از انها بخصوص استادان زن درحالی‌که روی پله‌های ورودی می‌غلطیدند به‌کف پیاده‌رو رسیدند. در دوطرف ورودی وزارتخانه تعداد زیادی افراد پلیس و نظامی ایستاده بودند و در جلو آنها تیمسار نوذری‌فرمانده پادگان جمشیدآباد که گویا همان روز به‌این‌مقام منصوب واین‌اولین ماموریتش در پست جدید بود، قرار داشت وفاتحانه‌به‌این‌حمله‌خشونت‌امیز و وحشیانه می‌نگریست و با فریاد به‌استادان دستور سوارشدن به‌ماشین مخصوص زندانیان مقابل وزارتخانه را می‌داد. در کنار در ماشین مامور دیگری با باتوم‌قرار داشت که آخرین ضربه را د رموقع سوار شدن به‌استادان وارد می‌کرد. در هر ماشین که بسیار کوچك بود بیش از سی نفر را سوارکردندبه نحوی که جای نشستن وحتی‌ایستادن نبود. علاوه براین منفذی‌وپنجره‌ای برای نفس کشیدن و ورود هوا و تشخیص دنیای خارج پیدا نمی‌شد. پس از قرار گرفتن در ماشین استادان متوجه خون‌ریزی‌وشکستگی سروصورت عده‌ای از افراد، در اثر ضربات باتوم و قنداق‌تفنگ وغیره شدند با اینکه چشم چشم را نمی‌دید، سعی شد با استفاده از روسری و غیره تا حدودی از خون‌ریزی جلوگیری شود. با وجود آنکه طی فاصله بین وزارتخانه و پادگان جمشیدآباد (که استادان را به‌آنجا بردند) نمی‌بایست از نظر زمانی طولانی باشد بخصوص با توجه به آن ساعت شب و ممنوعیت عبور و مرور در خیابانها، این فاصله‌بیش از نیم ساعت طول کشید و بعد از رسیدن به‌پادگان نیز مدتی استادان را در همان ماشین‌ها که داشتند تا مسئولین برای تحویل گرفتن آنها برسند. به‌نحوی که بعضی از افر ادکه‌بیشتر مضروب شده و دچار خونریزی بودند بحال اغماء افتادند. پس از مدتی که بنظر طولانی می‌آمد و با آنکه همه منتظر اجرای برنامه دیگری نظیر آنچه که قبلا اجرا شد بودند بعلت مشکل بودن تنفس و حالت خفگی در داخل ماشین برای پیاده شدن دقیقه شماری‌می‌کردند. بالاخره متحصنین را پیاده کردند زنان رابه یك‌اتاق و مردان به اتاق دیگری بردند. در این هنگام استادان‌متوجه غیبت چهار نفر از اعضاء گروه که در میان آنها یکی از استادان با همسرش (که او نیز استاد دانشگاه صنعتی بود) شدند.

ماجرا از این قرار بود که پس از آنکه گاردها‌استادان راپائین آوردند مجددا به‌جستجوی ساختمان پرداخته و این چهار نفر را در روی تراس پیدا کردند و همه افراد گارد با شدت هرچه تمامتر به مضروب کردن این چهار نفر بخصوص استاد زنی که در میان آنها بود پرداختند و از هیچگونه اهانتی کوتاهی نکردند سپس آنها را در معیت تیمسار فرمانده و افراد گارد به‌کلانتری برده و در طول راه و در کلانتری نیز همچنان به‌توهین آنها پرداختند و سپس آنها را به‌پادگان آوردند. بطوریکه وضع جسمی و روحی همه‌آنها بخصوص استاد زنی که در مقابل همسرش مورد اهانت‌قرار گرفته، بسیار ناراحت‌کننده بود. پس از مدتی یك پزشکیار آمد و بکمك پزشکانی که جزو متحصنین و خود نیز اغلب دچار شکستگی و ضرب دیدگی بودند به‌پانسمان مجروحین و بستن شکستگی‌ها پرداختند. صبح دو نفراز‌مجروحین را که وضع آنها وخیمتر بود به بیمارستان اعزام داشتند و بقیه را سوار اتوبوس کردند که به‌شهر ببرند. اما تیمسار فرمانده بادیدن وضع ناراحت کننده مجروحین و امکان شرکت آنها در مراسم تشییع جنازه که همان روز برگزار می‌گردید، از این کار منصرف شد و استادان را بدون هیچگونه توضیحی مجددا به‌بازداشتگاه برگرداندند. استادان به‌عنوان اعتراض به‌این وضع از خوردن صبحانه امتناع کردند. همه را دریك حالت بی‌خبری و بلاتکلیفی نگه داشته بودند و هیچگونه توضیحی در مورد وضع آنها داده نمی‌شد. تا آنکه با اصرار زیاد دو نفر دیگر از مجروحین را که وضعشان خطرناك بود و امکان ضربه‌مغزی وخونریزی کبد داشتند به‌بیمارستان فرستادند. در ساعت ۷ بعد از ظهر اطلاع دادند که‌یك اتوبوس برای بردن نیمی‌از‌استادان آماده است اما همگی از رفتن‌امتناع کردند تا آنکه اتوبوس دیگری‌آماده شد و در ساعت حدود ۸ بعد از ظهر همه را به‌شهر بردند

ماجرای حمله به‌وزارت علوم از زبان استادان

حمله وحشیانه به‌استادان متحصن

چندتن از استادان را چندان کتك زدندکه به حال اغماءِ افتادند

تعادل روحی یك استاد زن، براثر اهانت به او در برابر شوهرش بهم خورد

آنچه می‌خوانید گزارش کوتاه و مختصری است درباره‌حمله افراد مسلح گارد شهربانی و فرمانداری نظامی به استادان دانشگاههای واقع در تهران که از روز شنبه دوم دیماه ۵۷درساختمان وزارت علوم (در خیابان ویلا) به عنوان اعتراض به‌بستن دانشگاهها و محاصره نظامی آنها متحص‌شده بودند.

این گزارش که از سوی سوی سازمان ملی دانشگاهیان‌ایران تهیه شده، معتبرترین گزارشی است که د راین‌باره نوشته شده است، زیرا کسانی که آن را نوشته‌اند، همه از دیدار خویش نوشته‌اند.

* * *

بعد از جنایت فجیعی که در بعد از ظهر روز سه‌شنبه پنجم‌دی ماه در محل ساختمان وزارت علوم منجر به‌شهادت کامران نجات‌الهی استاد پلی‌تکنیك تهران گردید، بدنبال جلسه مشورتی متحصنین، به وزیر علوم تلفنی اعلام شد که او را در ماجرای قتل عمد همکار خود مسئول و مقصر می‌دانند.

چون همگی براین‌عقیده‌بودند که کشتن نجات‌الهی هشداری برای شکستن تحصن است، کلیه متحصن شدگان مترصد حملات دیگری از طرف دستگاه بودند، از این‌رو قرار براین شد که در آن شب یك‌گروه انتظامات وکشیك از بین استادان متحصن تشکیل شود و در مقابل آتش‌سوزی و حملات احتمالی‌آمادگی وجود داشته باشد.

درحدود ساعت ۳۰ر۱ بعدازنیمه شب مامور کشیك طبقه‌هم‌کف‌متوجه رفت وآمدهائی مشکوك در بین نیروهای انتظامی داخل و خارج ساختمان شد. بدنبال آن حمله‌افراد گارد شهربانی و فرمانداری‌نظامی به‌داخل ساختمان شروع گردید. بلافاصله خبر حمله توسط افراد کشیك به‌طبقه ششم یعنی محل‌اقامت متحصنین اطلاع داده شد. در این هنگام عده‌ای از استادان پنجره‌ها را گشودند و سعی کردند با فریاد، طلب کمك کنند. هر چند در آن ساعت با توجه به منع عبور ومرور، امکان خروج مردم از خانه‌ها وجود نداشت، اما این امر در مطلع ساختن دیگران از وضع متحصنین موثربود. چند نفری نیز به‌طرف‌تراس‌دویدند. اما بقیه‌افراد در سالن باقی ماندند. در این لحظه افراد گارد به‌سرپرستی سرهنگ شاه‌بیگی رئیس گارد حفاظت وزارت علوم به‌طبقه ششم رسیدند وبا لگد در را شکسته داخل سالن شدند و دو تیر خالی کردند که می‌توانست افراد دیگری را به قتل برساند اما خوشبختانه تیرها به دیوار اصابت کرد. سپس افرادگارد با باتوم و لگد و با قساوت هرچه بیشتر و در حالی‌که‌زشت‌ترین‌کلمات را ادا می‌کردند، همه را در گوشه سالن جمع کرده بودند وبه‌مضروب کردن استادان زن و مرد پرداختند. با آنکه استادان اعلام داشتند که از ساختمان خارج می‌شوند، همچنان به‌کتك زدن متحصنین ادامه دادند. تا آنکه دستور حرکت داده شد. گروه استادان متحصن ۶۸ نفر بودندکه در میان آنها ۶ استاد زن وجود داشت. در هنگام حمله گاردها وضع سالن بهم ریخته بود، بطوری که تعداد زیادی میز و صندلی در جلو د رخروجی سالن بروی زمین افتاده بود و این امر خروج ازسالن را برای افراد در حالیکه همچنان در زیر ضربات لگد و باتوم قرار داشتندبسیاردشوارمی‌ساخت. گار- ها فریاد کشیدند که استادان یکی یکی حرکت کنند تا امکان بیشتری برای مضروب کردن همگان بیابند. بعد که استادان به پله‌ها رسیدند با فریادهای وحشتناك آنها را در حالیکه دستهایشان را اجبارا بالا نگه داشته بودند، وادار به‌دویدن کردند. در تمام طول پلکان ازطبقه ششم تا هم‌کف سربازان با مسلسل و افراد گارد با باتوم و هفت تیر برهنه ایستاده بودند و گاردها و نظامیان ضمن فریادهای تهدید کننده و رعب‌انگیز و تهییج‌استادان بدویدن، آنها را با باتوم و لگد و قنداق تفنگ بشدت می‌زدند. در ضمن با فریاد و تهدید از آنها می‌خواستند که دستها را بالانگه دارند .این وضع باعث شدکه‌عده‌ای ا زافراد تعادل خود را از دست

مأموران راازکینه به انسان انباشته بودند . مجروحینی که به بیمارستان روانه می شدند درآنجانیز ازشرمأموران باصطلاح انتظامی ! در امان نبودند . گارد دانشگاه وشهربانی به همراه ارتش جلوی درتمامی بیمارستانها موضع گرفته وشدیداً همه راکنترل میکردند بطوریکه عده زیادی ازمجروحین را از طریق عبوراز وسیله های اطراف بیمارستانها به اورژانس رساندند وهنگام خروج نیزهمه کنترل میشدند وآنهائی راکه دانشجوبودند دستگیرکرده میبردند .

آنهائی که بانام نیروهای انتظامی بکوی حمله ورشدند کسانی رازدند وکسانی راکشتند که قبلاً هرگزآنها راندیده بودند وباهم هیچ اختلافی نداشتند . بنابراین چنین کشتار بیرحمانه راکه وجدان بشری ازآن جریحه داراست نمی توان به عناد وتوبیخ چند مأمورناآگاه نسبت داد . این جنایات پرداختهٔ کسانی است که یک خوابگاه دانشجوئی رامیدان جنگ میشمارند ودفتر ریاست دانشگاه رامرکز ستاد جنگی !!

آنطورکه این فاجعه برای افکارعمومی منعکس شده ، گویا دانشجویان هرج ومرج طلبانی بودمانند که باد خالت گارد متفرق شدند وآرامش برقرارگشت . امادرهای شکسته تمام اطاقهای این دوساختمان (که قریب ۳۶۰ نفررادرخود جای میدهند) واینکه اکثردانشجویان تبدیل به نعش های خون آلود یامجروحینی ناقص العضوشدند که دونفرپس ازگذشت چند هفته ، دراثرخونریزی مغزی یک یک می میرند ، گواه براین است که این کشتاری بود ازپیش برنامه ریزی شده که میبایست زهرچشمی از دانشجوبگیرد . حال کدام دانشجوئی رکدامین ساختمان ، برای آنها فرقی نمیکرد .

مقامات مسئول دانشگاه این درندهاراد رروزنامه ها انوشتند وبه دانشجویان تهمت ناروازدند تا بهانه ای وتوجیهی برای کشتارناجوانمردانه وضد انسانی خود دربرابرافکارعمومی پیداکنند .

زهی رذالت وبیشرمی !

اینان براستی روی گورینگ ، هیتلرومرسولینی راسفید کردند !

استاد محترم :

درچنین شرایطی دانشگاه رانمیتوان محیطی آموزشی نامید بلکه بایدآنرا محیط تروروحکومت مسلسل وباتوم خواند . عوامل گوش بفرمانی چون گارد وعدهٔ معینی درلباس مقامات دانشگاه مسئولیت برهم زدن نظم دانشگاه رابعهده گرفته اند . حمله باسناد ودانشجو ، مضروب نمودن آنها توهین به اساتید وغارت اموال دانشجویان درهرزمان ومکان ، ازوظایف عمدهٔ این عوامل شناخته شده بوده ومی بینیم که به این وظایف ، سلب دیگرحقوق دانشجوئی وازجمله حق مسکن دانشجویان شهرستانی درکوی نیزاضافه گردیده است .

هم اکنون حدود (۲۰۰۰) دانشجوی دختروپسرد رشرایط برگزاری امتحانات بدون مسکن بوده شبها یابه مسافرخانه میروند ویادرپارکها میخوابند* که درآنجا هم بجرم "ولگردی !!" دستگیرمیشوند . وتنها بافشار دانشجویان بود که دانشگاه محوطهٔ نیمهٔ مسکن ، آنهم برای عدهٔ معدودی گردید .

این است اوضاع محیط های باصطلاح آموزشی ودرواقع پلیسی کنونی .

فاجعهٔ کوی دانشگاه که تنها سه هفته پس ازکشتاردانشجویان دانشگاه تبریز** بوقوع پیوست خشم ، تنفروانزجارکلیهٔ نیروهای مترقی رانسبت به عاملین این جنایات برانگیخت .

درچنین شرایطی کمترین خواسته ای که ازشمااستادان خودداریم اینست که همگام بادانشجویان و سایرنیروهای مترقی ، وبرای ایجاد محیطی هرچه سالمتردردانشگاه ، بایکپارچگی کامل به جنایات کوی وعاملان آن اعتراض کنند .

دانشجویان دانشکدهٔ فنی

* اخیراً نیزبرای چندمین بارشاهد اهانت گارد دانشگاه به یکی ازاستادان دانشکدهٔ خودبوده ایم متأسفانه بنظرمیرسد که این موضوع برای استادان امری عادی شده است ، چراکه هیچ اعتراضی را بدنبال نداشت .

** موقعیت دانشجویان دخترازاین هم بدتراست ، زیرانمیتوانند درپارکها بخوابند وامکان زندگی در مسافرخانه هاراهم ندارند .

*** که البته اعتراض یکپارچهٔ کادرعلمی این دانشگاه رابدنبال د

امکان هرگونه حرکتی را از دانشجویان سلب نمودند. ساکنین، درهای اطاق خود را از داخل قفل کرده بودند. میزان گازاشک آور بحدی بود که حتی (۲) روز پس از ماجرا، هر تازه‌واردی را از شدت سوزش چشم و ریه فراری میداد.

این نیروهای باصطلاح انتظامی! باشکستن درب اطاقها به محل سکونت دانشجویان وارد و آنها را بقصد کشت کتک زدند. چه بسیار دانشجویانی که بیمار بودند و صبح پنجشنبه تا آن موقع از ساختمان خود بمحوطهٔ کوی نیامده بودند. (برای نمونه، یکی از دانشجویان که یکهفته قبل از آن پس از جراحی قلب از بیمارستان مرخص شده بود، در اطاق خود بود. هنوز اطلاعی از وی در دست نیست.) از اطاق دانشجو گرفته تا سالن وسط، همه جا انباشته از حاملان انتظامی بود. تعداد گاردها که ساختمان ۱۷–۱۶ را محاصره کرده بودند (۲۰۰) تا (۲۵۰) نفر بود. به محض اینکه دستور کشتار و غارت صادر شد حدود (۱۰۰) نفر از آنان به ساختمان وارد شده، در دسته‌های ۱۵–۱۰ نفری به درون اطاقها رفته، پس از شکستن آنها با حملهٔ وحشیانهٔ خود که با جعبه‌ای تأثرآور و نفرت‌انگیز بود ۱۵–۱۰ نفری با مشت و لگد و باتوم و میله‌های آهنی به یک دانشجو حمله می‌کردند و ... در حالیکه خون سر و روی او را پوشانده بود بیرونش آورده، مزدوران گارد نیز که در بیرون بودند با باتومهای خود این فاجعه را وهم‌انگیزتر می‌کردند. کف راهروی این ساختمان سه طبقه سرتاسر خونی بود و چون کلیهٔ دانشجویان را از یک در بیرون می‌آوردند خون زیادی در جلوی ساختمان ریخته بود. بعد دانشجو را که از هوش میرفت ملافه پیچ کرده در آمبولانس می انداختند. (شاهد فرار رانندهٔ یکی از آمبولانسها از شدت ترس و وحشت بودیم.) باتومها تاب ضربات سخت را نمی‌آوردند و می‌شکستند. (باتومهای زیادی که با پهلو و سر دانشجو خرد شده بود در ساختمان ۱۷–۱۶ ریخته بود.) پس عده‌ای از گاردها به میله‌های آهنی جاروهای نظافتچی و نبشی‌های آهنی کنار تعمیرگاه کوی که جنب ساختمانهای ۱۷–۱۶ قرار دارد روی آوردند.

دانشجوئی بیهوش در جلوی ساختمان نقش زمین شده بود و افسری از همین حاملان‌های انتظامی در وخیزکرده و آنچنان باد و پا بر شکمش کوفت که نعش بیجانش به هوا جست. دانشجوی دیگر که افتاده بود و خون از سرش فوران میکرد با ضربه‌های چکمهٔ افسر دیگری که بسرش میکوفت جان سپرد. آنها که مجروح ... و خسته از درد از ساختمانها به بیرون رانده می‌شدند این صحنه‌ها را با چشمان حیرت زده می‌دیدند. (کارگران سلف سرویس و نانبرزی و مسئولان نظافت ساختمانها نیز مورد ضرب و جرح واقع شدند.) آری، اینجا دیگر کوی دانشگاه تهران نبود، بلکه مدل یک اردوگاه نازیها بود که اسیران را از سلول آرامشان بیرون می‌کشیدند و می‌کشتند.

پس هدف نیروهای باصطلاح انتظامی! آرام ساختن نبود، چرا که کوی آرام بود. آنها خون می‌خواستند. حتی به جسد دانشجو کینه می‌ورزیدند، چراکه بسیاری از آنان بدنش آغشته به خون لگد می‌کوبیدند. آنها هم جان و هم مال دانشجو را به تاراج بردند. وسائل مختصر او را در اطاق بهم ریختند و شکستند و پول مختصر او را به یغما بردند.** عاقبت جماعتی از دانشجویان را که هنوز نیمه جانی داشتند با لباس زیر به خیابان راندند و کشته‌ها و مجروحین را در کامیونها انباشته و بردند. مجروحین به مرده‌ها بیشتر شبیه بودند تا به زنده‌ها، ولی اینان نیز تا مقصد نامعلومشان در امان نماندند. دیدیم کامیونی را (در محوطهٔ کوی) که انباشته از مجروحین بود. یکی از گاردها با میله‌ای آهنی بالا رفت، چشم‌ها را بست و بی‌هدف باطراف ضربه میزد. این، سرنوشت دانشجو بود که آماج حمله بود.

---

* یک نمونهٔ دیگر از جنایات مزدوران این بود که دانشجوی از حال رفته را روی زمین می‌خواباندند و ضمن راندن سریع کامیون گارد بطرفش، تهدید می‌کردند که ماشین از رویش خواهد گذشت و آنگاه در فاصلهٔ چند قدمی او ماشین ترمز می‌کرد.

** آنچه در جیبشان جا می‌گرفت برداشته و بقیه را هم با باتوم خرد کردند. مقداری از جزوه‌ها و کتابهای دانشجویان را بیرون آورده آتش زدند. کتابهای کتابخانه‌های دانشجوئی و اسلامی ساختمانهای ۱۷–۱۶ را نیز بیرون آورده آتش زدند. تعداد زیادی دوچرخه و موتورسیکلت خرد شد، تعدادی مفقود گردید. شدت غارت به حدی بود که حتی از جستجوی جیب‌ها و چمدانها نیز خودداری نکردند.

وکارخود نرسید . (چند نفرکه امتحان داشتند از پشت کوی وازروی پله های پشت بند، تا خود را به امتحان برسانند) . باین ترتیب مسائلی نه تنها حل نشد بلکه فشاروخفقان بیشتر گردید .

** ** **

روز پنجشنبه (۱۱) خرداد ، دانشجویان کوی برای بررسی مشکلات خود با رئیس کوی جلوی دفتر سرپرستی گرد آمدند . خواست دانشجویان مبنی بر این بود که موعد آن . . . با . . . سرپرستی کوی رسیده بود .

ساعت (۱۰) صبح گفتگو درمحیطی آرام شروع شد . در این جلسه ، از آنجا که رئیس کوی آنطور که معاون وی می گفت بعلت اتفاق غیرمترقبه‌ای در کوی حاضرنبود ، معاون کوی آقای "نادعلی" جوابگوی دانشجویان بود . هنوزچند دقیقه‌ای از شروع گفتگو نگذشته بود که گارد با باتومهای کشیده به دانشجویان حمله ورشد . عده‌ای متفرق شدند . دختران دانشجو مدخل ساختمان سرپرستی روی آوردند تا از ضربات گارد مصون بمانند . گارد با وحشیگری به دختران حمله کرد وحتی معاون کوی را که میخواست مانع ورود گارد به دفترسرپرستی شود ، مضروب نمود .

سایر دانشجویان که چنین دیدند متقابلاً" برای رهائی دوستان خود با گارد درگیرشدند که منجربه خروج گارد از درب اصلی کوی دانشگاه گردید . دانشجویان ، از آنجاکه ادامهٔ گفتگو میسر نبود شروع به مراجعت به اطاقهای خود نمودند . دختران دانشجو نیز از دفترسرپرستی خارج شده وبسوی اطاقهای خود که در ضلع شمالی کوی واقع است روانه شدند .

در این موقع گارد با نفرات بیشتر (گارد دانشگاههای تهران ، پلی‌تکنیک ، صنعتی ، گارد شهربانی ...) از درب شمالی وارد کوی شده وحشیانه شروع به حمله به دانشجویانی کرد که به اطاقهای خود میرفتند .* اینبار نیزپس از مدتی درگیری ، گارد مجبوربه خروج ازهمان درب شمالی گردید ودانشجویان به اطاقهای خود مراجعت کردند .**

اضطراب دانشجویان فروکش نمیکرد ، چراکه ازپنجرهٔ اطاق خود تراکم فزایندهٔ نیروهای گارد دانشگاه و شهربانی وکامیونهای انباشته ازسربازان مسلح ارتش در خیابان امیرآباد بود ند . (ارتش باکامیونهای پرازسربازان مسلسل بدست وجیپ های مجهز به دستگاههای مخابراتی ، حدود ظهر مقابل کوی در خیابان امیرآباد مستقرشد ورهبری عملیات را بدست گرفت .) این نیروها خوابگاهها را محاصره کرده ، خیابان را قرق نمودند . همراه باآنان چند افسرخارجی (احتمالا مستشاران آمریکائی) حضورداشتند ودر امتداد خط وسط خیابان امیرآباد قدم میزدند .

این تراکم نیروها دراطراف کوی آرام ومضطرب ، عجیب می نمود .

بالاخره آنچه نمی بایست اتفاق افتاد وگارد دانشگاه وشهربانی به کوی وارد وبه ساختمانهای (۱۷–۱۶ و یزد) که در قلب محاصره بودند حمله ورشدند . آنها میخواستند بیشترین قربانی رابگیرند ازاینروبه پرجمعیت ترین ساختمانهای کوی حمله کردند . باپرتاب بمب اشک آوربداخل ساختمانها***

---

* نمونه هائی که حاکی از اختناق در خوابگاه دختران بود . . . عبارتند از :

۱– اخراج بی دلیل عده ای از دانشجویان باصطلاح به دلایل انضباطی !!

۲– تهدید تعدادی دیگرمبنی براخراج ازخوابگاه .

۳– درخوابگاه دختران هرشب حضوروغیاب صورت می گیرد .

۴– دانشجوی دخترحق ندارد بعد از ساعت . . . شب خارج خوابگاه باشد .

۵– کد را ثاثیهٔ دختران رابه بهانه های مختلف . . . دفعات بازرسی می . . .

۶– شرط ثبت نام دختران در ترم آینده شرکت در گردهمآئی های باصطلاح . . . است .

---

* گارد همراه با هجوم خود ، گلوله هائی هوائی شلیک مینمود که تعدادی نیززمین راد ریش پای دانشجویان شیارمیکرد .

** در طول این مدت خیابان امیرآباد ازسه راه فرح زاد بطرف بالا توسط گارد بسته شده بود ومأموران شهربانی ازخیابان امیرآباد کوی رادرمحاصره داشتند .

*** درخوابگاههای ۱۹–۱۸ نیزبمب اشک آورپرتاب شد .

۹ - ما زیر پا گذاشتن قوانین نظام پزشکی از طرف نیروهای انتظامی را در ...... بیمارستانهای پهلوی و داریوش(۱) که اهانت به ارزش اجتماعی پزشک میباشد شدیداً محکوم می نمائیم.

۱۰ - ما اخراج غیرمنطقی عده ای از اساتید محترم دانشگاه تهران از جمله "دکتر هما ناطق" و "دکتر ناصر پاکدامن" را محکوم کرده خواهان بازگرداندن ایشان به محیط آموزشی دانشگاه هستیم.

این جلسه با یک دقیقه سکوت در حال قیام برای بزرگداشت شهدای وقایع اخیر دانشگاهها پایان یافت.

والسلام

استادان و دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه تهران

---

(۱) اشاره به حملهٔ گارد شهربانی در روز دوشنبه ۱۳ خرداد به بیمارستان پهلوی و مضروب نمودن پزشکان دانشجویان بیماران و مراجعین و هم چنین اعزام مسلح گارد به بیمارستان داریوش و ممانعت از رساندن کمک های درمانی به مجروحین (برخلاف نظام پزشکی)

در کوی دانشگاه چه گذشت؟

ساکنین کوی دانشگاه ... [illegible] ... بسر می بردند ... [illegible] ... آن ... [illegible] ... امر برای بهترشدن ... [illegible] ... حتی ... [illegible] ... که ... دانشجویان کوی ... [illegible] ... چند هفته ... اتفاق افتاد.

دانشجویان ... [illegible] ... نتوانسته بودند آنچه ... [illegible] ... کنند ... [illegible] ... سه شنبه (۹ خرداد) ... [illegible] ... قبل از حضور ... سرپرست ... [illegible] ... جمع ... [illegible] ... سرپرست که با تهدید های گوناگون نتوانست ... [illegible] ... از ... [illegible] ... به ... [illegible] ... گارد شد. حدود ساعت (۱۰ - ۹ شب) ... [illegible] ... نحنه ... سراسر ... را محاصره کردند. چند تن از دانشجویان ... [illegible] ... به ... [illegible] ... خود رفته ... [illegible] ... کردند ... [illegible] ... از دانشجویان ... [illegible] ... در ... کوی در رفت و آمد بودند کتک زدند.

ضرب و جرح ... [illegible] ... همچنان ادامه داشت ... [illegible] ... کوی ... [illegible] ... اعمال ... [illegible] ... از خوابگاهها بیرون آمده و در خیابان کوی تجمع کردند و ... [illegible] ... (که البته با وجود فشار و ایستادگی ... [illegible] ... گارد ... [illegible] ... کوی ...)

دانشجویان به خوابگاههای خود برگشتند و اکثرا "از تهدید ناگهانی ... [illegible] ... (گارد ... [illegible] ... همراه ... (کامیون گارد شهربانی) که تا ساعت (۲) نیمه شب در خیابانها ... [illegible] ... نخوابیدند. گارد در حدود ساعت (۲) به چند اتاق طبقهٔ اول ساختمان ... [illegible] ... را از رختخواب بیرون آورده، پس از کتک زدن با خود بردند.

صبح چهارشنبه ... [illegible] ... اولی که عازم دانشکده ها بودند ... [illegible] ... گارد در امان نماندند، بطوریکه از آن پس هیچکس در فاصله زمانی سه ربع ساعت از کوی بیرون نرفت ... [illegible]

کمیته برای دفاع از حقوق بشر و پیشبرد آن در ایران
نشریه شماره چهاردهم - ۱۰ شهریور ۵۷

متن قطعنامه تنظیمی از طرف دانشجویان که به تأیید اساتید محترم دانشکده پزشکی داریوش رسیده است - در تاریخ ۱۳۵۷/۲/۲۵

« ز آتش زخمم شرری بنگرم »

۱- ما استادان و دانشجویان دانشکده پزشکی حمله وحشیانه به دانشجویان کوی دانشگاه تهران را که طی آن بیش از ۶۰ نفر مجروح و عده‌ای مفقودالاثر شده‌اند شدیداً محکوم نموده و تاکید میکنیم که چنین حوادث اسفبار ناشی از وجود فضای خفقان آور پلیسی در دانشگاه‌ها و کوی دانشگاه میباشد و خواهان اخراج گارد و نیروهای پلیس از محیط‌های آموزشی و دانشجوئی هستیم

۲- ما تخریب و غارت اموال دانشجویان و تعطیل شدن کوی دانشگاه را که به علت حمله وحشیانه نیروهای نظامی غیر قابل استفاده شده و منجر به آواره شدن دانشجویان شهرستانی گردیده مؤکداً محکوم کرده مصراً خواستار رسیدگی به وضع دانشجویان هستیم (بازشدن کوی دانشگاه و معرفی و آزادی دانشجویان زندانی و مفقودالاثر)

۳- ما حمله‌های مکرر عده‌ای چماق بدست را به اکیپ های کوهنوردی دانشگاه‌ها و مدارس عالی که منجر به ضرب و جرح عده زیادی از آنان گردیده است محکوم نموده و خواهان پایان دادن به این قبیل اعمال مذبوحانه هستیم

۴- ما فعالیت های صنفی دانشجوئی از قبیل کتابخانه‌ها و غیره را به مثابه اساسی ترین حقوق دانشجوئی تلقی کرده، هرگونه ممانعتی را در این قبیل فعالیت‌ها تجاوز به حقوق دانشجوئی قلمداد میکنیم

۵- ما حمایت خود را از خواست های برحق دختران دانشجوی ساکن کوی دانشگاه اعلام داشته، خواستار بازشدن مجدد سلف سرویس دختران و نیز لغو محدودیت هائی از قبیل مقررات حضور و غیاب روزانه - محدودیت های ساعت ورود و خروج آنها از خوابگاه و ..... را که بر آنها تحمیل می شود - هستیم

۶- ما حمله گارد و نیروهای امنیتی به دانشجویان تبریز را که منجر به شهادت و مجروح شدن دانشجویان کارمندان و استادان دانشگاه آذرآبادگان شده است محکوم می کنیم .

۷- ما مخالفت با ... غیر ... گروهی غیر مسئول را که با دادن نمره (...) ... کسب اجازه از استادان تعداد زیادی از دانشجویان را در وضعیت نامناسب ... اخراج قرار داده‌اند، محکوم می نمائیم این مسئولیت در حیطه استادان و هیئت علمی دانشکده ها میباشد نه دیگران .

۸- ما استقلال دانشگاه صنعتی تهران را مردود شمرده، خواهان رسیدگی به ... خواسته های منطقی و برحق استادان دانشجویان و کارکنان این مرکز آموزشی ... و ادامه فعالیت آن هستیم

می روند ؟ آیا چنین وضع و حالی شایسته" کشور باستانی ماهست و آیا معنی امنیت همین است ؟ در حالی که همه" اهتمام ما باید بالفعل و بالقوه مصروف نگاهداری حیثیت ایران و مردم ایران و تاریخ و ادب و فرهنگ ایران باشد .

جناب آقای نخست وزیر

در هزار سال پیش شیخ ابوالحسن خرقانی معلم می گفت: " ای کاش به جای همه خلق ، من سنگرد می تا خلق را مرگ نبایستی " و معلم امروز در حالی که در معرض هزاران ضرب و شتم قرار می گیرد ، معذلک به این دلخوش است که در راه تربیت نسل جوان این مملکت زحمت می کشد و باز در راه حفظ حقوق اجتماعی" پیش از آن که متعرض چوب خوردن خود باشد ، نگران آتیه نسل جوان این مملکت است : که اگر همه منطق چماق را یاد بگیرند ، فرصت برای فرشته عدالت و علم و ملیتی کی فراهم خواهد شد و اجر زحمت اهل علم و دانش را کی و کی خواهد داد ؟" .

جناب آقای نخست وزیر

زندگی فرهنگی و علمی باید بر احترام و آرامش و متانت استوار باشد و محیط علم و دانش به صورت مکانی مقدس در آید . تصدیق می فرمائید که آلوده ساختن محیط دانشگاهها به اعمال خشونت با موازین فرهنگی مورد قبول جوامع متمدن منافات و مغایرت تام دارد .

جناب آقای نخست وزیر

اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران زنگهای خطر را با رویدادهائی که در محیط آموزشی ایران پیش آمده است ، به صدا در می آورند . زندگی دانشگاهی مختل است و حرمت معلم که مانند استقلال مملکت محل بحث و گفتگو ندارد ، در خطر است؛ وید پدار شدن چنین حوادثی و ایجاد چنین بلوائی از سوی کسانی که به طور قطع و یقین آموزش بدون شناخت مسئولیتند ، نشانه واضحی است بر این که راه را گم کرده ایم و به بیراهه می رویم .

جناب آقای نخست وزیر

ما حقایق را بیان کردیم . اینک بر آن جناب است که عطف توجه کنید تا آشکار شود که بر سر دانشگاهیان کشور چه می آید و آنها چه روزگار سیاه و تباهی دارند . شاید از همین طریق راهی برای مشکل بحران آموزش مملکت که اظهر من الشمس است بیابید تا بلکه بتوانید آن را دریابید و نجات دهید . هیئت علمی دانشگاه در انتظار اقدام مؤثر و پاسخ عاجل شمایند . با ۱۳۱ امضاء رفته برای نخست وزیر .

این حادثه را محترم به سرکار خانم دکتر هما ناطق دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه تهران تدانیم و به اطلاع آن جناب برسانیم که این حادثه به شکلی دیگر برای چند تن دیگر از استادان دانشگاه تهران ، آنهم در داخل محوطه دانشگاه ، پیش آمده است و در واقع این نوع درگیری نه فقط به چند تن محدود نمی‌شود ، بلکه تمامی واحد دانشگاه را در معرض تهدید و ضرب و شتم قرار میدهد . حال آنکه برخورداری از امنیت فردی و رعایت عزت انسانی شرط لازم و مطلق زندگی مدنی است ، آنچه در دانشگاه اتفاق میافتد امنیت فردی و جمعی تمامی دانشگاهیان را به مخاطره افکنده است .

جناب آقای نخست وزیر

از آنجا که اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران این واقعه و وقایع مشابه را تنها یک حادثه گذرا نمی شناسند ، بلکه آن را به منزله زنگ خطری در فضای ایران منعکس می یابند ، وظیفه خود میدانند تا برطبق اصل نهم اصول متمم قانون اساسی که میگوید "افراد از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هرنوع تعرض هستند ومتعرض احدی نمی توان شد مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکت تعیین می نماید " و اصل دوازدهم همان قانون که اظهار میدارد "حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمی شود مگر به موجب قانون" معترض این اعمال و رفتار می باشند و از آن بالاتر هتک حرمت معلم را در حد جسارتی به علم و فرهنگ و تمدن این سرزمین میدانند . زیرا روشن است که با اوضاع فعلی نه مجالی برای درس ، و فحص ، و گفتار و نشر حکمت و معرفت میماند و نه امیدی به بسط تمدن وکسب سعادت اجتماعی می توان داشت .

جناب آقای نخست وزیر

معلمی وظیفه‌ای دشوار است ، با جانکاهی و ملامت بری همراه است و مزدی معادل آن نیست ، اجر آن برنائی دانش مملکت و برومندی جوانان آنست و در این هنگامه ، دشواری مسئله در این است که چطور می توان در دانشجو شوق و رغبتی واقعی ایجاد کرد . زحمت معلم مسئله ساکت کردن دانشجو و به پایان بردن کلاس نیست چراکه هرچه باشد هنوز هم به سائقهٔ احترامی که از پیش برای معلم در نزد دانشجو باقیست ، نامش حرمت وجاذبه‌ای را به همراه دارد . خون دل معلم در این است که معلوم نیست در میان مشت و چوب و چماق چگونه می‌تواند این رسالت را به انجام برساند و صدای مهرانگیز او کجا می تواند که از میان فریاد و فحش و بی حرمتیها ، نسل جوان ایران را دریابد . ازکسی که با چماق روبرو میشود چه توقع می‌توان داشت ؟ اینجا پند واندرز به چه کار می آید ؟ حقیقت تلخ و جانگزای چماق را باسخن شیرین گوارا نمی توان کرد .

جناب آقای نخست وزیر

آیا نه بخاطر همین ماجراهاست که اکنون سالهاست فعالیت دانشگاهی به صورت واقعی عملاً تعطیل شده و آمران و متفرعان هست فرزندان خود را برای تحصیل به خارج از کشور گسیل می دارند و غالب مردم ما با زن و فرزند وکسان خود بنه کن به ممالک بیگانه

←

بوکامیون ماموران انتظامی راه را بر وسیله نقلیه ایشان می‌بندد و جمعی از کامیونها پائین می‌ریزند و ضمن نشان دادن ایشان به یکدیگر و اعلام هویت و شغلشان، مشارالیها و آقای میرزازاده را از اتومبیل بیرون کشیده و به شدت و به تکرار تمام مضروب می‌نمایند و سپس خانم ناطق را همراه آقای میرزازاده و چند دانشجوئی که دستگیر کرده بودند، در پشت اتومبیل جیپی قرار داده به کلانتری ۱۸ واقع در خیابان تاج، دریان نو می‌آورند. در میان راه ماموران ضمن توهین و فحاشی فراوان نسبت به دستگیرشدگان خطاب به دانشجویان می‌گویند که این استادان همانها هستند که شما را می‌آزارند. این‌گونه گفتگوهای ناشایست و دور از ادب را با بی‌جسارت و فحاشی توام می‌کنند تا آنجا که دانشجویان دستگیرشده در مقام معذرت و عرض شرم و ادب نسبت به خانم دکتر هما ناطق بر می‌آیند. در کلانتری ۱۸ نیز پس از کاوش بدنی که توسط ماموران کلانتری به عمل می‌آید، به خانم ناطق و آقای میرزازاده اجازه مرخصی می‌دهند، منتها تکلیف می‌کنند که ما خودتان تاکسی برای بردنتان به منزل فراهم کرده‌ایم. در این اثنا آقای دکتر پاکدامن همسر خانم ناطق با تلفنی که مقامات کلانتری اجازه داده بودند که خانم ناطق از کلانتری به منزل بزنند و حضور خود را در کلانتری اطلاع بدهند، برای ملاقات خانم خود به کلانتری می‌آیند و سراغ خانم خود را می‌گیرند. افسر مربوطه اظهار می‌دارد که مشارالیها را مجدداً مقابل دانشگاه آریامهر خواهند برد تا بتوانند با اتومبیل شخصی آقای میرزازاده به منزل مراجعت کنند بنابراین ایشان را به آنجا می‌برند و اضافه می‌کنند که شما حالا بروید و اینجا حق توقف ندارید.

به محض آنکه مقابل در کلانتری و در حضور ماموران کلانتری خانم دکتر هما ناطق و آقای نعمت میرزازاده در تاکسی سفارشی کلانتری می‌نشینند، تاکسی مزبور پس از مختصری دور شدن از کلانتری از مسیر اصلی خارج شده، در خرابه‌ای واقع در دریان نو انتهای خیابان دوازدهم، در پشت مثری شاهین می‌ایستد و گروهی که در خرابه ایستاده بودند و از جمله یکی از کسانی که در میان ماموران کلانتری دیده شده بود، به جان خانم دکتر هما ناطق و آقای نعمت میرزازاده می‌افتند و ایشان را به شدت مضروب و مصدوم می‌نمایند. در این حال در یکی از خانه‌های مقابل خرابه خانمی با فریاد این که این زن را نجات دهید، دیگر همسایگان را به توجه آنچه دارد در خرابه اتفاق می‌افتد، هشیار می‌سازد و با فریاد کمک خانم دکتر ناطق از خانه بیرون می‌ریزند. در این اثنا متجاوزین می‌گریزند و یکی از همسایگان به ندای انسانی و اخلاق که هنوز آثار و بقایای زیادی در این مملکت دارد به کمک مضروبین نیمه بیهوش می‌آیند و ایشان را به درون خانه میبرند و به همت و یاری آقای دکتر باقر ساروخانی استاد دانشگاه که در آن حوالی خانه دارند مطلب را به منزل خانم دکتر ناطق خبر می‌دهند. آقای دکتر پاکدامن به آنجا مراجعه میکند و از طریق بیمارستان آبان و آمبولانسی که بیمارستان مزبور میفرستد مضروبین را به بیمارستان میرسانند.

این است ماجرای تاسف‌آوری که نه فقط برای هوشمندان این سرزمین دلهره‌آور است، بلکه برای سرنوشت همگی افراد ملت ایران خطرناک و ترس‌انگیز است، خاصه اگر

تاریخ ۲۵۳۶/۹/۶

جناب آقای نخست وزیر

اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران با کمال احترام اجازه می خواهند که با توجه به حوادث و سرانجامی که در سنوات اخیر و مخصوصاً ایام حاضر دامنگیر محیط آموزشی شده و نتایج حاصل از آن سرانجام به واقعهٔ تماشاگاه روز دوشنبه ۳۰ آبان ماه گذشته انجامیده است، خاطر آن جناب را به وضع حساس محیط زندگی علمی و وضع رقت بار پیشهٔ معلمی جلب گردانیده و نکاتی را از سر وظیفه و وجدان اجتماعی و آموزشی با آن مقام منیع در میان گذارند.

این نامه از سوی کسانی برای آن جناب نوشته می شود که به وظایف خطیر ملی و اجتماعی خود وقوف کامل دارند و واقف به قدر و شأن خود هستند، می دانند که اگر برای ایران آبروئی نماند، خود نیز آبروئی نخواهند داشت و می دانند که برای کسب شرف و حیثیت و احترام معلمی تا چه حد کوشش باید کرد و رنج باید برد. بهترین روزگار جوانی این گروه در سر این کار رفته است که نه فقط برای امروز ایران بلکه برای فردا و فرداهای این کشور هم غم تربیت نسلی توانا و دانا را هدف و رسالت شغلی خود قرار دهند و خوشترین یادگاری که از زندگی دارند یاد ساعاتی است که با دانشجویان و طالبان علم در کلاس گفتگو داشته اند. می دانند که کار بزرگ و سترگ آنها راندن دیو جهل و ظلم و فساد است تا شاید فرشتهٔ عدالت و توانائی و دانش مهلت ظهور پیدا کند و می دانند که استمرار تاریخ و فرهنگ و تمدن و ادب ایران چگونه در دست این معماران قرار دارد و چه رسالت مهمی برای فردای ایران دارند و چون آن جناب را نیز "معلم زاده" می شناسند، بنابراین شاید آسان تر بتوانند خاطرتان را نسبت به حادثهٔ مهمی که اتفاق افتاده است و می رود که احتمال اتفاق آن به کثرت تمام پیش بیاید، جلب نمایند:

در روز دوشنبه سی ام آبان ماه گذشته طبق برنامه ای که قبلاً از طرف دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر با موافقت مقامات آن دانشگاه اعلام شده بود، قرار بود که مجلس سخنرانی در تالار ورزش دانشگاه صنعتی آریامهر برگزار شود. اما صبح روز دوشنبه سی ام آبان ماه اعلام گردید که سخنرانی به تعویق افتاده است و برگزارکنندگان مجلس سخنرانی چنین صلاح دیدند که از چند تن از نویسندگان و استادان تقاضا کنند با حضور خود در مقابل در ورودی دانشگاه آریامهر مطلب را به اطلاع شرکت کنندگان برسانند. به این مناسبت در عصر روز دوشنبه سی ام آبان ماه گذشته سرکار خانم دکتر هما ناطق دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه تهران همراه یکی از دوستان خود آقای نعمت میرزا زاده و به اتفاق دیگران، در مقابل دانشگاه آریامهر واقع در خیابان آیزنهاور حضور می یابند و تغییر برنامه را به اطلاع حاضران می رسانند و از آنها می خواهند که متفرق شوند و آن دو نیز با اتومبیل خویش قصد رفتن به منزل را داشتند که در مراجعت

←

وابستگیهای خانوادگی، زنجیرهای کهن استثمار زن و فرهنگ استعماری هیچکدام نتوانست زن ایرانی را از مبارزه برعلیه نظام حاکم و شرکت در نبرد مسلحانه علیه استعمار و استثمار بازدارد.

گسترش مبارزه مسلحانه، پیکر رژیم شاه و اربابان غارتگر خارجی امپریالیزم را به لرزه درآورده و خشم توده‌ها که سالهای سال به علت خفقان و دیکتاتوری سیاه و دودمان منفور پهلوی، در دلها انباشته شده بود، هر روز بشکلی نمایانتر زبانه میکشد.

تشدید مبارزات دانشجویان، کارگران، دانش‌آموزان و دیگر توده‌های تحت ستم (کسبه، بازاریان، روحانیت مبارز، دهقانان) بیان کننده این حقیقت است.

همراه با تشدید مبارزات سراسری، توده‌های زحمتکش و رنجدیده ایران، نقش زنان و خلاقیت و ابتکار آنان در مبارزات توده‌ای بسیار چشمگیر است.

دختران دانشجو در کنار برادران دانشجوی خود برعلیه دستگاه ظلم و بیدادگری شاه بپاخاسته و حتی مبارزات خود را به پیروی از رهنمودهای جنبش انقلابی مسلحانه پیشتاز از چهاردیواری دانشگاهها بیرون [illegible] و میان توده‌های ستمدیده کشانده‌اند. زنان تحت ستم میهن ما که در زیر فشار "با محرومیت هرگونه زندگی محنت باری را سرنوشت خود میپنداشتند با آگاهی روزافزون به حقوق حقه خود دیگر [illegible] تسلیم هرگونه زورگویی و ستم نمیشوند.

اعتصابات زنان کارگر در کارخانجات پارس الکتریک، قرقره [illegible] مبارزات دلیرانه زنان زحمتکش خارج از محدوده و ... نمونه های درخشانی از مبارزات زنان تحت ستم میهن ما [illegible]. شرکت وسیع زنان در قیامهای شهری در چند ماه اخیر و افشاگری بیسابقه توسط آنان، نقش فعال و مهم این خلق تحت ستم ما را بخوبی نشان میدهد.

اوجگیری همه این مبارزات نتیجه مستقیم مبارزه مسلحانه و نقش آن در پرورش عنصر آگاه من جمله زنان ایران بوده است. در سالهای اخیر بارها خواهران و مادران مبارز زن در بند، در حمایت و پشتیبانی از فرزندان خود بدون ترس و وحشت از دژخیمان شاه دست به اعتراض و افشاگری برعلیه جنایات رژیم شاه زده‌اند.

ما بارها شاهد اشک شوق مادرانی بوده‌ایم که به شهادت فرزندان انقلابی خود افتخار میکرده‌اند. هنگامیکه خبر شهادت رفیق شهید چریک فدایی خلق عباس آبلی به خانواده اش رسید مادر قهرمانش با روحیه یک مادر شجاع به افرادیکه او تسلیت میگفتند جواب داد "بجای تسلیت گفتن باید خوشحال بود که عباس ما با سلاح خود از وطن دفاع نمود / باید افتخار کرد." مادر رفیق شهید چریک فدایی خلق غفور حسن پور هنگامیکه خبر تیرباران فرزندش را باو رساندند چنین گفت: "انقلاب ایران همچون درخت تناوری است که ریشه‌های قطورش در دل خاک وطن جای دارد. پسر من و نظایر پسر من تنها شاخه‌های این درخت هستند و دشمن تنها میتواند شاخه‌های این درخت را بزند / ولی ریشه‌هایش نابودنشدنی است و با زدن هر شاخه / شاخه های بسیار خواهند روئید. پس من از مرگ فرزندم دلگیر نیستم / امید من به شاخه‌های جدید است." درود به این مادران قهرمان و تمام مادران شهدایی که با چنین روحیه‌ای از شهیدان راه رهایی خلق استقبال میکنند.

خواهران و مادران مبارز ما باید از زندگی سرشار از مبارزه چریکهای انقلابی آموزش گرفته و هرچه گسترده‌تر به صفوف مبارزات رهایی بخش خلقهای ایران بپیوندند. زیرا رهایی زن ایرانی در گرو پیروزی جنبش رهایی بخش خلقهای تحت ستم ایران است. همانگونه که زنان قهرمان ویتنام با شرکت در مبارزه پیروزمندانه برعلیه امپریالیسم و حکومت دست‌نشانده آن / به آزادی واقعی دست یافتند.

گسترده تر باد مبارزات زنان رزمنده ایران
مستحکم باد پیوند مبارزات زنان با جنبش انقلابی مسلحانه پیشتاز
نابود باد رژیم دیکتاتوری ـ فاشیستی محمدرضا شاه
مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

گروه هوادار "سازمان چریکهای فدایی خلق ایران"
اردیبهشت ۱۳۵۷ خورشیدی

هموطنان مبارز در تکثیر و توزیع نشریات جنبش انقلابی مسلحانه ایران بکوشید.

رفیق مرضیه احمدی اسکویی یکی از چهره‌های فعال اعتصابات دانشجویی بود و در اعتصابات اسفند ۱۳۵۱ نقش رهبری داشت. رفیق در زمستان ۱۳۵۲ پس از تماس با رفقای شهید نادر شایگان / حسن رومینا و چند تن دیگر به تشکیل یک گروه مارکسیستی با خط‌مشی مبارزه مسلحانه مبادرت ورزید و پس از شهادت چند تن از رفقای خود به عضویت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران درآمد. رفیق مرضیه سرشار از قریحه و استعداد نویسندگی بود. قریحه و استعداد نویسندگی او در اشعار و داستانهائیکه همه قصه زندگی محنت‌زای توده‌های رنجبر میهن ماست بیان گشته است. با این حال رفیق میگفت: "من نمیخواهم با نویسندگی زندگی کنم بلکه میخواهم قصه‌هایم را با زندگیم بنویسم". (نقل از کتاب خاطراتی از یک رفیق – یادداشتهای چریک فدایی خلق مرضیه احمدی اسکویی از انتشارات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران). رفیق مرضیه چنین هم کرد. زیباترین چکامه زندگیش را با خون سرخ وجلا یافته‌اش برعرصه میدان نبـــــرد ســرود.

– چریک فدایی خلق شیرین معاضد که در زمره پرشورترین رهروان انقلاب ایران است / از همان آغاز پیوند تشکیلاتی با سازمان چریکهای فدایی خلق ایران / تمام توان مبارزاتی اش را معطوف به هدفهای جنبش بکار گرفت. پشتکار و برخورد متعهدانه رفیق در پیشبرد وظایف انقلابیش / او را به شمع [illegible] برای رفقایش بدل ساخته بود. رفیق شیرین معاضد پس از دستگیری، تحت سبعانه‌ترین شکنجه‌های دژخیمان [illegible] قرار [illegible] و اینک با بدنی سوخته، جسمی دردمند با ایمان بزرگتر به پیروزی / پایدار و سرفراز چون ستاره‌ای درخشان در آسمان انقلاب ایران میدرخشد.

– از دیگر نمونه‌های درخشان مبارزات انقلابی زنان ایران [illegible] پرافتخار رفیق شهید چریک فدایی خلق نزهت روحی آهنگران است. رفیق که مسئولیت یک تیم تبلیغ [illegible] بعهده داشت در محله کارگرنشین کمال آباد کرج با رفقای همرزمش توسط مزدوران رژیم شاه در محاصره قرار [illegible]. درگیری ساعتها بطول انجامید. شدت این درگیری بحدی بود که مزدوران ساواک وژاندارمری علاوه بر تجهیزات زمینی در مواجهه با این تیم چریکی برای نخستین بار از هلیکوپتر نیز استفاده کردند. در این درگیری رفقا محمود عظیمی / یداله زارع (رفیق کارگر) / مارتیک قازاریان / نزهت روحی آهنگران شهید و رفیق اعظم روحی آهنگران خواهر رفیق نزهت دستگیر و تحت شکنجه‌های قرون وسطایی قرار گرفت.

– چریک فدایی خلق رفیق فاطمه حسن پورخواهر رفیق شهید غفور حسن پور از اعضای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بود که با قاطعیت یک چریک فدایی خلق در درگیری یک پایگاه چریکی در شهر آمل بمدت ۸ ساعت رویارو با تعداد کثیری از مزدوران دشمن به نبرد پرداخت تا رفقای همرزمش بتوانند در زیر چتر آتش سلاح او موفق به فرار شوند. پس از آنکه رفقایش از محاصره نجات یافتند / رفیق فاطمه پایگاه و همه اسناد را به آتش کشید و پس از کشتن دو نفر از افسران مزدور و یک درجه دار دشمن / برای آنکه زنده بدست دشمنان خلق اسیر نگردد با انجام یک عمل فدایی بوسیله [illegible] انفجار نارنجک خود به شهادت رسید و با خون سرخش صفحه پرافتخار دیگری بر تاریخ جنبش نوین انقلابی میهن ما افزود. شدت درگیری چنان بود که تا چند ساعت پس از شهادت رفیق نیروهای دشمن جرات ورود به خانه تیمی چریکهای [illegible] انقلابی را نداشتند. انعکاس این واقعه در سطح وسیعی از شهر آمل / تاثیر عمیقی بر روی اهالی بجای گذاشت و مردمی که شاهد وحشت و زبونی نیروهای امنیتی شاه جلاد بودند خبر این درگیری را برای یکدیگر تعریف میکنند.

جنبش نوین انقلابی خلق ما از چنین نمونه‌های درخشان فراوان دارد. از جمله:

– رفیق منیژه اشرف زاده کرمانی رزمنده مجاهد از نخستین زنان انقلابی میهن ماست که در زمستان ۱۳۵۴ بدستور مستقیم شاه تیرباران گردید.

– رفیق مجاهد رزمنده دلیر رفعت افراز که در نبرد منطقه‌ای بخاطره بستگی عمیق انقلابیش / بصفوف انقلابیون عمان پیوست و در هنگام ادای وظیفه انقلابی به افتخار شهادت در ظفار نائل شد.

– رفقای مجاهد رزمندگان دلیر صدیقه رضایی و فاطمه امینی که تحت سبعانه ترین شکنجه‌های دژخیمان قرار گرفتند و بی آنکه کوچکترین ضعفی از خود نشان دهند به شهادت رسیدند و یکبار دیگر پیوند خود را با خلق ستمدیده ما ایران در عمل ثابت کــــردنــد.

رفقای فدایی زهرا آقانبی قلهکی / زهرا آقا نبیل / لادن آل آقا / مستین آل آقا / نادره احمد هاشمی / فاطمه افدرنیا / میترا بلبل صفت / فخرالسادات حسینی / طاهره [illegible] / پری شاهی / عزت غروی / نسرین فضیلت کلام / زهرا مدیر شانه‌چی / گلرخ مهدوی / کوران یدالهی و ... و صدها رفیق رزمنده دیگر از ستارگان درخشان انقلاب ایران و از اعضای برجسته سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بودند که همگی در میدان نبرد با دشمن خونخوار به شهادت رسیدند.

– رفقای فدایی عاطفه جعفری / رقیه دانشگری و دهها رزمنده انقلابی دیگر هستند که هم اکنون در زندانهای قرون وسطایی محمد رضا شاهی بسر میبرند و وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها را در راه آرمان والای خود تحمل مینمایند.

شرکت زنان آزاده‌ای چون "رفیق مادر" و دیگر رفقای رزمنده چریکهای انقلابی در مبارزات رهایی بخش خلق مفهوم شکست تلاشهای مذبوحانه رژیم منفور پهلوی / در ایجاد شکاف عمیق بین زنان و مردان زحمتکش و مبارزه [illegible] و محروم کردن زن ایرانی از شرکت در مبارزه برای ایجاد جامعه‌ای خالی از استثمار و بندگی میباشد.

•

بفرستی . شاید این هدیه‌ای باشد که بتوانی آنرا با پیشرمساری به شایسته ترین رفیق تقدیم کنی . رفیق مادر من وعده چنین هدیه‌ای را بتو میدهم . بپذیر تا آن دم که هدیه‌ام را برایت بفرستم ."

— یکی دیگر از نمونه‌های شکوهمند مبارزات انقلابی زنان پیشاهنگ چریک فدایی رفیق "اشرف دهقانی" خواهر رزمنده انقلابی / فدایی شهید بهروز دهقانی (بهروز تبریزی) است . رفیق اشرف دهقانی حماسه پرشکوهی از ایمان به پیکار در راه رهایی خلق و ایمان به پیروزی آفریده است . رفیق در اردیبهشت ۱۳۵۰ هنگام اجرای یک ماموریت چریکی مورد حمله مزدوران ساواک قرار گرفت پس از مقاومت فراوان بدست دشمن اسیر گردید . دژخیمان شاه رفیق اشرف را بلافاصله به زندان شهربانی بردند و تحت شدید ترین شکنجه‌ها قرار دادند . دشمن چنانکه خود ادعا میکرد شلاقش بر این دختر مبارز اثر نمیکرد . رفیق اشرف دهقانی که در جامعه‌ای مملو از تضادهای طبقاتی بزرگ شده و تجربه عینی فقر بی انتهای خلق زحمتکش و ستمی که بر آنان رفته در برابر این همه بیعدالتی نموده بود / سرانجام سنگر مبارزه بی امان خویش را در میان رفقای پیکارجوی "سازمان چریکهای فدایی خلق ایران" یافته بود . رفیق در زندان وحشیانه ترین شکنجه‌های دژخیمان شاه را بیاد چهره‌های رنج دیده کودکان روستایی تحمل مینمود ولب به سخن نمیگشود . دشمن / این دژخیم حقیر چنین مپنداشت که با ارتکاب اعمال شنیع و پست خواهد توانست نیروی مقاومت چنین انقلابی را در هم شکند . اما چه عبث . مقاومت دلیرانه رفیق اشرف در بند بار دیگر مزدوران ناچیز دشمن را به حقارتشان معترف نمود . رفیق اشرف در [illegible] اعمال زشتی که در مورد او مرتکب شدند چنین میگوید :

"... من از رفتار کراهت بار او (مزدور دشمن) خشمگین بودم . ولی تلاش میکردم آنچنان خودم را بی تفاوت و خونسرد نشان بدهم که دشمن آنها احساس حقارت و شرم بکنند . میخواستم بآنها بفهمانم که این رفتار پست و حقیر آنان برایم اهمیتی ندارد . براستی چه اهمیتی میتوانست داشته باشد / مگر اینکار با شلاق خوردن برای من تفاوتی داشت؟ هر دو شکنجه بودند و هر دو به یک قصد و یک هدف انجام میگرفتند . با این هدف پلید که / میخواستند اسرار سازمانی مرا با این وسیله بیرون بکشند . و من هر دو را با اتکاء به یک هدف والا و ارزشمند تحمل میکردم و بخاطر بیشبرد آرمان پر شکوهم / بخاطر حفظ اسراری که فاش نکردن آن بسود مبارزه و انقلاب بود . این تحقیر و شکنجه برای من گذرا و موقت بود / در حالیکه خلقهای زحمتکش را مجسم میکردم که نه یک ساعت / نه یک روز بلکه هر لحظه در زندگی پر از محرومیتشان آنرا تحمل میکردند ." (نقل از حماسه مقاومت — نوشته رفیق اشرف دهقانی)

رفیق اشرف دهقانی پس از تحمل دو سال شکنجه‌های مخوف و وحشیانه رژیم / در اوایل فروردین ۱۳۵۲ با هشیاری و فراست خاص انقلابی موفق شد تا از زندان فرار کند . پس از فرار از چنگ مزدوران طی پیامی به خلق زحمتکش ما چنین گفت : "وقتی سرنوشت و رهایی خلق از بندهای اسارت بمیان میاید چگونه میتوان با آغوش باز تمامی خطرات را بجان نخرید و چگونه میتوان لحظه‌ای رنجهای خلق را فراموش کرده و از فکر ضربه زدن بدشمن غافل ماند ." آری این چنین است آموزش ژرف انقلابی چریکهای فدایی خلق و در راه خلاق آنها از راهی که برگزیده‌اند .

— در روز ششم اردیبهشت ۱۳۵۳ مردم تهران شاهد حماسه‌ای دیگر از عشق و ایمانی راستین به خلق و کینه‌ای نفرت عظیم بدشمن بودند . این حماسه‌آفرینان که دلاوری آنان زبانزد توده‌ها گردیده دو تن از رفقای زن پیکارجوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بودند . این دو رفیق بهنگام مواجهه با مزدوران دشمن چنان هنگامه‌ای از قاطعیت مبارزاتی بپا کردند که دژخیمان شاه در حالیکه ترس و وحشت سراپای حقیرشان را بلرزه در آورده بود / برای توجیه حقارت و احساسات برتری طلبی رذیلانه‌شان / سعی میکردند که این دو رفیق را مردانی وانمود کنند که به لباس زنان در آمده‌اند . واقعه از این قرار بود که — رفیق نزدیک مرضیه احمدی اسکویی پس از وقوف باین امر که محل قرار رفیق شیرین معاضد در محاصره دشمن است برای نجات رفیق همرزمش به محل قرار شتافت و پس از آنکه مزدوران دشمن را زیر آتش مسلسل گرفت خود نیز به شهادت رسید و با آرمان والای خود و بقولی که به "رفیق مادر" داده بود وفادار ماند .

— رفیق شیرین معاضد پس از ایستادگی دلیرانه در برابر دشمن علیرغم کوشش در زنده دستگیر شدن / در زیر شکنجه مزدوران شاه کشته شد . در زندگی نامه رفیق مرضیه احمدی اسکویی از نبرد خلق شماره ۲ ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران چنین میخوانیم :

"... رفیق مرضیه توانست احساسات پرشکوه و آگاهی عینی خود را از زندگی توده‌ها با تئوری مارکسیسم — لنینیسم در آمیزد . رفیق مرضیه برای افزایش شناخت خود از قانونمندیهای تکامل جامعه و آگاهی از مبارزات خلق دست به مطالعه میزد تا با دیدی علمی تر برای آشنایی با زندگی خلق بمطالعه عینی بپردازد و از این طریق بتواند در مبارزات آزادیبخش رهیابی کند ." رفیق مرضیه در طی دوران تحصیل در دانشسرای عالی سپاه دانش در روستاهای ورامین رفت و آمد میکرد و اوقات زیادی را با خانواده‌های روستایی میگذراند . او همچنین به بسیاری دیگر از روستاهای ایران سفر میکرد و در آنجا برای کودکان در مدرسه‌های روستا کتابخانه درست میکرد و با سپاهیان دانش دوست میشد و با ارسال کتاب برای آنها کوشش میکرد تا آگاهی سیاسی آنان را ارتقاء دهد .

ویتنام / کوبا / و دیگر کشورهای از زنده‌ترین بیانگر این حقیقت است که زنان مبارز چگونه توانسته‌اند پا به پای مردان به نبرد بر علیه دشمن پرداخته و خلاقیت خود را نشان دهند. زنان مبارز ایران شایستگی و توان انقلابی خود را با به عهده گرفتن مسئولیتهای تحقیقاتی و شرکت در جنگهای چریکی به نحو خوبی نشان داده‌اند.
با رشد جنبش نوین انقلابی و شرکت وسیع زنان مبارز در جنبش انقلابی مسلحانه پیشتاز / شرح حماسه آفرینی یکایک آنان در اینجا مقدور نیست و ما تنها به گوشه‌ای از مبارزات چند تن از زنان رزمنده جنبش نوین انقلابی ایران بسنده میکنیم.

— چریک فدایی خلق رفیق شهین توکلی — مبارز آزاده‌ای که با وجود داشتن کودک شیرخواره در عملیات چریکی فعالانه شرکت میجست. در سوم خرداد ۱۳۵۰ به هنگام تعویض خانه تیمی / مورد حمله پلیس مزدور شاه واقع گردید و در جریان آن دستگیر شد. این زن رزمنده و فدایی شجاع در بیدادگاههای نظامی پس از تحمل شکنجه‌های قرون وسطایی اظهار داشت "من همواره در زندگی هدفم خدمت به مردم و از بین بردن فقر و بیسوادی و تضادهای اجتماعی بوده است ... برای من دادستان درخواست صادره تقاضای اعدام شده است. من در ضمن اینکه اتهامات وارده را رد میکنم صراحتا به شما و اربابانتان اعلام میدارم که خون من از خون همسر و برادرم رنگین‌تر نیست. من از مرگ هراسی ندارم." (رفقای شهید حمید توکلی و سعید آرین برادر و همسر رفیق شهین در سال ۱۳۵۰ بدست دژخیمان شاه تیرباران شدند) هنگامیکه رای دادگاه را خواندند این رفیق دلیر با خونسردی گفت "امروز بر استی حس میکنم که جز زنجیرهای دستم چیزی برای از دست دادن ندارم."
— چریک فدایی خلق رفیق مهرنوش ابراهیمی در بهمن ماه ۱۳۵۰ حماسه‌ای دیگر آفرید. با نبرد دلیرانه‌اش یک تنه با قوای دشمن نمود این امکان را بوجود آورد تا در رفقایش مسلسلش رفقای هم‌رزمش فرار کنند تا بتوانند در سنگری دیگر بر علیه رژیم آدمکش شاه به مبارزه ادامه دهند. "سازمان چریکهای فدایی خلق ایران" در مورد رفیق شهید مهرنوش چنین میگوید: "ما بار دیگر خاطره رفیق مهرنوش را گرامی میداریم. خاطره او که با نبرد قهرمانانه‌اش توده وسیعی را به منطقه کشانید و به آنها درس شجاعت داد. رفیق مسئول تیم تا جائیکه صدا بگوش میرسید / شلیک بی انقطاع مسلسل رفیق را میشنید که در گرگ و میش صبح سرود رزم آوری میداد. مهرنوش در آخرین صبح زندگیش زیبا ترین سرود را خواند."
— چریک فدایی خلق رفیق فاطمه سعیدی (شایگان) — مظهر اراده و مقاومتی است که آگاهی دورانساز تاریخی در انسان عصر ما بوجود میآورد. این رفیق فدایی بیش از پنجاه و یک سال دارد. رفیق هنگام مراجعه به یک خانه تیمی محاصره شد و بدست مزدوران دشمن اسیر گردید و تحت وحشیانه ترین شکنجه‌ها قرار گرفت تا بدانجا که از هر دو دست فلج شده است. رفیق فدایی فاطمه سعیدی، مادر رفیق نادر شایگان / مادر رفیق همه پویندگان راه انقلاب رهایی بخش در جنبش انقلابی مسلحانه به "رفیق مادر" مشهور گردیده است. حماسه مبارزه و مقاومت مادر الهام بخش کلیه فرزندان انقلابی میهن ماست. رفیق مادر هم چنان دلاورانه در زندان شاه به مبارزه ادامه میدهد. رفیق مادر پس از شهادت فرزندش "نادر" چنین میگوید: "نه تنها نادر بلکه خودم و تمام فرزندان دیگرم باید در جنبش رهایی بخش شرکت کرده و علیه دشمن بجنگیم و اگر مرگ پیش آمد به استقبالش برویم." رفیق مادر همانطور که ایمان داشت دو فرزند ۱۳ ساله و ۱۱ ساله و نوه ۹ ساله‌اش نیز در انقلاب رهایی بخش شرکت جسته و سرانجام بدست آدمکشان سازمان امنیت بشهادت رسیدند. خون گرم و پیمان آنان میثاق وفاداری حزب‌ه پیشتر مبارزین راه انقلاب به آرمان خلق است. رفیق شهید مرضیه احمدی اسکویی در نامه‌ای خطاب به رفیق مادر چنین مینویسد:
"رفیق مادر فرصتی دست نداد که با تو درکینه‌های فراوانم به دشمن حرف بزنم که چگونه آنرا جلا یافته تر مییابم / که باز هم بزرگواری بیکرانه ترا بستایم و بتو بازهم بگویم که چگونه از محبت و عشق پاک و پرشکوه تو نیرو میگیرم و در برابر دشمن کینه جوتر میشوم. ای خوبترین مادر / خود را ناتوان مییابم که بتوانم آنچه را در حق تو میاندیشم و احساس میکنم برایت بنویسم. تو مثل دریایی از خشم و محبتی / خشم به دشمن توده و محبت به توده و ما همگی در این خشم گسترده مست دلهایمان را صفا میدهیم تا بتوانیم بیشتر پایداری کنیم. صمیمی ترین رفیق مبارز / حتی دوست داشتن تو برای همه ما این تعهد را بوجود میآورد که در راه آزادی، تو همه ما یکرنگ و محکم باشیم و تا آخرین قطره خون خود با دشمن بجنگیم. چراکه / کسی که ترا دوست دارد / ترا که چهره روشن عشق و کینه‌ای بی‌نهایتی / اگر جز این باشد سزاوار زنده ماندن نیست. رفیق مادر آیا میدانی با افسانه دلیری و شهامت و از خودگذشتگی ات تمام افسانه‌هائیراکه تاکنون در حق مادر نوشته شده کهنه کرده‌ای؟ حق هم همین است. زیرا تو تنها مادر مبارزترین جهان نیستی بلکه بزرگترین رفیق آنان هستی. رسم اینست که به محبوبترین کسان هدیه‌ای میدهند و من لحظات فراوان فکر کرده‌ام برای یک رفیق بزرگوار چه هدیه شایسته‌ای میتوانم بدهم و بالاخره گفته‌ام — اگر بتوانی همیشه به تو همه ما و رفقایت وفادار بمانی / اگر همیشه شایسته باشی که رفیق مادر / باشهامت ترین رفیق را دوست بداری / میتوانی از قطرات خون خود دسته گلی ببندی روزی که در راه رهایی تو همه آخرین تلاشت را کردی و آنگاه که آخرین تیرت را در قلب دشمن نشاندی / برای مادر

۶

تأسیس شد. یکی از زنان آزادیخواه و مبارز این دوره پروین اعتصامی شاعر حساس و آگاه خلق بود که در عرصه ادبیات و از طریق اشعار خود به روشنگری، خلق و افشاء ارتجاع دست زد. در سال ۱۳۲۸ در تهران «سازمان دمکراتیک زنان ایران» تشکیل و در بیشتر شهرهای ایران مانند رشت / تبریز / اصفهان / آبادان / قزوین و ..... شعباتی از آن دائر گردید. این سازمان بزرگترین سازمان علنی زنان ایران در دوره قبل از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد بود. ارگان رسمی این سازمان دمکراتیک «مجله بیداری ما» نام داشت. پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ زنان مبارز ایران نیز مانند سایر مبارزین جنبش رهایی بخش خلق ما بعلت عدم وجود یک رهبری انقلابی گرفتار تعقیب / حبس و اعدام از طرف رژیم شاه جلاد گردیدند. رژیم دست نشانده محمدرضاشاه برای خدمت هرچه بیشتر به اربابان خارجی اش صدای هرگونه حق طلبی را در گلو خفه ساخت منجمله صدای آزادیخواهانه زنان تحت ستم میهن ما را.

هرچند که شاه دیکتاتور پس از کودتا برای جلوگیری از هرگونه حرکت و جنبشی به سرنیزه و گلوله و زندان و شکنجه متوسل شد ولی شرکت فعال زنان در مبارزه خاموش نشد و در سالهای ۴۱ – ۳۹ در جریان مبارزات دانشجویی و اعتصاب معلمین تهران بار دیگر مبارزات زنان، دوشادوش برادران خود اوج گرفت.

رژیم سرسپرده شاه همانگونه که دست به ساختن حزب دولتی و اتحادیه های قلابی میزند برای زنان میهن ما نیز سازمانهای رنگارنگ و فرمایشی بوجود میآورد و از طریق همین لانه های فساد / برنامه های ارتجاعی و ضد اخلاقی خود را اعمال مینماید. او از اینطریق مذبوحانه میکوشد تا توجه زنان را از اهداف اساسی مبارزه منحرف نموده و آنها را به صورت یک کالای نمایشی و تبلیغاتی درآورد. در حال حاضر تعداد این قماش سازمانها و جمعیت ها بسیار فراوان و از آن جمله اند: سازمان زنان ایران / جمعیت های راه نو / امید فردا / [illegible] زنان / انجمن دوشیزگان و بانوان و انجمن های باصطلاح نیکوکاری و دهها سازمان رسمی و غیررسمی دیگر که همه آنها بعهده زنان معلوم الحال درباری و یا وابستگان آنهاست. هدف کلیه این سازمانها و انجمنها [illegible] انحراف جامعه تحت ستم زن ایرانی از پیوستن بمبارزه و پایین آوردن مقام او تا حد یک کالا برای رونق هرچه بیشتر بازار سرمایه داری وابسته و غارتگر است. افشای هرچه بیشتر این سازمانهای ضدخلقی وظیفه هر روشنفکر مبارز است.

شاه این عامل امپریالیسم در سال ۱۳۴۰ به صحنه سازی مضحکی تحت عنوان اعطای حق انتخابات به زنان دست زد و در این رابطه چنان سروصدایی به راه انداخت که گویی در انتخابات حقی برای مردان وجود داشت که زنان از آن بی بهره بودند.

زنانی که با این اعطای ملوکانه به مجلس راه یافتند متعلق به همان طبقه حاکمه فاسد، وازپیچ ومهره های زنگ زده دستگاه حکومت بودند که هیچ تفاوتی با مردان طبقه خود نداشتند.

اما دیگر ماهیت ارتجاعی اصلاحات و فریبهای شاهانه برای توده های زحمتکش ما روشن شده است. زنان و مردان زحمتکش ما دیگر فریب نیرنگها و برنامه های عوامفریبانه رژیم منفور محمدرضاشاهی را نخواهند خورد. زن آگاه ایرانی دریافته است که استقلال و آزادی او نه در گرو اصلاحات و عطایای شاهانه بلکه با دگرگونی بنیادی این نظام طبقاتی حاکم و شرکت در جنبش رهایی بخش خلقهای ایران میسر است.

۳ - مبارزات زنان از رستاخیز شکوهمند سیاهکل تا به امروز

رستاخیز سیاهکل نقطه عطفی تاریخی در جنبش سیاسی ایران و نیز آغاز مرحله ای نوین در زندگی زن آگاه ایرانی است. رستاخیز سیاهکل جهش زن آگاه ایرانی را از وره های مملو از احساس ناتوانی و درماندگی میسر ساخت.

پس از سالیان دراز زنان پیشرو ایرانی فرصت یافتند که با دست یافتن به آگاهی ژرف سیاسی و ایدئولوژیک / نبردی را آغاز کنند که حاصل آن پیروزی بر نیروهای مرتجعی است که خلق، رنجبر ایران و زن محروم ایرانی را قرنها تحت انقیادی دهشتناک درآورده بود. پیکار حماسی زنان متشکل در جنبش مسلحانه پیشتاز و در راس آن «سازمان چریکهای فدایی خلق ایران» دروازه های به افق تابناک آینده ای خالی از قید استثمار بروی زنان ایران گشود. دنیایی که خبر از رهایی انسانها از اسارت و استثمار طبقاتی میدهد. نبرد حماسه آفرین زنان چریک علیه نظام دیکتاتوری محمدرضاشاهی که متأثر از جنبش نوین انقلابی در میهن ماست / و بسیج کننده قشر وسیعی از زنان آگاه به صفوف مبارزه میباشد و این دستاوردی عظیم برای خلقهای تحت ستم ماست.

تعداد کثیر شهدای انقلابی زن که در مبارزه بر علیه دشمنان خلق ایران با افتخار به شهادت نائل آمدند حاکی از آنست که زن ایرانی امروز بیش از هر زمان آزادی توده های رنجبر و منجمله خود را در گرو نبردی قاطع علیه رژیم فاشیستی شاه / این نماینده غارتگران داخلی و خارجی میداند.

مبارزه حماسه آفرینانی چون مهرنوش ابراهیمی ها / منیژه اشرف زاده کرمانیها / نزهت السادات ها که سرود انقلاب را در میدان نبرد با صفیر گلوله های رژیم آویختند فریاد کردند / نشان دهنده این واقعیت است که مبارزات زنان ایران بخش جدایی ناپذیر جنبش رهایی بخش خلقهای تحت ستم ایرانست.

شرکت فعالانه زنان در مبارزه روشنگران انقلابی و خلاقیت آنان در امر مبارزه است. تاریخ مبارزات خلقهای میهن /

وحدت وتشکل ستمدیدگان برای مقابله با بنیاد ستمگری ونابودی آن یك ضرورت تاریخی است. پیشروترین زنان ایران در رابطه با این ضرورت تاریخی دوش بدوش مردان به لزوم وحدت وتشکل جهت احقاق حقوق اجتماعی وسیاسی خویش پی برده ودر سطوح مختلف اجتماعی به نبرد در راه حصول به آرمانهای خویش پرداخته اند.

ملاحظه آنچه که درذیل میآید، رشد ونمای تدریجی این نبرد که درحقیقت وشکل مبارزات زنان ایران تبلوریافته سیر تکاملی راکه زنان ایران طی نموده اند بطور واضح تصاویرنشان میدهد. جنبش زنان ایران بمثابه بخشی ازجنبش خلق سابقه‌ای طولانی دارد. زنان میهن ما در مبارزات خلق ایران بنا برشرایط وامکانات موجود، در مبارزات آزادیخواهانه شرکت فعال وفداکارانه‌ای داشته وازخود شایستگی ولیاقت فراوانی نشان داده اند. برای نشان دادن سیرتکاملی مبارزات زنان ایران، ما در اینجا این مبارزات را به دو دوره مشخص تقسیم میکنیم:

۱ــ مبارزات زنان ازجنبش تنباکوتا رستاخیز سیاهکل (سرآغاز جنبش نوین انقلابی خلق ایران)

۲ــ مبارزات زنان ازرستاخیز شکوهمند سیاهکل تا به امروز.

۱ــ مبارزات زنان ازجنبش تنباکو تا رستاخیز سیاهکل

جنبش تنباکو اولین حرکت همگانی خلقهای تحت ستم ایران علیه استعمارانگلستان وحکومت مطلقه ناصرالدین شاه بود. درسال ۱۸۹۰ میلادی امتیازدخانیات ازطرف ناصرالدین شاه به شرکت انگلیسی "رژی" واگذارود رنتیجه ــ تولید ومصرف آن درسراسرکشوربانحصاراین شرکت خارجی درآمد. مردم ازاین امتیازننگین بخشم آمدند. میرزای آشتیانی وحاج میرزاحسین شیرازی باپیروی از تمایلات مردم، استفاده ازدخانیات راتحریم کردند. ناصرالدین شاه مستبد و امین السلطان صدراعظم وقت برای مقابله باجنبش اعتراضی مردم، جمعی ازروحانیون خودفروخته راتطمیع نموده و ازآنهاخواستند که مردم رافریفته وساکت کنند. یکروز هنگامی که یکی ازاین خودفروختگان سعی داشت مردم برافروخته رابه تسلیم وادارکند، ناگهان دسته بزرگی اززنان تهران جوشان وخروشان به میان مردم هجوم برده وخطاب به مردم گفتند "اگرمردان نخواهند نسبت به این واقعه ننگ آوری اعتنا باقی بمانند، آنان چادرها رابدور انداخته و نخواهند گذاشت حق ملی مردم بدست بیگانگان بیفتد."

درهمان روز زنان ومردان دوشادوش هم به کوچه‌ها وخیابانها ریختند، چپق ها وقلیانها راشکسته ومعتادین رابه ترک اعتیاد دعوت کردند. سرانجام درمقابل این مبارزات یکپارچه ودلیرانه، ناصرالدین شاه باتمام قدرت استبدادیش مجبوربه عقب نشینی شد وبناچار امتیاز فوق رالغو کرد.

بطورکلی فعالیتهای مبارزاتی زنان کشورما برای آزادی درسالهای ۱۲۹۰ــ ۱۲۸٤ خورشیدی همراه با نهضت مترقی خواهانه مشروطه خواهی اوج گرفت. دراین دوره قشروسیعی اززنان میهن ما بویژه درآذربایجان دوشادوش مردان درمبارزات مشروطه خواهی شرکت نمودند. ازجمله هنگامیکه کمیسیونی درتبریز برای اعانه تشکیل شد، زنان آذربایجان جواهرات خود راهمچون وقف کمیسیون هدیه کردند. در دوره محاصره تبریز ازطرف دستگاه فاسد وجبار محمدعلی شاه، زنان گذشته ازاینکه درپشت جبهه شرکت داشتند درمیدانهای نبرد نیز پابپای مردان جانفشانی میکردند. روزنامه "حبل المتین" که یکی ازروزنامه های مترقی دوران مشروطیت محسوب میگردید نوشت "دریکی از زدوخوردهای بین اردوی انقلابی ستارخان بالشکریان محمدعلی شاه، بین کشته شدگان انقلابی جسد ۲۰ زن ــ مشــــروطــــه طلب درلباس مبدل پیداشده."

پیروزی انقلاب اکتبر برقراری حکومت سوسیالیستی دراتحاد شوروی، در توسعه جنبش رهایی بخش ملی ایران تاثیرفراوانی بجای گذاشت. درسال ۱۲۹۹ باتشکیل حزب کمونیست ایران ورشد جنبشهای ملی، سازمانهای سیاسی زنان نیزدرشهرهای مختلف ایران شکل گرفت. زنان گیلان برای بدست آوردن حقوق اجتماعی وسیاسی خود درسال ــ ۱۳۰۰ خورشیدی، یکسال پس ازکودتای ننگین رضاخان قلدر، در رشت جمعیتی بنام "پیک سعادت" رابوجود ــ آوردند. این سازمان برای کسب حقوق اجتماعی وسیاسی زنان مرامنامه واساسنامه‌ای تدوین کرد. مؤسسین این جمعیت عبارت بودند از شوکت روستا، جمیله صدیقی، سکینه شبرنگ، روشنك نوعدوست وعده‌ای دیگر. این عده با تشکیل کلاسهای اکابر، دبستان، دبیرستان، کتابخانه، انتشارمجله‌ای تحت عنوان "پیک سعادت نسوان"، ترتیب مجالس سخنرانی ودادن نمایش کمك بزرگی به بالابردن سطح آگاهی زنان زحمتکش گیلان نمودند. جمیله صدیقی وشوکت روستاکه دراین فعالیتها شرکت خلاقانه‌ای داشتند بعدها توسط رژیم دیکتاتوری رضاخان دستگیروبه چهارسال زندان محکوم شدند. همزمان باتشکیل این سازمان درسال ۱۳۰۰ خورشیدی، جمعیتی درتهران بنام "نسوان وطنخواه" تشکیل شد که دارای نشریه‌ای بنام "جهان زنان" بود. این جمعیت هدفش منحصربه مبارزه برای کشف حجاب ومبارزه با خرافات بود. دراصفهان نیز جمعیتی بشکل اتحادیه صنفی اززنان تشکیل شد. درشیراز "مجمع انقلاب زنان" بهمت شاعرمشهور "زندخت شیرازی" کارخود رابا جسارت هرچه بیشتر علیه حجاب زنان ونیز در راه آزادی وبرابری حقوق بامردان، تبلیغ میکرد. دراواخرسال ۱۳۰۵ درتهران جمعیتی بنام "بیداری نسوان" تشکیل ومقارن همین ایام درقزوین جمعیت دیگری با مرامنامه مشابه جمعیت بیداری نسوان، بنام "انجمن نسوان"

جوانان مبارز ، شما میتوانید در دستههای سه نفری یا چهار نفری که از هر نظر مورد اعتمادتان هست بمطالعه آثار بنیانی بپردازید تا شناخت صحیحی از موقعیت فعلی جنبش داشته باشید . همچنین تجاربی را که بدست آورید در جریان عمل قرار داده و در محل کار یا دبیرستان وغیره از آن استفاده کنید . سعی کنید بین تمام جوانان مبارز وحدت و همبستگی بوجود آورید ، چون وحدت کامل نیروهای انقلابی نباید به جریانهای ناآگاهانه و خودبخودی واگذار شود .

اگر تا دیروز گروهها حاضر نبودند هیچ جریانی را بعنوان محور اساسی وحدت خود بپذیرند ، امروز یک جریان پیشرو وجود دارد که صلاحیت ایفای نقش رهبری را بطور نسبی پیدا کرده و میتواند محور چنین وحدتی قرار بگیرد ، این جریان " چریکهای فدائی خلق " است .

" چریکهای فدائی خلق " این موقعیت را دارا ست که وارث کلیه سنن انقلابی جنبش کارگری بشمار رفته و نقش استراتژیک را در جنبش بعهده بگیرد . علاوه بر این " چریکهای فدائی خلق " نشان داده اند که از مارکسیسم ـ لنینیسم برداشتی خلاق داشته تا حد جانفشانی در آن مومنند . در تمام طول تاریخ جنبش کارگری در وطن ما چنین جریانی وجود نداشته است .

وظیفه جریانهای کوچک و بزرگ مارکسیست ـ لنینیست انقلابی است که امروز نیروی خود را در اختیار پیشروترین مشی و جریان جنبش بگذارند . این جریانها باید بر هرگونه تنگ نظری گروهی ، بقایای بی اعتمادی و استقلال طلبی بیجای خود غلبه کرده ضرورت تاریخی را که جلوی چشم آنان در حال تکوین است ، درک کنند .

در حال حاضر هر گروه یا هسته سیاسی ـ نظامی مارکسیست ـ لنینیست باید در صورت امکان نیروی خود را در اختیار " چریکهای فدائی خلق " بگذارند یا بی آنکه شبهه ای در افکار عمومی باشد نام " چریکهای فدائی خلق " را با یک عنوان اضافه برای تشخیص واحد خود بکار برند . محفلها ، هستههای سیاسی و صنفی مارکسیست ـ لنینیست باید رابطه اصولی مبارزات خود را با یک جنبش مسلحانه درک کنند و مبارزات صنفی (اقتصادی ـ سیاسی) خود را در ارتباط با مبارزه جنبش مسلحانه تنظیم کنند . تنها در چنین صورتی است که این مبارزات گامی موثر در بسیج توده ها و اعتلای جنبش انقلابی بشمار میرود . شناخت مشی " چریکهای فدائی خلق " به کانالیزه کردن آگاهانه نیروهای این مشی و پشتیبانی از جنبش مسلحانه به هر طریق ممکن گرد داز جمله وظایف مهم جریانهای سیاسی ـ صنفی بشمار میرود .

برقرار باد پیوند کارگران و زحمتکشان ایران با چریکهای انقلابی

نابود باد دیکتاتوری ضد خلقی و ضد کارگری محمد رضا شاه

پیروز باد مبارزات کارگران و تمامی زحمتکشان ایــــــــران

با ایمان به پیروزی خلق

فدای خلـق لاهیجان

طرفـدار

سازمان چریکهای فدائی خلـق ایران

تیرماه ۱۳۵۷

سال است از سرنوشت جنگل و میرزا کوچک خان آموخته اند که یک جنبش انقلابی فقط با اتکاء به نیروی خلق و بسیج وسیعترین قشرها و طبقات استکه میتواند سرنوشت خود را بدست گیرد .

مگر انقلابیون ایران میتوانند سالهای ۴۲ - ۳۹ ، هنگامیکه رژیم به سرکوبی شدید مردم و تحکیم دیکتاتوری خود پرداخته بود ، ماه عسل مناسبات ایران و شوروی که آغاز شده بود فراموش کنند ؟ این موضوع ثابت کرد که جنبش انقلابی ایران باید مسیر خود را مستقل از راه و سیاست شوروی و هر قدرت خارجی دیگر پی ریزی کرده و با اتکاء بنیروی خلق براه خود ادامه دهد . چنانکه شوروی و دیگر قدرتها و جریانهای جهان نیز بدون توجه به منافع و مصالح جنبش ما مناسبات خود را با ایران تنظیم میکنند . گاهی هم به انقلابیون ما برچسب " توده ای " میزنند ، شاه و دستیارانش میخواهند با این حرفها ، جلوی پیوند خلق ستمدیده را با " چریکهای فدائی خلق " بگیرند . رژیم خائن میداند خیانت و خود فروختگی اکثر رهبران و مسئولان حزب توده در مردم ایجاد تنفر و انزجار کرده است . اما این را نمیداند که مردم ما براحتی این موضوع را با خون ، پوست و استخوان خود لمس کرده اند که " چریکهای فدائی خلق " بهیچوجه مانند اکثر مسئولان خود فروخته و خیانتکار حزب توده ، خلق مبارز ایران را در برابر گلوله های ارتش مزدور رژیم تنها نخواهند گذاشت . بهترین گواه بر صحت گفته هایمان در تیرماه سال گذشته است . وقتیکه رفیق شهید " کاظم غیرائی " چریک فدائی خلق در یک برخورد ناجوانمردانه با ماموران سازمان امنیت شاه در شهید رودبر گشت و پس از یک نبرد چند ساعته شهید گردید ، خلق مبارز لاهیجان برای همدردی و تسلیت به خانواده او چندین روز به خانه اش رفت و آمد میکردند .

۲ـ آگاه کردن افرادی که مشغله بهیچ کاری در شهرهای کوچک نیستند .

ما این را میدانیم که با تکرار عمل خود ممکن است بزودی مورد یورش پلیس قرار گرفته ، دستگیر و زندانی شویم ولی این را بخوبی میدانیم که باید در برابر خلق ستمدیده و زحمتکش که پشتش هرروز زیر فشار و ستم و استثمار ، زیر ضربات سنگین مالیاتها و عوارض و زیر مشتهای اطاق اصناف که با شعار عوامفریبانه " مبارزه با گرانفروشی " به چاپیدن و چپاول مردم مشغول است ، احساس مسئولیت کنیم . در حالی که ۱۲ جوان لاهیجانی بخاطر آزادی مردم خویش ، همچنین بخاطر نجات خلق ستمدیده از زیر ستم و ظلم شاه دیکتاتور و اربابان امریکائیش خون خویش را در راه خلق و با نام " چریکهای فدائی خلق " نثار کردند ، آیا ما نباید برای توجیه راهشان که چرا بعضی از جوانان ما اعدام و بعضی زیر شکنجه بشهادت رسیده اند ، به چند سال زندان را بشتمان بمالیم ؟ بعضی ها برای توجیه بی عملی شان میگویند ما در صدد راه بهتر و صحیحتر هستیم ، خود را در خیالبافی خوش خوطه ور ساخته و برخی نیز خود را بخاطر اینکه در آینده بتوانند با جنبش مترقی در تماس باشند ، خود را از همه چیز دور نگهداشته اند . در هر حال نداشتن تماس مستقیم با " چریکهای فدائی خلق " نباید مستمسکی برای بیعملی گردد ، امکان این است که ما زیر ضربات پلیس متلاشی شویم ، ولی این امکان صد چندان بیشتر است که جوانان مبارز شهر ما ، راه ما را دنبال کرده و برای بالا بردن شعور اجتماعی خلقمان دست به تکثیر و انتشار آثار سازمان " چریکهای فدائی خلق " بزنند ، این مساله مثل آفتاب روشن است . خیالبافان و بیعملان بهیچوجه نمیتوانند آنرا انکار کنند .

۳ ـ اطلاع یافتن جوانان مبارز از موقعیت فعلی جنبش و شناخت صحیح از آن .

صدای خلق لاهیجان سالروز شهادت "حمید اشرف" عضو کادر مرکزی و رهبری سازمان "چریکهای فدائی خلق ایران" را در روز ۸ تیر ماه گرامی میدارد .

هممیهنان مبارز

در این هشت ماه اخیر ما شاهد تظاهرات خونین خلق مبارز با رژیم شاه خائن و هم مسلکان درباریشان بوده ایم تظاهرات خونین مردم ستمدیده و زحمتکش قم ، تبریز ، یزد ، اهواز ، مشهد ، زرند کرمان ، زنجان و .. شاه خائن و ارتش مزدورش را سخت به وحشت انداخته است . همچنین تظاهرات خونین ، این مسئله را باثبات رسانده است که خلق مبارز ایران ، برای رهائی از زیر یوغ ستم و بردگی رژیم پلیسی حاکم باید دست به مبارزه مسلحانه بزند .

در چنین شرایطی است که صدای خلق لاهیجان برای افشای حقایق و شناخت خلق از جنبش مترقی در حد توانائی خویش تصمیم به انتشار آثاری از سازمان " چریکهای فدائی خلق " گرفته تا راهگشای مردم مبارز ما باشد .

<u>چه عواملی باعث انتشار این اطلاعیه شده است؟</u>

۱ــ آگاه کردن خلق مبارز لاهیجان از پیشرفت جنبش کارگری در ایران .

خلق مبارز ، هفت سال از "رستاخیز سیاهکل" می گذرد . از آن زمان تا به امروز سازمان "چریکهای فدائی خلق" رشد همه جانبهای نموده و با عملیات مسلحانه خود در سراسر خاك ایران افسانه شکست ناپذیر بودن رژیم را درهم شکسته است . رشد مبارزه مسلحانه پیوند چریکها با مردم ستمدیده و زحمتکش را بهمراه دارد . شاه خائن و اربابان امریکائیش با آگاهی به این قانون که عمیق شدن پیوند چریکها با مردم ستمدیده موجب نابودی او و دار و دسته اش خواهد شد ، هر روز دست به طرح توطئه جدیدی می زنند تا بین انقلابیون و مردم ستمکش ما تفرقه انداخته و نگذارند توده های مردم ما به انقلابیون یاری رسانند .

یکی از توطئه های رژیم اینست که انقلابیون ما را وابسته بخارج و عوامل بیگانه مینامد . انقلابیون بیش از ..

۸

به بهره‌برداری رسانیدند سپس تأسیسات [illegible] که [illegible] تخفیف نمایند دولت دهقانان کمک کند، و اعوان سرمایه‌داری
نا چیزشان زیر آب فرو برده‌اند.

دانش‌آموزان، دانشجویان و روشنفکران مبارز!

شرایطی که پیش روی ما است ایجاب میکند که نه تنها برای شناساندن رفقای چریک و هدفهای آنها به توده‌ها فعالانه
بکوشیم، در حالیکه [illegible] هر دسته اش برای فعالان و هواداران چریک‌ها ما آماده است و آگاهی روی خوانندگان و تبلیغ
حمایت که نقش چریک را در جنبش مسلحانه به صورت مقدمه‌ای شرح دهیم و مسایل تئوریک خود را که عموم مردم کمتر با آن آشنایی دارند [illegible]
ترکیب سازیم. برای توده‌ها توضیح دهیم که اینها باید خود عملاً به جنبش مسلحانه بپیوندند [illegible] از آن حمایت نمایند تا همه با هم
این اژدهای [illegible] و حمله‌های خارجی را از میان ببریم. با آنان بگوئیم که چریک تنها مانند همه مارکسیست‌ها شرایط [illegible]
و خفقان و رشد [illegible] را در جامعه قرار داده است.

باید کوشش بسیار به همه توده‌ها [illegible] حمله خویش را شناسانیم.

امپریالیستها و [illegible] ایران با چریکهای فدائی؟

«در حرکت و [illegible] السیاسی [illegible] خلق؟»

«در دوره جدید جریان انقلابی [illegible]؟»

«روز [illegible] معین شده و امپریالیسم در ایران؟»

«گروه چریک‌کش»

«خطوط و درو»

«استعمار [illegible] جنبش [illegible] ـــ هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران»

[illegible] گرامی داریم. ۱۶ اسفند ماه ۱۳۵۶

توضیح ـ چریک‌کش ـ [illegible] ([illegible])

(۲)

شده فاش با دستهایم ... ۱۷ شب را [illegible] هنگامی [illegible] ما را [illegible] خارج [illegible] : و با فریاد
و سرنیزه [illegible] مردان و زنان [illegible] واحد زندان را [illegible] خلق [illegible] و مردم [illegible] دیگر [illegible] شاهد
آن بوده‌ام [illegible] . [illegible] از این [illegible] در سرکوب جنبش‌های منطقه [illegible] می‌کند [illegible] جنبش عشایر
را [illegible] سرکوب نمود . [illegible] منطقه از طرف امپریالیسم [illegible] خلق
[illegible] و [illegible] سادات [illegible] از بین بردن جنبش‌های خلق [illegible]
و [illegible] آخرین [illegible] همه [illegible] آنچه [illegible] که از [illegible] جنبش و [illegible] دهقانان [illegible]
[illegible] مشهد [illegible] برای از بین بردن جنبش‌های حق‌طلبانه خلق [illegible] امپریالیسم [illegible]
ایران [illegible] (از طرف [illegible]) [illegible] خلق ستمدیده ما قرار داده است و [illegible]
سرنیزه [illegible] مزدور [illegible] خود [illegible] امپریالیسم [illegible]
[illegible] از آنکه [illegible] آن [illegible]
به [illegible] جنبش با [illegible] خواهد بود .

[illegible] است [illegible] و [illegible]
[illegible] حق [illegible] زندگی [illegible]
[illegible] دهقان .
[illegible] حق‌طلب [illegible] وحشیانه [illegible]
[illegible] خانه‌های [illegible]
[illegible] اصلاحات
ارضی [illegible] دهقانان [illegible] است . و با [illegible] شرکت‌های [illegible]
که [illegible] خانواده [illegible] زندگی را بر دهقانان [illegible] دشوار کرده
است [illegible] زمین [illegible] وحشیانه [illegible] (اگرچه [illegible]
در [illegible] اصلاحات ارضی [illegible] زمین‌ها را تصاحب نموده‌اند) ، (چنانکه در اطراف [illegible]
[illegible] دهقانان آن [illegible] اعلام کرده‌اند [illegible]
[illegible] بوده است) ، [illegible] دهقانان [illegible] حقیقت [illegible] از [illegible]

خلق مبارز ایران!

هفت سال پیش در ۱۹ بهمن ۴۹ ۱۳ [illegible] اولین گروه‌های رزمنده [illegible] جنگل [illegible] [illegible]

[illegible] خلق قهرمان ایران [illegible] [illegible] دوران امپریالیسم [illegible] ما را [illegible] ثبات و آرامش

در منطقه [illegible] [illegible] شده و دشمن از همان آغاز [illegible] ترس

[illegible] [illegible] زمین [illegible] منطقه [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] این از [illegible] واقعه [illegible] منطقه [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] . دشمن [illegible]

[illegible] [illegible] پس از [illegible] [illegible] سال ۵۰

[illegible] [illegible] [illegible] . [illegible]

[illegible] ۵۰ [illegible] خلق [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] و اما با همه [illegible] شرایط اجتماعی

[illegible] [illegible] [illegible] هر روز [illegible] [illegible]

[illegible] خلق [illegible] ایران [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] خلق [illegible]

[illegible] [illegible] سال ۳۲ [illegible] [illegible] خلق

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] چون [illegible] دهقانان [illegible] دارد [illegible]

[illegible] [illegible] . [illegible] خلق ستمدیده [illegible] ۱۵ [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] زندان [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] خلق ستمدیده ایران [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] خلق [illegible] ایران [illegible] خلق [illegible] ایران [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

دشمن [illegible] .

چریکهای انقلابی اینکار را کرده اند. یادر تاریخ ۹/ ۱۰/ ۵۲ چند تن از رزمندگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران سرگرد علینقی نیاطبع را که جنایتکار مسلم بود و کارش شکنجه کردن زندانیان سیاسی بود/ ماشینش را در نزدیکی کاخ شاه و کاخ نخست وزیر متوقف کرده و نامبرده را تیرباران نمودند. پس از انجام این عمل انقلابی در ماشین او بمب ساعتی کارگذاشتند و بدینوسیله دو شکنجه گر معروف دیگر را هم که برای بازدید بصحنه آمده بودند/ نابود ساختند. با اینکه این خبر بلافاصله در تهران پخش شد/ با رژیم شاه کوشید این موضوع را تا حد ممکن کوچک و بی اهمیت جلوه دهد و بدین منظور در صفحه" دو روزنامه های جیره خوار خود چند سطر/ خبر بصورتی ناقص و نادرست درج کرد و نوشت که یک کارمند بنام نیک طبع با بمب باصطلاح خرابکاران کشته شده است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران عملیات انقلابی دیگری منجمله ایجاد انفجار در اداره" کار خراسان / که کارگران و زحمتکشان شریف مشهد زور میگفت و اجحاف مینمود/ همچنین فرمانداری رودسر را که بدهقانان آن منطقه زورگوئی میکرد با بمب نیرومندی ویران ساخته و حمایت و پشتیبانی خود را از زحمتکشان این ناحیه ها اعلام نمود. عبدالعلی شهریاری نژاد (معروف باسلامی مرد هزار چهره) بزرگترین جاسوس و مشاور عالی سازمان امنیت را که با جاسوسی اش توانسته بود بسیاری از مبارزین را به شکنجه گاههای رژیم شاه منفور بفرستد اعدام انقلابی نمود. تیمسار فرسیو خائن و خود فروخته را اعدام نمود (فرسیو رئیس دادرسی ارتش بود که بخاطر خوشخدمتی بیش از حد بشاه خائن / ۱۳ تن از انقلابیون فدائی را باعدام محکوم کرده بود). دکه های پلیس راه در چند نقطه" تهران برای آنکه پلیس به رانندگان وانت و تاکسی بارزور گوئی میکرد منفجر کرد. سروان نوروزی رئیس گارد دانشگاه صنعتی را که در سرکوب و آزار دانشجویان مبارز/ از خود خوشخدمتی زیادی نشان میداد اعدام نموده و بسزای اعمالش رساند. همچنین در آذرماه سال ۱۳۵۶ با انفجار شهرداری شهرری (منطقه" ۱۲) / حمایت و پشتیبانی خود را از زحمتکشان خارج از محدوده که بارها مورد یورش وحشیانه" مأموران شهرداری و کلانتری قرار گرفته بودند اعلام داشته / یکبار دیگر زورگوئیهای دولت ضد خلقی شاه را با قهر انقلابی پاسخ گفت. و نیز برای نشان دادن خشم و نفرت خلق زحمتکشمان با امپریالیسم آمریکا و بمناسبت ورود کارتر این نماینده" سرسپرده" سرمایه داران غارتگر آمریکائی و حامی شاه دیکتاتور/ انجمن ایران و امریکا را با بمبی نیرومند منفجر ساختند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برای حمایت و پشتیبانی از مردم مبارز تهران و تبریز و طبقات زحمتکش ایران که مبارزات حق طلبانه" آنها با یورش وحشیانه مزدوران شاه بخاک و خون کشیده شده بود / کلانتری ٤ و مقر حزب رستاخیز قم و کلانتری ۳ تبریز را با بمبهای نیرومندی منفجر نمود و بدینطریق بشاه مزدور نشان داد که دیگر خلق زحمتکش ایران تنها نیست و جواب گلوله با گلوله داده خواهد شد.

شاه سعی میکند که چریکهای انقلابی را "خرابکار" معرفی نماید. آری چریکهای انقلابی خراب کنندگان نظام شاهنشاهی هستند/ آنها ویران کنندگان استبداد و خونخواری ۲۵۰۰ ساله اند. ویران کردن این ساختمان کهنه و پوسیده برای بنای جامعه ای نوین و مترقی و شکوفان ضرورت دارد. برای بنای حکومت خلق باید نخست حکومت شاهنشاهی را که دوران آن دیگر سرآمده است/ خراب و ویران کرد.

شاه مذبوحانه میکوشد خلق را از وجود این فرزندان رزمنده و راستین بیخبر نگهدارد/ ولی غافل از اینکه چریکهای انقلابی بر پیکر طبقه" حاکمه و حکومت ننگین شاه میزنند و افشاگریهائیکه از رژیم شاه در پناه آتش اسلحه میکنند/ خلق را از وجود خود با خبر میسازند. شاه میکوشد که چریکهای انقلابی را دشمن خلق و عوامل بیگانه معرفی کند. ولی خلق زحمتکش ما دیگر دوست را از دشمن بخوبی تشخیص میدهد و میبیند که چگونه چریکهای انقلابی همواره پشتیبان زحمتکشان هستند و دریافته اند که دشمن واقعی خلق و عامل بیگانه/ همانا دولت ضد خلقی شاه است نه چریکهای انقلابی.

گرایش مردم زحمتکش بسوی چریکهای انقلابی روز بروز بیشتر میشود و بیشتر فرزندان انقلابی خود را مورد حمایت و پشتیبانی قرار میدهند. اعضای "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" جان باختگان راه رهائی خلق زحمتکش ایران هستند و هدف گلوله هایشان سینه خائنینی است که با وحشیانه ترین شکل حق خلق میهن ما را میخورند. چریکهای انقلابی میخواهند خلق زحمتکش را با عملیات انقلابی و افشاگرانه" خود باین حقیقت آگاه سازند که مردم میتوانند با شرکت فعال در مبارزه حاکمیت این رژیم را از بین ببرند و یک حکومت خلقی که خود مردم در آن عهده دار امور باشند برپا سازند.

ما گروه هوادار "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" "خاطره" رفقای شهید علی اکبر صفائی فراهانی / مسعود احمدزاده / اسکندر صادقی نژاد/ امیرپرویز پویان / علیرضا نابدل / بهروز دهقانی / حسن نوروزی / بیژن جزنی / حمید اشرف و صدها انقلابی شهید دیگر را که با ایثار جان خود نهال جنبش آزادیبخش خلق ما را آبیاری کردند گرامی میداریم و ایمان کامل داریم راهی را که آنها آغاز نمودند/ در یک مبارزه طولانی و با شرکت فعال توده" های زحمتکش و تحت ستم ایران بنابودی حکومت خاندان ننگین پهلوی که نماینده" طبقه" حاکم خونخوار ایران و غارتگران خارجی است منجر خواهد شد.

نابود باد حکومت فاشیستی ـ سلطنتی محمدرضاشاه دیکتاتور/ دست نشانده" امریکا

پیروز باد مبارزه" مسلحانه تنها راه رهائی خلقهای زحمتکش و تحت ستم ایران

مستحکم تر باد پیوند خلق زحمتکش ایران با چریکهای انقلابی

با ایمان به پیروزی راهمان

گروه هوادار "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران"

تابستان ۱۳۵۷ خورشیدی

پیروز باد مبارزه مسلحانه محور اساسی سایر اشکال مبارزاتی خلق ما

«سازمان چریکهای فدائی خلق ایران» چیست واعضای آن کیستند؟

هموطنان عزیز! دروطن ما مشتی کارمندان عالیرتبه، دزد وفاسد وسرمایه‌داران نوکرخارجی هستند که شاه خائن وآدمکش رئیسشان است. این عده که طبقه حاکمه کشورمان را تشکیل میدهند زندگی خوش وخرمی دارند واز بهترین نعمات زندگی برخوردارند. درمقابل آنها، میلیونها مردم زحمتکش ورنجبر ما از کارگر ودهقان ودانش‌آموز ودانشجو گرفته تا کارمندان وکسبه وغیره وجود دارند که همیشه در زجروعذاب هستند وروزبروز زندگی برایشان سخت‌تر میشود وهرروز آرزوی روز بهتری را دارند. با آنکه ساختمان وکارخانه ومزارع در کشورما روزبروز بیشتر میشود ولی مردم ما هرروز بدبخت‌تر وفقیرتر میگردند. کالاها واجناس گوناگون زیادتر میشود ولی قیمتشان روزبروز بالا میرود. چرا؟ برای اینکه تمام مملکت درچنگ مشتی کارمندان عالیرتبه، دزد وفاسد وسرمایه‌داران نوکرخارجی است. همه چیز مال آنهاست وبمیل خودشان خون مردم را درشیشه میکنند. دراین شرایط، تنها راهیکه برای خلق زحمتکش ایران باقی میماند این استکه با این طبقه حاکم ظالم وغارتگر مبارزه کند وباتداوم وپیگیری درمبارزات خود دریک نبرد طولانی قدرت را از دست این زالوهای کثیف خارج نماید. اما چگونه؟

درچند دهه گذشته خلق ما همواره باطبقه حاکمه وباحکومت فاسد دست‌نشانده مبارزه کرده است ولی این مبارزات بطور کلی شکل غیر مسلحانه داشته وحداکثر آن اعتصابات، تظاهرات ومیتینگهای سیاسی بوده است. اگرهم درضمن قیامهای خشنی در اینجا وآنجا بوقوع پیوسته بصورت یک شورش تند ونامنظم وگذرنده بوده که بدون رهبری سازمان یافته وبدون برنامه مشخص وحساب شده انجام گرفته است. شاه این نوکر دست‌نشانده سرمایه‌داران خارجی وبخصوص سرمایه‌داران آمریکائی، بسادگی توانسته اینگونه مبارزات را درنطفه خفه کند. مردم وطن ما خود بخوبی میدانند که رژیم شاه خائن چگونه اعتراضات حق طلبانه مردم را بازور سرنیزه ومسلسل سرکوب میکند ومبارزین را روانه شکنجه‌گاهها ومیدانهای اعدام مینماید. حکومت شاه بارها اعتصابات دانشجویان دانشگاهها، اعتصابات حق طلبانه کارگران کارخانجات، تظاهرات خیابانی مردم زحمتکش را وحشیانه سرکوب نموده وصدای حق طلبانه مردم مبارز واعتراض‌کننده را بازور وتهدید خاموش کرده است. مثلا کشتار بیرحمانه خلقهای آذربایجان وکردستان درسالهای ۲۴ ـ ۱۳۲۵، کشتار وحشیانه خلقهای زحمتکش ایران درسال ۱۳۳۲، سرکوب خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، کشتار بیرحمانه کارگران جهان جیت، حمله وحشیانه بکارگران کارخانجات ایرانا، شاهی، بنزخاور، بافکار ویورشهای وحشیانه به دانشجویان ودانش‌آموزان، شکنجه‌های قرون وسطائی واعدام زندانیان سیاسی واخیرا بمردم مبارز واعتراض‌کننده منجمله کشتار وحشیانه مردم زحمتکش تبریز، قم، یزد، جهرم و.... رامیتوان نام برد.

شاه ودارودسته جنایتکارش از روشهای مختلفی برای خفه کردن اعتراضات مردم استفاده میکنند. آنها تا آنجاکه بتوانند مردم را فریب میدهند وسعی میکنند آنها را باتبلیغات گوناگون سرگرم ساخته ومطیع خود نمایند. با آنکه بادادن برخی امتیازات کوچک ومحدود که یک هزارم حق مردم هم نیست (مثل بیمه، درمانی قلابی و....) وتبلیغ فراوان روی آن، سعی میکنند مردم را فریب داده واز اعتراضات حق طلبانه آنان جلوگیری کنند. اما مبارزینی راکه خواهان ادامه مبارزه هستند وفریب تبلیغات وپول ومقام را نمیخورند، دستگیر، زندانی وشکنجه مینمایند تابلکه آتش مبارزه را برای مدتی هم که شده خاموش سازند. دولت جنایتکار شاه همچنین برای سرکوب اعتراضات دسته جمعی مردم از دستگیری‌های وسیع وحمله وتیراندازی بآنهاکه برای گرفتن حق خود بپاخواسته‌اند هیچ ابائی ندارد. بدینوسیله شاه خائن وهمدستان کثیفش، از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ببعد باخفه کردن هرگونه صدای حق طلبانه مردم توانسته بودند محیط امن وآرامی برای فرمانروائی خود بوجود بیاورند، اما این وضع زیاد طول نکشید ورستاخیز سیاهکل در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ وضع را بکلی عوض کرد. باین ترتیب که دراین هنگام «چریکهای فدائی خلق ایران» باین نتیجه رسیده بودند که تنها راه مبارزه با این حکومت غارتگر، مبارزه مسلحانه است وباشروع این مبارزه است که آنها قادر خواهند بود مردم را بتدریج باین شکل اصلی مبارزه جلب نموده تا اینکه ارتشی نیرومند از خلق ستمکش ورنجدیده ایران بوجود آید وتحت رهبری حزب انقلابی اینکه در جریان مبارزه بوجود میآید، حکومت شاه را سرنگون ودست غارتگران داخلی وخارجی را ازثروت ملی (نیروی کار ومنابع عظیم زیرزمینی) کوتاه ساخته وحکومتی خلقی که نوکر سرمایه‌داران خارجی نباشد ومنافع زحمتکشان را تامین کند برجای آن بنشانند.

در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ برای اولین بار یک دسته از رزمندگان چریکهای فدائی خلق «دسته جنگل» بپاسگاه ژاندارمری سیاهکل از توابع لاهیجان گیلان ومال وناموس مردم زحمتکش منطقه را مورد تجاوز قرار میداد، مسلحانه حمله کرد. پاسگاه را خلع سلاح وچندتن از مأموران فاسد تجاوزگر را نابود ساخت وبسزای اعمال ننگینشان رساند.

اعضای «سازمان چریکهای فدائی خلق ایران» که خود از کارگران ویا از فرزندان کارگران ودهقانان وسایر زحمتکشان ایرانند برای اینکه مردم را از هدفهای خود آگاه کنند وتوجه بیشتر نقشه‌های ضدمردمی شاه خائن را افشا نمایند وراه درست واساسی مبارزه باحکومتش را که هرروز بیشتر از قبل باعث بدبختی وسیه روزی مردم زحمتکش میشود نشان دهند، عملیات انقلابی مسلحانه بسیاری انجام داده‌اند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران درسراسر ایران فعالیت میکند وبآگاه کردن مردم وبه متحد کردنشان اقدام میکند. ولی شاه درمقابل این امر تاحد ممکن سکوت کرده وسعی میکند این عملیات انقلابی را از خلق ایران پوشیده نگهدارد ودرآنجاهم که دیگر سکوت ممکن نیست حقایق را دگرگونه جلوه میدهد. برای نمونه: درتاریخ ۲۰/ ۵/ ۳۵ یک گروه از رزمندگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران دروسط یکی از اتوبانهای تهران، ماشین محمدفاتح، سرمایه‌دار معروف وچشم راست شاه را که باکمک ژاندارمها بیست نفر از کارگران کارخانه جهان جیت راکشته وعده‌ای رازخمی کرده بود نگهداشت واورا همانجا اعدام انقلابی نمود. درحالیکه روزنامه‌های جیره‌خوار شاه مغلقا نوشتند که فاتح با گلوله کشته شد ونامی از چریکهای انقلابی نبردند. وحال آنکه چریکهای فدائی خلق درمحل اعلامیه پخش کردند ومردم هم فهمیدند که

اعلامیه توضیحی دانشجویان دانشکده علم و صنعت خطاب به مردم نارمک

مردم زحمتکش نارمک! حوادث دو هفته اخیر که با دستگیری دانشجویان دانشکده علم و صنعت، با یورشهای مکرر پلیس گارد شهربانی که از جلو دانشکده شروع و در خیابانهای اطراف خانه به پا میکرد، سئوالی را برای شما پیش میآورد که چرا و به چه علت هر روز عده‌ای جوان (اعم از دختر و پسر) در خیابانهای اطراف دانشکده دست به تظاهرات میزنند و مبادرت به شکستن شیشه‌های بانکها میکنند و نیز هر روز عده‌ای از دانشجویان بیگناه را روانه زندانها و کلانتری و شکنجه‌گاههای ساواک میکنند. اگرچه خود شما تا پیش به این مسائل آگاهی دارید، اما لازم دیدیم که توضیح مختصری هم در رابطه با این مسائل بدهیم. در اردیبهشت ماه گذشته بعد از گسترش مبارزات دانشجوئی و تشکیل میتینگ دانشجویان، تماماً در محوطه دانشکده، با اشاره اربابان ساواکی‌اش به منظور درهم شکستن صفوف فشرده دانشجویان مبارز تصمیم به اعلان تعطیل در تحصیلی دانشکده گرفتند. پس از اعلان ترم، دوره تابستانی اعلام شد. از شرایط ثبت نام پرداخت مبلغ صد تومان بدون ذکر دلیل به حساب دانشکده بود. منظور اصلی از گرفتن این پول ایجاد تفرقه و دودستگی بین دانشجویان و همچنین منحرف کردن ذهن آنها از مبارزات همه‌جانبه علیه قتل و کشتار مردم بوسیله جلادان آریامهری و خراب کردن خانه‌های مردم به بهانه خارج از محدوده و غیره ... بود. رژیم ادعا میکند که تحصیلات دانشگاهی رایگان اعلام شده است! در صورتیکه حتی کمک هزینه ناچیزی هم که به دانشجویان داده میشد بعد از اتمام تحصیلات با سود ۱۱ درصد پس گرفته میشود. و تازه همین کمک هزینه هم از دی دوم بهمن ماه به بعد پرداخت نشده است. ما دانشجویان به منظور مبارزه با این توطئه تصمیم به مقابله با این شرایط گرفتیم. تظاهراتی که به همین منظور برپا شد هر بار با یورشهای وحشیانه گارد مزدور شهربانی منجر به دستگیری تعدادی از دوستانمان شد. شاید این سئوال مطرح شود که چرا این مسئله را از طریق مذاکره با رئیس دانشکده و مقامات بالا حل نکردیم؟ در پاسخ باید بگوئیم که در این مورد صحبت کردن هیچ مسئله‌ای را حل نمیکند. بعنوان مثال مراجعه بیش از ۲۰۰ تن از دانشجویان به وزارت علوم و طرح منطقی مسئله کوچکترین نتیجه‌ای نداده است. در جواب این اهمال بما یادآوری شد که باید حق خود را خودمان بگیریم. مانند سال گذشته بالاخره روز دوشنبه ۳ مرداد با عقب نشینی کامل مقامات مزدور دانشکده مبنی بر لغو باج صد تومانی و تمدید ثبت نام پایان یافت. مردم نارمک در این مدت بارها دانشجویان را همراهی کردند و حتی با پلیس هم درگیر شدند که این خود حاکی از آن است که مردم با ماهیت مزدوری گارد و مأمورین شهربانی و دستنشاندگی حکومت خودکامه پهلوی واقفند. شرکت عده زیادی از جوانان زحمتکش این محله در تظاهرات دانشجویان که بخاطر دفاع از آرمانهای ملی و مردمی و مبارزه علیه دیکتاتوری، ظلم و ستم دستهای امپریالیسم و حکومت ضد خلقی حاکم بر کشورمان است، پیوند مبارزات دانشجویان در دانشگاهها با مبارزات مردم زحمتکش میهنمان روز بروز مستحکم‌تر میشود و در نهایت به سرنگونی نظام دیکتاتوری ضد مردمی شاهی و پیروزی نهائی خلق منجر میگردد.

«برقرار باد پیوند جنبش دانشجوئی با خلق زحمتکش»

«پیروز باد مبارزات حق طلبانه کارگران، دهقانان و دانشجویان»

«پیروز باد مبارزه مسلحانه پیشتاز الهام‌بخش مبارزات خلق ایران»

«دانشجویان علم و صنعت» تیرماه ۱۳۵۷ خورشیدی

این اعلامیه در منطقه شمال شرقی نارمک [illegible]

اکنون که امپریالیسم و دیکتاتوری وابسته به آن (رژیم شاه) در مرحله‌ی زوال قرار دارند و هر سنگی که بر می‌دارند به روی پای خودشان می‌افتد ، رژیم دیکتاتوری شاه نیز با اعمال فشار بر صفوف مبارزین را هرچه بیشتر فشرده می‌کند و قدمی بزرگ در راه سرنگونی خویش برمی‌دارد، بر ماست که بکوشیم تا بار دیگر با انتخاب تاکتیکهای اصولی و خلاق ، دشمن را با شکست مواجه سازیم و با انجام مانورهای گروهی (جمعی تر و حساب‌شده تر حرکت کردن در کوه) با پراکنده کردن نیروهای دشمن سرانجام این تکیه گاه ضد خلقی عامل امپریالیسم را در راه این هدف ضد مردمیش به زانو در آوریم .

« مرگ بر رژیم دیکتاتوری شاه خائن ، مزدور امپریالیسم جهانی در منطقه »

« استوارتر باد پیوند راستین خلق زحمتکش ایران با سازمان چریکهای فدایی خلق ، پیشاهنگ راستین طبقه‌ی کارگر ایران »

« با ایمان به پیروزی راهمان »

گروه « دانش‌آموزان هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران » ـ ۱۲/ ۴ / ۱۳۵۷ خورشیدی

بکوشیم تا سراسر فعالیت سیاسی ـ صنفی و انتشاراتی خود را در خدمت جنبش انقلابی مسلحانه قرار دهیم

گامی دیگر در راه توده‌ای نمودن انقلاب مسلحانه

در افشای هرچه بیشتر رژیم دیکتاتوری شاه خائن، وابسته به امپریالیسم بکوشیم

رفقا: هنگامی که بلندگوهای رژیم پاتها در حال تبلیغ دموکراسی بی اساس شاه مزدور هستند، متاسفانه برخی از سازمانها و عناصر به ظاهر مترقی نیز آگاهانه یا ساده‌لوحانه (که بسیار بعید به نظر می‌رسد) حرفهای رژیم را تکرار و گاه صدای آنرا با ردای فلسفه‌ی طبقی می‌آرایند. اینان خوشباوری‌های ابلهانه‌ی اردوگاهی خود را به مثابه‌ی اصول عمده‌ی مارکسیسم ـ لنینیسم می‌پندارند و به خورد مردم می‌دهند.

پس از اعمال دموکراسی شاه در شهرها، البته به زعم رژیم و خوشباوران، که نمونه‌هایی از آن به فجایع قم، تبریز، یزد، جهرم، همدان، شیراز ... و به مسلسل بستن دانشجویان دانشگاه آذرآبادگان در روز هیجدهم اردیبهشت ماه انجامیده، اکنون شاهد پیاده شدن نمونه‌ای دیگر از انواع دموکراسی اعطایی شاهانه در کوه هستیم. این وقایع می‌تواند خود پاسخ دندان‌شکنی باشد به پیران این به اصطلاح رسولان عقلی و بورژوای خلق، آن دسته از روشنفکرانی که می‌خواهند با استفاده از قانون اساسی و تبدیل «دیکتاتوری شاه» به «دموکراسی شاه» بار دیگر جنبش توده‌ای خلق را سرکوب نمایند و به عبارت دیگر در سنگر ضد انقلابی همپای رژیم خونخوار بر روی خلق رگبار گلوله ببارند و تا تمامی خلق را از دم تیغ نگذرانند از این موضع خود دل برنخواهند گرفت.

حیثیت پلیسی این نیروی فریب‌خورده، این نگهبان قاتل خلق، به کوه در تاریخ ۱ / ۲ / ۵۲ با دستگیری ۱۵ نفر از دانشجویان در قله‌ی پلنگ‌چال شروع شده در روزهای بعد ادامه یافت که به دنبال آن شاهد تکرار رذیلانه‌ی آن در آتشکوه (رهزان) بودیم. زیری این عملیات به اصطلاح ضد چریکی و «کوهستانه» توسط جوان رذلی به نام سرهنگ منوچهر نجف‌پناه معروف به منوچهر خان، فرمانده‌ی ~~[illegible]~~ هنگ ژاندارمری مرکز، رهبری می‌شود که با گروهی از ژاندارمها که بر اثر سیاست اصلاحات ارضی رژیم از روستاها آواره شده و راهی شهرها گشته‌اند، جلب این مراکز ضد خلقی (ژاندارمری) شده‌اند. این فرزندان سرگردان و آواره پس از جلب در این مراکز ضد خلقی تحت شستشوی مغزی قرار گرفته و رژیم خونخوار از این روستائیان ساده‌لوح خلق مهره‌های ضد خلقی پرورش داده و در راه اهداف ننگینش از آنها سوء استفاده می‌نماید. اینان با استفاده از تاکتیک گروههای کوهنورد در گروههای بزرگ سرودخوان، آنان را روانه‌ی محل عملیات می‌سازد که پس از محاصره‌ی رفقای دانشجوی کوهنورد، دختران را در طویله محبوس کرده و با ریختن بنزین بر روی آنها تهدید به آتش زدنشان نمودند. آنها با تجاوز به پسرها (استعمال چوب به آنها) و انجام اعمال وقیحانه با دخترها، درنده‌خویی و حقارت خود را هرچه بیشتر آشکار ساختند.

ما اعضای گروه «دانش‌آموزان هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران» ضمن افشای جنایات رژیم بنا بر شناخت نیازهای عینی موجود در جامعه (که ضرورت کار فعال سیاسی ـ تشکیلاتی کاملا به چشم می‌خورد) با عمل پیگیر و استوار خود در این راه از همه‌ی دانش‌آموزان و سایر اقشار و اصناف می‌خواهیم که با در اختیار قرار دادن تمامی نیروهای خود به کار سیاسی ـ تشکیلاتی (ایجاد گروههای سیاسی ـ عملی) به ضرورت نیازهای شرایط امروز پاسخ صحیح داده و با تمام قوا به افشای رژیم مزدور بپردازند، ضمن ارائه‌ی کارهای توضیحی ـ خبری به ادامه‌ی کارهای آموزشی ـ سازمانی بپردازند تا بدینوسیله به یاری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، پیشگام و هماهنگ راستین طبقه‌ی کارگر ایران و بازوی انقلاب مسلحانه شتافت.

"وقتی سرنوشت ورهایی خلق ازبندهای اسارت بجهان میآید / چگونه میشکست باآغوش بازتمامی خطرات راپجان نخرید ! وچگونه میشکست لحظهای رنجهای خلق رافراموش بکرد وازفکرضربه زدن بدشمن غافل ماند ."

چریک فدایی خلق رفیق اشرف دهقانی

مختصری ازتاریخچه مبارزات زنان ایران

تهیه وتنظیم ازگروه هوادار "سازمان چریکهای فدایی خلق ایران"

اردیبهشت ۱۳۵۷ خورشیدی

چند اعلامیه از ایران :

- پنج اعلامیه از گروه های هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
- دو اعلامیه از دانشگاههای ایران

تکثیر از کنفدراسیون جهانی (اتحادیه ملی)

شهریور ۱۳۵۷ خورشیدی

مجلس شورای ملی

هموطنان گرامی

دامنه فشار دولت و بستن تمام روزنه‌های تنفس زندگی ... های سازمانی چنان ابعاد گسترده پیدا کرده که در مجلس شورای ملی فرصت بحث درباره یکی از بیهوده‌ترین لوایحی که با سرنوشت یکماهه زندگی روزمره مردم شهر قهرمان اصفهان سروکار دارد پیدا نمیشود.

هزاران بیمار و مجروح و مردمی که بطور اتفاقی با بایستی از منازل خود خارج شوند، تا از مراحل هفت خوان اجازه عبور بگذرند و خود را بدوا و درمان برسانند جان خود را از دست خواهند داد.

درحالیکه دولت درباره وقایع اصفهان رسما "اعلام میدارد: "بیم آن میرفت که شهر یکپارچه بآتش کشیده شود" با وجود گذشت ۱۰ روز و اعلام شناخت عاملین و علل واقعه با چندسطر مقدمه نامفهوم و ناموجه و با بکار بردن الفاظ مندرسی چون خرابکار و غیره بی آنکه توضیح لازم و کافی بدهد، جواز استقرار حکومت نظامی از مجلس شورای ملی گرفت.

همه روشنفکران و همه آگاهان و تمام کانونهای حقوقی و سیاسی و اجتماعی میدانند که در آئین‌نامه داخلی مجلس شورای ملی مطلقا "عنوانی بنام پیشنهاد وجود ندارد. پیشنهاد بیش از ۱۵ تن از نمایندگان مجلس شورای ملی (طرح) خوانده میشود و پیشنهاد دولت بمجلس شورای ملی (لایحه) نام دارد. بدلیل بی چون و چرا بودن این مراتب بوده که دعوتنامه زیر بتاریخ پنجشنبه ۲۶ مرداد برای نمایندگان مجلس شورای ملی فرستاده شد، که عینا "کپی میشود.

دستور جلسه فوق‌العاده

روز یکشنبه ۲۵۳۷/۵/۲۹

جلسه علنی فوق‌العاده مجلس شورای ملی بنابه تقاضای دولت ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۲۹ امردادماه ۲۵۳۷ تشکیل میگردد.

دستور جلسه: رسیدگی به لایحه دولت درباره برقراری حکومت نظامی در اصفهان.

رئیس مجلس شورای ملی

درست ۴۸ ساعت پس از صدور این دعوتنامه ها رئیس مجلس شورای ملی طی مصاحبه ای گفتند:

رئیس مجلس شورای ملی با اشاره به قانون اعلام حکومت نظامی که در بهمن ۱۳۲۹ به تصویب مجلس شورای ملی رسیده است گفت. اگر وقتی در جایی ضرورت فوری ایجاب کرد دولت میتواند حکومت نظامی اعلام کند ولی باید ظرف یک هفته (پیشنهاد) آنرا با ذکر علت به مجلس شورای ملی و سنا بدهد و (موافقت) آنها را بخواهد. مجلسین نیز به محض پیشنهاد دولت هر یک جلسه فوق تشکیل و تصمیم خود را اعلام میدارند.

مهندس ریاضی با تاکید بر روی کلمات (پیشنهاد) و (موافقت) که در قانون مصوب سال ۱۳۲۹ آمده است گفت:

<u>پس از مطالعاتی که دولت در این زمینه بعمل آورد</u> و با مراجعه‌ای که به سوابق امر در دوره های گذشته (دوره شانزدهم و دوره هفدهم قانونگذاری) کردیم معلوم شد که دولت برای برقراری حکومت نظامی در یک شهر، (لایحه) ای به مجلس تقدیم نمی کند که محتاج به فوریت یا دو فوریت باشد و یا اینکه مانند لوایح دیگر به کمیسیونهای مربوطه فرستاده شود و یک شوری یا دو شوری تلقی گردد. و با توجه باینکه آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی نیز در این مورد ساکت است. ما طبق (سنت) پارلمانی عمل خواهیم کرد:

باین ترتیب در جلسه علنی فوق العاده روز یکشنبه ـ که نمایندگان دولت نیز حضور خواهند داشت ابتدا متن پیشنهاد دولت را (بشرحی که در فوق از نظر خوانندگان گذشت) برای استحضار نمایندگان مجلس قرائت خواهم کرد و پس از آن، طبق سنت پارلمانی یک مخالف و یک موافق هر یک به مدت پنج دقیقه درباره پیشنهاد دولت صحبت خواهند کرد و مجلس به این پیشنهاد (رای) خواهد داد و تصمیم خود را بصورت (ماده واحده) به دولت ابلاغ خواهد کرد.

بدینگونه ظرف ۲۴ ساعت عنوان لایحه که بطور صریح در دعوتنامه نیز قید گردیده تبدیل به پیشنهاد شد!

بنابراین نه تنها راه بحث وگفتگو درباره یکی از مهمترین تصمیمات مجلس شورای ملی درباره سرنوشت بیش از یکملیون نفر مردم این کشور بسته شد، بلکه بی آنکه توجه کافی ولازم درباره برقراری حکومت نظامی داده شود تصویب آن در مجلس اعلام گردید.

با توجه بشرایط نامساعد فوق، از آنجاکه مشروطیت دفاع فرد و جامعه در برابر دولت ها، از اصول انکارناپذیر حقوق بشر بشمار میرود، نظر باینکه در جلسه یکشنبه ۲۹ مردادماه یکملیون نفر مردم اصفهان وهمه ملت ایران که شریک وسهیم سرنوشت سیاسی مقدر خود هستند، حق دفاع از تریبون مجلس شورای ملی را بدست نیاوردند سطور ا حمال توجه هم میهنان عزیز را بمراتب زیر جلب مینماید:

۱- درمصاحبه استناد شده که آئین نامه مجلس شورای ملی در اینمورد ساکت است.

آئین نامه مجلس شورای ملی نه تنها در اینمورد ساکت نیست بلکه با تاکید عنوان (طرح) و (لایحه) امکان مطرح ساختن عناوین دیگر را بکلی مردود میسازد.

۲- عبارت پیشنهاد در لایحه قانونی برقراری حکومت نظامی مسامحه در عبارت است وهرجاکه این قبیل تعلل قانونی پیش آمده باشد، آئین نامه مجلس که وسیله وابزار تصویب قوانین است ودرحقیقت قوانین ازموجودیت آن تکوین وبتصویب میرسند، حاکم براین تعلل وتسامح تلقی میگردد.

۳- ماده ۹۱ آئین نامه بشرح زیر وبصراحت هرنوع پیشنهاد دولت را لایحه تلقی میکند. ماده ۹۱: لوایح قانونی که ازطرف دولت بمجلس شورای ملی پیشنهاد میشود باید دارای موادی متناسب با اصل موضوع باشد ودلائل لزوم آن درمقدمه لایحه بطور وضوح درج وعنوان قانون نیز در آن معین شده باشد. هرگاه لایحه ای دارای چندماده یا ماده واحده مشتمل براجزائی باشد، باید ارتباط وتناسب کامل با اصل موضوع محفوظ وعنوان لایحه قانونی داشته باشد. درغیراینصورت باید برای هرموضوعی لایحه جداگانه تنظیم وباذکر دلائل تقدیم مجلس شورای ملی شود.

۴- استناد به سنت پارلمانی نیز در اینمورد خاص مصداق ندارد. زیرا ولو دوبار ارتکاب بشیوه خلاف آئین نامه، سنت تلقی نمیشود. سنت ورویه ازنظر حقوق بموردی اطلاق میشود که براثر تکرار روتواتر در حکم ودرعرض قانون قرار گرفته باشد ودر آن مورد مخصوص نیز نصی وجود نداشته باشد.

اگربنا برعایت سنت ورویه پارلمانی است چرا سنت های دموکراتیک ورویه های تشییدمبانی قوه مقننه، نظیر ابراز تمایل مجلس بروی کار آمدن دولت ها منسوخ میگردد، اما تکرار دو مورد خلاف آئین نامه سنت ورویه متقن پارلمانی تلقی میشود؟

۵- ماده ۹۳ میگوید:

کلیه لوایح باید به امضاء نخست وزیر ووزیر مسئول بوده ولوایح مالی باید علاوه برامضاء نخست وزیر ووزیر مربوط امضاء وزیر دارائی را هم داشته باشد.

بنابراین امضاء نخست وزیر ووزرای جنگ وکشور، دلیل آنست که خود دولت در (لایحه بودن) اعلام حکومت نظامی در اصفهان تردید ندارد.

آیا ازنظر افکار عمومی مردم وجهانیان قابل قبول است که مثلاً برقراری مستمری درباره فلان مامور متوفی لایحه تلقی شود اما اعلام حکومت نظامی دراصفهان (پیشنهاد)!

چرا دولت اینهمه ازجلسات مجلسی که لوایح او را تماماً تصویب کرده است وحشت دارد؟ آیا طنین چندعبارت موافق قانون اساسی، در دفاع ازحقوق مردم جای اینهمه ترس واضطراب دارد؟

آیا اینست شأن وشاورهم فی الامر که تابلوی آن بربالای سرهیئت رئیسه مجلس میدرخشد؟

ازآنجاکه درقبال ملت بزرگوار ایران احساس مسئولیت میکنم ونظر باینکه مردم اصفهان در برابر برقراری حکومت نظامی بلادفاع مانده وفرصت آنرا نداشتند که درباره چنین موضوع مهمی که با سرنوشت مردم شریف این شهر وسرنوشت سیاسی کل جامعه ایرانی بستگی تام دارد بحثی بمیان آید، ذیلاً نظرخود را درمورد وقایع اصفهان واعلام حکومت نظامی باطلاع ملت ایران میرسانم.

حادثه ناگوار اصفهان وشیراز که سلسله زنجیر حوادث قم وتبریز ویزد وجهرم وسبزوار ومشهد وهمه شهرهای دیگر وطن ماست. ازسوی هیئت حاکمه ایران بگونه خلاف واقع درمطبوعات تحت فشار "دولتی شده" انعکاس مییابد.

هیئت حاکمه که امروز حداکثر ضریب فشار را اعمال میکند، علیرغم همه مخالفت های ملت بعلت تناقض آشکار در گفتار وکردار وتعدی بحقوق مردم بکلی بی اعتبار شده ومتزلزل در همه مواضع، تظاهر به اوج قدرت میکند.

دلیل ضعف دولت از آنجا ناشی میشود که در گفتار و کردار صحبت از دین و اعتقاد - آزادی و دموکراسی - حاکمیت و ملت - علم و فضیلت و صراحت و صداقت میکند اما در عمل ما شاهد است که روحانیون و وعاظ را دسته جمعی تبعید و مردم را از برگزاری مراسم مذهبی منع میکنند. بمردم و حتی به روزنامه های "دولتی شده" اجازه انتشار اخبار و رویدادها را نمیدهند، بلکه آنان را وادار میکنند که اطلاعات و مطالب خلاف واقع و خلاف مصلحت اجتماعی را انتشار دهند.

سانسور لحظه به لحظه ارتباط مردم را با حقایق اوضاع قطع کرده است. ملاحظه چند نمونه از دستورات کتبی سانسور یکی از دلایل فشار معنوی و روحی بر جامعه ما را نشان میدهد:

قابل توجه همکاران عصر ۳۷/۱/۲۰

۱- فردا روز انعکاس تظاهرات تبریز است که با وضع خیلی خوب و بصورت "هدلاین" چاپ شود.

۲- رای دادگاه درمورد دانشجویان را نیز میتوانید در یک گوشه ای بوضع معمولی چاپ کنید و تیتر کوچکی هم در صفحه اول باشد.

۳- حتما "مقاله" تفسیری درمورد نطق نخست وزیر در تظاهرات امروز تبریز داشته باشید.

قابل توجه همکاران ۳۷/۳/۹

خانم جلال بهزادی مدیرکل حقوقی دانشگاه تهران گویا علیه ۴۲ نفر از ضاربین دانشجو اعلام جرم کرده است. مطلبش قابل چاپ نیست.

قابل توجه همکاران ۳۷/۴/۱۳

راجع به بنی احمد - درخشش - پزشکپور و بانکاه مبرگان بجز از تلکس خبرگزاری مطالبی نوشته نشود.

قابل توجه همکاران ۳۷/۴/۱۴

۱- گویا آقای بنی احمد به تبریز رفته و عده ای از ایشان استقبال کرده و تظاهراتی داشته اند. هیچگونه خبر و مطلبی در این زمینه قابل چاپ نیست.

۲- گویا یکی از دانشجویان دانشکده صنعتی آریامهر دست به خودسوزی زده نامبرده اختلال حواس داشته و درصورت استفاده از این خبر اختلال حواس دانشجو مذکور مورد تاکید قرار گیرد.

۳- عریضه نمایندگان ۱۲ هزار کامیون دار آذربایجان شرقی برای شرفیابی به پیشگاه ملوکانه قابل چاپ نیست و نباید استفاده شود.

آزادی اجتماعات انحصارا " از آن تظاهرات اجباری دولتی شده و آزادی را فقط در مصاحبه مسئولین فاقد حس مسئولیت میتوان شنید.

در مملکتی که برای سرکوبی اندیشه های دموکراتیک سابقه تعیین شده - حاکمیت ملت در استبداد مطلق دولت خلاصه میشود - درخت علم و فضیلت از ریشه و بن کنده شده هر روز بر تعداد افراد ممنوع الاسم و ممنوع القلم در مطبوعات اضافه میشود، آیا باز هم علل وقایع و بی تابی مردم و تظاهرات گسترده نامکتوم مانده است؟

دولت با توسل بوسایل ناجوانمردانه میخواهد مبارزه ملت آگاه و بیدار ایران را که در [وحدت ملی] و ی را اصیل و ملی خود، به نیروی لایزال ملت تکیه دارد، لکه دار سازد.

بدون شک مارکسیست‌های رستاخیزی با تدارک جنگ روانی و تدوین برنامه‌های ضدملی با توجه به امکانات مادی و امکاناتی و تجربیاتیکه از دوران کارگزاری [illegible] دارند، شیوه‌های نوینی بکار میگیرند.

برقراری حکومت نظامی در اصفهان بی آنکه ضرورتی بدان باشد بخاطر ایجاد یک مرکز نمونه ارعاب و تهدید علیه مردم محروم از آزادی بشمار میرود. آیا چند ده نفر خرابکار و یا چند صد نفر مخالف! چه موجباتی میتوانند برای استقرار حکومت نظامی آنهم بمدت یکماه فراهم سازند؟

حال که عاملین این تظاهرات شناخته شده و بادعای دولت دستگیر شده اند، پس دیگر چه موجباتی برای ادامه حکومت نظامی باقی مانده است؟

اعلام حکومت نظامی در نجف‌آباد و بیان این عبارت از سخنگوی رسمی دولت که ممکن است درصورت نیاز در دیگر شهرهای ایران نیز حکومت نظامی اعلام شود، دلیل آنست که قدرت حکومت بمرزهای حکومت نظامی محدود میشود.

هیئت حاکمه و دولت که بی اعلام رسمی حکومت نظامی، شرایط بدتر از اعلام حکومت نظامی را بهمه ارگانها و آحاد و افراد تحمیل کرده است؛ چه نیازی به استقرار حکومت نظامی و اخذ جواز آن از مجلس شورای ملی دارد؟

همه شرایط حاکم بر شهرهای کشور ما هستا "چیزی بالاتر از مفهوم حکومت نظامی است.

دولتی که در حرف دموکرات و در عمل فاشیست مطلق است، بدون شک از برگزاری حکومت نظامی نظیر ماجرای قانون حکومت نظامی ندارد.

دولت با اعلام حکومت نظامی در اصفهان ناتوانی خود را در اداره امور کشور ابراز کرد و نقشه مارکسیست‌های رستاخیزی را که سالهاست در هیئت حاکمه ایران کارگردان حوادث شده‌اند بمرحله اجرا درآورد.

هرچه وابستگان هیئت حاکمه با جناحها و گروههایشان از پیش و بیشتر در فضای "خودساز کرده"! افکار تنگ نظرانه خویش اعمال کنند، خلاء سیاسی جامعه را بیشتر کرده، نیاز مردم را به ایفای نقش بازیگران ملی بطور قاطع بیشتر و شدیدتر خواهند کرد.

از آنجاکه زمان بپیش میرود، فضای واقعی سیاسی اگرچه ظاهرا بسته باشد، زیر پای هیئت حاکمه خواهد لرزید و کام خود را خواهد گشود.

تنها تنگنای سیاسی که ممکن است ادامه این شیوه با آن روبرو شود، غیرممکن بودن راه حل های مصالحت آمیز و کلاسیک است، زیرا مردم در موضع خود مستحکم تر و خواست های سیاسی و اجتماعی آنها عمقی تر و اساسی تر میگردد.

این قبیل اعمال ناروا و ضد آزادیها و ضد اعتقادات دموکراتیک مردم نمیتواند بر فساد "دم کرده" سرپوش بگذارد.

خیمه شب بازی بازداشت یکی از مهره های فساد که فساد او ۱۵ سال تمام بدست هیئت حاکمه استقرار داشته مرهمی نیست که بر جراحت زخمهای شکافته مردم موثر باشد. این بازداشت و صدها بازداشت مشابه میبایست سالها پیش صورت میگرفت نه امروز که دهها میلیارد ثروت این اقمار دولتی از هضم رابع گذشته است. با اعلام هشدار به دولت یادآور میشویم که همه بازیها چه تکراری و چه ابداعی "روشده" جز تمکین اراده ملت و جز صرفنظر کردن از قدرت موهوم ضدمردمی، جز شناخت کامل حق حاکمیت ملت راهی برای آلام اجتماعی باقی نمانده است.

احمد بنی احمد.
نماینده مجلس شورای ملی

دارید. اما در این کشور به غیر از یك فامیل وجود ندارد.»

وجود شاه با آزادی در ایران ناسازگاراست

این روشنفکر ایرانی معتقد است که اگر تحولات عظیمی که برای سرنگون کردن حکومت فعلی و جایگزین کردن آن با نظام واقعا دمکراتیك و چند حزبی ضروری است جامه عمل بپوشند، شاه قادر نخواهد بود باچنین اوضاعی دمساز باشد. «من فکر نمی کنم برای شخصی مانند استالین امکان داشته باشد یکشبه تغییر کند و به همان اصولی پای‌بند شود که مثلا برتراند راسل می تواند پای‌بند باشد. من به هیچوجه نمی توانم باور کنم.»

یك جنبه از سیاست لیبرالیزه کردن شاه که دولت به عنوان نشانه‌ای از پیشرفت اوضاع درباره‌اش «بازارگرمی» می کند انتخابات آشکار کانون وکلای ایران است که این هفته برگزارشد. اما هم اکنون نتیجه رای گیری نشان می دهد که برای نخستین بار، گروهی از وکلای مترقی میدان را از همکاران محافظه‌کارتر خود که در گذشته بر این کانون با نفوذ غالب بودند، گرفته‌اند. رهبر پیشروها شخصی بنام هدایت متین دفتری است که یکی‌ازافراد هم خانوادهٔ مصدق است. او با ضبط یك مصاحبه شدیدا مخالف بود، ولی دست آخر بعد از سه روز موافقت کرد که چنین کاری‌انجام شود، اما در خانه‌اش و نه در دفترش. او مانند هرکس دیگری نسبت به سخنرانی شاه مشکوك بود. اما نگرانی اصلیش درمورد دادگاههاست و طریقی که دستگاه قضائی عمل می کند، و یا به عبارتی عمل نمی کند.

«قانون اساسی ما به ویژه در مورد هیأت منصفه تصریح می کند که در محاکمات سیاسی و همچنین در محاکمات مربوط به مطبوعات این هیات باید شرکت داشته باشد. اما تا آنجا که من به یاد دارم، سالهای زیادی است که ما هیچ گونه هیات منصفه‌ای در دادگاهها ندیده‌ایم. زیرا که هیچ محاکمه‌ای نبوده و محاکمات سیاسی همیشه به دادگاههای‌نظامی ارجاع شده است و در آئین دادرسی ارتش و رویهٔ نظامی جایی برای هیأت منصفه وجود ندارد.»

اخطار آموزگار به آیت الله خمینی

رهبران مذهبی دربارهٔ دستگاه قضائی و نبودن دمکراسی به همین‌اندازه نگرانند. در سال ۱۹۶۳ یکی از با نفوذ ترین آیت الله ها به نام خمینی بخاطر مخالفتش با شاه به مدت ۱۵ سال تبعید شد. لکن او قدرتش‌را به خوبی بکار گرفته و از عراق بطور دائمی و مرتب پیامهایی بروی نوار برای پیروانش‌در ایران می‌فرستد که پیروانش بدون قید و شرط اجرا می کنند. وی از آنچنان قدرتی برخوردار است که اگر اعتصاب عمومی اعلام کند پاسخ مثبت مردم وسیع خواهد بود. یکی از روحانیون که قادر بودم با او گفت و گو کنم (او سه سال را در زندان گذرانده بود و شش ماه را تحت شکنجهٔ ساواك) اظهار امید واری می کرد که از آنجا که ۱۵ سال تبعید پایان یافته است آیت الله خمینی بزودی به ایران برمی گردد. آیندهٔ آیت الله خمینی یکی از موضوعاتی بود که با جمشید آموزگار نخست وزیر به میان گذاشتم. او سالهای زیادی بعنوان یکی از اعضاء دولت در مناصب گوناگون وزارت بوده است و تنها ده ماه پیش نخست وزیر شد. او نسبت به مطبوعات غربی عمیقا بی اعتماد است و با وجود اینکه با مصاحبه موافقت کرده بود نفرتش را از بی‌بی‌سی پنهان نکرد. او قاطعانه تأکید کرد که خمینی هرگز به ایران باز نخواهد گشت. او گفت:

«ما در کشورمان قوانینی داریم که فکر می کنم در دیگر کشورها نیز وجود داشته باشند. مطابق این قوانین هرفردی که برای برانداختن رژیم و حکومت دست به تحریکات بزند دستگیر و محاکمه خواهد شد. این قوانین باید برای کسانی که می خواهند با دولت مخالفت کنند بصورت اخطاری جدی تلقی شود.»

ترس دولت از دانشگاه ها

دانشگاههای ایران پرازدانشجویان و استادان رادیکال است. دانشگاهها اغلب به علت اعتصاب دانشجویی بسته‌اند. دراین میان دانشگاه آریامهر شرایط ویژه‌ای دارد. دانشگاه آریامهر برگزیده‌ترین دانشگاه کشورست که به رشته‌های فنی اختصاص‌داده شده است. این دانشگاه تعطیل است زیرا هیات‌علمی دانشگاه و به حمایت‌از آنان دانشجویان اعتصاب کرده‌اند. علت اعتصاب، اعتراض استادان به طرح دولت است. مطابق این برنامه قرارست که بخشهایی از دانشگاه تعطیل شوند و کل دانشگاه به اصفهان منتقل گردد. بطور ناشناس به دانشگاه راه یافتم و پس از گذشتن از تعداد زیادی پلیس مخصوص‌دانشگاه به یك جلسهٔ مخفی با شرکت ۱۵ نفر از استادان وارد شدم. پس از بیش از یك ساعت گفت و گو امیدوار بودم که مصاحبهٔ دو نفر از آنها را ضبط کنم اما همه اتاق را ترك کردند. گویا یك نفر ساواکی به میانشان راه یافته بود. چندی بعد یکی از آنها که چندین‌دفعه گوشزد کرد نامش ذکر نشود به من گفت:

«تقریبا یك چهارم مهندسین ایران را دانشگاه آریامهر تهران تربیت می کند. اگر این دانشگاه بسته شود آنها به این اندازه کمبود مهندس خواهند داشت. باید اضافه کنم که مهندسین ما شاید بهترین مهندسین ایران باشند.»

آنها معتقدند که دولت سخت از آمیزش استادان و دانشجویان رادیکال این دانشگاه واهمه دارد و باین خاطر است که می خواهند دانشگاه را عملا تعطیل کنند. اما نخست وزیر سخت اصرار می کرد که همیشه درنظر بوده است که دانشگاه آریامهرعاقبت به پلی تکنیك تبدیل شود. «منظور ما ازپلی‌تکنیك مفهوم فرانسوی کلمه‌نبود بلکه مفهوم آمریکائی آن. یعنی مدرسه‌ای که بتواند چیزی بین مهندس و تکنیسین تعلیم بدهد. نوعی سرکارگر و افرادی که بتوانند یك کارخانهٔ متوسط را اداره کنند.»

نیروهای امنیتی دولت ترافیك تهران رابدتر می کنند

اما او دلیل نسبتا عجیب دیگری را نیز برای توجیه انتقال دانشگاه ارائه می داد:

«شما خود دیده‌اید که ما در تهران چه وضع بد ترافیکی داریم. اضافه بر این، آلودگی هوا، ازدحام بیش‌از حد جمعیت، کمبود مسکن و کمبود خدمات‌عمومی اوضاع تهران را خراب کرده است. تنها راه حل این مساله، همان‌طور که شما نیز در لندن اجرا کرده‌اید، جلوگیری از ازدیاد جمعیت تهران است. به این خاطر قصد داریم تعدادی از موسسات آموزش عالی را به شهرهای دیگر انتقال دهیم.»

ازنظرمسئله‌ترافیك تهران‌واقعابدترین‌شهر دنیاست. اما اکثر اوقات نیروهای امنیتی دولت اوضاع را بی نهایت وخیمتر می سازند. در طول هفتهٔ گذشته پادشاه اسپانیا در تهران بود. هنگامیکه از بنای شهیاد آریامهر دیدن می کرد تمام جاده‌های اطراف را به مدت ۳ ساعت بسته بودند و بی‌نظمی عجیبی بوجود آمده بود. تمام منطقه را پلیس های مسلح پر کرده بود... اوایل هفته نیز حاکم بحرین به دیدار تهران آمده بود. مجددا هرج و مرج شدیدی در وضع ترافیك ایجاد شد. درضمن، پس از بستن راه‌ها پلیس امنیتی بسیاری از آپارتمانهای مشرف بر مسیر را انتخاب می کرد و پس‌از ورود به خانه‌ها پشت پنجره می ایستاد و مانع نگاه‌کردن صاحب خانه به بیرون می شد. در این گونه موارد رد تقاضای پلیس صلاح نیست. من با نخست وزیر در میان گذاشتم که این گونه امنیت افراطی ضروری نبود. نخست وزیر گفت: «بعضی از مواقع خطر اینکه فردی فرصتی بدست آورد هست. به عنوان مثال برای پرزیدنت کندی چه رخ داد؟»

گفتم: اما سیستم امنیتی هیچ کشوری، حتی

در زیر شدیدترین شقاوتها، دانشگاه تبریز به مبارزه ادامه می‌دهد

۱۱۰ استاد خواستار مجازات قاتلین دانشجویان شدند

- ماموران رژیم دانشجویان را در کلاسهای درس به مسلسل بستند و با دختران دانشجو رفتاری بیشرمانه داشتند.
- "ماموران انتظامی" خاطرهٔ فجایع سپاهیان چنگیز را زنده کردند.
- درکلاس های درس آثار تیر مسلسل، لخته های خون و باطوم‌های شکسته یادگار حملهٔ بیشرمانه به فرهنگ وعلوم و اخلاق وفضیلت است.
- استادان دانشگاه تبریز درطی نامه‌ای همدردی خودرا با خانواده‌های سوگوار دانشجویان اعلام کردند.

استادان، دانشیاران، استادیاران و دیگر اعضای هیات‌علمی دانشگاه تبریز همراه با کادر اداری دانشگاه مذکور صدای اعتراض خود را علیه کشتار تازهٔ رژیم جنایتکار ایران در دانشگاه تبریز بلند کرده، در ضمن ابراز نفرت و انزجار از اعمال ددمنشانه عمال رژیم علیه دانشجویان این دانشگاه که منجر به شهادت گروهی از دانشجویان دانشگاه تبریز شد، خواستار مجازات عاملین و مسببین این جنایت تازه شدند.

اعضای هیات‌علمی و اداری دانشگاه تبریز علیرغم تهدید های ماموران جنایتکار رژیم به سرکردگی ارتشبد جعفر شفقت جلاد آذربایجان در محوطهٔ دانشگاه گرد آمدند و قطعنامه‌ای به این شرح صادر کردند:

" اعضاء هیات‌علمی و اداری دانشگاه آذرآبادگان صبح روز شنبه ۱۳۵۷/۲/۲۳ در محوطهٔ دانشگاه گرد هم آمدند تا مراتب تاثر و انزجار خود را از حوادث فجیعی که روز دوشنبه ۵۷/۲/۱۸ در دانشگاه رخ داد ابراز دارند. در این روز بزرگترین و بی شرمانه‌ترین یورشها علیه هرآنچه که نام فرهنگ، علم و اخلاق و فضیلت و معنویت دارد صورت گرفت و آن روز را بعنوان روز مصیبت و ننگ در تاریخ این دانشگاه به ثبت رسانید. پلیس و ماموران انتظامی دانشجویان بی‌دفاع را تا محترم‌ترین نقاط یعنی کلاسها و قرائتخانه‌ها دنبال کردند و همانگونه که باطوم های شکسته، آثار تیر مسلسلها، درهای شکسته و لخته‌های خون گواهی میدهند، قانون و انسانیت و عفت را مورد تجاوز قرار دادند. رفتار آنان با دختران دانشجو و خانمهای کارمند یادآور فجایع سپاهیان چنگیزی بود.

بنا به اظهار بازپرس ارتش، این کشتار "مجوزی" نداشته است. دانشگاهیان دانشگاه آذرآبادگان اصل این "تجویز" را رد میکنند و مراتب تسلیت و تاثر خود را به خانواده های داغدیده و به ملت ایران تقدیم میدارند و تامین خواسته‌های زیر را انتظار دارند:

۱- اعمال خشونت به هر عنوان در دانشگاه محکوم است. حضور گارد و ماموران انتظامی باستناد تجارب گذشته همیشه موجب تحریک دانشجویان و منجر به بروز خشونت بوده است. لذا خروج گارد و عدم دخالت ماموران انتظامی در دانشگاه ضروری است.

۲- آزادی مجرمان و دستگیرشدگان حوادث اخیر دانشگاه مورد تقاضا است.

۳- در موقعیکه بر اثر حوادث مذکور، شرایطی پیش آید که نیمسال تحصیلی جاری منحل شود، از اجرای مقررات انحلال ترم (محرومیت و احتساب نمره صفر برای واحد‌های انتخاب شده) خودداری شود.

۴- معرفی و محاکمه علنی و قانونی ماموران متخطی که این حادثه را بارآوردند."

علاوه بر این قطعنامه، نامه‌ای سرگشاده به امضای یکصد و ده نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه تبریز برای رئیس دانشگاه مذکور فرستاده شد. در این نامهٔ سرگشاده گفته شده است:

" به عنوان مربیانی که مسئولیت تعلیم و تربیت جوانان کشور را بعهده داریم به همه پدران و مادران داغدیده‌ای که فرزندان خود را در حادثه اسف انگیز روز دوشنبه ۳۷/۲/۱۸ دانشگاه از دست داده‌اند از صمیم قلب تسلیت می گوئیم و در ماتم و عزای این جوانان و سوگ و غم خانواده آنان سهیم و شریکیم، به اعتقاد ما مسئولیت مستقیم این سفاکی ها و خونریزیها به پای کسانی است که بدینسان و ماموران انتظامی دستور داده‌اند تا با مسلسل و تپانچه به سوی جوانانی که شعار لااله الا الله بر زبان دارند آتش بگشایند و بحریم دانشکده ها تجاوز کنند و در و دیوار کلاسها و سالن های مطالعه را با خون دانشجویان رنگین سازند و باینهمه شقاوت حیثیت و احترام محیط دانشگاه و ابتدائی ترین حقوق و حرمتهای انسانی، اسلامی و قانونی را زیر پا نهند".

هیات‌علمی دانشگاه تبریز در این نامهٔ سرگشاده نیز خواستار معرفی و محاکمه و

قطعنامهٔ استادان دانشگاه صنعتی علیه کشتار دانشجویان تبریز

از سوی دیگر استادان، دانشیاران، استادیاران و دیگر اعضای هیات‌علمی دانشگاه صنعتی (آریامهر) در روز سه شنبه دوم خرداد ماه ۱۳۵۷ در طی قطعنامه‌ای به کشتار وحشیانهٔ دانشجویان دانشگاه تبریز در روز ۱۸ اردیبهشت ماه به سختی اعتراض و از این جنایت رژیم در یک محیط علمی و آموزشی به شدت ابراز تنفر کردند و حمایت کامل خود را از قطعنامه هیات‌علمی و اداری دانشگاه تبریز اعلام داشتند. در این قطعنامه از جمله گفته شده است که: " ما بار دیگر هرگونه ضرب و جرح افراد و اعمال غیرانسانی را شدیدا تقبیح نموده و هتک حرمت ازجامعه انسانی را قویا محکوم می نمائیم. اعتقاد کامل داریم که استقلال و آزادی دانشگاهی اساسی ترین حق هر محیط سالم آموزشی است و حضور گارد باعث تشنج در محیط علمی میگردد ■"

گارد دانشگاه اصفهان یک معلم را به قتل رساند

به دنبال اعتصاب غذای یکروزه و تظاهرات دانشجویان دانشگاه اصفهان برای همدردی با زندانیان سیاسی که در روز یکشنبه بیستم فروردین ماه صورت گرفت و با حمله وحشیانه نیروهای به اصطلاح انتظامی روبرو شد، سرهنگ مروی افسر بازنشسته شهربانی که رئیس گارد دانشگاه اصفهان است دستور داد رفت و آمد به داخل دانشگاه اصفهان، حتی در منطقهٔ "هزار جریب" در قسمتی که استادان در آن سکونت دارند، به شدت تحت کنترل قرار گیرد.

در روز چهار شنبه بیست و سوم فروردین ماه ماموران "گارد" اتومبیل آموزگاری را به نام فریدون آذری که عازم خانه یکی از استادان بود متوقف کرده، در ضمن گفت و گو به او اهانت می‌کنند و چون این آموزگار به بی ادبی آنها اعتراض می‌کند به دستور سرهنگ مروی ماموران او را به داخل اتاق نگهبانی می‌کشند و به گونه‌ای او را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند که آقای فریدون آذری از هوش می‌رود. با اینحال قداره بندان رژیم از انتقال او به بیمارستان خودداری می‌کنند و به جای آن وی را به کلانتری منتقل می‌کنند تا پس از به هوش آمدن او را بازداشت کنند. ولی حال آقای آذری آنچنان وخیم بوده است که ماموران کلانتری مجبور می‌شوند او را از کلانتری به بیمارستان منتقل کنند.

آقای فریدون آذری آموزگاری که تنها "جرم" او تمایل به ملاقات با یکی از دوستان استادش بود و برای اینکار حاضر به شنیدن عبارت توهین آمیز قداره بندان رژیم نبود، به علت شدت ضربات وارده، در راه کلانتری به بیمارستان فوت می‌کند و به این ترتیب نام دیگری بر سیاههٔ ننگین قتل و کشتار مردم بیدفاع از طرف رژیم جلاد منش شاه اضافه می‌شود.

پزشکان بیمارستان بلافاصله پس از رسیدن جسد این آموزگار بیگناه مرگ او را تشخیص می‌دهند و جسد وی را به پزشکی قانونی اصفهان می‌فرستند، پزشک قانونی پس از معاینه جسد فریدون آذری اعلام می‌دارد که مرگ وی در اثر ضربات وارده و پارگی طحال بوده است.

به دنبال اطلاع از این امر اعتراض استادان و دانشجویان و مردم اصفهان اوج می‌گیرد. رژیم از بیم اوجگیری بیشتر خشم و اعتراض مردم به ناچار دستور بازداشت سرهنگ مروی را صادر می‌کند. ولی بازداشت سرهنگ مروی در حقیقت یک نمایش فریبکارانه است زیرا رژیم قصد دارد او را آزاد کرده، از "استعداد" این جانی در آینده بهره گیری کند. به همین جهت در جریان تنظیم پرونده و نیز در کلیهٔ مراحل دیگر سازمان امنیت و شهربانی اصفهان دخالت مستقیم دارند تا پرونده را به سود سرهنگ مروی تنظیم کنند و او را از مجازات قانونی برهانند. در اصفهان شایع است که دستگاه به زودی سرهنگ مروی را نه تنها آزاد خواهد کرد، بلکه او را به ماموریت قبلی اش در دانشگاه اصفهان باز خواهد گرداند ■

بعلت جعل امضای استادان درحمایت از اعلامیه دولت

گروهی از استادان به عنوان اعتراض استعفاء کردند

خبرنگار بسوی آزادی - تهران - بدنبال اعلامیه غلاظ و شداد دولت در مورد جلوگیری از تظاهرات آزادی طلبانهٔ مردم و تهدید به سرکوب شدید هرگونه مخالفت با رژیم خودکامهٔ ایران، رادیو و تلویزیون و روزنامه‌های دولتی شروع به انتشار اعلامیه‌های جعلی از طرف گروههای مختلف مردم در حمایت از اعلامیه دولت کردند. از جمله در روز ۲۵ اردیبهشت روزنامه‌های دولتی در طی مطالبی کلیشه‌ای حمایت استادان دانشگاه‌های مختلف کشور را از اعلامیه دولت خبر دادند.

به دنبال این امر، استادان دانشکده پلی تکنیک تهران برای رسیدگی به این خبرهای جعلی و به خاطر حفظ شرافت و شخصیت علمی خود جلسه‌ای تشکیل داده، این خبر جعلی و چگونگی مقابله با چنین خبرهای دولتی را که مباین با شخصیت علمی استادان است، مورد بررسی قرار دادند. در پایان این جلسه استادان قطعنامه‌ای در تکذیب خبر فرمایشی مذکور صادر کرده، به انتشار کلیشه وار این قبیل خبرهای دولتی شدیدا اعتراض کردند. استادان بخش مکانیک این دانشکده، علاوه بر حمایت کامل از قطعنامهٔ مذکور، به عنوان اعتراض به انتشار این خبر دولتی که موجب هتک حرمت علمی آنان شده است، از کلیهٔ پست‌های اداری خود استعفا دادند.

از طرف دیگر شورای اضطراری بخش برق دانشکدهٔ پلی تکنیک جلسه جداگانه‌ای نیز تشکیل داد و استادان این رشته به انتشار این جعلیات شدیدا اعتراض کردند.

در دانشکده علم و صنعت نیز استادان به جعل امضاهای خود از طرف رئیس این دانشکده و ماموران رژیم شدیدا اعتراض کرده خواهان رسیدگی به این امر شدند. در اعتراض استادان این دانشکده تصریح می‌شود که رئیس دانشکده علم و صنعت نخست طوماری در حمایت از اعلامیهٔ دولت تهیه کرد و در آغاز با خواهش و وعده و وعید و کوشش در جهت ناچیز جلوه دادن مطلب تهیه شده، سعی کرد از استادان دانشکده علم و صنعت امضا بگیرد ولی هنگامی که نتوانست بیش از چند امضا آنهم از دستیاران خود تهیه کند، شروع به تهدید استادان برای گرفتن امضا از آنان در زیر طومار گدائی کرد ولی این تهدیدها هم زیاد موثر واقع نشد و با وجود تهدید به "عصبانیت شاهنشاه" و "امکان معلق شدن استادان از کار" و "احتمال دستگیری آنان" باز هم بیش از سی وچند نفر حاضر به امضای طومار گدائی نشدند که تازه گروهی از آنان نیز کادر غیر آموزشی دانشکده بودند.

هنگامی که رئیس دانشکده علم و صنعت و دستیاران ساواکی او با این وضع مواجه شدند، خود شخصا اسامی ۲۶۸ نفر از استادان و کادر علمی دانشکده را در زیر طومار گذاشته و از طرف آنان به طور جعلی وناشیانه طومار را امضاء کرده، امضای استادان را جعل کردند و طومار را برای "مقامات مسئول" فرستادند. ولی این امر موجب بی آبروئی بیشتر دستگاه شد زیرا از یک سو استادان رسما امضای جعلی خود در زیر این طومار را تکذیب کردند و از سوی دیگر برای اعتراض به این جعلیات قطعنامه و اعلامیه منتشر ساختند و رژیم را رسواتر کردند ■

-انشگاهها نیز از آنان حمایت کرده، اغلب دانشگاه ها به پشتیبانی از دانشگاه صنعتی دست به اعتصاب زده‌اند و چنین است که به دنبال اعتصاب های پیشین اکنون اغلب دانشگاه‌ها در حمایت از دانشگاه صنعتی در اعتصاب به سر می برند و از اواسط اردیبهشت تا کنون اغلب دانشگاههای کشور در حال اعتصاب و تعطیل‌اند.

استادان دانشگاه صنعتی در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ در این مورد نامه‌ای به جمشید آموزگار نخست وزیر نوشته‌اند ودانشجویان این دانشگاه نیز در اعلامیه و نیز قطعنامه‌ای حمایت کامل خود را از خواست‌های آنان اعلام داشته‌اند.

● متن اعلامیه دانشجویان دانشگاه صنعتی

متن اعلامیه و قطعنامه دانشجویان دانشگاه صنعتی که با پشتیبانی فعال و عملی دانشجویان دیگر دانشگاهها روبروشده است به شرح زیرست:

ما با توجه به نیاز مبرم ملت مستضعفمان در جهت گسترش محیط های علمی که در آن امکان شکوفائی نیروهای خلاق و آگاه فراهم آید، و با در نظر گرفتن نگرانی های نسل جوانی که پشت در ب دانشگاههای ایران مانده‌اند، و با توجه به سرمایهٔ کلانی که به خاطر فراهم نبودن شرایط بمنظور ادامه تحصیل به خارج از کشور منتقل میشود، ما دانشجویان دانشگاه صنعتی (آریا مهر) اعمال سیاست ضد مردمی رژیم مبنی برانحلال این دانشگاه و تبدیل این مرکز پیشرفته علمی به مرکز علوم و فنون نظامی و بدنبال آن برکناری مستقیم کادر آموزشی این موسسه از فعالیت آموزشی را شدیدا محکوم میکنیم.

ما اجازه نخواهیم داد تا رژیم، این دستگاه علمی را که شکوفائی ۱۲ ساله‌اش همواره مورد تمجید و حمایت معتبرترین مراجع علمی بین المللی قرار داشته و تاکنون در ارتقاء سطح فرهنگ و تکنولوژی کشور چهره موفقیت‌آمیزی را نشان داده است نابود سازد.

بدین منظور ما حمایت کامل خود را از تصمیم استادان مبارزمان مبنی بر "خودداری از فعالیت آموزشی تا زمان اعلام رسمی گزینش دانشجو برای این دانشگاه اعلام داشته و همگام با ایشان تا برآورده شدن خواستمان کلاسهای درس را از روز یکشنبه ۵۷/۲/۱۷ تحریم میکنیم. ما اعلام می کنیم که انحلال دانشگاه صریحا مخالف ماده یك اساسنامه آن دال بر نامحدودی موجودیت دانشگاه بوده گام دیگری است در ادامه سیاست ضد مردمی رژیم در جهت وابسته کردن اقتصاد ما به کشورهای امپریالیستی.

ما از ملت ایران بالاخص نیروهای مترقی آزادیخواه جامعه می خواهیم که با حمایت و پشتیبانی خود از بقای این دانشگاه، هر چه بیشتر ما را در جهت تحقق خواستهای مشروعمان یاری کنند.

دانشجویان دانشگاه صنعتی

● متن قطعنامه دانشجویان

متن قطعنامه دانشجویان دانشگاه صنعتی در اعتراض به روش های ددمنشانهٔ رژیم در برابر مردم و در حمایت از خواست های به حق استادان دانشگاه مذکور به این شرح است:

۱- ما برای همگامی با استادان خود تا بدست آوردن خواستهایمان که با توجه به امکانات آموزشی این دانشگاه و با توجه به کمبود آموزش‌عالی در سطح مملکت، این موسسه آموزشی باید به بقای خود ادامه دهد، از روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت کلیه کلاسها را بطور نامحدود تحریم خواهیم کرد و تا اعلام سازمان‌های مسئول در رسانه‌های گروهی مبنی بر اعلام پذیرش دانشجو به این تحریم ادامه خواهیم داد.

۲- با تمام نیروهایمان در تبلیغاتی وسیع چه در دانشگاه‌ها و مدارس و چه در مجامع عمومی مردم بخصوص در جلسات بزرگداشت چهلمین روز شهادت شهدای (یزد، جهرم اهواز، ...) اقدام کرده و پیاممان را به گوش ملتمان میرسانیم.

۳- روزهای سه شنبه بین ساعت ۹ تا ۱۰ در حوالی دانشگاه برای اطلاع یافتن از تصمیمات متخذه و برای انجام برنامه‌های افشاگرانه حضور پیدا کنیم. (در صورت تعطیل شدن دانشگاه).

٤- در ضمن حمله ها و یورشهای وحشیانه و ناجوانمردانه رژیم بخصوص در کوه‌های شمال تهران بر علیه دانشجویان کوهنورد را شدیدا محکوم می کنیم.

دانشجویان دانشگاه صنعتی

[redacted]

انتشار بولتن خبرهای اعتصاب در تهران

به دنبال اعتصاب دانشگاه صنعتی (آریامهر) و حمایت فعال استادان و دانشجویان دانشگاههای دیگر از این اعتصاب، استادان و دانشجویان دانشگاه صنعتی به ابتکار ارزنده‌ای دست زده‌اند و با بهره‌گیری از امکانات کمیته انتشارات دانشگاه صنعتی، بولتن مرتبی از خبرهای مربوط به اعتصاب دانشگاه منتشر می کنند. تا کنون سه شماره از این بولتن انتشار یافته است. سومین شماره بولتن استادان و دانشجویان اعتصابی دانشگاه صنعتی در هفته اول خرداد ماه منتشر شد.

در این بولتن علاوه بر خبرهای مربوط به اعتصاب دانشگاه صنعتی و دیگر دانشگاهها و رویداد های دوران اعتصاب و فعالیت های پیگیری که برای پیروزی اعتصاب انجام می شود، خبرها و رویداد های مترقی همه دانشگاهها و مدارس‌عالی کشور نیز چاپ می شود و بدین ترتیب برای نخستین بار پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یك بولتن خبری غیررسمی دانشگاهی از طرف خود دانشجویان و استادان انتشار می یابد که این امر به اتحاد عمل دانشجویان و استادان دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور کمك موثری می کند.

باید دانست که پس از کودتای ۲۸ مرداد رژیم به کنترل انتشارات دانشگاهها توجه ویژه‌ای مبذول داشته است و اغلب گروهی از ماموران ساواك و یا وابستگان به آنرا در سمت های حساس انتشارات دانشگاههای کشور قرار داده است و به همین جهت کار سانسور کتاب و مطبوعات دانشگاهی در خود دانشگاهها و به وسیلهٔ ماموران مذکور انجام می شده است. از جمله انتشارات دانشگاه تهران، که یکی از فعالترین موسسات انتشاراتی دانشگاهی است، از سال ها پیش زیر نظر و کنترل دکتر بهرام فره‌وشی، یکی از مهره‌های به اصطلاح شووینیست رژیم قرار دارد. او در مورد حکومتی سانسور کتاب خود را صاحب مکتب و شیوهٔ خاصی می داند و به این جهت خرج خود را از ادارهٔ نگارش (سانسور) جدا کرده و سازمان سانسور جداگانه‌ای در دانشگاه ایجاد کرده است.

برای خنثی کردن توطئهٔ رژیم درمورد نظامی کردن دانشگاهها وجلوگیری از انتقال دانشگاه صنعتی به اصفهان

دانشگاه ها بار دیگر دست به اعتصاب زدند

- متن اعلامیه وقطعنامهٔ دانشجویان دانشگاه صنعتی علیه توطئه های رژیم.
- دولت تصمیم دارد دانشگاه صنعتی را به "مرکز علوم وفنون نظامی" تبدیل کند.
- دربرابر اعتصاب متحد دانشجویان رژیم مجبور به عقب نشینی شد وامتحانات را که بدون حضور دانشجویان برگزار کرده بود باطل کرد.
- رژیم با پذیرش بدون کنکور شاگردان مدرسهٔ نظام ودانشکده افسری در دانشگاهها، میکوشد دانشگاهها را به شکل واحدهای نظامی درآورد.

دانشگاههای تهران و اغلب دانشگاه های شهرهای دیگر همچنان در حال اعتصاب سراسری هستند در حالی که سال تحصیلی به پایان خود نزدیک شده است. در حین اعتصاب دانشگاه ها دولت برای "مجازات" دانشجویان اعلام کرد که امتحانات آخر سال را در موعد مقرر برگذار خواهد کرد و هرکس در امتحان شرکت نکند مردود تلقی می شود. ولی این تهدید نیز کارگر نیفتاد و اعتصاب دانشجویان فشرده تر و متحد تر از همیشه ادامه یافت. در جلسه‌های امتحانی که در دانشکده‌های مختلف برگذار شد تقریبا هیچکس شرکت نکرد و در این به اصطلاح جلسات امتحانی تعداد ماموران گارد دانشگاهها و ماموران سازمان امنیت بیشتر از تعداد دانشجویان و استادان بود زیرا نه‌تنها دانشجویان، بلکه بسیاری از استادان نیز در حال اعتصاب به سر می برند و هیچ تهدید و تطمیعی قادر به شکستن اعتصاب آنان نشده است. به این جهت دولت با سرافکندگی بسیار عاقبت اعلام کرد که امتحانات امسال دانشکده‌ها را مجددا در شهریور ماه برگذار خواهد کرد.

اعتصاب دانشگاهها که از آغاز سال تحصیلی جاری بطورمتناوب صورت پذیرفته است و بخش اعظم سال تحصیلی جاری را به خود اختصاص داده، علل گوناگون داشته است. از جملهٔ این علل باید از حمله گارد های دانشگاهها و ماموران سازمان امنیت و کوماندوهای پلیس و ارتش به دانشجویان در اوایل سال جاری و در هنگام برگزاری جلسات شعرخوانی و سخنرانی ذکر کرد که منجر به شهادت دهها دانشجو در دانشگاهها و مجروح و مصدوم شدن صدها تن از دانشجویان شد و بعد همدردی دانشجویان با مبارزات گروههای دیگر، شرکت دانشجویان در اعتصاب های سراسری کشور علیه دیکتاتوری، به خون کشیده شدن تظاهرات دانشجویان در داخل و خارج دانشگاهها، حمله تانک ها به دانشگاه تبریز و شهادت شش دانشجو، حمله ماموران رژیم به دانشگاههای اصفهان، اهواز، مشهد، شیراز و در ماههای اخیر حملهٔ رنجرهای ارتشی و ماموران ساواک در کوهها به دانشجویان کوهنورد که تنها در یک مورد منجر به شهادت ده دانشجو و جراحات شدید ۲۳ دانشجوی دیگر شد و جز آن. در پیوند با این اعتصاب ها و اعتراض ها استادان دانشگاهها نیز به اعتصاب و همدردی با دانشجویان پیوستند و نیز در مواردی که استادان به اعتصاب دست زدند، دانشجویان از آنان فعالانه پشتیبانی کردند.

چرا می خواهند دانشگاه صنعتی را به اصفهان منتقل کنند؟

آخرین مورد اعتصاب یکپارچه استادان دانشگاه صنعتی (آریامهر) علیه تصمیم رژیم به بستن این دانشگاه در تهران و انتقال آن به اصفهان است. که این امر برخلاف تعهدات پیشین رژیم در مورد این دانشگاه و برخلاف اساسنامه دانشگاه صنعتی است. رژیم به ظاهر مدعی است که تصمیم به انتقال این دانشگاه به اصفهان به خاطر "سیاست عدم تمرکز در تهران" و مشکلات ترافیک است ولی واقعیت آنست که مبارزات دوازده سالهٔ دانشجویان دانشگاه صنعتی و پیوند عمیق آنان با دانشجویان دیگر دانشگاههای تهران و نیروی عظیم جنبش دانشجویی در تهران، رژیم را برآن داشته است که با انتقال دانشگاه صنعتی به اصفهان از نیروی جنبش دانشجویی در تهران بکاهد، دانشجویان را پراکنده و یا به سبب دشواری های مالی آنان را از ادامهٔ تحصیل در دانشگاه صنعتی منصرف کند و بالاخره در صورت تظاهرات ضد دیکتاتوری دانشجویان دانشگاه صنعتی، با توجه به دور بودن آن از مرکز بیشتر و شدیدتر از گذشته بتواند بستیزه‌جویی کینه‌توزانه با آنان برخیزد و به دور از چشم چهار میلیون نفر مردم تهران و به دور از چشم خبرنگاران خارجی مقیم تهران با دستی بازتر به کشتار دانشجویان دانشگاه صنعتی بپردازد. و این هدف ها بر دانشجویان و نیز بر استادان دانشگاه صنعتی و دیگر دانشگاه ها پوشیده نیست و به همین سبب است که آنان یکپارچه و متحد به مقابله با این توطئهٔ تازه رژیم برخاسته‌اند و دست به اعتصاب زده‌اند. مقامات دولتی اعلام داشته اند که برای سال آینده تحصیلی در تهران دانشجو برای دانشگاه صنعتی نمی پذیرند و استادان و دانشجویان این دانشگاه اعلام داشته اند تا انصراف رژیم از این تصمیم و تا پذیرش دانشجو برای سال آینده این دانشگاه به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

از سوی دیگر رژیم دیکتاتوری ایران در اجرای طرح های حیله‌گرانه‌ای که از پیش برای دانشگاهها داشته است و تا کنون بخشی از آنرا نیز اجرا کرده است می کوشد دانشگاهها را به اشکال مختلف به یک واحد نظامی تبدیل کند و بخش اعظم دانشجویان را از دانشجویانی که نه در کنکور دانشگاهها بلکه در امتحانات ورودی مدرسهٔ نظام و دانشکده افسری پذیرفته شده‌اند انتخاب کند و به‌این ترتیب برای همیشه دانشگاهها را تابع خود کند. این امر با مقاومت دانشجویان واستادان مواجه شده است. از جمله رژیم می کوشد که علاوه بر انتقال دانشگاه صنعتی به اصفهان، این دانشگاه را تبدیل به "مرکز علوم و فنون نظامی" کند و به جای مهندس و تکنیسین و متخصصان امور فنی که شدیدا مورد نیاز کشورند، متخصصان امور نظامی و سرکوب جنبش مردم تربیت کند. این امر نیز با مقاومت فعال استادان و دانشجویان دانشگاه صنعتی مواجه شده است و دانشجویان دیگر

یادبود شهیدان یزد

به دعوت حضرت آیت الله صدوقی روز پنجشنبه هفدهم فروردین ماه جلسه یادبودی برای شهیدان یزد که در روز چهلم شهیدان تبریز به خاک و خون کشیده شدند در مسجد روضه محمدیه برپا گردید.

این مجلس برغم خفقان و وحشتی که پلیس در شهر ایجاد نموده بود با شرکت هزاران نفر در کمال نظم و آرامش تشکیل شد و مردم یزد به سوگ عزیزان خود نشستند.

حضرت آیت الله ... اعلامیه‌ای برای آیات عظام و مراجع بزرگ عالیمقام فرستاده و در قسمتی از آن نوشته‌اند "قوای انتظامی که خیابانها را با گارد مسلح بسته، پلیس و ژاندارم از پشت، جمعیت را تعقیب، مردم بی اسلحه و بی دفاع را از چهار طرف محاصره و به گلوله و رگبار مسلسل و باتوم بستند، مردم ناچار بودند که از کوچه ها عبور کنند، غافل از آنکه مأمورین پلیس و ژاندارم قبلاً کوچه ها را سنگر گرفته و در آنجا نیز با گلوله و مسلسل و قنداق تفنگ مردم را مضروب و مجروح نمودند، عده‌ای که تاکنون شماره آنها معلوم نیست شهید و چندین برابر زخمی گردیدند و از دادن جنازه‌ها و عیادت مجروحین و دادن خون به آنها استنکاف، تا چه به آنها بگذرد"

اعتصاب و تظاهر دانشجویان دانشگاه اصفهان

روز یکشنبه بیستم فروردین ماه دانشجویان دانشگاه اصفهان به نام همدردی با ... دست به اعتصاب ... زدند و ... خواهان آزادی بی قید و شرط برادران و خواهران زندانی شدند. مأموران انتظامی دانشجویان را در داخل خیابانهای اطراف دانشگاه مورد هجوم وحشیانه قرار دادند و عده‌ای از آنها را ... بازداشت نمودند. ... این هجوم ... آقای ... بورجانی ... دانشگاه ... و در حالت اغما به بیمارستان برده شد.

نامه به ملت ایران و دادستان تهران

نامه‌ای زیر عنوان "برای اطلاع ملت ایران و دادستان تهران" با امضای آقای دکتر علی اصغر حاج سید جوادی نویسنده مبارز در روز ۲۲ فروردین ماه در تهران منتشر شد. در این نامه اقدامات و تحریکات غیر انسانی دستگاه استبداد با نام "سازمان زیرزمینی انتقام" پرده برداشته شده است و در قسمتی از آن چنین آمده، "بهرحال با این تهدیدها و تعقیبهای دائمی و ایجاد وحشت برای زن و فرزند من که ظاهراً بقصد ایجاد رعب و توطئه برای نابودی من صورت میگیرد برای من ... افراد ملت ایران را در پناه آن قرار داده ... وجود ندارد.

اعلامیه به دادستان تهران

روز ۲۳ فروردین ماه رونوشت تلگرافی که آقایان مهندس مهدی بازرگان و دکتر کریم سنجابی و مهندس رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای پس از ایجاد انفجار در خانه هایشان برای دادستان تهران فرستاده بودند در تهران منتشر شد که متن آن در زیر درج می‌گردد.

"جناب آقای دادستان شهرستان تهران: در ساعت ۱۱ بعداز ظهر و یک بعداز نیمه شب و دو بعداز نیمه شب، شب گذشته (۱۹/ ۱/ ۱۳۵۷) سه بمب در منزل مسکونی اینجانبان مهندس مهدی بازرگان ــ دکتر کریم سنجابی و مهندس رحمت الله مقدم مراغه‌ای منفجر شده و خسارات هنگفتی ببار آورده است عاملین انفجار در هر سه مورد اعلامیه‌های مشابهی خطاب به صاحب منزل از خود بجای گذارده‌اند به این مضمون که "آقای ...... این اولین هشدار سازمان زیرزمینی انتقام بشماست" مراتب به کلانتری های ۹ و نیاوران و کلانتری ۲ اطلاع داده شد و ضمن تشکیل پرونده مأمورین بمحل اعزام شدند تا انجام تحقیقات و معاینه خسارات مراتب صورتمجلس گردید لذا ضمن اعلام جرم تقاضای تأمین جانی و مالی و رسیدگی به موضوع و تعقیب عاملین انفجار را داریم."

نامه اعتراضی به نخست وزیر

روز دوشنبه ۲۸ فروردین ماه نامه‌ای خطاب به "جناب آقای آموزگار نخست‌وزیر" با امضای عده‌ای از مبارزان منتشر شد. در ابتدای این نامه پس از اشاره به واقعه بی سابقه گذاشتن بمب در خانه آقایان مهندس بازرگان و دکتر کریم سنجابی و مهندس رحمت الله مقدم و حاج محمود مانیان و نیز ماجرای ربودن آقای دکتر حبیب الله پیمان نوشته شده "گرچه خوب میدانیم که جنابعالی در تصمیم‌گیری هیچ اختیاری ندارید ولی چون در مقامی قرار دارید که بطور قانونی مسئول کلیه امور هستید این نامه بعنوان شما نوشته میشود".

در این نامه نحوه و ماهیت اقدام در انفجار و آدم ربائی شرح داده شده و "وسیله‌ها و نقشه‌هائی که از طرف مغزهای بی‌منطق عاملان استبداد کشیده شده و به اجرا در می‌آید" برملا گردیده است.

در پایان این نامه تذکر داده شده "هیچ فرد حق طلب ایرانی از این تهدیدها و ارعابها کمترین هراسی بدل راه نمی‌دهد و از تنها راهی که برای احقاق حقوق از دست رفته خود در پیش گرفته منصرف نمی‌گردد و نتیجه ادامه این‌گونه اعمال حکومت جز تغییر روش مسالمت آمیز ملت و تبدیل آن به قهر و خشونت و آشوب نخواهد بود."

پیش بسوی همبستگی همه نیروهای ملی برای استقلال ایران

شماره هفتم تیر ۵۷ — خبرنامه — صفحه سوم

خبرها و تازه ها

تبعید روحانیان مبارز ادامه دارد

ظهر روز جمعه یازدهم فروردین پنجاه با شرکت هزاران تن از مردم اصفهان در مسجد حسین آباد نماز جماعت با امامت حجت الاسلام آقای حاج سید جلال الدین طاهری برگزار شد.
پس از پایان نماز جماعت این روحانی آگاه طی سخنان پرشوری مردم را به اتحاد و مبارزه دعوت نمودند.
مسجد در تمام مدت نماز و سخنرانی در محاصره کامل پلیس بود ولی موقع سنجی و نظم شرکت کنندگان فرصتی برای حمله به مردم به آنها نداد. ساعتی بعد از پایان مجلس حجت الاسلام آقای طاهری دستگیر و به مهاباد تبعید شدند.
گماشتگان "دستگاه استبداد" که از ادامه مجلس های سوگواری و اجتماع مردم اصفهان سخت بیمناک شده بودند در همین روز حجت الاسلام آقای سید محمد احمدی روحانی حق طلب و استاد دانشگاه را از اصفهان به سقز تبعید نمودند.

بمب گذاری در خانه حاج محمود مانیان مبارز دیرپای نهضت ملی ایران

در جریان اقدامات درخشان بمب گذاری در خانه های مبارزان ملی [illegible] مأموران "دستگاه [illegible]" عربده [illegible] های گرد آمده جناح پیشرو [illegible] به نام "سازمان تروریستی انتقام"، خانه آقای حاج محمود مانیان، بازرگان آزادیخواه و مبارز که از بنیادگذاران "جامعه بازرگانان پیشه وران بازار تهران" بودند نیز در معرض "اولین هشدار" این سازمان قرار گرفت و پرتاب بمب در نیمه شب نوزدهم فروردین پنجاه بخشی از خانه ایشان را ویران ساخت.
[illegible] فوق العاده خبرنامه چند ساعت بعد از این "آدم ربایی و بمب گذاری ها" انتشار یافت و این خبر در بررسی موفق به درج آن نگردید.

بولتن کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران

در جریان اعتصاب غذای زندانیان سیاسی قصر عده ای از روشنفکران آزادیخواه و استقلال طلب "کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران" را تشکیل دادند که در نخستین اعلامیه آن به تاریخ پانزدهم فروردین پنجاه [illegible] شده بود "این کمیته با استفاده از [illegible] قانونی داخلی و بین المللی [illegible] آزادی [illegible] و شرایط زندانیان [illegible]
[illegible]
جریان [illegible]

از صفحه ۲

پیروزی به ....

به "شیئی رنگ و روغنی و هوس انگیز" در روابطه با القائات امپریالیسم فرهنگی بیفایده بوده است و هنوز بسیارند زنانی که دوشادوش مردان به مبارزه ملی برخیزند و ندای آزادیخواهی و استقلال طلبی نسل بپاخاسته میهن را در کوچه ها و بازارها و حوزه های علمیه و دانشگاه ها بگوش همگان برسانند.
در مرحله سوم باید از پشتیبانی همه نیروهای مردمی از خواستهای مبارزان زندانی یاد کرد.
چه هم آهنگ شدن تمام فعالیتهای افشاگرانه، تنظیم و ایجاد کوشش های داخل و خارج کشور و همکاریهای [illegible] سیاسی [illegible] مترقی زندانی و مددکاری [illegible] به این دفاع تاریخی از زندانیان سیاسی عمومیت داد و امید به پیروزی را افزون ساخت.
در این میان توطئه جدید کارشناسان امنیتی که بنام حزب فراگیر و جناحهای پیشرو و سازنده آن شکل گرفت و بدنبال یکرشته عربده جوئی و تحریک به ایجاد انفجار در خانه های مبارزان ملی و برپائی تظاهرات [illegible] برخلاف تصور گماشتگان "دستگاه استبداد" از توجه عمومی به وضع خطرناکی که ادامه "اعتصاب" غذا پدید آورده بود نکاست و تلگرافها و نامه های [illegible] سازمانهای ملی و انعکاس آن در مراجع بین المللی و روزنامه های پراهمیت جهان و [illegible] دانشجویان دانشگاه ها و سرانجام طلاب و فضلای حوزه علمیه قم در منزلهای مراجع [illegible] "دستگاه استبداد" را در برابر خطرات جدیدی قرار داد و بهمین دلیل به گماشتگان خود دستور عقب نشینی داد و مبارزان دربند، پیروزمندانه به خواستهای خود دست یافتند و به همه مردم ایران که در زندان بزرگ استعمار و استبداد قرار دارند آموزش و رهنمون دادند که با اتحاد و تنظیم کوشش ها در خط عینی مورد قبول می توان به پیروزی رسید و دیوار قفس را شکست و به حرکت آزادی و استقلال شتاب داد.

قرار [illegible] [illegible] این [illegible] روز یکشنبه بیستم [illegible] و چهارمین [illegible] شماره آن که خبر پیروزی زندانیان سیاسی [illegible] [illegible] چهارم فروردین پنجاه انتشار یافت.

همدردی دانشجویان دانشگاه ملی

[illegible]

قربانیان هجوم وحشیانه به کوی دانشگاه

در شبیخون مغول وار پلیس ددمنش دستگاه استبداد در شبانگاه پنجشنبه یازدهم خرداد ماه به کوی دانشگاه عده‌ای از دانشجویان دختر و پسر ناپدید گردیده‌اند که گفته می‌شود دست کم چهار تن از آنها کشته شده‌اند.

تاکنون نام دو تن از قربانیان این هجوم وحشیانه بدست آمده. یکی میترا ارد و بادی دانشجوی رشته مدیریت صنعتی دانشکده اقتصاد و دیگری حسین نوری دانشجوی رشته شیمی دانشکدهٔ فنی.

بیانیه هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم

هفتاد و چهار تن از اعضاء هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم طی بیانیه‌ای از خواستهای استادان و دانشجویان دانشگاه صنعتی تهران پشتیبانی نموده و طی آن نوشته‌اند "در شرایطی که وجود هر موسسهٔ عالی حتی کوچک هم مغتنم است، تعطیل این دانشگاه به بهانه بازکردن دانشگاهی دیگر امری غیر موجه است.

در سال جاری بنا برآمار منتشره بیش از سیصد هزار نفر در کنکور سرتاسری شرکت می‌کنند".

در پایان این بیانیه با انحلال این "موسسهٔ آبرومند" بشدت مخالفت شده است.

دعوت به تشکل و اتحاد

شاخه پیشرو برای اتحاد "نهضت ملی ایران" که ازچندی پیش با دادن بیانیه‌هائی به روشنگری پیرامون وضع "دستگاه استبداد" و پشتیبانی از نرشهای آزادیخواهانه واستقلال‌طلبانه مردم، پرداخته طی بیانه‌ای که در تاریخ ۱۲۵۷/۲/۲۰ خطاب به هموطنان نشر داده است چنین نوشته "در شرایط کنونی که مختصات کلی آن از یکسو ضعف دستگاه و از سوی دیگر همه گیر شدن مسئله مبارزه و سیاسی شدن جامعه ایران است وظیفه کلیه مبارزین راه آزادی شناخت دقیق این موقعیت و متشکل کردن صفوف مبارزاتی است زیرا تاریخ نشان داده که دستگاه استبداد در شرایطی که خود دچار ضعف درونی است همواره سعی نموده .... با تفرقه میان نیروهای مبارز یا دامن زدن به اختلاف های موجود خود را از مهلکه‌ای که تشکل و اتحاد نیروهای ملی برای او بوجود می‌آورد، برهاند.

اعتصاب کارکنان سازمان منطقه‌ای آب تهران

کارکنان سازمان منطقه‌ای آب تهران که برای دست یافتن به خواستهای قانونی بارها دست به اعتصاب زده و با وعده های فریبنده و میان تهی دست از اعتصاب کشیده و به سرکار خود بازگشته‌اند. یکبار دیگر از روز دوشنبه بیست و دوم خرداد ماه با اعلام همان خواستها از ادامه کار سرباز زده و خواهان اجرای وعده‌های مسئولان این سازمان شده‌اند.

افزایش هزینه سرسام آور زندگی با حقوق ناچیز کارکنان این سازمان هیچگونه تناسبی ندارد و همین موضوع موجب نارضائی و اعتصاب های پی در پی این هم میهنان شریف و زحمتکش شده است.

کارکنان سازمان منطقه‌ای آب تهران که هنوز مبلغ ناچیز اضافه کار سال گذشته را دریافت ننموده‌اند، خواهان پیاده کردن طرح طبقه بندی مشاغل، وام مسکن، رسمی شدن و استفاده از مقررات بازنشستگی گردیده‌اند.

اعلامیه حضرت آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی

حضرت ایت الله العظمی گلپایگانی مرجع عالیقدر شیعه پس ازبیرون آمدن ازبیمارستان اعلامیه‌ای در تاریخ ۱۲۵۷/۳/۱۷ خطاب به "حضرات آقایان علماء اعلام وحجج اسلام" و "برادران مسلمان" صادر وطی آن فرموده‌اند "نگرانی ما ازاین است که بیش ازنیم قرن است ایادی بیگانه باترویج فحشاء وفساد وترتیب جشن فرهنگ و هنرو صرف اموال ملت دراین امور وتشکیل حزبهای تحمیلی وبی‌فایده وبستن پیمانهای فرهنگی باکفار و مادیون و محدود کردن نویسندگان وگویندگان مذهبی و روشنفکران متدین وفرق ضاله ومنحرف وطرح برنامه‌های ضد دینی در آموزش وپرورش واختلاط مدارس ومراکز فرهنگی و تعطیل دانشگاهها وازبین بردن کشاورزی واقتصاد مملکت به عنوان اصلاحات و دهها موضوع دیگر کوشش میکنند شخصیت اسلامی این مملکت راتغییر دهند".

جاودان باد نام دکتر محمد مصدق

آموزگار بزرگ نهضت های ضد استعماری درجهان

فزونی پیوند . . . از صفحه ۳

مردود شمرده، خواهان رسیدگی به خواسته‌های منطقی و برحق استادان، دانشجویان و کارکنان این مرکز آموزشی مبنی برادامه فعالیت آن هستیم.

۹ــ ما زیرپا گذاشتن قوانین نظام پزشکی ازطرف نیروهای انتظامی راد ربیمارستانهای پهلوی ودار یوش که اهانت به ارزش اجتماعی پزشک می‌باشد شدیدا محکوم می‌نمائیم.

نامه انتقادآمیز به خبرنامه

یکی از مبارزان د ربرپای نهضت ملی ایران، نامه انتقادآمیزی برای هیئت تحریریه خبرنامه فرستاده‌اند که باسپاس ازیادآوری ایشان بخشی ازآن د رزیر نقل میشود:

" متاسفانه خبرنامه د رباره اعتصاب پانزدهم خرداد آنچنان که سزاوارآن بود حق مطلب راادانکرد. ملت ایران بدون داشتن هیچگونه امکان تبلیغاتی زبان به زبان وسینه به سینه د رسراسرایران اعتصاب بزرگی برپا داشت که نه تنهاکم نظیر بلکه بی‌نظیر بود.

د راین اعتصاب فقط چند شهرستان بزرگ شرکت نداشت کلیه شهرستانهای کوچک حتی دهات و قصبات نیز این دعوت را لبیک گفتند.

باید توجه داشت که د رشرایط خفقان آمیز کنونی که دستگاه استبداد از کلیه امکانات خود برای کوچک جلوه دادن اعتصاب و جلوگیری ازآن استفاده نمود ولی مفتضحانه شکست خورد. این نشانه بیداری و هشیاری و دینداری و عظمت ملتی است که دیگر از هیچ چیز نمی‌هراسد و از جان و مال خود می‌گذرد تا ظلم وبیدادگری را ریشه کن سازد و استقلال ایران رابدست آورد.

پس سزاوار بود بیش از اینها به این اقدام بزرگ ملت ارج نهاده شود و خبرنامه این فداکاری را چه جهت تاریخ ایران و چه برای آگاهی جهانیان آنچنانکه واقعیت پیدا کرد منعکس سازد".

خبرنامه: همانگونه که بارها اعلام شده‌است خبرنامه نشریه‌ایست که به همه‌ایرانیان آزاد یخواه واستقلال‌طلب تعلق دارد وبرای بهترانجام دادن وظیفه بزرگ ملی‌خود یعنی‌روشنگری هرچه بیشتر به کمک وراهنمایی‌مبارزان‌نیازدارد.

باخرسندی‌ازدریافت این‌نامه‌باردیگرازهمگان‌میخواهیم تابافرستادن‌خبرهای‌درست وبهنگام مارایاری‌کنند.

خبرها و تازه‌ها

روز "عزای عمومی" چگونه گذشت

بدنبال پیام حضرت آیت الله العظمی خمینی که یادآورکشتاروحشیانه مردم قم بود و اعلامیه مشترک مراجع‌عالیقدرعالم تشیع حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری و حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی که روز شنبه بیست و هفتم خرداد ماه راروز" عزای عمومی" اعلام نمودند، و متن آنهادرفوق العاده خبرنامه انتشار یافت، د ربسیاری ازشهرهاازجمله تهران روحانیان مبارز نیز به پیروی مراجع‌عالیقدرتقلید طی‌اعلامیه‌هائی باامضاء، این روز را روز "عزای عمومی"اعلام نمودند.

د رتهران، بازارکه د رطول مبارزات ملی پیوسته پیشگام بوده‌است وازهیچ فداکاری د رراه آزادی و استقلال ایران د ریغ ننموده تعطیل‌عمومی نمود . مغازه‌های خیابانهای اطراف بازار و مرکز شهر نیز بطور کامل بسته بود.

همه جانیروهای انتظامی وپلیس‌از قبل استقرار یافته بودند ولی‌مردم هشیارکه نقش ویرانگر وآشوبساز پلیس رابخوبی شناخته‌اند هیچ بهانه‌ای برای دخالت به گماشتگان" دستگاه استبداد" ندادند و بدینسان د رجریان این نمایش همبستگی ملی حادثه ناگواری پدید نیامد.

مانورگردانندگان اتاق اصناف نیز که نزدیک ... انجام پذیرفت تغییری د روضع‌ایجاد نکرد.

دانشجویان دانشگاه‌ها و مرکزهای عالی تهران ... د راین روز به پاس شهیدان ازشرکت د رجلسه‌های امتحان خود داری نمودند وبدینسان باردیگر بخش عظیمی از مردم تهران‌د ر"عزای عمومی" بسر بردند.

د رهمه شهرهای بزرگ همچون تبریز، اصفهان، شیراز و اهواز و مشهد وشهرهای کوچکترمانند قم، کاشان، قزوین، یزد، زنجان‌و بسیاری ازشهرکها و روستاها روز شنبه بیست و هفتم، روز"عزای عمومی" بود و د رهمه جا مردم دست ازکارکشیده به سوگواری نشستند و یکباردیگر پیوند ناگسستنی ملت ایران با "جامعه روحانیت" بخوبی نمایان شد.

حمله چاقوکشان حرفه‌ای به مبارزان دربند

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی اصفهان

روز دوشنبه بیست ودوم خرداد ماه جلادان زندان شهربانی اصفهان آقای نهاوندی یکی از زندانیان سیاسی رابی‌هیچ عذروبهانه‌ای زیرضربه‌های باطوم ولگد بسختی مجروح ساختند وساعتی بعد نیز زندانی سیاسی دیگری بنام بابایی‌رامضروب نمودند و

گرامی‌باد روز . . .   ازصفحه‌ٔ ۲

امنه پیروزی ازمرزهای ایران نبزگذشت ، در تمام پایگاههای نظامی انگلستان وموسسات نفتی د رسرتاسر خاورمیانه واکنش هائی ظهورکرد واعتقاد به اینکه در سایه اتحاد وسازماندهی می‌توان به سیطره انگلستان بگونه بزرگترین استعمارگرجهان ، پایان داد و بزندگی مستقل و آزاد رسید امید های مردم منطقه را صد چندان کرد .

• دکترمصدق پیشوای ملت ایران ، فراتراز مرزها و نژادها وزبانها امید آفرین شد ود رنظر وعمل بسان رهبری آهنین اراده وپیروزمند به تمام نهضت های رهائی بخش ملی منطقه ، تعلق پیدا کرد و" مصدقی" کردن مترادف " ملی‌کردن" شد و پیشوای ایران مظهرنهضت ستقلال بشمار آمد .

از ۲۹ خرداد ماه <u>۱۲۲۰</u> این روز پیروزمند بدلائلی چند ، که عمده‌ترین آن شرکت زحمتکشان میهن ما در مبارزه ضد استعماری بود ، <u>روز کارگران ایران</u> نامیده روزیکه این گروه عظیم وسازنده ، دکترمصدق و یاران خلع‌ید کننده اوراتائید کردند ، روزیکه دست از کار کشیدند ود رگرمای سوزان خوزستان فریاد زدند <u>مصدق پیروز است</u>" و هیات خلع‌ید را د ر میدان پاسداری کردند .

دستگاه استبداد وابسته به بیگانه که تمام دستاوردهای ملی مارابتاراج داده ، کوشش میکند ، روزهای افتخارآفرین ملت ایران نیزد ربوته فراموشی بماند . در حالیکه مردم میهن ما با آگاهی و صمیمیت هرچه فراوانتر نه تنها تاریخ حیات ملی و پیروزمند خود راازیاد نمی‌برند ، بلکه د راین شرایط سیاسی که حکومت بریده از مردم ، سقوطش حتمی بنظرمیرسد ، میرود تا روزهای افتخارآفرین تری رابنیاد نهد و برتمام پیروزیهای گذشته دست یابد .

گرامی باد خاطره بیست و نهم خرداد ماه روز قطع سلطه انگلستان و پایگیری حکومت ملی .

فزونی پیوند . . .   ازصفحه‌ٔ ۱

قطعنامه‌ای که در ۹ ماده تنظیم شده بود به امضای یک یک استادان شجاع رسید ، سالن از صدای تحسین دانشجویان می‌لرزید و کف زدنها قطع نمیگردید.

شمار دانشجویان از هزار می‌گذشت ، همبستگی استاد و دانشجو شور و ولوله‌ای بی‌پایان برپاکرده بود قطعنامه خوانده شد ، هرماده بتصویب همگان رسید و ما بجهت اهمیت به نشرکامل آن می‌پردازیم : ←

۱ـ مااساتید و دانشجویان دانشکده پزشکی ، حمله وحشیانه به دانشجویان کوی دانشگاه تهران راکه طی آن بیش از ۶۰ نفر مجروح وعده‌ای مفقود الاثر شده‌اند شدیداً محکوم نموده وتاکید میکنیم که چنین حوادث اسفباری ناشی ازوجود فضای خفقان آورپلیسی در دانشگاهها وکوی دانشگاه میباشد و خواهان اخراج گارد و نیروهای پلیس ازمحیط های آموزشی و دانشجوئی هستیم .

۲ـ ماتخریب و غارت اموال دانشجویان و تعطیل شدن کوی دانشگاه راکه بعلت حمله‌ٔ نیروهای نظامی غیراستفاده شده و منجربه آواره شدن دانشجویان شهرستانی گردیده موکداً محکوم کرده و مصراً خواستار رسیدگی به وضع دانشجویان هستیم (بازشدن کوی دانشگاه و معرفی وآزادی دانشجویان مفقود الاثر و زندانی) .

۳ـ ما حمله‌های مکرر عده‌ای چماق بدست را به اکیپ های کوه نوردی دانشگاهها و مدارس عالی که منجر به ضرب و جرح عده‌ٔ زیادی ازآنان گردیده است محکوم نموده و خواهان قطع این قبیل اعمال مذبوحانه هستیم .

۴ـ ما فعالیتهای صنفی دانشجوئی از قبیل کتابخانه‌ها و غیره رابه مثابه اساسی‌ترین حقوق دانشجوئی تلقی کرده ، هرگونه ممانعتی راد راین قبیل فعالیتها ، تجاوز به حقوق دانشجوئی قلمداد می‌کنیم .

۵ـ ما حمایت خود رااز خواستهای برحق دختران دانشجوی ساکن کوی دانشگاه تهران اعلام داشته ، خواستار بازبودن مجدد سلف سرویس دختران و نیز لغو محدودیتهایی از قبیل مقررات حضور و غیاب روزانه محدودیتهای ساعت ورود و خروج آنها ازخوابگاه و . . . راکه برآنان تحمیل میشود هستیم .

۶ـ ما حمله گارد ونیروهای انتظامی به دانشجویان تبریزرا که منجربه شهادت ومجروح شدن دانشجویان ، کارمندان واستادان دانشگاه آذرآبادگان شده است محکوم میکنیم .

۷ـ ما دخالت بی‌جا وغیرمنطقی گروهی غیرمسئول را که بادادن نمره‌ٔ (هـ) بدون کسب اجازه ازاساتید ، تعداد زیادی ازدانشجویان راد روضعیت نامناسب و حتی اخراج قرارداده‌اند محکوم مینمائیم . این مسئولیت د رحیطه‌ٔ استادان وهیات علمی دانشکده‌ها میباشد نه دیگران .

۸ـ ما انحلال دانشگاه صنعتی تهران را

بقیه د رصفحه‌ٔ ۴

پیروزبادملت

خبرنامه

اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران

شماره سیزدهم ـ سی‌ام خرداد ۱۳۵۷

گرامی باد روز افتخارآمیز بیست و نهم خرداد روز خلع ید از استعمار

نزدیک به نیمه‌شب بیست و نهم اسفند ماه ۱۳۲۹ مبارزات جبهه ملی ایران برهبری دکتر محمد مصدق پس از یکسال و نیم پیگیری ثمربخش شد و بنام "سعادت ملت ایران" و "بمنظور کمک به تامین صلح جهان" اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران به تصویب نهایی رسید و از آن تاریخ تمام عملیات اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری قانوناً در دست دولت ایران قرار گرفت.

بدنبال بررسیهای فراوان سرانجام در نهم اردیبهشت ماه با تلاشهای دکتر مصدق قانونی بتصویب رسید که ماده دوم آن بیان میداشت: "دولت مکلف است با نظارت هیأت مختلط بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید کند . . ."

مردم بپاخاسته ایران در آن روزهای تاریخی مبارزه، بیم داشتند که دشمنان ایران با آسیب رساندن به جبهه ملی سازمان متشکل ملت و یا برهبر نهضت که بارها از سوی استعمار و عوامل آن در معرض خطر قرار گرفته بود، از اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت جلوگیری نمایند و تمام تلاشهای قهرمانانه ملت ایران را برهبری جبهه ملی برباد دهند و امیدهای سازنده استقلال و آزادی را که پس از مشروطیت دوباره در دلهای مردم جوانه زده بود، بیأس مبدل سازند و بهمین دلیل با خود جوشی و نگرانی فراوان در انتظار فرا رسیدن روزی بودند که بریده شدن دست استعمارگران خون‌آشام را از عظیم‌ترین منابع ملی خود ببینند و حق حاکمیت ایرانیان را بر سرزمینهای خود احساس نمایند.

بقیه در صفحه ۲

سیزدهم ماه رجب، میلاد خجسته امیرمؤمنان علی علیه السلام سرور همه آزادگان تاریخ بشر، مظهر حقیقت پرستی را بهمه شیعیان جهان به ویژه ایرانیان شادباش میگوئیم.

یادآر ز شمع مرده یادآر
یکسال از مرگ دکتر علی شریعتی گذشت

زمانهای درازی میگذرد که در میهن ما به علت وجود نظام دیکتاتوری و سلطه فرهنگی بیگانه، نهضت فکری پرمایه و ریشه داری که بتواند نسلی را به حرکت درآورد، نمودار نگردیده است و اندیشمندان جامعه ما گویی در حاشیه حیات اجتماعی قرار داشته‌اند و اگر در متن نیز تلاشهائی از خود نشان میدادند بیشتر متعلق به یک قشر خاص میشد و ملت را نمی‌توانست بحرکت درآورد.

بدنبال بسط سیطره امپریالیستها در میهن ما و دره‌م ریختگی سازمان اداره کننده نهضت ملی و بویژه پس از کوشش های سیاسی سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۴۲ و سرانجام حادثه خونین و تاریخی پانزدهم خرداد ماه، فرهنگ و ارزشهای خودی و قرار دادن مبارزه ملی و رهائی بخش در رابطه با این سرچشمه های اصیل و پرتوان اجتماعی، نقش فراوانی پیدا کرد و ملت ایران و مبارزان و کوشندگان واقعی بیش از گذشته به این امر توجه کردند که راه نابودی دشمن و بحرکت درآوردن مردم برای آزادی و استقلال در اینست که مبارزه را از شیوه غربی و تقلید شده، بسوی پایگاههای سنتی سوق داد و از فرهنگ پرشکوه ملی که اسلام خمیرمایه تاریخی آن میباشد طرف بربست، از شکوه‌ها و تهمتها و ایجاد خصلت‌ها نهراسید و حرکت را از جائی شروع کرد که سنگر راستین بقای ملی و فرهنگی میهن بوده است.

بقیه در صفحه ۲

فزونی پیوند استادان و دانشجویان در مبارزه ملی

از چندی پیش که استادان آگاه و آزاد اندیش به صف مبارزان ملی پیوسته‌اند و به حمایت و هدایت شاگردان خود همت گماشته‌اند هرروز شاهد تظاهر جدیدی از مقاومت و همبستگی آنها هستیم.

پس از حمله دژخیمان استبداد به کوی دانشگاه و کشتار و غارت و آتش سوزی و رفتارهای شرم‌آور، دانشجویان و استادان دانشگاهها و مدرسه‌های عالی سراسر ایران دست به اعتراض شدید زدند و این توطئه‌های اهریمنی را محکوم نمودند و در راه مبارزه علیه این بیداد و ستم آشکارتر متشکل ترشدند.

یکی از درخشانترین این تظاهرات اعتراض‌آمیز اجتماع روز شنبه بیستم خرداد ماه استادان عالیقدر و دانشجویان مبارز دانشکده پزشکی رازی در سالن بیمارستان سینا بود.

در سالن بیمارستان سینا جائی برای ایستادن حتی یک دانشجو باقی نمانده بود.

بقیه در صفحه ۲

فرخنده باد بیست و نهم خرداد روز کارگران ایران

دانشجویان دانشگاه آذرآبادگان همچنان پایداری می‌کنند

دانشجویان دانشگاه آذرآبادگان خواستار خروج بدون قید و شرط عوامل ساواک از دانشگاه و محاکمه فوری عاملین کشتار روز ۱۸ اردیبهشت ماه ۵۷ گردیده‌اند. و با انتشار بیانیه‌ای همگام با استادان خود کلیه فعالیتهای آموزشی، تا تحقق خواستهائی که به شرح زیر اعلام گردیده است تحریم نموده‌اند:

۱ــ خروج بدون قید و شرط گارد و عوامل ساواک از دانشگاه.

۲ــ محاکمه فوری و اعلام عاملین کشتار روز هیجدهم اردیبهشت ماه.

۳ــ آزادی فوری دانشجویانی که در روزهای اخیر و سال جاری بازداشت شده‌اند.

۴ــ اعلام مشخصات همهٔ شهدا و مضروبین و بازداشت شدگان روز هیجدهم اردیبهشت.

۵ــ برآوردن تمام خواسته‌های دانشجویان با عطف به ۲۲ ماده‌ای که قبلا با رئیس دانشگاه درمیان گذاشته شده بود.

تبریز ۲۴/ ۲/ ۵۷

متن نامهٔ کمیتهٔ اجرائیه جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر

تهران ۱۳۵۷/۲/۲۵

بسمه تعالی

مراجع عالیمقام و ایات الله العظام آقایان حاج سید کاظم شریعتمداری و حاج سید محمدرضا گلپایگانی و حاج سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی ادام‌الله بقائهم

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از حقوق بشر تأسف و تأثر عمیق خود را نسبت بکشتارهای بیرحمانه اخیر مردم بیگناه قم و سایر شهرستانهای ایران که بدست مأمورین از خدا بی خبر دولت و بفرمان حاکم وقت صورت گرفته است به پیشگاه باعظمت شما پاسداران نظام توحیدی معروض داشته و مراتب همدردی و همگامی اعضای جمعیت و هواداران در سراسر ایران و خارج از کشور را اعلام میدارد و از خداوند جبار پیروزی مردم ستمدیده ایران را در قیامی که علیه ظلم و فساد و نظام استبدادی ایران برپا داشته‌اند مسئلت دارد این جمعیت و کلیه سازمانهای جهانی طرفدار آزادی و حقوق بشر اعمال خلاف قانون و ضد ... انسانی پلیس دولتی را در جرح وقتل مردمی که از تجاوزات نامحدود دستگاه بستوه آمده بخاطر دین و کسب آزادی و عدالت و برخورداری از حقوق سیاسی و اقتصادی به تظاهرات متوسل

کمیته برای دفاع از حقوق بشر و پیشبرد آن در ایران
نشریه شماره دوازدهم به خرداد ۵۷

۲۰ اردیبهشت ۵۷

خلاصهٔ قطعنامه هیئت علمی دانشگاه آذرآبادگان

هیئت علمی و اداری دانشگاه آذرآبادگان به دنبال رخدادهای دوشنبه ۱۸/ ۲/ ۵۷ در اجتماع عظیمی که در روز ۲۲/ ۲/ ۵۷ در محوطه دانشگاه تشکیل دادند ضمن ابراز انزجار و تأثر خواستهای خود را به شرح زیر اعلام نمودند :

۱ــ اعمال خشونت به هرعنوان در دانشگاه محکوم است. حضور گارد و مأموران انتظامی باستناد تجارب گذشته همیشه موجب تحریک دانشجویان و منجر به بروز خشونت بوده است.

لذا خروج گارد و عدم دخالت مأموران انتظامی در دانشگاه ضروری است.

۲ــ آزادی مجروحان و دستگیر شدگان حوادث اخیر دانشگاه مورد تقاضا است.

۳ــ در صورتیکه براثر حوادث مذکور، شرایطی پیش‌آید که نیمسال تحصیلی جاری منحل شود، از اجرای مقررات انحلال ترم (محرومیت واحتساب نمرهٔ صفر برای واحدهای انتخاب شده) خودداری شود.

۴ــ معرفی و محاکمهٔ علنی و قانونی مأموران متخطی که این حادثه را بارآوردند.

متن تلگراف رئیس انجمن قلم امریکا به آموزگار

آقای جمشید آموزگار نخست وزیر ایران ــ تهران

هزار و ششصد نویسنده سرشناس آمریکا از خشونتی که نسبت به رحمت‌اله مقدم مراغه‌ای و سایر افراد کمیته طرفداران حقوق بشر انجام شده است نگرانی خود را ابراز نموده و خواستار قطع اقدامات ایذائی را دارد امضاء ریچارد هوارد رئیس انجمن قلم آمریکا

Global Telegram

Full Rate unless otherwise marked) This telegram will be ...

Account ...

... are accepted subject to the rates, rules, and regulations as set forth in the applicable tariff of RCA Global Communications, Inc. ...

To His Excellency ~~Amir Abbas Hoveyda~~ Jamshid Amouzegar
Prime Minister of Iran
Teheran, IRAN

Via ______ Insert "RCA"

1600 distinguished American writers alarmed by violence toward Rahmatollah Moqaddam Maraghei and others on Human Rights Committee stop Urge halt to harassment

Signed,

Richard Howard, President
American P.E.N.

([illegible] ۱)

دانشجویان مسلمان دانشگاه جهت رساندن پیام خونین این عزیزان در مجالس یادبودی که در شهرهای زنجان ، ونیز [illegible] و ۵۰۰ [illegible] برگزار شد شرکت کردند ، و با تظاهرات آرام در خیابانهای این شهرها و حمل پلاکاردها وخواندن مقالات افشاگرانه و تبلیغ دیدگاه جهان بینی توحیدی در مورد شهادت و مقام شهید [illegible] سعی کردند تا پیام خون شهدای حقیقی اسلام را بگوش سایر هموطنان مستضعفان رسانیده باشند . بدنبال این جریانها جلادان رژیم که در یکی آن چند تن از کارمندان دانشگاه هم زخمی شدند . مقامات [illegible] وهمچنین کارکنان شرافتمند دانشگاه با تظاهرات آرام خود در روز شنبه ۲۲ اردیبهشت ماه در داخل دانشگاه که ۲ ساعت بطول انجامید به این کشتار اعتراض کردند .

شرکت کنندگان در این تظاهرات که حدود ۵۰۰ نفر بودند جلوی درب ورودی هر دانشکده توقف کرده و [illegible] به حرکت خود ادامه میدادند و در انتهای بیاد مرگ سوره والعصر و صلوات خوانده شد پس از پایان این تظاهرات تعدادی از مبارز دانشجویان بواسطه ممانعت مزدوران گارد که [illegible] نبود [illegible] از طرف استادان دانشگاه منتشر گردید

هرچه خجسته‌تر باد مبارزات پرشکوه تمام قشرهای انقلابی [illegible] دانشجو و کسبه و روحانیت

هرچه مستحکمتر باد پیوند حیاتی مردم مسلمان [illegible] انقلابی اسلامی

نابود باد سلطه استعمارگر امپریالیسم و نوکران خائنش در ایران

مرگ بر تمام مزدوران خائن و جنایتکار ساواک [illegible] . . .

دانشجویان مسلمان مبارز دانشگاه [illegible]

۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷

(ضمیمه ۱)

بسم الله قاصم الجبارین مبیر الظالمین
بنام خداوند درهم کوبنده ستمگران

ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب لعلکم تتقون (آیه ۱۷۹ بقره)

ای صاحبان بینشها وخردها برای شما در قصاص خونهای بناحق ریخته شده حیات وزندگانی است ، باشد که تقوا پیشه کنید . بانزدیک شدن اربعین شهدای یزد ، جهرم ، اهواز ، اصفهان و ... و تا پیروی از فتوای امام خمینی وهمچنین بخاطر اعتراض بوجود مزدوران گارد در دانشگاه ، دانشجویان مسلمان دانشگاه آذرابادگان در روز دوشنبه ۱۸ اردیبهشت تظاهرات گسترده ای را در دانشگاه برگزار کردند ، ناگفته نماند که بخاطر وجود شرایط نامساعد پلیسی شدید حاکم برشهر وعدم وجود رهبری صحیح ومنطقی درجوهای مردمی وبخاطر جلوگیری از کشته شدن مردم بیسلاح ولی آماده برای شهادت از برگزاری تظاهرات شهری که بمنزله جرقه ای درانبار باروت بود خودداری کردیم . شروع برنامه در پنج نقطه دانشگاه به صورت اذان شد که گروهی از برادران با شعارهای (صلوات ، الله اکبر ، لا اله الا الله ، درود بشهدای یزد ، جهرم ، اصفهان ، اهواز و ... ، درود برخمینی امام تبعیدی ما ، درود برطالقانی مجاهد اسیر ما ، درود برمنتظری مجاهد اسیر ما — این خانه دانشجو است نه لانه مزدوران گارد ، هر روز ما عاشورا است ، هر جای ما کربلا ، هر ماه ما محرم ، مجاهدان حسینی اند دشمن خلق یزیدی ، مرگ براین حکومت یزیدی ، کشتارخانه فیضیه دانشگاه ، مردم بپا میخیزند ، جلاد خون میریزد — ای جلاد ننگت باد ، قم ، تبریز ، فلسطین ، مرگ براین دیکتاتور بیوطن ، شاه تو را میکشیم) .

پس مزدوران پلیس مستقر در کیوسکهای درهای ورودی دانشگاه حمله کرده وبعد از مجروح واخراج نمودن آنها درها را قفل زده پلاکاردهائی بامضمون (بیاد شهدای یزد ، جهرم ، اهواز ، اصفهان و ... ، اینجا خانه دانشجو است نه لانه مزدوران گارد ، مزدور بیرون شو) بدرها نصب کرده وکیوسکها را درهم شکستند ، گروههای دیگر از برادران وخواهران همزمان با تجمع در نقاط دیگر دانشگاه وحمله ببانک بازرگانی داخل دانشگاه با دادن شعار بیکدیگر ملحق شدند . آنگاه سه اتومبیل را در محوطه مرکزی دانشگاه به آتش کشیدند . در این موقع اکثر دانشجویان بصفوف برادران وخواهران مسلمان مبارز خود پیوستند . گارد مزدور دانشگاه که از وسعت برنامه برادران وخواهران مسلمان سخت ترسیده بود بعد از نیمساعت با کمک مزدوران شهربانی بوسیله شلیک تیر هوایی وباتوم و چوب وگاز اشک آور به جمعیت تظاهر کننده حمله کرد . ولی با مقاومت برادران وخواهران که مسلح به سنگ و چوب وشلنگ بودند روبرو شد . مزدوران پلیس که توسط برادران وخواهران در هر برخورد با دادن مجروحین رانده میشدند بعد از یکساعت درگیری متناوب اقدام به حمله وحشیانه ای به دانشجویان مستقر در داخل دانشکده ها نمودند که در این یورش اکثراً دختران ویا دانشجویانی مورد حمله واقع شدند که در برنامه تظاهرات دخالت نداشتند . پلیس در این حمله ددمنشانه با وقاحت وبی عفتی هر چه تمامتر نسبت به دختران باعث مجروح شدن تعداد زیادی از دانشجویان شد . در تمام این مدت شلیک هوایی بوسیله مسلسلهای امریکائی واسرائیلی ادامه داشت تا اینکه بعد از ظهر مزدوران شروع به تیراندازی بطرف دانشجویان کرده و در این درگیریها و تیراندازیها بیش از ۱۰ نفر کشته وبین ۴۰ — ۵۰ نفر مجروح شدند که قریب ۲۰ نفر فعلا در بیمارستان بستری هستند . از اقدامات وحشیانه مزدوران پلیس حمله به یکی از دانشجویان مجروح در اثر تیراندازی که در حال انتقال به بیمارستان بود را میتوان نامبرد که در این یورش وحشیانه به دانشجویان حمله کننده دانشجوی مجروح به نام محمد فلامی به شهادت رسید . افراد دیگری که در اثر تیراندازی جانشان را از دست دادند داود میرزایی دانشجوی سال اول علوم تربیتی ، محمد مینی دانشجوی ادبیات ، کارگر باغبانی که در دانشگاه مشغول کار بود ویکی از راننده های ماشینهای دانشگاه بود . مشخصات سایر افراد کشته شده معلوم نیست .

در این تظاهرات چند عنصر ساواکی فعال وافسر وتعداد زیادی از ماموران توسط برادران وخواهران تنبیه شدند .

برنامه در ساعت ۵ وبعد از ظهر خاتمه پیدا کرد . بدنبال این جریانات شفقت استاندار جانی وریاست آذربایجان دانشگاه را بست . رژیم از ترس خشم مردم جسد افراد کشته شده را به بستگانشان تحویل نداد وبصورت مخفیانه دفن کرد .

ریاست محترم دانشگاه

ما امضاء کنندگان زیر اعضای هیات علمی دانشگاه آذرابادگان ، به عنوان مربیانی که مسئولیت تعلیم وتربیت جوانان کشوررابه عهده داریم ، به همه پدران ومادران داغدیده‌ای که فرزندان خودرادرحادثه اسف انگیزروزدوشنبه ۲۷/۲/۱۸ دانشگاه ازدست داده‌اند ازصمیم قلب تسلیت می گوئیم ودرماتم وعزای این جوانان وسوگ وغم خانواده آنان سهیم وشریکیم . به اعتقاد مامسئولیت مستقیم این سفاکی هاوخونریزی هابه پای کسانی است که به پلیس ومأموران انتظامی دستورداده‌اند تاباسلسل وتپانچه به سوی جوانانی که شعار لا اله الا الله برزبان دارند آتش گشایند وبه حریم دانشکده هاتجاوزکنند ودرودیوارکلاسها وسالن های مطالعه رابا خون دانشجویان رنگین سازند وبانهایت شقاوت حیثیت واحترام محیط دانشگاه وابتدائی ترین حقوق وحرمت های انسانی ، اسلامی وقانونی رازیرپانهند.ما باقتضای شرافت انسانی خوداین ستم هاوخونریزی هارامحکوم میکنیم وتعقیب قانونی این حوادث ومجازات مسببان این خونریزیهاراخواستاریم واعاده حیثیت دانشگاه واستقرار اوضاع مناسب آموزشی راشرط اساسی انجام وظایف علمی میدانیم .

(ص ۲)

بدیهی است با کسب خبر از منابع موثق تعداد شهدا بیش از این می باشد و مشخصات تعدادی از آنها هنوز
اعلام نشده است. مجروحین نزدیک به صد نفر می باشند که حدود ۴۰ نفر از آنها توسط پلیس مزدور
دستگیر شده اند. هفت نفر از آنها در بیمارستان ششم بهمن و یک نفر در بیمارستان شیر و خورشید و
نیز که اسامی آنها مشخص نشده است در بیمارستان ۲۲۵ منطقه ای ارتش تبریز بستری هستند
و حال بعضی از آنها وخیم می باشد.

در شرایط فعلی دانشجویان دانشگاه های ایران و سایر مراکز آموزش عالی از ابتدائی ترین حقوق
اجتماعی برخوردار نبوده و رژیم با اشکال گوناگون مانع از تشکیل انجمن های علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی می شود
و هر وقت طالب برآوردن خواسته های صنفی دانشجویی شویم [illegible]
مزدور مواجه می شویم و عملاً محیط دانشگاه را به پادگان نظامی تبدیل کرده اند. روزی نیست که ما در
جلوی کلاس ها و محیط دانشکده با مأموران گارد و عوامل ساواک برخورد نداشته باشیم. هر روز دانشجویان
دختر و پسر را در جلوی درب های ورودی دانشگاه به وقیحانه ترین شکل مورد بازرسی بدنی قرار میدهند و
مأموران گارد و عوامل ساواک [illegible] دانشجویان را دستگیر نموده و در بازداشتگاه ها به
شدیدترین شکلی آنها را مورد شکنجه جسمی و روحی قرار میدهند و روانه بیمارستان می سازند. ما هر روز
شاهد ضرب و جرح برادران دانشجویان هستیم [illegible] اعلام میداریم که دیگر محیط
دانشگاه برای ما غیرقابل تحمل شده است و از تمام نیروهای مترقی و پیشرو ایران و جهان تقاضا میکنیم که
خود را در این جریانات [illegible] و ما را در جهت برآوردن خواسته هایمان حمایت کنند. دانشجویان
دانشگاه تبریز [illegible] روز شنبه ۵۷/۲/۲۲ اعضای هیئت علمی [illegible] دانشگاه تبریز
و خواسته های [illegible] دانشجویان دانشگاه صنعتی و دانشجویان سراسر کشور را اعلام و خواستار برآوردن
تمام خواسته هایی که در زیر مطرح می شود هستیم [illegible] کلیه فعالیت های آموزشی دانشگاه را تحریم کرده و در
صورت عدم برآورده شدن [illegible] ادامه خواهیم داد:

۱- خروج بدون قید و شرط گارد و عوامل ساواک از دانشگاه
۲- [illegible] و اعلام عاملین کشتار [illegible]
۳- آزادی فوری دانشجویانی که در روزهای اخیر و سال جاری بازداشت شده اند
۴- اعلام مشخصات همه شهدا، مفقودین و بازداشت شدگان [illegible]
۵- برآوردن تمام خواسته های دانشجویان (با لطف به ۲۲ ماده ای که قبلاً [illegible] دانشگاه در [illegible] گذاشته شده بود)

تبریز یکشنبه ۱۳۵۷/۲/۲۴

«نابود باد دیکتاتوری [illegible] شاه خائن»
«مستحکم باد اتحاد بین جنبش دانشجویی و جنبش زحمتکشان ایران»
«زنده و پیروز باد اتحاد نیروهای مترقی و پیشرو سراسر ایران»
«[illegible] [illegible] ارتجاعی»

«[illegible] [illegible]»

کمیته برای دفاع از حقوق بشر و پیشبرد آن در ایران
نشریه شماره دوازدهم - ۳۰ خرداد ۱۳۵۷

(اصل)

«بیانیه دانشجویان دانشگاه تبریز»

مردم ایران، روشنفکران، آزاداندیشان و نیروهای مترقی جهان:

تاریخ مبارزات خلق ایران بیانگر این واقعیت است که جنبش دانشجویان به عنوان جزئی از مبارزه خلق زحمتکش ایران در برابر رژیم شاه خائن و حامیان امپریالیستی آن همواره رشد کرده و در جریان تکامل خود هر روزه در ابعاد بیشتر با مبارزات مردم ستمدیده ما درآمیخته و در رابطه با این مسئله رژیم تحت شدیدترین شرایط اختناق پلیسی به سرکوبی آن پرداخته و سعی می کند که این جنبش را از مبارزات مردم میهنمان جدا کند. نگرشی کوتاه به جنبش دانشجوئی ایران در سالهای اخیر گواه این مدعاست که هرچه اختناق پلیسی افزونتر گردد جنبش دانشجوئی ایران به موازات آن سازمان یافته تر خواهد شد. جنبش دانشجوئی ایران وظیفه و رسالت خود می داند که از مبارزات خلق زحمتکش ایران دفاع نموده و در این راه دانشجویان حتی از ایثار خون خود باکی ندارند چه کاملاً جنبش به این مسئله آگاه است که انقلاب دموکراتیک و رهایی بخش خلق ایران برای رسیدن به پیروزی به خونهای بیشتری نیاز دارد. مبارزات خونین دانشجویان ایران با ریختن خون سه تن از دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۳۲ ادامه یافت و بار دیگر واقعه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۷ دانشگاه تبریز به عنوان روزی خونین در تاریخ مبارزات دانشجوئی کشورمان ثبت گردید. در این روز در ساعت ۱۲/۱۵ دقیقه به خاطر اعتراض به کشتار وحشیانه مردم مبارز ایران در ماههای اخیر و گرامیداشت خاطره شهدای یزد، جهرم، اهواز و ... تظاهرات دانشجویان با حملات وحشیانه پلیس مزدور مواجه گردید و دانشجویان را در صحن مقدس دانشگاه و درمانگاه به زیر رگبار مسلسل گرفتند و فریاد آزادیخواهی را در گلو خفه کردند، چه بسا خون شهیدانی که محوطه دانشگاه را گلگون کرده و دانشجویان با خون خود بر در و دیوار دانشکده ها شعار آزادیخواهی را نوشتند و بار دیگر خاطره شهدای ۱۶ آذر را زنده کردند. در مقابل یورش وحشیانه مزدوران که با مسلسل و گاز اشک آور به دانشجویان حمله کرده بودند، دانشجویان با سنگ و چوب و وسایلی دیگر و وسیله ای که در دسترس داشتند به مقابله با آنها پرداختند، مزدوران دانشکده ها را محاصره کرده و دانشجویان را که در دانشکده ها پناه گرفته بودند به طرز وحشیانه ای کشته و مجروح کردند و حتی از گذاشتن کفن و دفن به اجساد شهدا نیز خودداری کردند. عده ای از دانشجویان خود را از طبقات دوم و سوم دانشکده ها به پایین پرت کردند. رژیم دست نشانده شاه خائن که ظرفیت تحمل اعتراضات برحق و منطقی دانشجویان را ندارد و بالنتیجه همه آنها را با شدیدترین وجهی توسط پلیس مزدور خود سرکوب می کند ایثارشان داد. پس از گذشت ۲۵ سال از واقعه ۱۶ آذر در هر مرحله که دیدیم گلوله دانشجویان را به زیر رگبار مسلسل می بندد، چه رژیم شاه دیکتاتور به خوبی به این واقعیت پی برده است که هرچه این مبارزات گسترش یابد کاخهای ارتجاع و ظلم و ستم آنها سست تر خواهد شد.

بدین ترتیب اعلام میداریم که این قتل و جنایتگریها نمی تواند هیچگونه خللی در مبارزه ما بوجود بیاورد و ما تا آخر در راه یاری رساندن به جنبش خلق ایران مصمم و پیگیر هستیم. در این واقعه تعداد زیادی از دانشجویان و کارکنان دانشگاه به شهادت رسیدند و تحت شرایط اختناق پلیسی اسامی آنهایی را که برما معلوم شده است اعلام میداریم:

۱- شهید گرامی داود میرزایی دانشجوی دانشکده علوم تربیتی
۲- " " محمد غلامی " " علوم
۳- " " محمد عینی " " ...

عقب نشینی عمله پلیس در سقز

روز یکشنبه یازدهم تیرماه، حجت‌الاسلام آقای علی تهرانی وقتی برای ادای نماز مغرب و عشا به حسینیه شیخیان سقز روی آوردند حسینیه را در محاصره پلیس دیدند. پس از نماز و مراجعت آقای تهرانی به منزل رئیس شهربانی با لباس شخصی و مست جلوی حسینیه می رود و عربده جوئی می کند و مقدسات مردم را دشنام می دهد. مردم خشمگین خودداری می کنند و بهانه بدست او باتو نمی دهند. چون نقشه رئیس شهربانی در راه ایجاد آشوب شکست می خورد، صبح روز بعد حجت‌الاسلام آقای تهرانی را در راه رفتن به حسینیه و ادای نماز بی هیچ بهانه‌ای دستگیر می کنند و در حسینیه را می بندند.

مردم مسلمان اهل تسنن برادرانه جلوی حسینیه اجتماع می کنند و به حجت‌الاسلام آقای احمدی اقتدا می کنند و نماز در خیابان خوانده می شود.

پس از نماز مردم شهر که از این هتک حرمت نسبت به آقایان باخبر شده بودند دسته دسته به نمازگزاران می پیوندند و با شعارهای الله اکبر و لا اله الا الله به طرف شهربانی حرکت می کنند.

مقامات انتظامی که نقش خود را در تفرقه افکنی بر آب می بینند و هماهنگی برادران شیعه و سنی را مشاهده می کنند حجت‌الاسلام تهرانی را با یک اتومبیل پژو قرمز رنگ به میان جمعیت می آورند و از ایشان رفع مزاحمت می کنند. احساسات مردم از این پیروزی و آزادی آقای تهرانی اوج می گیرد و به سوی حسینیه یورش می برند. رئیس شهربانی دستپاچه پیش از مردم می رسد و در حسینیه را باز می کند. مردم به حسینیه می روند و نماز می گزارند.

برادری و هماهنگی برادران شیعه و سنی در روزهای یازدهم و دوازدهم تیرماه (روز بعثت) تجلی صفات انسانی مسلمانان و نمونه‌ای بود که مشت محکمی بر دهان تفرقه افکنان و ماجراجویان کوفت.

در دانشگاه رضائیه

چندی پیش دانشجویان دانشگاه رضائیه برای پیشبرد تقاضاهای مشروع خود درباره کسب اجازه انتشار مجله دانشجوئی و تشکیل گروه تئاتر بطور آرام اجتماع کردند. گارد دانشگاه ناگهان به اجتماع آرام دانشجویان با چماق و باطوم حمله برد. دانشجویان را به صورت وحشیانه‌ای مضروب و ۲۲ نفر از آنان را دستگیر کرد. گویا این حمله وحشیانه کافی نبود که همانشب نیمه شب باز با چوب و چماق به خوابگاه دانشجویان حمله برد و پس از کتک زدن مجدد بیست نفر دیگر را دستگیر کرد.

مقامات انتظامی پرونده ۹ نفر از دانشجویان را به دادگاه نظامی فرستادند.

دکتر راثی رئیس دانشگاه ۸ نفر از آنان را اخراج و ۱۴ نفر از آنها را یک یا دو ترم از تحصیل محروم کرده است. روی هم رفته از اول سال تحصیلی بیش از صد نفر از دانشجویان به بهانه های مختلف با دستور رئیس دانشگاه از امتحان محروم شده اند.

دانشجویان که جرمی جز آزادیخواهی ندارند در اجتماع باشکوهی تقاضاهای مشروع خود را تکرار کردند و آزادی و رفع محرومیت دوستان خود را خواستار شدند ولی چون مقامات دانشگاه حاضر به مذاکره با آنان نشدند کلیه دانشجویان دست به اعتصاب زدند و برای اعتراض به اعمال خلاف دانشگاه امتحانات ترم بهاری را تحریم کردند.

خودسوزی یک دانشجو

جواد مسعودی دانشجوی دانشگاه صنعتی آریامهر روی چمن وسط خیابان ورودی دانشگاه خود را با بنزین آتش زد و سوخت. تنها عکس العمل دستگاه جابر حکومت این بود که به روزنامه‌ها دستور داد اگر خبر را نوشتند بنویسند این دانشجو اختلال حواس داشت. حقیقت این است که به شهادت استادان و همشاگردان جواد مسعودی نه تنها اختلال حواس نداشت بلکه از منظم ترین، معقول ترین و بهترین دانشجویانی بود که طی چهار سال تحصیل در رشته تحصیلی دانشگاه درس می خواند. مسعود بیمه نداشت ... و پنج‌سال ... کوچکتر را با کار و کوشش اداره می کرد. این دانشجو چون بسیاری دیگر از دانشجویان جدی به کمک هزینه‌ای که به عنوان وام از دانشگاه می گرفت برای گذران زندگی احتیاج داشت. از روز اول سرپرست دانشجویان و مشاور رئیس دانشگاه مراجعه کرد. کمک هزینه تحصیلی مسعود را می خواست. سرپرست دانشجویان هربار با توهینی تازه او را راند. بهانه این بود که چون دانشگاه درحال اعتصاب است کمک هزینه را نمی دهم. جواب دانشجو هربار این بود که تعطیل دانشگاه بعلت اعتصاب استادان است نه اعتصاب من و ما. فشار احتیاج و فشار توهین آمیز سرپرست دانشجویان روحیه این دانشجو را مصمم کرد تا روز یازدهم تیرماه در پایان وقت اداری اسمی دانشگاه جواد مسعودی را به محوطه دانشگاه راه نداد. جواد مسعودی با آخرین پولهائی که در جیب داشت به پمپ بنزین مجاور دانشگاه رفت. ظرفی بنزین خرید و در باغچه وسط خیابان ایزیسها و ورودی دانشگاه خود را آتش زد و سوخت.

این است رفتار فردی سرپرست دانشجویان دارایان دانشگاه‌ها نسبت به دانشجویان، هرچند معلول هرخواسته مشروع و هر حرکت ... آرام، چوب است و چماق و زنجیر و حمله گاردها و حبس و توقیف و شکنجه.

و این حکومت در آرزوی ... که سیاسی ... جوانان برومند کشور از هر ... بیرون می آید و این حکومت مدعی است که آینده را به دست این جوانان خواهد ساخت.

آری، این جوانان آینده را خواهند ساخت، ولی نه با این حکومت.

یورش به زندان زنان

پنجاه و دو نفر از خواهران مبارز و آزادیخواه ما، زندانیان زندان زنان قصر در حال اعتصاب غذا به سر می برند.

دژخیمان زندان به ریاست سرهنگ اخوان از چندی پیش به بهانه جوئی و آزار زنان زندانی سیاسی پرداختند. چند تن را به بهانه این که از شنیدن خبر ... شدند! به زندان مجرد فرستاده شدند. عاقبت روز ... سه شنبه ... هم تیرماه مأمورین زندان به بهانه بازرسی به زندان زنان هجوم بردند. در برابر اعتراض زنان، که چرا مشتی پاسبان و مأمور مرد هر روز به خود حق این گونه تجاوزات غیر قانونی را می دهند روسای زندان برآشفتند. گاردهای مسلح به چوب و چماق و ... زندان زنان رها کردند و زنان زندانی را وحشیانه کتک زدند. فرماندهی گاردها به عهده سرگرد ... بود که می خواست نمونه خشونت و ... را به افراد ش بیاموزد. پس از او ... مأمور گارد میدان داری و وقاحت می کرد و بی شرمانه بهزنان بی دفاع می تاخت.

زنان زندانی ... این حمله وحشیانه مجروح و مضروب شده اند و مورد توهین و آزار قرار گرفته اند. ... به عنوان اعتراض به این رفتار ... و ... اعتصاب غذا کرده اند.

مأموران زندان که از عکس العمل داخل و خارج زندان به وحشت افتاده اند به ... برداخته اند که گویا ... زندانی ... به گاردهای مسلح به باطوم و چماق و ... حمله کرده اند ... که عده ... زنان زندانی ... رفع حوائج ... خود ... چهار ... به قرار اطلاع ... بشر و کمیته دفاع از زندانیان سیاسی به این حمله وحشیانه اعتراض کرده اند و برای جلوگیری از این نوع اعمال ناشایست دست به اقدامات قانونی زده اند.

بقیه از صفحه ۲ اسلام و سیاست

وسیاسی آن باشد. هنگامی که اسلام با مجموعه معنوی اعتقادی خود عرضه می شود و در این صورت ... اعتقادی آن را در اساسی ترین مسائل حیاتی انسان مشاهده می کنیم. این مسائل عبارتند از مجموع شرایطی که می تواند در یک نظام جابرانه انسان را به سرحد محرومیت و گرسنگی و فقر و بیسوادی و خشونت و فساد اخلاقی و ... و تجمل پرستی و تضادهای ... طبقاتی برساند. در چنین ادراکی از اندیشه اعتقادی است که می توان نیروی برابری اسلام را ... اعتقادی ... و ...

با منطقی که ناشی از ... است ... داد و در پاسخ کسانی که جامعه و شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی امروز را با دریافت های اعتقادی اسلام هماهنگ نمی دانند ... و ... و ... و ... تغییر کرده است و نه عطش ... انسان برای عدالت و مساوات و آزادی. مبارزه انسان برای آزادی و عدالت و غلبه بر ظلم و زور همچنان ادامه دارد. انسان در ... خود ... مبارزه ... قرار دارد. آنچه ... قرار دارد ... و ... احساس ... و مسئولیت به ... انسان ... آنچه که از نتایج ...

بقیه از صفحه ۱ سانسور تا ملکس ...

خانواده های زندانیان مضروب نیز خودداری می نمایند.

نخست وزیر تمام وعده ها و ملاقات های خود را انجام می دهد اما وعده ملاقات با استادان دانشگاه صنعتی را که خود قبول کرده بود به بهانه بیماری لغو می کند. عکس افراد در حال ملاقات ها و رفت و آمدها در روزنامه ها منتشر می کنند.

گروه بررسی مسائل ایران که اکنون مأمور نجات حزب رستاخیز از شکست محقق شده است در گزارش خود می نویسد که علت نارضایتی مردم فشار مالیات هاست اما از علت فشار مالیات ها و علت فساد که چیزی جز استبداد فردی و فساد قدرت نیست چیزی نمی گویند زیرا آنها مأمورند و از خود استقلالی ندارند و حق جلو رفتن در افشای حقایق و ریشه های فاسد را ندارند.

می بینید که پرده دروغ و ریاکاری همچنان بر فضای سیاسی ایران کشیده شده است. هزاران زندانی بی گناه سیاسی همچنان در زندان ها زنده به گورند. مطبوعات همچنان فرمانبر دستگاه اختناق و سانسورند. مالیاتها همچنان افزایش می یابد. دولت با فرار از برابر پاسخ به سئوال های مجلس به طور علنی قانون اساسی را زیر پا می گذارد. دهها روحانی در تبعیدگاه ها به سر می برند. کار پرونده سازی برای مردم همچنان رواج دارد. دسته دسته از جوانها مأیوس از ادامه تحصیل و یا نا امید از ورود به دانشگاه ها راه خروج از کشور را پیش گرفته اند. سرمایه ها همچنان در حال فرار از کشورند. شب زنده داری ها و عیاشی ها و هرزگی های ثروتمندان تازه به دوران رسیده همچنان ادامه دارد. بنیاد پهلوی و بانک عمران همچنان مشغول بساز و بفروش و معامله هتل ها و کازینوهاست.

وزیر اطلاعات به مخبر خارجی می گوید همه چیز قابل بحث است جز قدرت مطلقه پادشاه. روسای شکنجه‌چی سازمان امنیت بدون دغدغه پاسخگوئی به این همه جنایاتی که در سال های گذشته و هم اکنون به دست این سازمان انجام می گیرد یکی پس از دیگری بمأموریت خارج می روند. به این معنی که همه دزدها و شکنجه‌چی ها و متجاوزین به حقوق مردم بنا به مصلحت و برکنار از هرگونه سوال و جواب می توانند تا فرصت های مناسب آینده مصون از هرگونه خطر یا استفاده از حقوق های گزاف دولتی و امکانات مالی آن در خارج مستقر شوند و در انتظار فرمان بازگشت بمانند.

سانسور دولتی حتی انتشار اخبار جعلی مربوط به فضای سیاسی و گروه های ظاهرا مخالف را نیز در مطبوعات شروع کرده است.

به این ترتیب است که سانسور با دستگاه های تلکس ابلاغ می شود و فضای سیاسی دروغین هر روز گشوده تر می گردد!!! اما همین گشودگی دروغین نیز برای رژیم استبدادی غیر قابل تحمل می شود. زیرا هستند کسانی که به تصور واهی و یا با بلند شدن دود بوی کباب بمشامشان می رسد و از ترس عقب افتادن از قافله ...

مخالفت علیه وطن، بقیه از صفحه ۱

کسانی که به گرانی و تورم و کمی درآمد کارگران و سرگردانی زارعین و گرانفروشی وغارت مردم بوسیله دلالها ومیهان‌دارها و واسطه‌ها اعتراض می‌کنند، در تبلیغات دولتی مخالف وطن خوانده می‌شوند.

چرا حکومت مردم معترض و مخالف اختناق و غارت و تورم و گرانی وفساد را مخالف وطن می‌خواند؟

برای اینکه حکومت و دستگاه آن خود عامل فساد و گرانی و خفه کردن آزادی‌هاست بنابراین هیچگاه حکومتی که اساسش بر فساد و اختناق است و خود عامل فساد و حامی فساد است حاضر نیست که کارنامهٔ اعمالش ازطرف مردم و روشنفکران در روزنامه ها ودر مجلس ودر مجامع عمومی مورد بحث و انتقاد قرار بگیرد.

اگر چنین نیست پس چرا حکومت از طرح مسائل جامعه و فساد و اختناق به وسیلهٔ مردم وحشت دارد و چرا روزنامه‌ها و مطبوعات و کتاب و رادیو و تلویزیون را به این صورت سانسور می‌کند. یک حکومت سالم و منزه از فساد چراخواهان تمرکز همه قدرتهای سیاسی در دست یک نفر است و چرا خدمت و قدرت را در چارچوب دموکراسی برای همه مردم بهرفاهتمس کذار! اگر حکومت از فساد منزه است و حامی فساد و عامل فساد نیست چرا از انتخاب افراد وطن دوست ویا لیبرترقی خواه در مجامع شهری ودر مجلس شورا جلوگیری می‌کند! اگر حکومت عامل فساد نیست چرا از وزرا و وکلا و صاحبان مشاغل عالی دولتی و قضات و همهٔ کسانی که مناصب اصلی اجرائی و قضائی و تقنینی را در دست دارند اطاعت کورکورانه و تسلیم مطلق در برابر قدرت می‌خواهد؟.

ما برای نشان دادن یک صحنهٔ از این گونه تبلیغات مضحک و انعکاس روحیهٔ تملق و مداهنه و تضاد های فاحشی که بلافاصله در برابر این تملق ها بروز می‌کند مطالبی را از روزنامه کیهان یکشنبه ۲۱ خرداد نقل می‌کنیم.

در جلسه روز یکشنبه ۲۱ خرداد مجلس شورا دکتر طهمورث فیروز زهن نماینده شمران از سفر خود به خارج گفتگو می‌کند و برای این که نشان دهد در سفر خارج بیشتر از فکر تملق وچاپلوسی از حکومت غافل نبوده است چنین درفشانی می‌کند:

"در سفر خارج با عده‌ای ازدانشمندان ملیت های مختلف که تا دیروز خانه و وطن داشتند و امروز ندارند صحبت کردم. کاش آنها که امروز علیه وطن خود اقدام می‌کنند این افراد را می‌دیدند وبی می‌بردند که چگونه به بهانهٔ رساندن آنها به بهشت موعود روانه جهنم شده اند."

آقای نماینده خوب بود اولا به جای صحبت با کسانی که تا دیروز خانه و وطن داشتند، در سفر خارج سری به صدها پزشک ایرانی می‌زد که با ترک وطن وکاشانهٔ خود علم و دانش خود را در خدمت دیگران گذاشته اند، و از آنها سؤال می‌کرد شما چرا به وطن خود بر نمی‌گردید؟ ثانیا آقای نمایندهٔ مجلس خوب است سفری هم به داخل کشور بکنند، نه اینکه رنج سفر به شهرستانهای ایران را به خود هموار کنند، بلکه در همین تهران سری به دانشگاهها بزنند و از هزاران دانشجو این سؤال ساده را بکنند که چرا چماق به دست های دولت شمارا مضروب می‌کنند؟ چرا شمارا در کوهها می‌زنند؟ چرا کتابخانه های شمارا بدون کوچکترین گفتگوئی می‌بندند؟ چرا شما رابه جرم خواندن کتاب به زندان می‌اندازند مواگر مجال کردند از رؤسای دانشگاهها بپرسند چه وقت و درکجا شما با این دانشجویان به گفتگو نشسته اید و از درد دل آنها پرسیده اید و از آنها سؤال کرده اید آخر حرف حساب شما چیست؟ و این نمایندهٔ مجلس اگر جرأت کرد آنوقت همین ها را از دولت و از پشت تریبون مجلس بپرسد، و سؤال کند چرا فرزندان وطن به خارج می‌روند و دیگر بر نمی‌گردند و چرا آنهائی را که در داخل تحصیل می‌کنند به این گونه خشونت در کلاسها و در خوابگاه‌ها و در دامنه کوه‌ها بوسیله چترباران و نیروهای ضربتی خود مجروح و مضروب می‌کنند.

و سرانجام این نماینده مجلس کهخود ظاهرا پزشک است و در دانشگاه هم کار می‌کند چرا این مخالفت علیه وطن را تعریف نمی‌کند، چرا وقتی از مخالفین علیه وطن حرف می‌زند به ده ها اعتراض استادان دانشگاه و وکلا و قضات و دانشجویان و روشنفکران و روحانیون و بازاریان توجه نمی‌کند، آیا اینها همه مخالف وطن هستند؟ اصولا مخالف وطن یعنی چه؟ چگونه می‌توان با وطن مخالف بود؟ اما داستان به همین جا ختم نمی‌شود زیرا همین نماینده مجلس وقتی با ذکر این مقدمه که برای چاپلوسی حکومت و نشان دادن وفاداری خود ساز می‌کند به لزوم اصلاح وضع اداری کشور اشاره می‌کند و پیشنهاد می‌کند که دولت باید هرکس را که از بیت‌المال ملت سوء استفاده می‌کند در دادگاههای نظامی محاکمه کند.

ببینید دامنهٔ سوء استفاده در دستگاههای دولت به کجا رسیده که حتی این نماینده برای نشان دادن شدت و حدت آن علاج را در دخالت دادگاهها نظامی می‌بیند؟

این نماینده اینجا جرأت ندارد به ریشه وعلت دزدیها ببردازد اما این قدر انصاف و شهامت هم ندارد که اقرار کند وقتی سوء استفاده ازبیت‌المال به این درجه از فساد وتباهی کشیده شده است بنابراین اعتراض کنندگان به این فساد به این علت مخالف وطن خوانده می‌شوند که بر خلاف این نماینده می‌گویند اگر ریشه فساد و سوء استفاده کنده نشود هرگز دادگستری و دادگاههای نظامی قادر به جلوگیری از سوء استفاده نیستند. مگر بازرسی شاهنشاهی و کمیتهٔ مبارزه با فساد و کمیسیون شاهنشاهی رسیدگی به ضایعات توانست با دزدی مبارزه کند؟ مگر سوء استفاده کنندگان نیروی هوائی که ده ها میلیون دلار از خرید سلاحها و هزینه های ساختمانی دزدی کردند مورد تعقیب دادگاههای نظامی قرار گرفتند؟ مگر دزد های نیروی دریائی باصدها میلیون تومان سوء استفاده پس از یکی دوسال زندان مورد عفو قرار نگرفتند و به ریش همه نخندیدند؟.

مگر هر روز دلالهای طبقهٔ حاکمه و صاحبان کارخانه های مونتاژ و سیمان و قند و سناتورها و وکلای بانکدار و بساز و بفروشها و پیمانکارها و مقاطعه کارها و شرکای آنها ده ها میلیون تومان با گرانفروشی و فروش کالا های بنجل خود از جیب این مردم فقیردزدی نمی‌کنند و با کمال فراغت در میهمانخانه ها وقمارخانه‌های رامسر و اصفهان و خزر شهر و کیش و اروپا و آمریکا صدها میلیون تومان ثروت بادآورده دزدی را به جیب صاحبان عالی مقام قمارخانه ها و شرکای خارجی آنها نمی‌ریزند و همچنان مصون ازتعقیب مشغول دزدی نیستند؟.

اما همین جلسه از مجلس خود آیینه تمام نمائی از دروغهای تبلیغاتی حکومت برضد وطن دوستان واقعی یعنی همان کسانی استکه دکتر فروزین به دنبال دروغپردازان دولت آنها را مخالف وطن می‌خواند. به این شرح:

۱ـ خود دکتر فروزین به دولت پیشنهاد می‌کند که هرکس از بیت‌المال ملت سوء استفاده می‌کند در دادگاههای نظامی محاکمه شود.

۲ـ نمایندهٔ لنگرود مسائل ومشکلات کشاورزان گیلان وچایکاران این منطقه رابیان می‌کند و می‌گوید سالهای متمادی است که نمایندگان ملت نابسامانی وضع پنجاه‌هزار خانوار کشاورز چایکار را بازگو می‌کنند ولی متاسفانه هیچیک از دولت ها یانخواستماند ویا نتوانستماند این مسئله راحل کنند. دولت باید در اسرع وقت علل ناکامیابی شرکت چای وعلل سقوط چایکاری را حل کند. ناطق همچنین از کاهش تولید برنج اظهار تاسف کرد و خواستار شد که نسبت به تثبیت بهای برنج و تأمین زندگی برنجکاران اقدام لازم به عمل آید.

۳ـ نمایندهٔ ساوه از عدم توجه سازمانهای مسئول به هنرهای اصیل ایران انتقاد کرد وگفت وضع سینماها و تئاتر وفیلم بسیار تاسف آوراست. ناطق از وزارت نیرو خواست ترتیبی بدهد که دیگر ماجراهای خاموشی های گذشته‌برق، تکرار نشود و بیگانگان و وطن فروشان فرصت تبلیغات سوء علیه کشور ما نداشته باشند!!.

"ملاحظه کنید آنجائی که مردم ازدولت می‌پرسند که بادرآمد ۲۲ میلیارد دلار از نفت چرا مردم برق ندارند وچرا باید دچار خاموشی شوند فورا تبدیل به وطن فروشان می‌شوند"

۴ـ نمایندهٔ رشت با اشاره به سخنان خود درجلسهٔ قبل در بارهٔ تولید گندم کشور اعلام کرد آمار و ارقامی که درآن جلسه پیرامون میزان تولید گندم ارائه کرده بود از کتاب آمار سالانهٔ سازمان برنامه که در دیماه گذشته منتشر شده بود استفاده کرده وآن آمارهای شخصی وی نبوده است. او یادآور شد اگر ارقام غلط ونتیجه گیریهای نابجا داشته باشد باید از آنهائی که در دستگاه های دولتی وبر مقام های بالا تکیه زده‌اند وباصرف هزینه های گزاف چنین آمارو ارقامی رابه عنوان یک سند رسمی دولتی در دسترس همگان قرار می‌دهند توضیح خواسته‌شود تا حقایق روشن شود.

۵ـ نمایندهٔ مشهد بااشاره به لایحهٔ تشکیلات جدید وزارت آموزش و پرورش گفت متأسفانه تا کنون برای تربیت معلم و تامین کادر آموزشی اقدام صحیحی صورت نگرفته است. وضع معلمان کشور از نظر رفاه زندگی رضایتبخش نیست.

۶ـ اما به جواب سرا پا سفسطهٔ وزیر مشاور در پاسخ نمایندهٔ رشت گوش کنید: "نمایندهٔ رشت رقمی را از میزان محصول گندم یاد کرد که مطلقا چنین نبوده است زیرا به داوری که همه می‌دانیم مصرف گندم ایران با محاسبهٔ بذر وذخیره‌میزان گندمی که حرام می‌شود و به مصرف خوراک دام می‌رسد حداکثر درحدود هفت میلیون تن می‌باشد که از این رقم درحدود یک میلیون تن واردات گندم داشتیم بنابراین باید به میزان مصرف که در حدود ۶ میلیون تن می‌باشد محصول داخل است."

"می‌بینید که نمایندهٔ رشت رقم ذکر شده خود را مستند به آمار سازمان برنامه عرضه می‌کند اما وزیر مشاور درجواب فقط گفتهٔ نماینده را تکذیب می‌کند!!".

۷ـ نمایندهٔ آبادان در بارهٔ قطع برق آبادان و فوت چند نفر دراین شهر بعلت گرمازدگی گفت قطع برق آبادان آن هم در گرمای ۵۱ درجه از ساعت یک تا سه بعد از ظهر خلاف آن چیزی است که ... در سمینار مسئولان ... منطقه ای اعلام کرد و گفت مردم که تیم فوتبال نیستند ما موظفیم که آب و برق به مردم بدهیم. وزیر نیرو گفته است که در تابستان امسال هیچ‌گونه خاموشی ... نخواهیم داشت ولی من از ایشان می‌پرسم که چرا مدت ده روز است که درظهرهای گرم و طاقت فرسای آبادان برق قطع می‌شود؟.

در یک جلسه مجلس شورا با تمام محافظه کاری همهٔ نمایندگان دولتی از دولت شکایت می‌کنند و این شکایتها پس از سالها سکوت و خاموشی ... از حدود مسائل ... تجاوز نمی‌کند ... اما به محض اینکه نماینده ای ازلایحهٔ جدید انتخابات انتقاد می‌کند همین نمایندگان به او فحش می‌دهند وحتی رئیس مجلس برخلاف آئین نامه او را از جلسه علنی اخراج می‌کند، و وزارت اطلاعات و ... آموزگار نیز از درج خبر اخراج نمایندهٔ مجلس از جلسه علنی به خاطر انتقاد از لایحه ای که سراپا خلاف قانون اساسی است جلوگیری به عمل می‌آورد.

روح پلیس درکمپیوتردانشگاه تهران!

چگونه کمپیوتر آقای کاردان اشتباه می‌کند؟

دبیرخانهٔ دانشگاه تهران‌دانشجویان را توبیخ کرده است. عدهٔ زیادی از دانشجویان را که به علت حمله های مکرر گارد به دانشگاه وایجاد محیط متشنج و تعطیل اجباری کلاس نتوانسته‌اند در امتحانات شرکت کنند، بدون اجازهٔ استادان نمرهٔ مردودی داده است.

از این عمل خلاف قانون و جعل نمره بوسیلهٔ دبیرخانهٔ دانشگاه که استادان مربوط از آن اطلاع نداشته‌اند، دانشجویان به محاکم دادگستری شکایت کرده‌اند و دکتر کاردان به دادگستری احضار شده است و در برابر بازپرس گناه را به گردن کامپیوتر دانشگاه انداخته است.

کسانی که دکتر کاردان را می‌شناسند می‌دانند که این استاد محترم که در روزگار جوانی از آزادیخواهان فعال بود وحتی آنروزگار که با نام تنباکو فروشان تحصیل می‌کرد مدتها بخاطر محروم شدن ازدریافت بورس ماهانه در ... پمپ بنزین‌فروشی برای اعاشه کار می‌کرد که البته این همه خود ازمحاسن اساسی است که می‌خواهد به هر قیمت تحصیل خود راتمام کند. اما همین ... دانشجوی دیروز امروز با اینکه معلم تعلیم و تربیت است و مقام معاونت آموزشی دانشگاه تهران را ... این قدر شهامت و وراحت ندارد که از ... و ... دانشجوئی ... وقتی از او می‌پرسند که به دانشجوئی که امتحان نداده است و از او نخواسته‌اند که امتحان بدهد چرا بدون اطلاع استادان مربوطه نمرهٔ مردودی داده‌اید، باکمال وقاحت ... ... کامپیوتر می‌اندازد!!

آیا با این گونه مسئولان ... ... ملت ایران در ... اینقدر درنگ می‌کند؟!! ... بازیگوئی این همه ... و انسانیت امثال دکتر کاردان را سرمشق زندگی و کار خود قرارنمی‌دهند و وجود اینگونه استادان شجاع و حقگو را درک هرچه بیشتر مفاهیم رستاخیزی معتنم نمی‌شمرند؟

جنبش شماره ۵ ۲۱ تیر ۵۷

اخراج روزنامه نگاران معترض

حکومت ایران نسبت به نویسندگان آزادیخواه انتقامجوئی می کند

هنوز ادعاهای آموزگار را در هنگام عظیم معترضین میبرند، از این جهت به معترضین در رابطه و مجلس فراموش نکرده‌ایم انتقام جوئی و اخراج روزنامه نگاران معترض که می گفت دولت من به آزادی قلم و بیان ادست کشود ماند.

و حیثیت های انسانی احترام می گذارد. همچنانکه در شماره دوم جنبش یکی از مظاهر گوناگون این احترام اخراج نوشتیم با این فشارها و دروغهای حکومت هدهای از بهترین روزنامه‌نگاران مطبوعات فاسد، دیری نخواهد پائید که نویسندگان ایران به خاطر اعتراض به فقدان آزادی شریف مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی قلم در دولت آموزگار می باشند. دست از کار بکشند و حکومت رسوای ضد آزادی را رسواتر کنند.

این اعتراض با امضای ۱۸۴ نفر از روزنامه نگاران مطبوعات برای آموزگار فرستاده شد اما نتیجه این اعتراض این برد که روزنامه نگاران برجسته‌ای نظیر بزرگ پور جعفر و جلال سرفراز و جواد طالعی و نعمت ناظری به اتهام فعالیت های درخشان خود برای انعکاس این اعتراض از مطبوعات رانده شدند و شرط بازگشت آنها به کار نوشتن مقالاتی در مدح حکومت و تایید اعمال دولت آموزگار معین شده است!!

آیا قطع ممر زندگی این افراد صدیق که گناهی جز اعتراض به فقدان آزادی قلم ندارند از جمله همین ادعاهای دروغین حکومت در گسترش آزادی‌ها نیست که امروز از طریق مطبوعات زیر سانسور برای انحراف افکار عمومی و ایجاد امید کاذب در میلیونها مردم غارت زده و محروم بخورد مردم می دهد؟.

حکومت ایران در برابر اعتراض ۱۸۴ نفر از نویسندگان مطبوعات و اعلامیه آنها علیه سانسور دست به انواع حیله ها و انتقامجوئیها زد که یکی از آنها نیز اعلامیه‌ای بود به امضای چند تن نویسنده قلم به مزد مطبوعات که در روزنامه رستاخیز تهیه شد و نویسندگان مطبوعات را یکی یکی با تهدید دعوت به امضای آن کردند ولی عده‌ای در اثر فشار زیر بار رفتند و جمع دیگری حتی آنها که اعلامیه اعتراض ۱۸۴ نفری را امضا نکرده بودند ماموران حکومت را از خود راندند و حاضر به امضا نشدند. با اینکه درباره آن نامه ساختگی در تایید حکومت تبلیغات وسیعی کردند ولی نتوانستند نامی از تعداد امضاهای تایید کننده در مقابل خیل

مرگ یک میلیونر

چگونه سازمان شاهنشاهی پولدارها را نیکوکار میکند؟

داستان همدانیان میلیونر اصفهانی

همدانیان در لندن مرد و سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی برای او مجلس ترحیم برپا کرد. بعنوان یک نیکوکار اما داستان به این سادگی نبود ثروت همدانیان از کارخانه پشمبافی، کارخانه شهناز و کارخانه سیمان و قند و باغ بزرگ حسن آباد با صد هکتار مساحت و باغ کرج و باغ شمال و سهام فراوان بانک توسعه صنعتی و معدنی باعث شد که رژیم در صدد برآید که از او یک مرد نیکوکار بسازد. به ایمن جهت همدانیان را بجرم دزدی توقیف کردند. بوکارخانه قند همدانیان را به ملکیت هژیر یزدانی بهائی معروف و ندهم دست تزدیک سپهبد ایادی درآورد. و او را در زندان محبور کردند که املاک و دارائی خود را وقف کند و باین ترتیب بنیادی باسم او بوجود آوردند. ودر این راه متجاوز از ۱۲ میلیون برای آزادی خود بین علم وزیر دربار و هوشنگ دولو پیشخدمت مخصوص وسپهبد ایادی تقسیم کرد.

ولی همدانیان میبایست نیکوکارتر از آن بشود که تا امروز تقدیم کرده بود باینجهت بنیاد او را بدون رضایت او منحل کردند و کلیه املاک و دارائی و اموال منقول وغیرمنقول او را به آقای عبدالرضا انصاری مدیرعامل سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی سپردند باین بهانه که همدانیان اموال خود را به سازمان بخشیده است. اکنون همدانیان مرد و همه ثروت سرشار او اعم از کارخانه ها و باغها وخانه ها و سهام بانکی در تصرف آقای انصاری و مظاهرا در اختیار سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در آمده است اما خود این سازمان وکلیه موایدان در اختیار ...

در سالهای اخیر به این وسیله گروه زیادی از ثروتمندان را برای دوشیدن آنها به بهانه نیکوکاری نیکوکار! کرده‌اند. و در این راه تماشائی نیز از قبیل کشته شدن فاتح ثروتمند معروف ... یزدی در بزرگراه ایوبی به بار آمده است که مقدار زیادی از ثروت فاتح بعدها به دست هژیر یزدانی افتاد وازآن پس ثروتمندانی که سرکیسه را شل نکرده بودند حساب کار خود را کردند و فهمیدند هرکه نخواهد با راهنمائی های سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی نیکوکار بشود براو همان خواهد رسید که بر سر فاتح بیچاره و همدانیان بینوا رسید!!.

نگاهی به:

انتخابات کانون وکلا

انتخابات کانون وکلای دادگستری از طرفی نشان دهنده گسترش و نفوذ جنبش آزادیخواهانه مردم ایران بود و از طرف دیگر چهره و موقعیت حکومت را در برابر وقایع اخیر ایران نشان داد.

حکومت که به کیفیتها توجهی ندارد، باتوجه به فشار افکار عمومی از داخل وخارج کشور تصمیم گرفت در کار این انتخابات که از نظر کمیت حدود هزار نفر رای دهنده داشت، نمایش "آزادسازی محیط" خود را به صحنه بیاورد. به این منظور بر خلاف روش سانسور اجازه داد قسمتی از متن جلسات وکلای پیشرو را که در برابر کاندیداهای دولتی موضع گرفته بودند، روزنامه ها چاپ و منتشر کنند. اما وقتی دید که وکلای پیشرو در سخنرانیهای خود تا قلب مسائل پیش تاختند، دستپاچه شد. تمام قوای خود را برای بردن انتخابات به میدان فرستاد. ولی نتیجه انتخابات چنان شد که آقای گیتی معاون وزیر دادگستری در حضور جمعی از قضات و وکلا گفت، دولت با یک تصویبنامه خیال دارد کانون وکلا را منحل کند و دوباره انتخابات به عمل آورد. جلالی نائینی نفر اول انتخابات و رئیس سابق کانون وکلا نیز چنین تهدیدی را این جا و آن جا تکرار کرد.

نحوه انتخابات، تعداد شرکت‌کنندگان، نتیجه انتخابات و ترکیب انتخاب شدگان نشان امیدوار کننده‌ای از تاثیر جنبش آزادیخواهانه مردم ایران در میان قشرهای مختلف جامعه است.

از جمع ۱۸ نفر، ۱۲ عضو اصلی و ۶ نفر علی البدل، ۷ نفر از یازده نفر کاندیدای پیشرو برنده شدند. چهار نفر از سایر انتخاب شدگان نیز چهار

آزادی خواهانند ویا دست کم با حکومت روی موافقی ندارند. کار آشنایان می گویند وکلای پیشرو اگر به جای یازده نفر تعداد بیشتری کاندید اوارد میدان می کردند سلماً تعداد بیشتری از کرسیهای هیئت مدیره را به دست می آوردند مثلا اگر کسانی چون احمد صدر حاج سید جوادی و دکتر کریم لاهیجی قبول داوطلبی می کردند، مسلما جزو نفرات اول برنده می شدند. یا دکتر اسداله مبشری بجای اعلام کاندیداتوری در آخرین ساعات شروع اخذ رأی، از ابتدا کاندیدای گروه پیشرو می شد حتما برنده میبود. وگروه پیشرو امروز به جای هفت کرسی، دست کم ده کرسی از هیئت مدیره را در دست داشت.

در موضوع آراء و تعداد رای دهندگان نیز تغییرات قابل توجهی به چشم می خورد. در دوره سابق (دو سال پیش) مجموع آراء بیش از ۹۰۷ رای نبود، که جلالی نائینی نفر اول از این میان ۷۰۲ رای آورد، اما در این دوره تعداد آرا به عدد ۱۱۶۷ رسید که همان شخص بیش از ۶۲۰ رای نیاورد، تازه گفته می شد که رئیس سابق کانون در دوران ریاست خود بیش از صد نفر از افسران بازنشسته را وارد کانون کرده است که رای یکدست دولتی باشند. تجربه نشان داد که از میان همان ها نیز تعداد قابل توجهی به کاندیداهای ملی رای داده‌اند. در این میان ۹ رای از آرای پیشرو به علت اشتباه و داشتن علامت باطل شد وگرنه دو نفر دیگر به برندگان پیشرو اضافه می شد.

درهر حال این انتخابات تجربه ارزنده‌ای بود.

به این امید که وکلای آزادیخواه در انتخاب رئیس ... نیز پیروز شوند.

دفاع یک دانشجو در:

دادگستری اصفهان

یکی از ده نفر دانشجوی اصفهان که درشعبه یک دادگاه جنائی محاکمه شد آخرین دفاع گفت، "آقای رئیس دادگاه! من آن قسمت از مدافعات وکیل مدافعم را که برای من تقاضای تقلیل مجازات کرد قبول ندارم، مادر من بر مبنای احساس مادری از وکیلم خواسته بود که چنین تقاضائی بنماید! من جرمی نکرده‌ام که مجازات داشته باشد مگر شما بخواهید حسب الامر برای من مجازاتی تعیین کنید که آن هم مجازات آزادگی و آزادیخواهی من و هم زنجیران من است. آقای رئیس دادگاه من که دانشجوی سال چهارم پزشکی هستم شیشه نمی شکنم، زیرا می دانم که شکستن هزارها شیشه هم کوچکترین لطمه‌ای به دستگاه دیکتاتوری نخواهد زد آنچه را که دستگاه جبار دیکتاتوری واداشته به من دستبند بزنند و مرا جلو میز محاکمه شما بنشانند. این است که من و امثال من در کار یافتن آگاهی کامل و انتقال این آگاهی به دیگر ستمکشان هستیم. و روزی که ما در این کار موفق شویم که خواهیم شد، این محاکمه برعکس برپا خواهد شد با این تفاوت که آن محکمه فرمایشی نخواهد بود.

دانشجوی گمشده!

مدت شش ماه است که سیدعلی جهان آرا، دانشجوی دانشگاه تهران گم شده است.

تمام قرائن و شواهد نشان می دهد که ماموران حکومت این دانشجو را در خیابان ربوده و با خود برده‌اند.

شش ماه است که خانواده این دانشجو دست از کار و زندگی کشیده‌اند و برای جستن فرزند خود به شعبه‌های مختلف سازمان امنیت، شهربانی و دادگستری مراجعه می کنند و هیچکس جوابی به آنان نمی دهد. این خانواده پریشان دست کم می خواهند به آنها خبر داده شود که ماموران حکومت فرزند جوانشان را در زیر شکنجه کشته‌اند و تکلیفشان را یکسره کنند.

فراوانند از این خانواده‌ها در هر شهر از مملکتی که سردمداران حکومت آن هر روز با ادعای آزادی و آزادیخواهی گوش مردم را کر می کنند.

جنبش آزادیخواهانه مردم ایران که برای خاتمه دادن به کار این حکومت فاسد آدم ربای ضد آزادی تا کنون صدها صدها کشته داده است، تا روز پیروزی از پای نخواهد نشست.

تکنولوژی تولید ومصرف

بقیه ازصفحه ۱

واما مارکسیسم درمیان جوامع غیر صنعتی عقب‌مانده خواه ناخواه به ایجاد تمرکز شدیدی در نظام رهبری سیاسی منتهی می‌شود. زیرا ضرورت وجود نظم در کار و افزایش بهره‌وری تولید ایجاب می‌کند که عنصر شرکت و مشورت توده‌های کارگری ودهقانی وخرده بورژوازی در امر رهبری در بوتهٔ فراموشی نهاده شود. در مرحلهٔ عبور از عقب‌ماندگی صنعتی و تجدید سازمان در نظام اداری تولید وخدمات، نقش صاحبان تخصص وتکنوکراسی برجسته‌تر می‌گردد.

ایفای این نقش از آنجائی که باید در حد مطلوب تاثیر باشد بااختیارات گوناگون مادی و معنوی برای تکنوکراتها و صاحبان تخصص در سطوح بالای رهبری صنعتی وعدتاً همراه خواهد بود. واین خود عدتاً مای را با ایجاد ... در ... خواهد بود.

جوامع عقب‌مانده تنها الگوی برابر الگوها از این نوع حکومتها قرار دارند که خواه ناخواه این الگوها بصورت اجناسی صادراتی بیان عرضه می‌شوند. احساس کنیم ضرورتهای تاریخی خاص ساختمون اجتماعی ما ... ارائهٔ ... خود میباشند. ولی از نظر تاریخی ظاهراً الگوی مارکسیستی آشتی‌ناپذیر با الگوی سرمایه‌داری است. ولی هردو آنها در رقابت‌شان در مرحلهٔ نظری وعملی معین سنتهای خاص خود جاری شوند. سرمایه‌داری در عملکرد خود بحران می‌آفریند. تولید را بصورت هدف در می‌آورد. مصرف را تا سرحد شرهائی که ویرانگر معنویات انسانی است توسعه می‌دهد. آزادی ورهائی را تا مرز از خود بیگانگی انسان در سطحی ... لایه‌های آن به پیش می‌راند. انسان را به اسارت ماشین ویا جزئی از ماشین ...

اما در مارکسیسم خصوصاً در جوامع عقب‌مانده، اصل ... رهبری و مشارکت شورائی ... اگر رهبری توده‌ها متوقف شود ... ارادهٔ عقب‌ماندگی صنعتی همچنان تحت الشعاع ... سازمان یافته قرار می‌دهد، و در این نظم جامعه به هیئتی متحدالشکل در می‌آید که می‌بایستی کلیه خصوصیات فردی و گروهی آدمها در ضرورت کار مولد مستهلک ... در جوامع عقب‌مانده که تجربه آزادی ... و بدون ذخیره هستند برای اکثریت توده‌ها دسترسی بر وسایل مادی زندگی و نجات از چنگال بیکاری وفقر دائمی جاذبهای عظیم دارد و در این مرحله با خالی بودن ذهن آنها از فرهنگ آزادی به آسانی در منظومه سیاسی واداری کار مولد که تنظیم و تدوین انحصاراً از سوی رهبری از شرایط اصلی آنست جذب می‌شوند. چارچوب شرکت در شوروی و نظام شوراها بوسیله رهبری تعیین می‌شود و همین خود برای دوس که در نظام سابق سرمایه‌داری بکلی در حاشیه رهبری جامعه خود قرار داشتند محرک وجاذبه‌های فراوان در بر دارد.

جامعه ما در برابر چنین الگوهائی قرار دارد در حالی که نسبت به هیچیک از این دو الگو هیچگونه تجربه نظری وعملی ندارد. از الگوی سرمایه‌داری از کلیه معایب آنها بدون اینکه هرگز از محاسن آن بهره‌مند شده باشد برخوردار است واز الگوی سوسیالیزم اگر در جاذبه محرکهای نظری آن قرار داشته باشد اما هرگز بخاطر فرهنگ فقیر وفقدان مطلق تجربه در آزادیهای دموکراتیک و پنجه‌ی ناشی از نظام صنعتی از نقائص عملی آن اطلاعی ندارد.

هر یک از این دو الگو در جهان امروز نماینده قدرتهای بزرگ نظامی و سیاسی هستند این دو قدرت در حال تنازع انی با یکدیگرند. ودر مجموع بر قلمرو جغرافیای سیاسی جهان حکومت می‌کنند. الگوی سرمایه‌داری در بوته آزمایش در سخت‌جاهای کشورها آسیائی وآفریقائی وآمریکای لاتین میراثی جز فقر ومحرومیت وغارتگری ملیاردها انسان باقی نگذاشته است وهنوز نیز همچنان در حفظ مواضع کهنه ومخرب خود پافشاری می‌کند ودر دنیای سیاست توطئه‌ها وجنگها و کودتاهای گوناگون بر پا می‌دارد. والگوی سوسیالیزم با جاذبه عظیمی که از عدالت اجتماعی وآزادی ورهائی از قدرت سود و سرمایه عرضه می‌کند بصورت وسیله اجتناب‌ناپذیر بهروزی بر مشکلات اجتماعی واقتصادی بشری درآمده است اما درعین حال خود وسیله سلطه قدرتهای سیاسی بزرگ بر ملتهای کوچک است.

مردمی که در زمینه اکثریت افراد خود فاقد رشد سیاسی وفرهنگ اجتماعی پیشرفته هستند وهنوز به منابع علمی وفنی تکنولوژی قدرتهای صنعتی بزرگ دسترسی ندارند چگونه می‌توانند بدون اینکه در حوزه قدرت گذاری‌های بزرگ جذب شوند با استفاده از مایه‌های فرهنگی ونیروهای مولد خود و همچنین با استفاده از تکنولوژی پیشرفته امروز با دست خود وبه دور از تقلید وبدون استحاله در قدرت دیگران زمین تشنه اندیشه ونیازهای مادی خود را از جنبش حرکتهای و برنگاپو بارور سازند؟

نسل جوان امروز در سودای چنین اندیشه‌ای دارای مسئولیتی خطیر است.

اگر به گذشته‌های نزدیک جامعه خود نگاهی بیندازیم کافی است که این مسئولیت را همراه با دیدی انتقادی درک کند وبرخلاف گذشتگان خود از تقلید وآسانگیری ودنباله روی از آنچه که دربسته بندیهای فریبنده از خارج وارد می‌شود درگذرد وضرورت جست وجوی عمیق ویک زایش وپویش سازنده را برای ایجاد توانائی فکری ومادی در خود احساس کند.

مشکل کنونی ما ونسل‌های گذشته خیلی آسان نگری وتقلید است. خیلی آسان می‌توان میراث اتهام زدن ونسبت دادن ولاف تجددمابی‌های بی‌ریشه را برد وتربیت نمود وخیلی سهل است که آدمی بجای تفکر انتقادی وجستجوی عینی در زمینه مسائل با چوب همه را بمنزلهٔ دموکرات وامپریالیزم وسرمایه‌داری وجیره‌خوار آمریکا بنامد ویا الصاق یک برچسب بر سینه خود بعنوان یک روشنفکر چپگرا خود را از هرگونه مسئولیت تحقیق وتتبع رها سازد. اما این کار با همه آسانی فقط یک فرار وگریز وخود گول زدن در برابر مسئولیت است. انسان با تهمت زدن به دیگران به خیال خود وجدان خود را در برابر مسئولیت آسوده می‌کند.

اما حتی در فرهنگ‌های متحط سرمایه‌داری نسل‌های جوان اینگونه با مسائل روبه رو نمی‌شوند. زیرا در آنجاها نیز تفکر انتقادی وزمینه جستجوی تحقیقی زمینه‌ای گسترده دارد وهیچگاه کسی نمی‌تواند با این گونه ابزارهای کودکانه با مسائل جدی زندگی وبا کشمکشهای فکری واجتماعی جامعه خود روبرو شود. وهیچکس با تهمت زدن به دیگران وفرار از مسئولیت تحقیق و تفکر انتقادی مسائل خاص خود را نمی‌تواند حل کند.

پس می‌کوشیم با غنی‌تر کردن فرهنگ سیاسی واجتماعی خود مسائل ومشکلات جامعه خود را نه با تقلید کورکورانه وتعصب جاهلانه بلکه با استفاده از تجربه دیگران وبا اتکا به کوششهای علمی وعینی خود در زمینه مسائل زندگی توده‌های زحمتکش همه خود حس کنیم وبا ایجاد رابطه با مردم وبا مسائل آنها وبا آشنا شدن با محیط اجتماعی جامعه خود وبا دسترسی یافتن بر منابع فرهنگ قومی وفرهنگ جهانی منظومه‌ای از تفکر انتقادی در جامعه خود بوجود آوریم.

اگر طالب رسیدن به حقیقت از راه مبادله و برخورد آرا وعقاید هستیم در انگیختن مباحث فکری شرکت کنیم. وارزش تئوریها را در میدان عمل وتجربه خود ارزیابی کنیم به آنچه که در بسته بندیهای خوش‌آب‌ورنگ بیگانه بدست شما می‌دهند ساده‌لوحانه مجذوب نشوید. به ارزش عملی وتجربی تئوریها که در زمینه زندگی دیگران بدست آمده است بسنده نکنید. تجربه دیگران در زمینه تئوری محصول کار وکوشش خاص آنهاست وبهمین جهت آنها بیشتر از ما به محاسن ومعایب ارزشهائی که از طرف آنها به مرحله عمل وتجربه گذاشته شده است وقوف دارند. اما در دنیای کنونی در پس هر همکاری یک نوع وابستگی ایجاد می‌شود. و هر تجربه عملی از تئوریها اگر با تکیه به کمک وقدرت دیگران انجام گیرد خود به ایجاد نوعی وابستگی واسارت منتهی می‌شود.

بنا بر این اگر راه حل‌های شناخته‌شده در تجربه‌های عملی سوسیالیستی به صورت تقلید وبدون آگاهی از ریشه مورد استفاده قرار گیرد رهائی از اسارت یک نظم کهنه وپوسیده با قبول اسارت یک قدرت دیگر که کلید تجربه وقدرت بکار بردن آنرا در دست دارد مقارن خواهد شد.

تلاش برای استفاده از مترقی‌ترین راه‌حل‌های اجتماعی واقتصادی در پرتو تجربه‌های کلها حق مشروع انسانهاست اما شناخت تجربی و تئوریک این راه حل‌ها وزیرسازی قدرت فرهنگی آن مسئله ایست که می‌تواند مردم کشورهای کوچک وعقب‌مانده را از استحاله در کهکشان قدرتهای بزرگ ممانعت کند.

دانشگاه تبریز
کشته‌های واستعفای رئیس دانشگاه

به قرار اطلاع در هجوم ماموران استبداد هجده نفر از دانشجویان دانشگاه تبریز به وسیله سرنیزه وگلوله گارد کشته شدند. یکی ازاین کشته شدگان دختر دانشجوئی است که به دنبال حمله جلادان استبداد به اتاق رئیس دانشگاه دکتر مرتضوی پناه می‌برد ودر زیر میز رئیس دانشگاه مخفی می‌شود. ماموین در تعقیب او وارد اتاق می‌شوند ودختر دانشجو را با ضرب سرنیزه به قتل می‌رسانند. رئیس دانشگاه با دیدن این منظر و مناظر هولناک دیگری از حمله وهجوم ماموین به دانشجویان بیگناه روانه تهران می‌شود ودر تهران پس از شرکت در جلساتی که او را مورد انتقاد قرار می‌دهند واو نیز به شدت این سفاکی را مورد حمله قرار می‌دهد، از مقام خود به عنوان اعتراض استعفا داده وبه تبریز مراجعت می‌نماید.

۱ شنبه ۲۰ خرداد — صفحه ۶

جنبش

سخنگوی دولت می گوید که مخالفین باید تکلیف خود را در برابر شاه و میهن معین کنند و ما می گوئیم قبل از هر چیز رژیم باید موضع خود را در برابر قانون اساسی روشن کند. ←

یورش به کوی دانشگاه

از سرنوشت شش دانشجو خبری نیست

دختران دانشگاه از اول خرداد ماه به عنوان [illegible] آمیز جاری در کشور [illegible] دانشگاه اعتصاب کرده اند. [illegible]

دختران ساکن کوی دانشگاه اعلام کرده [illegible] ساعت ده صبح روز پنجشنبه [illegible] خرداد اجتماع خواهند کرد [illegible]

[illegible]

باتوم بهتر به نظر می رسد. ساعتی بعد گاردهای [illegible] غلیظ گاز اشک آور لوله های آب را باز کردند و خونهای کف راهروها را شستند. ولی هنوز لکه های خون بجا و بر روی دیوارها باقی است.

در این تهاجم شرم آور پلیس با دانشجو بیش از صد و بیست اطاق ویران شد که در هر اطاق سه نفر ساکن بوده اند. عده ای زخمی جان به سلامت برده اند. برخلاف اخبار [illegible] روزنامه های تحت سانسور [illegible] دانشجویان زخمی را اخراج شده از کوی دانشگاه [illegible] عده ای از آنها در [illegible] مردمی که اطراف کوی ناظر وحشیگری گارد بودند شبها پناه داده شده اند. دسته ای هم شب را در پارک [illegible] خوابیده اند.

گاردها زخمی ها را به بیمارستان شهربانی و بیمارستانهای ارتش برده اند. از چند نفری که به دست مردم به بیمارستان [illegible] نزدیک کوی دانشگاه رسیده اند گفته می شود جنازه یکی را برده اند و دیگری به نام [illegible] دچار خونریزی [illegible] بوده و حال [illegible] است.

گفته می شود که عده ای شهید شده اند. تا کنون خبرنگاران ما توانسته اند نام شش نفر: محمود [illegible] شاهسون - [illegible] - فریدون [illegible] کلام - [illegible] - محمود [illegible] و [illegible] را از دانشجویان [illegible] به دست آورند که تا کنون خبری از آنان نیست.

در کوی دختران تحت [illegible]

از نیمه جمعه دوازدهم خرداد افراد گارد در جلوی کوی دختران مستقر شدند. ساعت یک بعد از نیمه شب سیزدهم خرداد صدای آژیر اتومبیل پلیس دانشجویان را از خواب پراند. اتومبیلها جلوی خوابگاه ایستادند و افراد گارد بیرون ریختند. دختران که سراسیمه برخاسته بودند از پنجره نگاه می کردند. شنیدند که یکی از گاردها فریاد کشید: سرپرستان را صدا کنید که می خواهیم برویم تو. دانشجویان سراسیمه اطاقها را ترک کردند و در محوطه باغچه جمع شدند. سرپرست خوابگاه [illegible] از دانشجویان خواست که به اطاقهایشان بروند و چراغها را خاموش کنند تا خودش قضیه را حل کند. دانشجویان به اطاقها رفتند و در تاریکی، لرزان منتظر حادثه بودند. عاقبت معلوم شد تمام تهدیدهای غیر انسانی گاردها و سراسیمه کردن جمع برای این بود که می خواستند چند نفر دانشجوی [illegible] ساکن کوی امیرآباد را که کاشانه شان به دست گاردها ویران شده است در این خوابگاه جا بدهند. این خوابگاه هنوز جای خالی دارد ولی دانشجویان ایرانی را در آن راه نداده اند.

عاقبت نزدیک ساعت ۳ صبح یک ماشین سواری شورلت ایرانی سبز رنگ آمد و گاردها دستور داد عقب نشینی کنند!! [illegible] از این گنگستر صبح روز چهاردهم عده ای از پدران و مادران که از قضیه خبردار شده بودند آمدند و فرزندان خود را بردند و آن دسته که خانواده شان ساکن شهرستانند، منتظر حادثه باقی ماندند.

[illegible] ساعت ۱۲ [illegible] کامیون [illegible]

[illegible] شماره ۱۱ و ۱۲ و ۱۸ [illegible]

[illegible]

جواب به سخنگوی دولت

اگر رژیم قانون اساسی را قبول دارد باید بداند که قانون اساسی دارای کلیتی تجزیه ناپذیر است. در قانون اساسی اگر فصلی درباره حقوق سلطنت وجود دارد فصل دیگری هم برای حقوق ملت اختصاص داده شده است. در قانون اساسی ما ۲۲ اصل مربوط به حقوق ملت است. این اصول حاوی چه مضامینی است؟ این اصول حقوق مردم را در زمینه آزادیهای سیاسی و اجتماعی مشخص می کند. در قانون اساسی ما حق حاکمیت از آن مردم است. در قانون اساسی ما قوای سه گانه از یکدیگر جدا و هر یک ممتاز و مجزا هستند. در قانون اساسی ما دولت در برابر مجلسین مسئول و مؤاخذ است. در قانون اساسی نقطه اتکاء کشور مرجع تظلمات عمومی است. در قانون اساسی ما قدرت و اختیارات پادشاه محدود به اصولی است که در قانون اساسی پیش بینی شده است. بنابراین همه ما و همه قدرتها قبل از هر چیز باید موضع خود را در برابر قانون اساسی مشخص کنیم. همه ما و همه قدرتهائی که در قانون اساسی دارای حقوقی هستند باید اعمال خود را با ضوابط و اصول قانون اساسی تطبیق کنیم. در این صورت ملاک صلاحیت هر قدرت و اختیارات هر مقام نقطه نظر قانون اساسی است.

اگر رژیم قانون اساسی را قبول دارد دیگر سخنگوی دولت حق اجتهاد و حق تکیه کردن بر ضوابط دیگر را ندارد. ضابطه وطن دوستی و خدمت و علاقه به مصالح مردم ایران فقط و فقط در میزان ملازمت و احترام به اصول قانون اساسی معین می شود.

در این صورت خدمت و خیانت برای هر فردی از مردم ایران در هر مقام و درجات هر یک از قوای سه گانه در قلمرو قانون اساسی مشخص می گردد.

چه دلیلی بر بی اعتنائی رژیم به قانون اساسی بالاتر از این که سخنگوی دولت در صحبت از ملاکهای وطن دوستی و علاقه مندی به منافع مردم ایران اصلا نامی از قانون اساسی نمی برد.

ما دلیل آنرا خوب می دانیم و خود او نیز خوب می داند زیرا قانون اساسی حاوی حقوق و اختیارات و وظایف یک طرفه نیست. در قانون اساسی هر قدرت همانقدر که دارای اختیارات است دارای مسئولیت نیز می باشد. در برابر هر حقوقی در قانون اساسی تکالیفی نیز بطور صریح معین شده است. در قانون اساسی هر قدرت و هر قوه جوابگوی وظایفی است که برای آن پیش بینی شده است. در قانون اساسی ملت دارای حقوقی است که بدون آن حقوق نظام مشروطه از اساس پوچ است. در قانون اساسی با اصل اینکه حق حاکمیت از آن ملت است، مردم هنگامی دارای مسئولیت و تعهد هستند که از حقوق مصرح در قانون اساسی بطور کامل بهره مند باشند. نتیجه از بین رفتن حقوق ملت در قانون اساسی افزوده شدن بر اقتدارات و اختیارات قوای دیگر است. و افزوده شدن بر اختیارات سایر قوا آنهم از راه خشونت مفهومی جز استبداد و قدرت مطلقه و در نتیجه تجاوز به حقوق ملت یعنی نابود شدن حقوق ملت به نسبت افزایش قدرت قوای حاکمه تا سرحد توتالیتاریزم و حکومت استبدادی مطلق ندارد.

بنابراین اگر ملت مافوق همه قدرتها و همه بنیادهای سیاسی کشور است باید همه قوا و همه قدرتهای حاکمه موضع خود را به طور صریح درباره حقوقی که در قانون اساسی برای ملت پیش بینی شده است روشن کنند.

اعتراض ما این است که رژیم حقوق ملت را در قانون اساسی به طور مداوم زیر پا می گذارد. و اما ایراد سخنگوی دولت به مخالفین چیست؟ بر مخالفین که نه در مسند قدرت هستند و نه در هیچیک از قلمرو اختیارات رژیم مقامی دارند چه ایرادی وارد است جز این ایراد که مردم ایران حق ندارند خواستار اجرای قانون اساسی و به دست آوردن حقوقی باشند که در قانون اساسی ایران برای آنها شناخته شده است. مخالفین حق ندارند بگویند هر کس و هر مقامی و هر قدرتی که خود را صاحب اختیارات قانونی می داند باید طبق اصول صریح قانون اساسی در برابر ملت پاسخگوی اعمال و مسئول اختیارات خود باشد.

اگر رژیم و سخنگوی دولت به نمایندگی از رژیم (آنهم بدون هیچگونه مستند قانونی) مخالفین را در برابر موضع سیاسی آنها مورد سؤال قرار می دهد، باید به این سؤال هم جواب بدهد که در رژیم کنونی ایران مرجع قانونی مخالفین برای اینکه رژیم را نسبت به اعمال آن مورد سؤال قرار دهند کجاست؟ مجلس است؟ مطبوعات است؟ دادگستری است؟ و یا حزبی است که از اساس طبق اصل ۲۱ متمم قانون اساسی غیر قانونی است؟

بنابراین در برابر سؤال سخنگوی دولت که دارای هیچ مستندی در سراسر قانون اساسی نیست سؤال ما از رژیم این است که موضع خود را در برابر قانون اساسی روشن کند و از مخالفین بپرسد که در برابر دولتی که در همه اعمال و وظایف آن کوچکترین تناقضی با اصول قانون اساسی وجود ندارد علت مخالفت چیست؟ اگر ما نتوانستیم ثابت کنیم که در همه اعمال دولت کوچکترین توافقی با اصول قانون اساسی به چشم نمی خورد در آن صورت ما افتراهای رژیم را قبول می کنیم که ما جز مشتی محدود خائن و خرابکار و منفی باف و بی علاقه به وطن و به نظم و قانون نیستیم. و اگر ثابت کردیم سخنگوی دولت را به عباس میرزائی حواله می دهیم که فرهنگ این نماینده اصیل ملت در جوابگوئی بسیار قویتر از منطق ما می باشد. و این حقیقتی است که ما باید در کار برد قوه ناطقه در رژیم استبدادی ایران صمیمانه به آن اعتراف کنیم.

دانشگاه آذرآبادگان

دانشگاه آذرآبادگان : تشکل یکپارچه دانشجویان واعضاء هیئات علمی و اداره کنندگان دانشگاه آذرآبادگان فصل درخشانی در تاریخ مبارزات دانشگاهی ایران ونمودار امید بخشی ازپیوند وهمبستگی همه گروهها وطبقات اجتماعی ایران است که متحد ویکصدا باد یکتاتوری وهمه مظاهر آن برپاخاسته اند , استعفای دکترمرتضوی رئیس این دانشگاه یکبارد یگر همبستگی دانشگاهیان رابا مردم قهرمان ومبارزایران آشکارترساخته است , شایعات بسیاری درباره روش های خشونت آمیز مامورین در دانشگاه شنیده میشود که بعد ازتایید باطلاع همگان میرسد شایع است که استعفای دکترمرتضوی بعلت وقایع دلخراشی است که درحضوربامبرده در دانشگاه انجام گردیده است

● نهضت رادیکال ایران دانشگاه راموثرترین عامل تحول ونوسازی جامعه می شناسد آزادی دانشگاه قوه محرکه تحولات آینده است, آینده کشوردرگرواستقرارنظام آزادی در دانشگاه است

حمله به کوهنوردان

● ۲۹ اردیبهشت , بیش از ۳۰ نفر دانشجویان دانشکده حقوق در کوههای شمال تهران مورد تهاجم و ضرب مامورین انتظامی واقع شدند دانشجویان مضروب و مجروح با مینی بوس ژاندارمری بشهر منتقل گردیدند

● جمعه ۵ خرداد , ۲۵ تن از دانشجویان دانشکده آمار در ارتفاعات افجه ـ ریزان موردتهاجم وحمله مامورین نیروی پایداری واقع شدند .

اعتراض کارگران

اعتراض کارگران کارخانجات صنعتی ایران یاسیونال

در نامه ایکه دونفرازکارگران در تاریخ هشتم خرداد به مدیرعامل ورئیس سندیکا نوشته اند نسبت به مصرف وجوهاتی که ازحقوق کارگران و کارفرما بابت حق بیمه کسرمیشود وبالغ برسی درصد حقوق کارگران است اعتراض نموده واعلام داشته اند وجوه جمع آوری شده به سبب فساد وبوروکراسی و سرد رگمی دستگاههای اداری دردی ازبیمه شوندگان دوا نمی کند وسیستم درمان پزشک آزاد بعلت عدم همکاری پزشکان متخصص و داروهای لوکس دچارشکست شده و درنتیجه تصمیمات غلط وزارت بهداری و بهزیستی در انحلال تاسیسات موجود وعدم همکاری بیمارستانهای قراردادی بابیمه شوندگان اغلب سرگردان وبلا تکلیف مانده وبه نیازهای درمانی خود دسترسی پیدا نمیکنند

نهضت رادیکال ایران ضمن اظهار همدردی باکارگران نظرات خود رادرمورد مسائل درمانی و بیمه که از مجموعه مشکلات جامعه جدا نیست اعلام خواهند نمود .

● سه شنبه ۹ خرداد

کارگران کارخانه برق شعبه ژاله برای اعلام خواستهای قانونی خود درمحل اجتماع نمودند ولی در اثر دخالت مامورین متفرق شدند .

● شنبه ۱۲ خرداد

کارگران وزارت راه درمورد اعتراض بنحوه اداره شرکت تعاون مسکن درجلووزارت راه اجتماع نمودند ....

اعتراض دانشگاهها

موح اعتراضات هرروز بیشتر اوج میگیرد دانشگاهها ودانشگاهیان باآگاهی به رسالت خود درمرکزو کانون حرکت قرارد ارند اینک نمونه ازاعتراضات

دانشگاه صنعتی

یک ماه ازمبارزه ومقاومت استادان ودانشجویان میگذرد دراین مدت استادان ودانشجویان همصدا نظرات منطقی خود را اعلام وبرعلیه تصمیم ناروای حکومت در تعطیل فعالیت دانشگاه اعتراض نموده اند " نهایت تولیت " که مجری بی چون وچرای دستگاه امنیتی است بعد ازاعمال فشارهای گوناگون تصمیم به قطع حقوق استادان گرفته است مردم که همواره خواست منطقی استادان دانشگاه آریامهررا تائید نموده اند درمقام مقابله تأمین حقوق استادان راکه اغلب تنها ممرزندگانی آنهاست بعهده گرفته وبا افتتاح حساب بانکی بشماره ۲۷۷۲ دربانکملی شعبه دانشگاه آریامهر پرداخت حقوق استادان راتأمین نموده اند همبستگی مردم ودانشگاهیان یک اقدام تاریخی درراه پیروزی ملی است •

دانشگاه تهران

دانشجویان واعضای هیئت علمی دانشگاه تهران بدون اعتنابه خشونت هاو فشارها به مبارزه برعلیه زورادامه میدهند حکومت که درهمه جبهه هاازرود رروئی باحقایق وبحث با مخالفین گریزان است درمقابل دانشجویان نیزبه روش تهمت وافتراوکشتار ادامه میدهد خشونت های روزهای اخیردردانشگاه ازهرجهت بی سابقه است ، تیراندازی درخوابگاههاوضرب وشتم از طرف مامورین یک امری عادی است مطبوعات ورادیووتلویزیون که تحت کنترل دولت است تنها درصدد وارونه نشان دادن حقایق ومکتوم نگاهداشتن تعداد کشتگان ومجروحین است آمد ورفت آمبولانس ها درمحوطه خوابگاه پس ازتیراندازی حاکی است که تعداد زیادی مجروح ویاکشته شده اند •

درهفته نخستین خرداد اعضاء هیات علمی دانشکده های مختلف دانشگاه تهران ازجمله دانشکده علوم اجتماعی وادبیات وعلوم انسانی دانشگاه تهران باتصمیم خلاف مقررات وضد دانشجوئی رئیس دانشگاه باتفاق به مخالفت برخاستند و منظورداشتن نمره " هـ " رابرای دانشجویانی که به خاطر مخالفت باجلوه گریهای استبداد امتحانات نیمسال اول راتحریم کرده بودند کاری نادرست دانسته واعلام داشتندکه امرنمره دادن تنهابرعهده استادان است وهیچ مقام ومرجعی حق دادن هیچ نمره ای رابه جای استاد مربوطه ندارد " و رئیس دانشگاه راعامل " ایجاد یکنوع درگیری بی منطق میان استادان ودانشجویان وایجاد یک محیط متشنج دردانشگاه " و مرتکب جرم آشکار " معرفی کردند •

دانشکده علم وصنعت

دانشکده علم وصنعت با پنج هزار دانشجوی متشکل ،که همواره درصفوف مقدم مبارزات ضد استبدادی قرارد ارند درهفته اخیرتظاهرات آرام و یکپارچه خویش رابی وقفه ادامه دادند ، ودراین راه ازحمایت همه دانشگاهیان ایران برخوردار بوده اند ، تنی چند ازمسئولان ضعیف دانشکده در " نشستی " که بمنظور بررسی " مسایل دانشجوئی " تشکیل گردید دستورات از قبل دیکته شده مقامات انتظامی رابمنظور " تصفیه " دانشجویان بصورت تصمیم هائی از زبان رئیس دانشکده وبعنوان تهدیدی برضد دانشجویان اعلام داشتند که از طریق بلندگوهای دولتی ومطبوعات انتشار یافت و موجب مخالفت ومقاومت بیشترهمه دانشجویان گردید •

تبعید روحانیان حق طلب ادامه دارد

حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ هادی باریک بین که سرپرست ومدرس عالیقدر حوزه علمیه قزوین می‌باشند دستگیر و به سردشت آذربایجان تبعید گردیدند.

حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی حیدری، روحانی مبارز و آگاه شهرستان نهاوند پس از برگزاری باشکوه مجلس بزرگداشت شهیدان با رای "کمیسیون امنیت اجتماعی" به شهربابک تبعید شدند.

دستگیری نویسنده مبارز مذهبی

هفته گذشته گماشتگان ساواک که برای شکار آزادیخواهان و به بند کشیدن آنها در کمین نشسته اند آقای محمد رضا حکیمی نویسنده مبارز مذهبی را در خیابان دستگیر نموده و به زندان بردند.

واکنش استادان آزاده در برابر دروغپردازیها

برخلاف آنچه که در روز دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ روزنامه‌های اخیر شده در زمینه حمایت استادان از اعلامیه دولت قلمفرسائی کرده‌اند، بقرار اطلاع استادان دانشکده‌های مختلف از جمله پلی‌تکنیک تهران و علم وصنعت ایران نسبت به افترای مزبور ابراز انزجار و تنفر نموده‌اند.

در دانشکده علم وصنعت ایران رئیس دانشکده طوماری تهیه و با خواهش و تهدید اقلیت محدودی را مجبور به امضای آن میکند و برعکس آنچه که در روزنامه ها از امضای دویست و شصت و هشت تن از استادان این دانشکده نام می‌برند شماره این عده به چهل تن نرسیده است.

در دانشکده پلی‌تکنیک استادان بخش مکانیک بمنظور رسیدگی باین موضوع شورائی تشکیل داده و به عنوان اعتراض قطعنامه‌ای صادر کرده و از کلیه پستهای اداری استعفا نموده‌اند.

هم چنین در بخش برق این دانشکده شورای اضطراری استادان را تشکیل و نسبت به درج این اکاذیب در روزنامه‌های کشور اعتراض نموده‌اند.

اعتصاب کارکنان برق منطقه‌ای تهران

کارکنان شرکت برق منطقه‌ای تهران روز سه شنبه نهم خرداد ماه با اجتماع در محوطه باغ اداره مرکزی این شرکت از ادامه کار خودداری نموده و دست باعتصاب زدند.

خواستهای انسانی و قانونی این هموطنان زحمتکش و شرافتمند ما برکناری حسن فیروزآبادیان مدیر عامل سرسپرده شرکت برق منطقه‌ای، طبقه بندی مشاغل، اضافه حقوق و داشتن مسکن است.

این اعتصاب برغم تهدیدها و کارشکنی‌های وابستگان "دستگاه استبداد" و حتی آوردن و برخ کشیدن کماندوهای چماقدار همچنان ادامه دارد.

گسترش مبارزات استادان و دانشجویان

هیات علمی دانشگاه صنعتی آریامهر سه شنبه دوم خرداد ماه طی قطعنامه‌ای به کشتار فجیع روز دوشنبه هیجدهم اردیبهشت ماه دانشگاه آذرآبادگان بسختی اعتراض نموده قطعنامهٔ دانشگاهیان آذرآبادگان را مورد تائید قرار داده است.

در بخشی از این قطعنامه چنین آمده است" ما بار دیگر هرگونه ضرب وجرح افراد و اعمال غیرانسانی را شدیداً تقبیح نموده و هتک حرمت از جامعه انسانی را قویاً محکوم می‌نمائیم. اعتقاد کامل داریم که استقلال و آزادی دانشگاهی اساسی‌ترین حق هر محیط سالم آموزشی است و حضور گارد باعث تشنج در محیط علمی می‌گردد.

یکی دیگر از کوششهای پرارزشی که پس از اعتصاب استادان و دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر و زیر نظر کمیته انتشارات دانشگاه بثمر رسید انتشار بولتن خبری این دانشگاه است که سومین شماره آن نیز در روز چهارشنبه سوم خرداد ماه در دسترس قرار گرفت.

انتشار این بولتن خبری که رویدادهای دانشگاهها ومدرسه‌های عالی سراسر کشور را منعکس می‌سازد در گسترش همبستگی و ادامه مبارزه گامی مفید وپراثری است.

هجوم‌های پی در پی در شهر مقدس قم

گماشتگان عقل و دین گم کردهٔ دستگاه استبداد هر روز ببهانه‌ای مردم حق طلب شهر مقدس قم را مورد هجوم قرار میدهند وعده‌ای را زخمی و گروهی را دستگیر میکنند و این یورش ها حتی بهنگام نماز در مسجدها ومدرسه‌ها انجام می‌پذیرد.

روز جمعه پنجم خرداد ماه مدرسه حضرت آیت الله‌العظمی مرعشی نجفی و روز شنبه ششم خرداد ماه مدرسه حضرت آیت الله العظمی روحانی مورد حملهٔ وحشیانهٔ چماقداران قرار گرفت و در این مدرسه حجت الاسلام آقای سید محمد طباطبائی بازداشت گردیدند.

درود به روان تابناک شهیدان پانزدهم خرداد

قطعنامه دانشگاهیان آذرآبادگان

اعضا٬ هیأت علمی واد اری د انشگاه آذ رآباد گان صبح روزشنبه ۱۳۵۷/۲/۲۲ د رمحوطه٬ د انشگاه گرد عم آمد ند تامراتب تاثروانزجار خود رااز حوادث فجیعی که روز د وشنبه ۵۷/۲/۱۸ د ر د انشگاه رخ داد ه ابراز دارند . د راین روز بزرگترین و بی‌شرمانه‌ترین یورشها علیه هرآنچه که نام فرهنگ ، علم و اخلاق و فضیلت ومعنویت د ارد صورت گرفت وآن روزرا بعنوان روز مصیبت وننگ د رتاریخ این‌د انشگاه به ثبت رسانید . بلیس وماموران انتظامی د انشجویان بی‌د فاع را تا محترم‌ترین نقاط یعنی کلاسها و قرائتخانه ها د نبال کرد ند و همانگونه که باطوم‌های شکسته ، آثارتیرمسلسها ، د رهای شکسته ولخته های خون گواهی مید هند ، قانون وانسانیت و عفت رامورد تجاوزقرار اد ند . رفتار آنان باد ختران د انشجو وخانمهای کارمند یاد آور فجایع سپاهیان چنگیزی بود .

بنابه اظهاربازپرس ارتش ، این کشتار " مجوزی " ند اشته است . د انشگاهیان د انشگاه آذ رآباد گان اصل این " تجوبز " را رد میکنند ومراتب تسلیت و تاثرخود رابه خانواد ه‌های د اغد ید ه وبه ملت ایران تقدیم مید ارند وتامین خواسته های زیررا انتظار د ارند :

۱ـ اعمال خشونت به هرعنوان د ر د انشگاه محکوم است . حضورگارد وماموران انتظامی باستناد تجارب گذ شته همیشه موجب تحریک د انشجویان ومنجربه بروز خشونت بود ه است . لذا خروج گارد و عدم د خالت ماموران انتظامی د ر د انشگاه ضروری است .

۲ـ آزاد ی مجرمان ود ستگیرشد گان حواد ث اخیر د انشگاه مورد تقاضا است .

۳ـ د رموقعیکه براثر حواد ث مذ کور ، شرایطی پیش آمد که نیمسال تحصیلی جاری منحل شود ، از اجرای مقررات انحلال ترم (محرومیت و احتساب نمره صفربرای واحد های انتخاب شد ه) خود د اری شود .

۴ـ معرفی و محاکمه علنی وقانونی ماموران متخطی که این حاد ثه را بار آورد ند .

پشتیبانی استادان از دانشجویان دانشگاه آذرآبادگان

پس ازکشتاروحشیانه د انشجویان د انشگاه آذ رآباد گان د رهجد هم ارد یبهشت ماه وبخون کشید ه شد ن جوانان آزاد ه علاوه برقطعنامه‌ای که از سوی هیات علمی واد اری این د انشگاه صاد رشد ه نامه٬ سرگشاد ه‌ای باپیش ازصد ود ه امضا٬ ازسوی هیات علمی د انشگاه آذ رآباد گان به ریاست د انشگاه آذ رآباد گان فرستاد ه شد ه که د رآن چنین آمد ه " به عنوان مربیانی که مسئولیت تعلیم و تربیت جوانان کشوررا بعهد ه د اریم به همه پد ران وماد ران د اغد ید ه ای که فرزند ان خود راد رحاد ثه اسف انگیز روز د و شنبه ۲۷/۲/۱۸ د انشگاه ازد ست د اد ه اند از صمیم قلب تسلیت می‌گوئیم ود رماتم وعزای این جوانان وسوگ و غم خانواد ه آنان سهیم وشریکیم ، به اعتقاد ما مسئولیت مستقیم این سفاکی‌ها وخونریزیها به پای کسانی است که به پلیس وماموران انتظامی د ستورد اد ه اند تا با مسلسل و تپانچه به سوی جوانانی که شعار لا اله الا الله بر زبان د ارند آتش بگشایند وبحریم د انشکد ه‌ها تجاوز کنند ود ر و د یوار کلاسها و سالن‌های مطالعه را با خون د انشجویان رنگین سازند وبانهایت شقاوت حیثیت و احترام محیط د انشگاه وابتد ائی‌ترین حقوق وحرمتهای انسانی ، اسلامی و قانونی رازیرپا نهند " .

استاد ان عالیقد ر این د انشگاه د ر پایان نامه خود خواهان مجازات مسببان این خونریزیها و اعاد ه حیثیت د انشگاه گرد ید ه اند .

نمونه‌ای ازهمبستگی استادان دانشگاهها

شصت وهفت تن استاد ان روشن بین وآزاد یخواه د انشگاه تهران به پشتیبانی از فعالیتها و اقد امات هیات علمی د انشگاه صنعتی آریامهر ، خواستار فراهم شد ن موجبات اد امه فعالیتهای این مرکز بزرگ آموزش عالی د رتهران گرد ید ه اند .

بازهم حمله کماندوهای چماقدار درکوهستان

بیش ازسیصد تن ازد انشجویان د انشکد ه علوم د انشگاه تهران روزجمعه پنجم خرد اد ماه د رآتشکوه افجه مورد حمله وحشیانه پانصد کماند وی چماقد ارقرار گرفتند .

این وحشیان عربد ه‌جو که د رژاند ارمری افجه تاگلو ازمشروبهای الکلی انباشته شد ه بود ند د انشجویان راکه بهنگام ظهربنماز جماعت ایستاد ه بود ند مورد هجوم قرارد اد ه وبسیاری ازآنها رامجروح وزخمی نمود ند و با فریاد های حیوانی خاص خود صحنه راترک گفتند .

هجوم و غارت کتاب

خانه حجت الاسلام والمسلمین آقای علی مشکینی مد رس عالیقد ر حوزه علمیه قم شامگاه جمعه پنجم خرد اد ماه مورد هجوم پلیس وگماشتگان امنیتی قرار گرفت وکتابهای ایشان بغارت رفت .

ماموران همچنین د رصد د بازد اشت پسر ایشان بود ند که هنوز موفق نگرد ید ه اند .

زندانیان و تبعید شدگان سیاسی را آزاد کنید

خبرها و تارها

اعلامیه
حضرت آیت‌الله العظمی حاج آقا حسن طباطبائی قمی

حضرت آیت الله العظمی طباطبائی قمی که بیش از ده سال است در خانه‌ای در کرج زندانی و تحت نظر هستند طی اعلامیه‌ای "حکومت استبدادی" را که سالهاست به نادیده گرفتن قوانین ومقررات اسلامی و قانون اساسی و تجاوز به اموال عمومی وخصوصی وخدمت به منافع بیگانگان ادامه میدهد سخت مورد انتقاد قرار داده در بخشی از آن چنین نوشته‌اند "با وجود اینهمه بدترین ورسواترین مظاهر دیکتاتوری و خفقان که در این مملکت میگذرد باز هم ادعای آزادی ودمکراسی دارند. این چه نوع کشور آزاد است که سخن گفتن، اجتماع، تظاهرات آرام، اعلامیه دادن وخواندن و داشتن کتاب یا خواندن سخنرانی، حتی ازنوار شنیدن، در آن ممنوع و مجازات آنها زندان وشکنجه یا تبعید است".

و در بخش دیگری از اعلامیه افزوده‌اند "نظام حاکم خائن زورگو چون دانسته است در سطح مملکت و بین مردم این کشور جائی ندارد وبرای ادامه حکومت جائرانه خود تکیه بر بیگانگان نموده وبا بغارت دادن ثروتهای ملی مملکت وپرکردن جیب آنها، آنها را پشتیبان خود کرده بحدیکه با اینهمه هیاهوئی که در جهان در دفاع ازحقوق بشر میشود هیچیک ازسران کشورهای جهان در ایران دم ازحقوق بشر نمی‌زنند".

خمین در بزرگداشت شهیدان

"جامعه روحانیت خمین" طی اعلامیه‌ای چهلمین روز "کشتار جمعی" مردم بیدفاع یزد، اصفهان، اهواز، جهرم را عزای عمومی اعلام و ازمردم شهر دعوت نموده بود تا در بزرگداشت شهیدان روز چهارشنبه بیستم اردیبهشت ماه در مسجد جامع گرد هم آیند.

مردم شهر که همبستگی عمیق خود را با مبارزان راه آزادی بارها نشان داده بودند این بار نیز ازگوشه وکنار بسوی مسجد جامع روی آوردند وباآنکه با بستن همه راههای ورودی شهر بوسیله نیروهای ژاندارمری و پلیس روستائیان نتوانستند در بزرگداشت شهیدان شرکت جویند خیابانهای اطراف مسجد ازانبوه جمعیت مالامال بود.

گماشتگان دستگاه استبداد که ازقبل تدارک یک هجوم وحشیانه را دیده بودند با بستن در مسجد و زندانی کردن چند روحانی وعده‌ای دیگر در داخل مسجد وقطع برق ازبرگزاری مجلس جلوگیری نمودند. بااینهمه مردم در اطراف مسجد همچنان درحالت انتظار بودند که پلیس حمله را آغاز کرد ومردم خشمگین و توهین شده نیز به ایستادگی پرداختند. شمار بسیاری ازمردم دستگیر شدند ودر راه زندان به بدترین شکل مورد ضرب واهانت قرار گرفتند.

گفته میشود در این هجوم سبعانه چند تن کشته و بسیاری زخمی گردیده‌اند ولی تاکنون تنها جنازه آقای سید رضا طباطبائی در برابر پرداخت پنجاه هزار ریال پول تحویل خانواده‌اش شده است.

هجوم به خانه دبیر شرافتمند ومبارز
اتحادیه کارکنان بانکهای خصوصی

شامگاه شنبه ششم خرداد ماه گماشتگان "دستگاه استبداد" به خانه آقای عطاءالله صدیق دبیر اتحادیه کارکنان بانک های خصوصی ودبیر سندیکای کارکنان بانک بازرگانی یورش برده وپس ازشکستن در وپنجره و برهم ریختن اثاث خانه وپاره نمودن کتابها راهی مخفیگاههای امنیتی!! خود شدند.

آقای صدیق که بارها مورد تهدید اراذل و اوباش وابسته به حکومت وصاحبان و گردانندگان فرومایه بانکها قرارگرفته، ازچهره های سرشناس ومورد اعتماد کارکنان بانک های خصوصی است ومبارزات پی‌گیری در راه استیفای حقوق همکاران خود داشته است و بی‌گمان با این زشتکاریها میدان مبارزه راترک نخواهد گفت.

همکاری بیشرمانه رئیس دانشگاه تهران
باچماقداران گارد

ساعت دوازده روز دوشنبه بیست ونهم اردیبهشت ماه دانشجویان دانشگاه تهران بنا برقرار قبلی در زمین فوتبال دانشگاه گرد هم آمدند تا با دکتر معتمدی رئیس دانشگاه گفتگو داشته باشند.

هنوز بسیاری از دانشجویان نیامده بودند که چهره کریه حادثه آفرینان گارد ظاهر شد وبر دانشجویان روشن گردید که رئیس شرافتمند!! دانشگاه پلیس را روانه گفتگوی سازنده!! باآنها کرده است.

باآنکه دانشجویان کوشیدند ازهرگونه برخوردی خودداری نمایند این اجیرشدگان ددمنش بی هیچ بهانه‌ای حمله راآغاز کردند و تعقیب دانشجویان برای ضرب و شتم تا خیابانهای اطراف دانشگاه نیز کشید.

در این یورش وحشیانه که جلوی چشم رهگذران انجام میگرفت و فحش و نفرین و لعن آنها را برمی‌انگیخت گروهی از دانشجویان زخمی شدند و با آمبولانس روانه بیمارستان گردیدند.

فزونتر باد وحدت "جامعه روحانیت" درمبارزه با دشمنان ملت

نقش دانشگاهیان . . . ازصفحه ۲

مدرسه‌های عالی، اخراج وبه سربازی فرستادن دانشجویان، انحلال وتجدید ترمهای تحصیلی‌که به آسانی وبی‌هیچ بیمی‌اعلام می‌گردد وموجب تلف شدن وقت پرارزش‌ترین نیروی انسانی‌کشور می‌شود هر یک نمونه‌های بارز این توطئه‌هاست.

ازچندی پیش‌که استادان آگاه و آزاداندیش به صف مبارزان پیوسته‌اند و به حمایت و هدایت شاگردان خود همت گمارده‌اند استبدادیان به بیشرمانه‌ترین موضع‌قدم نهاده واستاد راکه حرمتش همواره واجب است نیزاز کتک خوردن و دشنام شنیدن و قطع حقوق واخراج بی‌بهره نگذاشتند.

اماآنچه بروشنی روز است همبستگی عظیم و بپاخاستن پیرو جوان و زن و مرد ایرانی است‌که در دانشگاهها ومدرسه‌های عالی نمادهای برجسته آنرا می‌بینیم.

این توطئه‌های اهریمنی هرقدر گسترش یابد مردمی راکه بپاخاسته‌اند تاازهستی ملی خود دفاع نمایند و به آزادی و استقلال دست یابند به عقب بازنمی‌گرداند و دانشگاهیان نیز همچنان پیش‌آهنگ این مبارزه‌مقدس باقی خواهند ماند.

سهیم‌کردن‌کارگران . . . ازصفحه ۱

درآمد آنان‌ازدرآمد کارگران مشابه درسایرصنایع‌کمتر باشد مابه‌التفاوت رابصورت پاداش دریافت میکنند که با بربزوبپاش بخش دولتی صنایع وحقوقها ودستمزدهای بیشترازبخش خصوصی این امرتقریبا غیرممکن است و اگرهم مبالغی باین عنوان پرداخت گردد ناچیزاست.

اماتوسط ارقام مذکور، باتوجه به تعداد کارگران و مبلغ پرداخت شده بآنان ـ متوسط رقم پرداختی در سال (۳۰۰۰۰) ریال و برای هر روز درحدود ۸۰ ریال می‌شود (باارقام کتاب بسوی تمدن بزرگ متوسط/۶۰ ریال درروزخواهد بود) حال‌اگر با توجه به هزینه زندگی قرار باشد حداقل حقیقی مزد از طرف وزارت کار تعیین شود معلوم خواهد شدکه وزارت کار چه کوشش و جانبازی همه جانبه‌ای بکار برده تا باین وسیله مانع‌اضافه شدن مزد برمبنای هزینه زندگی‌گردد و صاحبان صنایع‌وابسته (کمپرادور) ایران با این اصل انقلابی! استثمار کارگران شریف ما راتا چه حد افزایش داده‌اند.

نمونه‌ای دیگرازهمبستگی "جامعه روحانیت"

تلگراف حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی

ایران ــ قم

حضرت آیت الله آقای گلپایگانی دامت برکاته

هجوم اشرارعمال اجانب بمنزل جنابعالی و قتل نفس درحضور شماموجب تاسف است، قطع ایادی اشرار واجانب را خواستارم. از سلامتی خودتان مطلعم فرمائید والسلام علیکم.

خمینی.

پاسخ حضرت آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی

نجف اشرف

حضرت آیت الله آقای خمینی دامت برکاته

تلگرام عالی موجب تشکر گردید حال حقیر بحمد الله بهترو دربیمارستان بستری هستم.

اینگونه صدمات درراه حمایت ازاسلام موجب افتخار و مزید اجر است. ملت مسلمان ایران در حوادث اخیره باتعطیل کسب و کارو بذل نفوس و اموال ثابت کردند که برای حفظ حیثیات اسلامی و پشتیبانی از جامعه روحانیت ازهرگونه فداکاری دریغ ندارند جزاهم الله خیرالجزاء نصرت اسلام و مسلمین ودفع شرکفارو معاندین راازخداوند متعال مسئلت وملتمس دعا هستم.

الگلپایگانی

پانزدهم خرداد . . . ازصفحه ۲۰

نظام استبدادی سراپا مسلح و کشتارگررا سرنگون کرد.

این حقیقت بارز پس از "کشتارهای جمعی" که در چند ماهه اخیر رخ داد، امروز توسط همه شخصیتهای مذهبی و سیاسی و نیز کلیه حزبها و سازمانهای ملی مورد تائید و تصدیق قرار گرفته است.

بایدهمه کوشندگان راستین راه آزادی و استقلال ایران در یک صف واحد قرارگیرند و با اتحاد و مبارزه دشمن زخم خورده را به زانو درآورند و به پرتگاه نیستی فرواندازند و درفش پیروزی ملت را برافرازند.

پیروز باد ملت

نقش دانشگاهیان . . .　　از صفحه ۱

یکبار دیگر همبسته و همگام، روشنگر و آشتی‌ناپذیر با درک صحیح نیازهای واقعی اجتماع از جلوداران رزم آزادیبخش ملی می‌باشند و هر روز بیشتر از روز قبل فریاد آزادیخواهی و استقلال طلبی دانشجو در آسمان ایران طنین می‌افکند.

دانشجو بسان رود خروشان و راه‌شکنی همه خرده سنگها و خاشاکها را در نوردیده و امروز که استاد را در کنار خود برای دفاع از حق هم پیمان می‌یابد، راه خویش را با ایمان بیشتر به پیروزی طی می‌کند.

امروز استاد واقعی دانشگاه با همه کوشش‌های گسترده استبداد زیر سلطه و برغم وجود دزدان با چراغی که به صف او راه یافته‌اند، هستی برکف دست در دست شاگردانش در کنار همه گروههای اجتماعی صمیمانه ایستاده است و می‌کوشد در راه کسب استقلال ملی و آزادی مردم یاوری خستگی‌ناپذیر باشد.

در مبارزه علیه گاردیهای چماقدار در دانشکده پلی‌تکنیک تهران همگان شاهد ایستادگی قهرمانانه و همدلی عمیق استاد و دانشجو بودند.

دانشجویان دانشگاه صنعتی در مبارزات آزادیخواهانه خود پیوسته از پشتیبانی و همدردی استادان برخوردار شدند.

در دانشگاه تهران استادان بسیاری به همصدائی با دانشجویان برخاستند و بانگ اعتراض با اینهمه بی‌حرمتی به ساحت دانش برداشتند.

در کشتار وحشیانه دانشگاه آذرآبادگان استادان بیدار دل بسان پدران و مادران واقعی بخونخواهی فرزندان شهید خود سینه سپر بلا نمودند.

واکنون دیده می‌شود که در سراسر ایران و در تمام دانشگاهها و مدرسه‌های عالی استادان و دانشجویان در کنار هم صف واحدی را تشکیل داده‌اند.

در این میان روشنفکرنمایان خودفروخته، این برنامه‌ریزان سرسپرده "دستگاه استبداد" که گردانندگی مرکزهای آموزشی کشور به آنها واگذار شده است نیز آرام ننشسته‌اند و درحالیکه دانشجو نیز همچون دیگر مردم این سرزمین همواره در خطر زندان، شکنجه و مرگ قرار دارد، هر روز نقشه اهریمنی تازه‌ای را بر ضد این نخبه فرزندان ایران اجرا می‌نمایند.

گزینش دانشجو با صوابدید و رایزنی ساواک، تحت نظر داشتن دانشجویان در محیط تحصیلی و حتی در خوابگاهها، استقرار نیروهای پلیسی در دانشگاهها و

بقیه در صفحه ۴

پانزدهم خرداد . . .　　از صفحه ۱

استبداد تعلیم یافته از یکسو، دانشگاه و بازار و احزاب و گروههای شکل یافته را یکی پس از دیگری زیر فشار قرار داد و سازمانها و رهبران ملی را به زندان افکند، و از سوی دیگر، بدنبال ادعای ناموفق "مبارزه با فساد" و "اصلاحات" این بار سنگ بزرگتری را برداشت و به اصطلاح خود به "انقلاب" دست زد. این "انقلاب" از بالا که امروز بخوبی میان تهی بودن و آسیب‌های فراوانش روشن شده است، در آن روزها هم ارباب را بطور موقت آرام و دلخوش می‌ساخت و هم زمان لازم بود تا مسخ شدن برنامه‌های عاریتی پر زرق و برق آشکار گردد.

با اینهمه گروههای عظیم از مردم که در رابطه با آزمونهای تاریخی و قیادت مجتهدان و مراجع عظام نیرنگ جدید را شناخته بودند، خودجوشانه و بدون سازمان، زبان باعتراض گشودند ولی استبداد دست نشانده که به پیروزیهای کوتاه مدتی چنگ انداخته بود، با فراغ بال و هم با وارد کردن عوامل خود، در جنبش مردم، انحراف و خرابکاری بوجود آورد و همهنام پایان دادن به همین انحرافها و خرابکاری‌های خود‌ساخته مردم مسلمان و مبارز را که جز ایمان سلاحی نداشتند به گلوله بست. آنچنان "کشتاری جمعی" بوجود آورد که در تاریخ معاصر ایران بی‌نظیر بوده است.

پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ روز دردناک و غم انگیزی بود، اما در تاریخ سیاسی دوران کنونی یکی از درخشانترین روزهائی است که خط مبارزه بنیادمند را از سیاستگریهای رسمی جدا ساخت.

در این روز خونین درست یکصد و سی روز پس از خیمه‌شب بازی "همه‌پرسی" نظام حاکم که ادعا میشد میلیونها ایرانی به شش اصل پیشنهادی انقلاب کذائی پاسخ مثبت داده‌اند یک قیام همگانی در سراسر کشور از کوچکترین روستا تا بزرگترین شهرها بخصوص در شهران نشان داد نارضائی مردم ایران از وضع موجود تا بدان پایه است که گروه‌ها گروه کفن پوشیده، سینه‌های خود را آماج گلوله جلادان خصم قرار میدهند. در پانزدهم خرداد ماه ۱۳۴۲ همچنان پیوند ناگسستنی مردم با "جامعه روحانیت" بار دیگر نمایان گردید و نیز نشان داده شد که اعتقادهای دینی چه کاربرد پراثری در حراست آزادی و استقلال ایران و در هم شکستن توطئه‌های ضد ملی دارد.

آزمونهای این روز تاریخی و خونین و دستاوردهای پس از آن روشن می‌سازد بدون برنامه و سازمان نمیتوان

بقیه در صفحه ۲

دست پلیس از ساحت پاک دانشگاهها کوتاه باد

خبرنامه

اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران

شماره یازدهم ـ دهم خرداد ماه ۱۳۵۷

نقش دانشگاهیان درمبارزه ملی
پیوند استاد و دانشجو ضامن پیروزی است

د رسال های پرفرازونشیب مبارزات ملت ایران د رراه آزاد ی واستقلال ، د انشجویان همواره نقش برجسته ای د اشته اند .

د انشگاه تهران د رسال های سیـــاه اشغال نظامی کشوربگونه سنگرمبارزات میهنی چهره د رخشانی یافت ود رجریان نهضـت ملی شد ن صنعت نفت د انشجویان آن بهمراه د انشجویان د انشگاههای نوبنیاد تبریز و اصفهان د رنخستین صف پیکاربا استعمارو نوکران د اخلی آن قرارگرفتنـــــد .

پس ازکود تای بیست وهشتم مرد اد سال ۱۳۳۲ ، پاید اری افسانه وار د انشجویـــان مبارز باشهاد ت سه د لاور د انشکد ه فنـــی د انشگاه تهران د رشانزد هم آذ رآن ســـال د رتاریخ ایران حماسه گرد یـد .

باافزا یـش د انشگاهها ومد رسه هـــای عالی پیکارهای د انشجویی روزبروزگسترد هتر شد ود امنه آن بشهرهای کوچک وبزرگ کشید .

د رآن سال های تیره وفضیلت سوز هرگز د انشجویان صحنه مبارزه راترک نکرد نـد و د ه سال بعد ازکود تاد ربرابراد عاهـــــای انقلابی!! و اصلاحی!! نظام حاکم وابسته به بیگانه که باکمک بلند گوهای تبلیغاتی خـود تصویر سفره رنگینی د رذ هنهای ساد ه د لان بوجود آورد ه بود ، د انشجویان یکبار د یگــر رسالت تاریخی خود راد رد رک واقعیـــت و شناخت تزویرنشان د اد ند وباد اد ن شعار اصلاحات آری د یکتاتوری نه چهره حقیقـــی د ستگاه استبد اد ی رانمایان ساختند .

نزد یک به بیـست و پنجسال د یکتاتوری راد انشگاههای ایران بی سکوت و پیوستـــه د رحرکت وهیجان پشت سرگذ ارد ه وامـــروز

بقیه د رصفحه ۲

پانزدهم خرداد روزخودجوشی نیروهای مردمی
آزمونهای این روزتاریخی را گـــــــرامی داریم

هفت سال پس ازکود تای ۲۸مرد اد ۱۳۳۲ ، جامعه مـــاد ر شرایطی قرارد اشت که بی شباهت باوضع امروزایران نبود .

کمکهای گوناگون کود تاسازان ووعد ه های توخالی نتوانستـــه بود رضایت عمومی راد رکل جامعه بوجود آورد وازلحاظ جهانی نیز تناقض هائی هـم د رون بلوک غرب وهم د ررابطه بابلوک شـــرق بچشم میخورد و پید اشد ن نیروهای جد ید د رآسیاوآفریقا بر رویهم ایران راد رفضا ی قرارمید اد که مرد م اززیربارضربات کود تاو وحشت ناشی ازآن ، چند صباحی ، خلاصی یابند وبه بازسازی های سازمانی و اد امه مبارزات ملی بشکل جد ید تری د ست یازنـــد .

د راین مد ت که مرد م نفس تازه میکرد ند و جبهه ملی بگونـــه سازمان د هبرگیرند ه همه نیروهای مرد می د رتلاش بازگرد انــــد ن پیروزیهای ملی بود حکومت استبد اد ی د راین خط قرار د اشت که به اربابان بیگانه معلوم سازد ، تامین منافعشان د ربقای نـظـام موجود است وفساد و خرابی ها و نابسامانیهای کشور مانعی د راین راه ایجاد نخواهـــد کـرد . بد یهی است مثل همیشه "مترسک" سیاسی بخش د یگرموازنه مثبت نیز می توانست د رتصمیم گیریهـــا ، اثرهائی ازخود باقی گذارد .

بقیه د رصفحه ۲.

سهیم کردن کارگران درمنافع کارگاههای صنعتی!

تنهاد رسال گذ شته / ۵۲۰۰۰۰ نفرازکارگران بخش د ولتی و بخش خصوصی باد ریافت د وازد ه میلیارد ریال د رمنافع صنعتی و تولید ی سهیم شد ه اند ــ رقم کلی سود ویژه ای که به کارگران کشور پرد اخت شد ه د رطول ۱۴سال ۱۲۸ برابرشد ه . "نقل ازصفحه ۱۲۳ کتاب بسوی تمد ن بزرگ" .

بازی باارقام د رچارچوب خاصی برای بزرگ جلـــوه داد ن اقد امات انجام شد ه ازطرف د ستگاه حاکم د رسیستمهای توتالیتر مسئله ایست که بد ان باید توجه د قیقی مبذ ول گرد د .

برای نمونه د رهمین د وسطری کهازکتاب مذ کورآمد ه اســت تعد اد کارگران سهیم شد ه د رسود مغایراست باآمارهای منتشره ازطرف موسسات د ولتی مسئول .

چون د رسال ۱۳۵۵ یعنی یکسال قبل ازانتشارتاریخ کتاب بسوی تمد ن بزرگ تعد اد کارگران سهیم شد ه د رحـــــــد ود (۲۸۵۰۰۰) نفربود ه واست نه (۵۲۰۰۰۰) نفرکه مابه التفاوت این د ورقم د رحد ود (۱۵۰۰۰۰) نفرمیباشد که د ربازی بااعد اد نباید به نظربزرگان قوم که بامیلیارد ها د لار د رآمد نفت سروکارد ارند زیاد باشــــد !

امابخشهای د ولتی که برای تبلیغ ازآن اسهپرد ه شد . وکارگران آن بخش مشمول قانون تلقی شد ند ، تنهابشرطی که میزان متوسـط

بقیه د رصفحه ۳

حرکت استقلال وآزادی راشتاب بخشیم

«من هیچ کاری نمی‌توانم برای شما بکنم» و او دروغ نمی‌گفت زیرا در کشور شاهنشاهی که تمامی قوانین پایمال شده است دادستان تهران و دستگاه قضائی فاقد هرگونه قدرت هستند و تنها مجریان اوامر دیکتاتوری به حساب می‌آیند.

خودداری از نوشیدن آب

روز ۱۶ فروردین یعنی در چهارمین هفتهٔ اعتصاب‌غذا زندانیان سیاسی، خودداری ازنوشیدن آب‌را نیز آغاز کردند و اعتصاب غذا و آب به مراحل سخت‌تری رسید. در این حال وضع زندانیان سیاسی اعتصاب‌کننده به مراحل وخیمی رسیده بود و بیش از صد نفر از آنان در حال مرگ بودند که به بیمارستان زندان قصر منتقل شدند ولی آنان حتی در بیمارستان نیز از خوردن غذا خودداری کردند و مسئولان بهداری زندان دست و پای آنان را به تخت بسته سرم های غذائی به آنان تزریق کردند. از جمله کسانی که وضع شان بیشتر وخیم بود، آقای میثمی یکی از مبارزان مسلمان بود که به سبب شکنجه‌ای که پیشتر شده بود بدن ناتوان‌تری داشت. آقای میثمی نزدیك به مرگ بود.

در برابر دانشگاه تهران و در خیابان ها

روز ۱۹ فروردین گروهی از خانواده‌های زندانیان سیاسی در برابر در دانشگاه تهران اجتماع کرده، در ضمن تظاهرات خواستار پیوستن دانشجویان به تظاهرات شدند. دانشجویان گروه گروه کلاس های درس‌را تعطیل کرده، به آنان پیوستند. دانشگاه تهران تعطیل شد و اجتماع بزرگی در برابر دانشگاه تشکیل شد. شعارهای «زندانیان سیاسی‌را آزاد کنید» و «سرنگون باد رژیم استبدادی» بر زبان‌ها جاری بود. با اوجگیری این تظاهرات، گارد دانشگاه به سوی دانشجویان و خانوادهٔ زندانیان سیاسی حمله کرد ولی دانشجویان به مقاومت و دفاع از خود و خانوادهٔ زندانیان برخاستند. در این درگیری گروهی از دانشجویان مضروب و مجروح شده و دهها نفر دستگیر شدند. به دنبال این حمله و تقویت گارد دانشگاه با افراد پلیس، دانشجویان و خانواده زندانیان به گروههای ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفری تقسیم شده در خیابان های اطراف به راه افتادند و به اعتراض و شعار دادن وجلب همدردی مردم با زندانیان اعتصابی پرداختند. بیش‌از ۲۰۰ نفر از تظاهرکنندگان به سوی چهارراه پهلوی حرکت کردند و از آنجا به سوی چهارراه امیراکرم و سه راه شاه سرازیر شدند بسیاری از مغازه‌ها کار را تعطیل کرد وصاحبان وکارکنان آنها به تظاهر کنندگان پیوستند. گروهی دیگر از تظاهرکنندگان و خانواده‌های زندانیان به سوی دانشگاه علم و صنعت رفتند. در آنجا نیز دانشجویان دانشگاه را تعطیل کرده، به تظاهرات پیوستند و سپس با دادن شعارهائی علیه رژیم و در دفاع از زندانیان سیاسی در خیابان ها به تظاهرات پرداختند. در همین روزها کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر به کوشش های تازه‌ای در دفاع از زندانیان سیاسی دست زد و با سازمان‌های بین‌المللی نیز تماسهای تازه‌ای برای دفاع از زندانیان برقرار کرد. از سوی دیگر آیت الله زنجانی‌عضو این کمیته در نامه‌ای برای زندانیان اعتصابی از آنان خواست که چون تلاش هائی برای برآوردن خواست زندانیان در جریان است و قول‌هائی داده شده است تا روشن شدن نتیجهٔ این تلاش ها به اعتصاب خود پایان دهند ولی زندانیان اعتصابی ترجیح دادند تا روشن شدن نتیجه به اعتصاب خود ادامه دهند. اوجگیری روزافزون تظاهرات خانواده‌های زندانیان سیاسی، حمایت هرچه بیشتر مردم از آنان و انعکاس خبرهای مربوط به اعتصاب غذا و حملات وحشیانه پلیس به زندانیان بیدفاع و خانواده آنان در جهان و دفاع سازمان‌های بین المللی از زندانیان سبب شد که علیرغم بی‌اعتنائی یکماهه به خواست های زندانیان سیاسی رژیم مجبور به عقب‌نشینی شود.

از روز بیست و ششم اعتصاب‌غذا بود که ناگهان به خانوادهٔ زندانیان سیاسی و به خبرنگاران خارجی در تهران اطلاع داده شد شاه برای رسیدگی به تقاضاهای زندانیان سیاسی گویا «شخصا مداخله کرده است». گویا او تا آنوقت خبر نداشت و گویا حمله به زندانیان سیاسی اعتصابی در نخستین روزهای اعتصاب‌غذا به دستور مستقیم او نبوده است!

عاقبت روز ۲۱ فروردین ۱۳۵۷ (دهم آوریل ۱۹۷۸) به زندانیان رسما اطلاع داده شد که دولت با خواست های آنان موافقت کرده است با این توضیح که مسالهٔ تجدید دادرسی آنان در دادگاههای غیر نظامی چون ظاهرا «احتیاج به تهیهٔ لایحه و گذراندن قانون مخصوص‌از مجلسین» دارد، احتیاج به زمان دارد و دولت تهیه این لایحه و تقدیم آنرا به مجلس مورد رسیدگی قرار داده است ولی با خواست های دیگر زندانیان سیاسی کاملا موافقت شده است و اجرای‌آن خواست ها بلافاصله آغاز خواهد شد.

از روز ۲۱ فروردین اجرای خواست های زندانیان سیاسی آغاز شد. و بدین ترتیب بزرگترین اعتصاب‌غذای تاریخ ایران و یکی‌از بزرگترین اعتصاب‌غذاهای جهان با پیروزی زندانیان سیاسی ایران پایان پذیرفت.

یکپارچگی و اتحاد عمل زندانیان سیاسی وابسته به گروههای سیاسی گوناگون‌و مقاومت دلیرانه و بی تردید آنان و نیز هشیاری و عمل آگاهانهٔ آنان در برابر توطئه های رژیم و نیز اوج روحیهٔ مبارزه جویانهٔ مردم در ایران عامل تعیین کننده در این پیروزی بزرگ بود و عزیزان اسیر ما با مبارزه‌ای دلیرانه از داخل زندان‌های دهشتناك رژیم، دستگاه دیکتاتوری‌را به عقب نشینی تازه‌ای وادار ساختند!

... رژیم می‌خواهد در اروپا روزنامه منتشر کند

شد. ولی در این روزنامه رسمی هم که کارکنانش به ابتکار بسیار نیاز ندارند، او موفقیتی نداشت. بعد که هفته‌نامهٔ «جوانان رستاخیز» انتشار یافت سردبیر «رستاخیز» برای رفع مزاحمت، شکرنیا را به این مجله معرفی کرد و او که استعدادی در نوشتن نداشت ولی در آئین دوستیابی مهارتی پیدا کرده بود خود را به سردبیر آن مجله نزدیك کرده، انجام دادن خرده کاری‌های مجله را برعهده گرفت‌و در این مسیر با مجموعهٔ فساد رستاخیزی‌آشنائی پیدا کرد و خود به عنصری از فساد رستاخیزی در بخش مطبوعاتی ان بدل شد. همهٔ تجربه و سابقهٔ «روزنامه نگاری» احمد شکرنیا از این چند سال و آن هم در چنین کارهائی تجاوز نمی‌کند و با اینحال می بینیم آنچنان کفگیر رژیم دیکتاتوری به ته دیك خورده است که برای مدیریت‌عامل و اداره نشریهٔ خارج‌از کشور خود به جز آدمی مانند شکرنیا هیچکس دیگر را نمی یابد و به جز آدمی مثال او هیچ کس‌دیگر حاضر به همکاری با رژیم نیست. روزگاری ایادی و عوامل مطبوعاتی رژیم آدمهائی مانند عبدالرحمن فرامرزی، علی‌دشتی بودند و اکنون عامل مطبوعاتی برجستهٔ رژیم آدمی مثل احمد شکرنیا است! آیا به راستی این رژیم پوسیده همهٔ موجودی و ذخیرهٔ خود را به مصرف نرسانیده است؟ آیا حتی همین نمونه‌های کوچك نشان نمی‌دهد که رژیم دیکتاتوری ایران درحال جان کندن است و عمر آن به پایان رسیده است؟

در واقع باید آن زبانزد آذربایجانی را تکرار کرد که «بیله دیگ، بیله چغندر». وقتی محمد رضا شاه رئیس مملکت باشد، طبیعی است نخست وزیرش چیزی بیشتر از جمشید آموزگار نمی تواند باشد، وقتی آن رئیس کشور باشد و آن یکی نخست‌وزیر، وزراء و وکلایش هم باید همان ها باشند که می بینیم و روزنامه نگارش‌را همین که می خواهد «ایران پست» منتشر کند. ■

برای دفاع از سربازان و پاسبانان «متمرد» به ما کمک کنید

۲۰۰ سرباز و پاسبان از تیراندازی به مردم خودداری کردند

- سربازان و پاسبانان «متمرد» از واحدهای خود گریخته‌اند و مردم به آنان پناه داده اند
- در تبریز و تهران شایع است رئیس کلانتری ۱۰ تبریز که برای پرهیز از کشتار پاسبانان را مرخص کرد اکنون با خطر تیرباران شدن رو بروست.

خبرهای دلگرم کننده و امید بخشی از ایران می‌رسد، خبرهائی که پوك بودن و احتضار رژیم پوسیدهٔ ایران را بیش از پیش نمایان می‌کند.

از جمله این خبرها آنکه در روز ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ گروه قابل توجهی از سربازان و پاسبانان و نیز برخی از درجه‌داران و افسران علیرغم دستور فرماندهان و روسای خود از تیراندازی به سوی مردم بی سلاح خودداری کردند و این امر در تظاهرات چند هفتهٔ اخیر در چند شهر دیگر (واز جمله در قم) کم و بیش تکرار شده است و به همین سبب رژیم از واحدهای نظامی و پلیس مناطق دیگر برای کشتار مردم تبریز و قم استفاده کرده است.

عدم اجرای دستور تیراندازی به تظاهرکنندگان بی سلاح در برخی از موارد موجب مجازات آنی نظامیان و پاسبانان «متمرد» شده است و آنان بلافاصله مورد شلیك فرماندهان خود قرار گرفته اند. در موارد دیگر نظامیان و پاسبانان «متمرد» دستگیر شده، تسلیم دادگاه‌های نظامی شده اند و گروهی از آنان که چنین امری را پیش بینی می‌کرده اند از واحدها و مراکز خدمت خود گریخته اند و اکنون ماموران ساواك و دژبان و رکن دوم ستاد ارتش به دنبال آنان هستند و در چند مورد برای یافتن این افراد ماموران رژیم به روستاهای آنان مراجعه کرده، خانواده‌های آنان را در زیر فشار قرار داده اند. ولی این افراد را مردم در پناه خود گرفته اند.

گزارش هائی که از خبرنگاران «بسوی آزادی» از ایران رسیده است حاکیست که تعداد سربازان و پاسبانان «متمرد» در کشتار تبریز که اکنون ماموران رژیم در جست و جوی آنان‌اند به حدود ۲۰۰ نفر می‌رسد. علاوه بر این گزارش‌ها، خبر «تمرد» گروهی از سربازان و پاسبانان از دستور تیراندازی به مردم بی سلاح تبریز در چند روزنامهٔ معتبر جهانی ـ از جمله تایمز لندن ـ نیز انعکاس یافته است. انتشار این خبرها در ایران با خوشحالی و استقبال ستایش آمیز مردم رو برو شده است. در ارتباط با این مساله، مقالهٔ شماره پیش «بسوی آزادی» با عنوان «به میان سربازان برویم» در ایران و خاصه در تهران با استقبال مواجه شده است و بنا بر گزارش یکی از خبرنگاران ما، این پیشنهاد و عملی بودن و واقعی بودن آن دهان به دهان می‌گردد.

به هر حال اکنون تنها در مورد تبریز در حدود ۲۰۰ تن از سربازان و پاسبانان «متمرد» که از واحدها و محل‌های خدمت خود گریخته اند وجود دارند. وظیفهٔ همه آزادی طلبان و مبارزان و مردم شرافتمند ایران است که به این افراد پناه داده، آنان را از گزند رژیم و ماموران جلاد آن به دور دارند. زیرا افراد «متمرد» تنها به این ۲۰۰ نفر محدود نمی‌شوند، بلکه گروه قابل توجهی از سربازان و پاسبانانی که از تیراندازی به سوی مردم تبریز و دیگر شهرها خودداری کرده اند دستگیر شده و تسلیم دادگاه‌های نظامی شده‌اند و خطر تیرباران شدن آنان را تهدید می‌کند. شاه در مصاحبه روز شنبه ۲۳ اردیبهشت به طور ضمنی به رسیدگی به وضع این افراد اشاره کرده، از آن ابراز رضایت کرد و ابراز رضایت یك جلاد مشئوم و خونین است.

از سوی دیگر بر پایهٔ گزارشی که از ایران دریافت داشته ایم در جریان کشتار ۲۹ بهمن ماه در تبریز ماموران کلانتری ۱۰ تبریز از سرهنگ تاجبخش رئیس کلانتری کسب تکلیف میکنند. وی به پاسبانان دستور می‌دهد به خانه‌های خود بروند و از شرکت در کشتار مردم بی سلاح خودداری کنند. با اجرای این دستور از طرف ماموران، مردم موفق می‌شوند بدون ادنی تلفات کلانتری ۱۰ تبریز را اشغال کنند. پس از تصرف تبریز به وسیلهٔ نیروهای نظامی شاه، ماموران سرهنگ تاجبخش را دستگیر کرده، اورا مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار می‌دهند و سپس وی را به دادگاه نظامی تحویل می‌دهند و اکنون خطر تیرباران شدن این افسر شریف را تهدید می‌کند.

ما هنوز از کیفیت این واقعه و درستی و نادرستی جزئیات آن اطلاع کافی نداریم و به این سبب تنها به انتشار مختصر این خبر براساس شایعاتی که در تبریز و تهران وجود دارد پرداختیم. بنابراین از خوانندگان خود که از این واقعه آگاهی درست و قابل اطمینان دارند می‌خواهیم که اطلاعات خود را در این مورد در اختیار ما قرار دهند تا در صورت صحت خبر، در سطح بین المللی به دفاع از این افسر شجاع برخیزیم. به هرحال اگر این افسر به مجازات محکوم شده و یا تیرباران شود، قرینه‌ای بر درستی شایعات خواهد بود و ما و دیگر مبارزان در این مورد مشخص نیز، به وسعت به افشای رژیم جلاد ایران در سطح بین المللی خواهیم پرداخت.

ما از خوانندگان خود می‌خواهیم که در مورد سربازان و پاسبانانی که شجاعانه از تیراندازی به سوی مردم بی سلاح خودداری کرده اند هر گونه اطلاع بیشتر و موثقی دارند در اختیار ما قرار دهند تا پس از تائید خبرها از منابع دیگر، به دفاع از این افراد شجاع برخیزیم. ■

... تلاش رژیم برای ایجاد اختلاف بین گروه‌های مبارز...

مستلزم چند روز «مطالعه» دانست. در طی این چند روز او با «مراجع مسئول» تماس گرفت و سپس به دانش‌آموزان اعلام کرد در صورتی به آنان اجازهٔ برگزاری نمایشگاه داده می‌شود که از به نمایش گذاشتن و فروش کتابهای مذهبی خودداری کنند. دانش‌آموزان که از حیلهٔ ساواك در این مورد بیخبر بودند با این امر موافقت کردند. ولی این امر باعث اعتراض دانش‌آموزان مذهبی شد. مسئولان نمایشگاه به آنان اطلاع دادند که آنان تبعیضی در مورد کتاب‌ها قایل نشده‌اند و مسئول این وضع مدیر دبیرستان است. دانش‌آموزان مذهبی به مدیر دبیرستان مراجعه کرده و آقای مدیر به آنان اطلاع داد که آنان نیز می‌توانند در همان زمان نمایشگاه دیگری در دبیرستان برگزار کنند به شرط آنکه از فروش «کتاب‌های غیر مذهبی» خودداری کنند.

به این ترتیب در یك زمان و در یك سالن دو نمایشگاه کتاب یکی اسلامی و یکی باصطلاح «غیر اسلامی» تشکیل شد. ولی دانش‌آموزان «مذهبی» و «غیر مذهبی» در جریان نمایشگاه شروع به همکاری با یکدیگر کردند. وقتی گزارش این همکاری به ساواك رسید در آخرین روز نمایشگاه کتاب دبیرستان مرجان، هر دو نمایشگاه را به «اتهام همکاری با یکدیگر و پخش اعلامیه و نوار» تعطیل کردند. ■

اعتصاب کارگران گونی بافی رشت با حمله وحشیانه پلیس مواجه شد

تهران - خبرنگار بسوی آزادی - کارگران کارخانه گونی بافی رشت که اغلب آنان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند از روز شنبه نهم اردیبهشت ۱۳۵۷ به طور یکپارچه دست به اعتصاب و تحصن در محوطهٔ کارخانه زدند.

در این اعتصاب کارگران نوبت صبح و نوبت شب متحدا شرکت کرده، خواستار افزایش دستمزد ناچیز خود و نیز دریافت پاداش آخر سال (که کارخانه در اسفند ماه ۵۶ از پرداخت آن خودداری کرده بود) و نیز دریافت سود ویژه واقعی شدند.

ماموران به اصطلاح انتظامی کارخانه و نیز مقامات کارخانه گونی بافی رشت نخست کوشیدند با دادن وعدهٔ رسیدگی کارگران را از اعتصاب و تحصن در کارخانه منصرف کنند و هنگامی که کارگران خواهان انجام فوری وعده‌ها شدند، مقامات کارخانه به بهانهٔ لزوم رسیدگی به وضع تك تك کارگران و لزوم بررسی تقاضای اضافه دستمزد، از انجام وعده‌ها خودداری کردند و کارگران به اعتصاب و تحصن ادامه دادند.

مقامات کارخانه و "ماموران انتظامی" شنبه شب با مراجعه به خانه‌های بسیاری از کارگران و نیز فشار بر خانوادهٔ کودکان کارگر که در پشت در کارخانه نگران وضع عزیزان خود بودند، شوهران زنان کارگر و نیز والدین کارگران خردسال را وادار کردند به داخل محوطهٔ کارخانه بیایند و با استفاده از نفوذ کلام خانوادگی، کارگران اعتصابی را نخست مجبور به ترك تحصن کرده، سپس آنان را به شکستن اعتصاب وادار کنند. حتی ماموران کودکان شیرخوار کارگران اعتصابی را به داخل کارخانه آوردند. ولی این کوشش ماموران رژیم نیز موثر واقع نشد و کارگران همچنان به اعتصاب وتحصن ادامه دادند.

به دنبال این ناکامی، ماموران کارخانه که با چند کامیون پلیس و سرباز نیز تقویت شده بودند از کوشش افراد خانوادهٔ کارگران اعتصابی در رساندن غذا به کارگران خودداری کردند و بدین ترتیب از روز یکشنبه دهم اردیبهشت کارگران اعتصابی را در گرسنگی و بی‌غذائی قرار دادند ولی باز هم کارگران حاضر به شکستن اعتصاب نشدند.

اعتصاب و تحصن کارگران کارخانه گونی بافی رشت در شرایط گرسنگی همچنان ادامه می‌یابد و زنان کارگر غذائی را که از قبل همراه داشتند به کودکان اختصاص می‌دهند و خود با وجود گرسنگی به اعتصاب ادامه می‌دهند.

در طی روزهای اعتصاب مقامات محلی با مقامات تهران تماس برقرار می‌کنند. مسالهٔ اعتصاب به اطلاع شاه می‌رسد و شاه دستور می‌دهد که از هر طریق ممکن است به اعتصاب و تحصن کارگران پایان داده شود. به دنبال این دستور، روز سه شنبه ۱۲ اردیبهشت ماموران ساواك و پلیس به زنان و کودکان اعتصاب کننده که در محوطهٔ کارخانه نشسته بودند حمله کرده، با باتون و چماق به جان آنان می‌افتند. نتیجهٔ این عمل "مردانه و قهرمانانه" مجروح شدن بسیاری از زنان و کودکان اعتصاب کننده بوده است. حال چند تن از کودکان و زنان مضروب و مجروح آنچنان وخیم بود که مقامات کارخانه با آمبولانس آنان را به بیمارستان‌های رشت انتقال می‌دهند. ظاهرا رژیم قول داده است که به خواست های اعتصاب کنندگان رسیدگی کند. ■

تلاش رژیم برای ایجاد اختلاف بین گروههای مبارز به دبیرستان های کشور نیز کشیده شده است

تهران - خبرنگار بسوی آزادی - اوجگیری مبارزهٔ ضد دیکتاتوری و گسترش روز افزون جنبش مردم ایران رژیم را سخت به وحشت انداخته است و به همین جهت همزمان با کشتارها و خشونت ها و دستگیری‌ها، رژیم می‌کوشد نیروها و گروههای ضد دیکتاتوری را از همکاری با یکدیگر باز دارد و بین آنها اختلاف اندازد و از طریق پراکندن نیروهای مردم و واداشتن گروههای ضد دیکتاتوری به مبارزات داخلی از قدرت مردم بکاهد. کوشش رژیم در این باره از کارزار تبلیغاتی در مورد "مارکسیسم اسلامی" و حمایت ظاهری از مذهب وحتی در برابر هم قرار دادن گروههای اسلامی تا اقدامات عملی در مورد ایجاد اختلاف بین گروهها گسترش یافته است.

باید توجه داشت اخیرا دامنهٔ مبارزات ضد رژیم تا دبیرستان‌ها و حتی برخی از دبستانها کشور گسترش یافته است و روحیهٔ مبارزه جویانهٔ مردم به اشکال مختلف بروز می‌کند. علاوه بر شرکت دانش‌آموزان در تظاهرات، اکنون در دبیرستان‌ها فعالیت های "فوق برنامه" به طور مرتب انجام می‌شود. یکی از فعالیت های فوق برنامه ترتیب دادن نمایشگاه عکس و کتاب است. در این نمایشگاهها عکس هائی از زندگی مردم محروم مناطق مختلف کشور همراه مقالات و شعرهای مترقی و جمله‌های کوتاهی از مبارزان برجستهٔ جهان به‌دیوارهای نمایشگاهها زده می‌شود و کتاب های مترقی با ۲۰ تا ۳۰ درصد تخفیف قیمت فروخته می‌شود. برای این کار نمایندگان دانش‌آموزان با ناشران و کتاب‌فروشان تماس می‌گیرند و نیز از دانش‌آموزانی که خانوادهٔ مرفه‌تری دارند کمك مالی گرفته می‌شود. کار نمایشگاهها و فروش کتاب در دبیرستانها با استقبال بسیار دانش‌آموزان روبرو می‌شود.

ساواك کوشش می‌کند فعالیت های "فوق برنامه" مدارس را محدود کند و ماموران ساواك نمایشگاههای مذکور را مورد بازرسی مرتب قرار می‌دهند و در هر مورد که کار نمایشگاه‌ها به نظر آنها "مشکوك" و یا "غیر قابل تحمل" برسد، اقدام به تعطیل نمایشگاه‌ها و دستگیری یا تهدید و آزار مسئولان نمایشگاه‌های دبیرستان‌ها می‌کند.

در فروردین ماه امسال نمایشگاه عکس و کتاب دبیرستان دخترانهٔ "عطار" در نازی آباد تهران به علت نصب شعری از هوشی مینه در روز سوم کار خود از طرف ساواك تعطیل شد و مسئولان نمایشگاه مورد بازخواست و تهدید قرار گرفتند.

در همین ماه ساواك از افتتاح یك نمایشگاه کتاب در شهر رشت نیز جلوگیری به عمل آورد. در بسیاری از دبیرستان‌های تهران به شرطی اجازهٔ برگذاری نمایشگاه کتاب داده می‌شود که در آنها از فروش کتاب های ماکسیم گورکی، صمد بهرنگی و کتاب "حاجی آقا"ی صادق هدایت و کتاب های چند نویسندهٔ برجسته ایرانی و خارجی خودداری شود.

از سوی دیگر کار اختلاف اندازی بین گروه‌های مذهبی با گروه‌های چپ به دبیرستان‌ها نیز کشیده شده است. مثلا چند هفته پیش دانش‌آموزان دبیرستان دخترانهٔ مرجان (واقع در خیابان کاخ تهران) تصمیم به برگزاری یك نمایشگاه کتاب گرفتند و برای اینکار به مدیر دبیرستان مراجعه کردند. مدیر دبیرستان دادن جواب به دانش‌آموزان را

... باقیمانده در صفحه ۳۵

دانشگاههای تهران در اعتصاب سراسری

رنجرها ۵ دانشجو را درکوه کشتند و ۲۳ نفر را مجروح کردند

★ رنجرهای ارتش دانشجویان دختر و پسر را به پرتگاهها هل میدادند، چاقو به شکم آنان فرومیکردند و چماق به سر آنان میکوفتند

★ کوهنوردانی که قصد کمك به دانشجویان مجروح را داشتند مورد حمله رنجرها قرار گرفتند

تهران - خبرنگار بسوی آزادی - روز جمعه اول اردیبهشت ۱۳۵۷ (آوریل ۷۸) بیش از ۲۰۰ نفر از رنجرهای کلاه سبز ارتش، همراه گروهی از چماقداران ساواك در ارتفاعات مرکزی البرز به چند گروه دانشجوئی دختر و پسر حمله کرده، ۵ نفر را کشتند، ۲۳ دانشجو را به سختی مصدوم و مجروح کردند و ۶۵ دانشجو را دستگیر کرده، با هلیکوپترهای ارتشی به زندانهای سازمان امنیت بردند. به دنبال انتشار این خبر در تهران، کلیهٔ دانشگاهها و دانشکده‌ها و موسسات آموزش عالی در تهران دست به اعتصاب زده، علیه رژیم خودکامه و آدمکش ایران به تظاهرات گسترده‌ای پرداختند.

اکنون چند سال است که دانشجویان دانشکده‌های مختلف ایران برای ایجاد همبستگی و پیوند هرچه بیشتر با یکدیگر و ارتقاء روحیهٔ تفاهم و همکاری با هم، اقدام به تشکیل گروههای مختلفی در زمینه‌های تأتر، سینما، کتاب، عکاسی و کوهنوردی کرده‌اند. تشکیل این گروهها با استقبال و پشتیبانی و شرکت گستردهٔ دانشجویان روبرو شده است. اکنون یکی از وجوه مشخصهٔ دانشکده‌ها تسلط و آگاهی دانشجویان آنها بر یکی از این فعالیت‌های دسته جمعی و فوق برنامه شده است. به عنوان مثال دانشکده‌های فنی، حقوق و علوم دانشگاه تهران و دانشگاه صنعتی در رشتهٔ کوهنوردی خبره‌اند و دانشجویان دانشکده‌های دیگر، دانشجویان دانشکده‌های مذکور را از جمله با این مشخصه می‌شناسند.

دانشجویان کوهنورد معمولاً در گروههای ۲۰ تا ۱۰۰ نفری به صعود در ارتفاعات البرز و یا کوههای دیگر می‌پردازند وسپس با تهیهٔ عکس و اسلاید و گزارش چگونگی و راهها صعود را برای گروههای دیگر دانشجو توضیح می‌دهند.

گروههای دانشجوئی معمولاً با سرود خوانی و دیگر کارهای دسته جمعی اوقات فراغت خود را در کوهها می‌گذرانند و از این طریق رشته‌های همکاری و پیوند خود را استوارتر می‌کنند.

رژیم خودکامهٔ ایران که ازهرگونه گردهمائی وهمکاری مردمی سخت می‌ترسد، با آگاهی از بازدهٔ این فعالیت‌های دسته جمعی دانشجوئی، از سال ۱۳۵۴ شروع به جلوگیری از این برنامه‌ها کرد و از جمله کلیهٔ "اتاقهای کوه" و نیز کتابخانه‌های دانشجوئی را به زور در دانشکده‌ها تعطیل کرده، درهای این محلها را بست (اتاق کوه، اتاقی است در دانشکده‌ها که دانشجویان کوهنورد در آن گرد می‌آیند و با بحث و گفتگو و دیدن اسلاید ها و شنیدن گزارش ها از تجربیات کوهنوردی دانشجویان دیگر مطلع می‌شوند و نحوهٔ کاربرد وسائل کوهنوردی را می‌آموزند).

با اوجگیری مبارزات مردم ایران علیه رژیم دیکتاتوری، از سال گذشته دانشجویان خواستار گشودن اتاق‌های کوه شدند و در مواردی که مسئولان "انتظامی" دانشگاه‌ها از برآوردن تقاضای آنان خودداری کردند، دانشجویان به زور درهای اتاق‌ها را گشوده آنها را مورد استفاده قرار داده‌اند.

در چند ماههٔ اخیر فعالیت های دسته جمعی و تشکیل گروههای کوهنوردی نه تنها در دانشکده‌ها شدت یافت، بلکه به دبیرستان‌ها نیز کشیده شد. وسعت اینکار دسته جمعی رژیم را سخت به وحشت انداخته، رژیم درصدد جلوگیری از اینکار برآمد.

قتل ۵ دانشجو

به دنبال این تصمیم، روزجمعه اول اردیبهشت که درحدود ۳۰۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر در گروههای مختلف در حال صعود به ارتفاعات "پلنگ چال"، "چین کلاغ" و "اسپید کر" در رشته‌کوههای البرز مرکزی بودند، درحدود ۲۰۰ تن از رنجرهای ارتشی در چند گروه جداگانه در حالی [illegible] دانشجویان به صعود به مناطق مذکور پرداختند.

هنگامی که گروههای دانشجوئی شادمان ولی خسته به قلل یاد شده رسیده بودند و در حال خستگی گرفتن بودند، ناگهان گروههای رنجر ارتشی با چوب های سرمیخ‌دار، چاقو، پنجه بکس وزنجیر به جان دانشجویان بی‌دفاع افتادند و در همین حال پنج هلیکوپتر ارتشی نیز برفراز این نقاط توقف کرده، با گروهی دیگر از رنجرها و ماموران ساواك نیروهای مهاجم را تقویت کردند.

رنجرهای ارتشی و ماموران ساواك در این هجوم وحشیانه به دانشجویان بیدفاع، از هیچگونه عمل وحشیانه‌ای خودداری نکردند. از جمله گروهی از دانشجویان دختر و پسر را از ارتفاعات کوه به پرتگاهها و به روی سنگها هل می‌دادند، به شکم دانشجویان چاقو فرو می‌کردند، با چماق‌های میخ دار به سرو صورت و بدن دانشجویان ضربه می‌زدند، با زنجیر به دانشجویان حمله می‌کردند و پنجه بکس به صورت دانشجویان می‌زدند. ماموران وحشی این رژیم وحشی وجلاد حتی با چاقو گوش یکی از دانشجویان را بریدند و قطع کردند.

"عملیات قهرمانانهٔ" این جانوران دژخیم منجر به شهادت پنج جوان دانشجو و مصدوم و مجروح شدن شدید ۲۳ دانشجوی دیگر شد و بقیهٔ دانشجویان نیز خون از سرو صورتشان روان بود.

مردمی که در این روز جمعه سرگرم کوهنوردی بودند و در اواخر زد و خورد به محل رسیدند کوشش کردند به دانشجویان مصدوم و مجروح کمك کنند ولی رنجرها و ماموران ساواك نه تنها اجازهٔ اینکار را نداده، بلکه به کمك کنندگان نیز حمله کردند.

در پایان این هجوم "ددمنشانه" رنجرها و چماقداران ساواك ۶۵ نفر از دانشجویان مجروح را دستگیر کرده، با هلیکوپتر به زندان‌های ساواك بردند و سپس آنان را به اتهام "ایجاد اخلال، پخش اعلامیه و تحریك مردم" (در کوهستان ؟) به دادسرای تهران تحویل دادند.

به دنبال انتشار خبر این هجوم وحشیانه، دانشجویان دانشگاهها وموسسات عالی تهران از روز شنبه دوم اردیبهشت به طور یکپارچه دست به اعتصاب زدند و به طور هماهنگ و بدون توجه به وابستگی به گروههای مختلف سیاسی تظاهرات واحد وخشمگینانه علیه رژیم دیکتاتوری ایران براه انداختند. شعارهای "مرگ بر شاه" و "سرنگون باد رژیم دیکتاتوری" سراسر دانشگاهها و خیابان‌های اطراف آنها را فرا گرفته بود. اعتصاب دانشگاهها ادامه دارد. ■

[illegible]

دفاع از حقوق زندانیان [illegible]

روزنامه گاردین "شماره ۲۳ مارس ۱۹۷۸" ضمن گزارشی تحت عنوان زندانیان ایرانی هنوز در حال اعتصابند چنین مینویسد :

صدها نفر از زندانیان سیاسی ایران در زندان قصر بزرگترین زندان کشور دیروز و همین روز اعتصاب غذای خود را پشت سر گذاردند .

این زندانیان که توسط محاکم نظامی بجرم اقدام علیه حکومت محکوم شده‌اند علیه شرایط زندان معترضند و تقاضای اعاده دادرسی نزد دادگاههای عمومی دارند .

در بیرون درهای زندان بستگان زندانیان ضمن تلاش برای ملاقات پسران و دختران زندانی خود با پلیس ضد اغتشاش و سربازان مسلح به مسلسل دستی کشمکش کردند و لااقل دو نفر از مردان توقیف شدند . یکی از انان هنگامی توقیف شد که یکی از خبرنگاران خارجی کوشش کرد با وی تماس گیرد .

سپس ضمن برخوردی بین خویشاوندان و پلیس هفت نفر دیگر توقیف شدند و گفته شده است که در جریان اتفاق مشابهی هفته قبل هفت نفر از بانوان بشدت مجروح شدند .

در سنوات اخیر این اولین باری است که چنین اعتصابی علنی میشود گفته میشود که این اعتصاب با مشارکت بیش از هزار زندانی شروع شده است ، در میان خواستهای زندانیان حق استفاده از روزنامه های بریده نشده و کتاب و غذای بهتر و فضای بیشتر بچشم میخورد ......

ده یازده نفر از خانواده های زندانیان سیاسی که بازداشت شده بودند به قید کفیل آزاد شدند .

امضای بیان نامهٔ کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران با استقبال تمام طبقات و صنوف ملت ایران واقع شد ، دویست و سی امضاء در شماره فوق العاده بولتن چاپ ومنتشرشد ، شماره فوق العاده را دسته دسته مردم امضاء میکنند و به کمیته برمی‌گردانند این امضاءها سندی است که فشار به زندانیان سیاسی را محکوم میکنند

تعدادی از بقیه امضاءها اینست :

۲۳۱ـ وحید دستگردی ۲۳۲ـ حمید محسنی ۲۳۳ـ عباس شالچی ۲۳۴ـ محبوبه حمیدزاده ۲۳۵ـ
احمد تقی پور ۲۳۶ـ امیر کلابی ۲۳۷ـ مرتضی خانلو ۲۳۸ ـ حسین نمازیان ۲۳۹ـ میترا فرامرزی ۲۴۰ـ
عین اله هدایت ۲۴۱ ـ حبیب سارجی ۲۴۲ـ شاهین نورانی ۲۴۳ـ خسرو پرویزی ۲۴۴ـ احمد کلابدره
۲۴۵ـ مسعود مرتضوی ۲۴۶ـ بهرام دریائی ۲۴۷ـ کریم آشتیانی ۲۴۸ـ تورج نگهبان ۲۴۹ـ ایرج
دهقان پور ۲۵۰ـ بهرام علی ریاضی ۲۵۱ـ سعید بابائی ۲۵۲ـ مجید سیرجانی ۲۵۳ـ احمد عبدالهی
۲۵۴ـ شهرام عظیمی ۲۵۵ـ رضا کیان پور ۲۵۶ـ آذر ساربانی ۲۵۷ ـ حسن حمیدیان ۲۵۸ـ جواد
کریمیان راد ۲۵۹ـ محسن گرامی ۲۶۰ـ اکبر مفید ۲۶۱ـ داریوش یزدانفر ۲۶۲ـ پرویز حسینی ۲۶۳ ـ
کیانوش اسفندیاری ۲۶۴ـ بابک خرمی ۲۶۵ـ حمید باباکوهی ۲۶۶ـ میترا درخشان ۲۶۷ـ تقی حسین‌زاده
۲۶۸ـ خشایار صادقی ۲۶۹ـ کبری رفسنجانی ۲۷۰ـ هوشنگ بابائی ۲۷۱ ـ ایرج رستمی ۲۷۲ـ زهره
درخشان ۲۷۳ـ رضا باباپور ۲۷۴ـ فاطمه سلطانپور ۲۷۵ـ خسرو پهلوانیار ۲۷۶ـ عباس سامانی ۲۷۷ـ
رضا قلندر ۲۷۸ـ مهدی پورنیت ۲۷۹ـ مهرداد هدایتی ۲۸۰ـ زهرا سلیمی ۲۸۱ـ محمد حیدری ۲۸۲ـ
رضا مهرجو ۲۸۳ـ حمید عنایتی ۲۸۴ـ شهناز راور ۲۸۵ـ هادی حاجیان ۲۸۶ـ حاج حسین بهزادی
۲۸۷ـ مجید میرمقتدائی ۲۸۸ـ علی اکبر جلالی پور ۲۸۹ـ محمد حسن عمادی ۲۹۰ـ علیرضا کریمی ۲۹۱ـ
سیدحسن کیانی نژاد ۲۶۲ـ محمد تقی رضائی ۲۹۳ـ سید رضا فقیهی ۲۹۴ـ حسن اکبری ۲۹۵ـ محمدرضا
سعیدی ۲۹۶ـ رضا زرگری ۲۹۷ـ حسین تهرانی ۲۹۸ـ بیژن کاتبی ۲۹۹ـ حسین حمیدی ۳۰۰ ـ سید
حمید اکبری ۳۰۱ـ مهدی رجائی ۳۰۲ـ محمد رقایعی ۳۰۳ـ چنگیز رستمی ۳۰۴ـ سیامک خانیان ۳۰۵ـ
وحید کاویانی ۳۰۶ـ حمیدرضا صادقی ۳۰۷ـ فهیمه عدالتخواه ۳۰۸ـ زهرا کاویانی ۳۰۹ـ کلیم صاحب نیا
۳۱۰ـ رضا حسین پور ۳۱۱ـ صادق رقابی ۳۱۲ـ نقی رحمتی ۳۱۳ ـ رجب باقری تهرانی ۳۱۴ـ احمد
تقوی ۳۱۵ـ رضا فاطمی ۳۱۶ـ اردشیر اصطرآبادی ۳۱۷ـ ستار خامنه‌ای ۳۱۸ـ ثریا راضی ۳۱۹ـ سید
حسین بهرامی ۳۲۰ـ محمد یگانه شیرازی ۳۲۱ـ سید حمید حکیمی ۳۲۲ـ علی اسماعیلی ۳۲۳ ـ سید عبداله
احمدی ۳۲۴ـ محمود اکبری ۳۲۵ـ احمد کریمی ۳۲۶ـ اکبر سهرابی ۳۲۷ـ محسن فیروزآبادی ۳۲۸ ـ
احمد نصرالهی ۳۲۹ـ رضا حسینی ۳۳۰ـ خلیل رحیمی ملکی ۳۳۱ـ رضا طلا کوب ۳۳۲ـ حاجعلی طاهری
۳۳۳ـ حسین سلامی ۳۳۴ـ احمد باقری ۳۳۵ـ محمد نصرالهی ۳۳۶ـ علی محمد فرخ نظر ۳۳۷ـ رضا
مرادی ۳۳۸ـ دکتر رضا یزدی ۳۳۹ـ فواد شرق شناس ۲۴۰ـ محمد علی گنبدی ـ ۲۴۱ ـ احمد پویانفر ـ ۲۴۲
ـ مهدی شریف زاده ۲۴۳ ـ حسین عابدی ـ ۲۴۴ ـ مرتضی موسوی ـ ۲۴۵ ـ مظفریاری ۲۴۶ ـ محمد حسینی

نوشتن

شماره ۴

پنجشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۵۷

کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران

حماسهٔ زندان قصر

پیروزی زندانیان سیاسی

زندانیان سیاسی قصر با پیروزی به اعتصاب غذای خود پایان دادند، این اعتصاب غذا در اسفند عظیمی از اراده انسانی شروع شد.

اراده انسانهائی که در بند اسارت بصورت صخره ای سخت و شکست ناپذیر درآمده بود، حماسه شگفت انگیزی از تجلی اراده انسانها که سرانجام بر مقاومت زندانبانان پیروز شد، انسانهائی که با آگاهی و شجاعتی فوق العاده تا مرز هلاکت پیش رفتند، عصیان انسانها در برابر شرایط ظالمانه زندان و شرایطی که روز بروز تحمیل حالت اسارت برگردن محکومین بیگناه تنگتر میشد، انسانهائی که در نظر زندانبانان زنده بگورانی تسلیم اند که میبایست بر نظام ظالمانه زندان تسلیم باشند، مرگ تدریجی همراه با حقارت وزبونی را بپذیرند و سرانجام اگر به آزادی برسند از آنان چیزی جز موجوداتی از نفس افتاده وتحقیر شده باقی نماند.

ولی ناگهان سکوت مرگبار زندان وزنجیرهای درهم رفته اسارت منفجر شد، سیل بنیان کنی از اراده وتصمیم انسانهای بیگناه بحرکت درآمد.

تصمیم برای درهم شکستن نظام ظالمانه زندان و بپا بودن.

آنجائی که اراده برای مردن نضج میگیرد پیروزی برای زندگی آغاز میشود وچنین شد وچنین خواهد شد.

گرسنگی واعتصاب غذا روزها بطول انجامید، دشنامها وکتک وتحقیر فزونی گرفت، خانواده های زندانیان بزیر چماق ولگد افتادند.

در پندار زندانبانان، این اعتصاب دیری نمیپائید. در مقابله شجاعتها وتصمیمها وآنجائی که شجاعت واراده وجود ندارد شکست وتسلیم اصل مسلم هرمقاومت است.

اما زندانیان سیاسی قصر باقبول رنجی فوق طاقت انسانی تصمیم خود رابراین تصور باطل تحمیل کردند.

پس ازپنجماه مقاومت سرانجام زندانبانان دربرابرزندانیان تسلیم شدند، اعتصاب پیروز شد واز اراده وتصمیم اعجاب آور این بیگناهان حماسه ای جاویدان آفریده شد.

این حماسه بزرگ زندان قصر درتاریخ مبارزات مردم ایران جای خاص خود رااز هم اکنون بدست آورده است. ما دربرابر این حماسه عظیم که مخلوق اراده شگفتی آفرین فرزندان عزیز ایران است سرتعظیم فرود میآوریم.

چند خبر

- بقرار اطلاع سازمان عفو بین المللی اعلام کرده است که صدها زندانی ایرانی بعنوان اعتراض بشرایط موجود و درخواست رسیدگی مجدد بجرائمشان در حال اعتصاب غذا بسر میبرند و تقاضای کتاب و روزنامه بدون سانسور وغذای بهتر دارند. این سازمان از پادشاه ایران تقاضا نموده که باین موضوع رسیدگی و درخواست زندانیان را قبول کند.

- دانشجویان دانشگاه تهران ضمن پشتیبانی از زندانیان سیاسی اعلام کرده اند که تاتحقق کامل خواستهایشان در کلاس درس حضور نخواهند یافت و از همه دانشجویان دیگر دانشگاهها و مراکز آموزش عالی نیز خواسته اند که همراه ایشان به یاری زندانیان بشتابند.

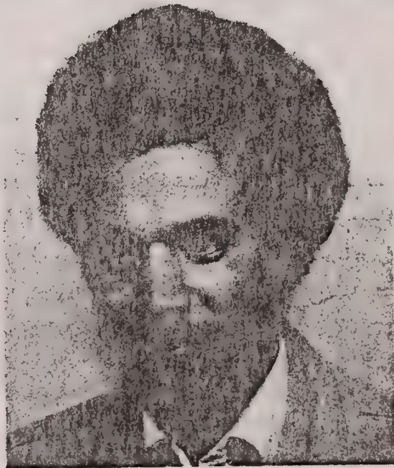
  بقرار اطلاع از روز شنبه ۱۹ فروردین کلیه کلاسهای درسی دانشگاه تهران تعطیل است.

- بقرار اطلاع دانشجویان دانشگاه ملی ایران برای همدردی با زندانیان سیاسی از روز دوشنبه ۲۱ فروردین اعلام اعتصاب غذا کرده اند.

کافی در مورد ماهیت رژیم ایران و فعالیتهای سازمان امنیت در انگلستان میداشت هرگز همکاری با سفارت ایران را قبول نمی‌کرد. البته سفارت ایران و دشتی هنوز انکار می‌کنند که هدف از این آمارگیری تسهیل فعالیتهای سازمان امنیت بوده است. ولی واضح است که هدف اصلی سفارت از این آمارگیری چیزی جز آن نمی‌تواند باشد. بدیهی است اگر هدف این آمارگیری آنطور که دشتی اخیرا ادعا کرده‌است "برنامه ریزی برای نیروی انسانی" و "تعیین بودجه" می‌بود نیازی به اسامی دانشجویان پیدا نمی‌شد. زیرا در چنین برنامه‌ریزی‌ای اسامی افراد کوچکترین نقشی ندارد. از طرف دیگر واضح است که داشتن اسامی کلیه دانشجویان کمك بزرگی به برنامه‌های سازمان امنیت می‌کند. حتی آمار کلی بدون اسامی نیز به فعالیتهای سازمان امنیت کمك می‌کند زیرا با استفاده از این اطلاعات می‌تواند نیروهای خود را به موثرترین شکل در نقاط مختلف تمرکز دهد.

■ سفارت ایران نامه‌های رسمی خود را هم انکار می‌کند

دشتی که هیچ دلیل قانع کننده‌ای برای توضیح پروژه‌اش ندارد اخیرا کوشیده است مساله‌ٔ تلاش برای جمع آوری اسامی دانشجویان را انکار کند. او پس از کنفرانس مطبوعاتی اتحادیه سراسری دانشجویان انگلیس به جراید گفت "ما هیچوقت مشخصا اسامی را نخواسته‌ایم". این حرف او کاملا نادرست و بی‌پایه است. در کنفرانس مطبوعاتی اسنادی ارائه شد که دقیقا عکس این ادعا را اثبات می‌کرد. در کلیهٔ نامه‌هایی که دشتی از پلی تکنیك های مختلف دریافت کرده بود به فهرست اسامی دانشجویان ایرانی اشاره شده بود و متن نامه ها آشکار می‌کرد که درخواست اصلی دشتی فهرست اسامی بوده است. در یکی از این



حسین توکلی - دانشجوی دانشگاه "برادفورد" که پس از بازگشت به ایران بازداشت و به دو سال زندان محکوم شد.

نامه‌ها که دشتی از پلی تکنیك "کینگستون" دریافت کرده بود نوشته شده بود: "متاسفانه شما برایم مشکلی ایجاد کرده‌اید که قابل حل نیست. از یك سو من نمی‌توانم اسامی دانشجویان را بدون اجازه آنان فاش کنم و از طرف دیگر نمی‌توانم از آنان اجازه بخواهم زیرا شما از من خواسته‌اید که مساله را محرمانه نگاه دارم". بنابراین نه تنها دشتی اسامی دانشجویان را درخواست کرده بود بلکه همچنین قصد داشت که این مساله را از دانشجویان ایرانی مخفی نگاه دارد. معلوم نیست اگر واقعا هدف دشتی کمك به دانشجویان ایرانی بوده است چرا مخفی کاری می‌کرده است؟

■ ادارهٔ امور دانشجوئی سفارت یا شعبه سازمان امنیت؟

در کنفرانس مطبوعاتی مدارکی ارائه شد حاکی از اینکه دشتی حداقل رابطه و همکاری نزدیکی با سازمان امنیت دارد. یکی از این اسناد فهرست شرکت کنندگان در سمیناری در مورد "امور کنسولی و دانشجوئی" بود که در مهر ماه ۱۳۵٤ در شهر ژنو برگزار شده بود. نام دشتی در این فهرست بود. تصمیمات متخذه در این سمینار در سندی ذکر شده‌اند که پس از اشغال مرکز ساواك در ژنو توسط دانشجویان ایرانی در تابستان ۱۳۵۵ فاش شد. این سند سال گذشته در کتاب "پاره‌ای از اسناد ساواك" توسط کنفدراسیون دانشجویان ایرانی به چاپ رسید. (رجوع شود به صفحه ۱۷۰ این کتاب). در این سند ذکر شده است که "نمایندگان نخست وزیری" نیز در این سمینار شرکت داشته‌اند. از متن سند واضح است که منظور از "نمایندگان نخست وزیری" چیزی جز نمایندگان سازمان امنیت نیست. (و معمولا کارکنان سازمان امنیت هم از شرم و هم برای پنهانکاری خود را "کارکنان نخست وزیری" می‌نامند به این بهانه‌که رئیس سازمان امنیت بنا بر سابقه عنوان معاونت نخست وزیر را دارد.) سند مذکور در مورد همکاری بین این "نمایندگان" در کشورهای مختلف با مسئولان امور دانشجوئی و راههای کسب اطلاعات بیشتر در مورد دانشجویان است. و دشتی که حالا وجود سازمان امنیت در خارج را انکار می‌کند یکی از شرکت کنندگان در این سمینار بوده است و از جمله کسانی است که این تصمیمات را در این سمینار اتخاذ کرده‌اند.

■ دانشجویانی که پس از بازگشت از انگلیس زندانی، شکنجه و کشته شدند

نمایندهٔ کمیتهٔ ضد اختناق در ایران در طی سخنان خود در کنفرانس مطبوعاتی به خبرنگاران توضیح داد که فعالیت سازمان امنیت در انگلستان خطر بزرگی برای دانشجویان ایرانی به شمار می‌رود و می‌باید از آن جلوگیری شود. او یادآوری کرد که در سالهای گذشته در نتیجهٔ فعالیت ساواك عده‌ای از دانشجویان ایرانی پس از بازگشت به ایران به زندان انداخته شده‌اند. در سال ۱۹۷٤ آقای صادق زیبا کلام دانشجوی دانشگاه "برادفورد" پس از بازگشت به ایران بازداشت، سپس به ۲ سال زندان محکوم شد. در سپتامبر ۱۹۷٦ آقای محمد صفاری دانشجوی سابق دانشگاه "ساسکس" در زندان کشته شد. رژیم اعلام کرده است که او اعدام شده، ولی بسیاری از آگاهان اظهار می‌دارند که او زیر شکنجه به قتل رسیده است. سال گذشته دو دانشجوی دیگر از دانشگاه برادفورد آقایان حسین توکلی و جواد سنمراد پس از بازگشت به ایران بازداشت و به ۲ و ٤ سال زندان محکوم شدند. او متذکر شد که اینها تنها موارد نیست بلکه فقط مواردی است که خبرشان انتشار یافته است. نمایندهٔ کمیتهٔ ضد اختناق در ایران گفت: کمیته ضد اختناق همواره علیه فعالیت ساواك در انگلستان مبارزه کرده است و اکنون نیز از کلیهٔ اتحادیه‌های دانشجوئی می‌خواهد که علیه فعالیت ساواك اقدام کنند و به ویژه از مسئولین دانشگاههای خود بخواهند که هیچگونه اطلاعی در مورد دانشجویان ایرانی به سفارت ایران ندهند زیر این اطلاعات بدون شك برای جاسوسی ساواك علیه این دانشجویان مورد استفاده قرار خواهد گرفت او اضافه کرد که کمیتهٔ ضد اختناق در ایران برای اخراج کلیهٔ ماموران و عوامل سازمان امنیت از بریتانیا و قطع کامل فعالیتهای ساواك در انگلستان مبارزه خواهد کرد.

برگزاری این کنفرانس مطبوعاتی و انعکاس وسیع خبرهای آن پیروزی بزرگی در مبارزات دانشجویان ایرانی علیه سازمان امنیت به شمار می‌رود. یکی از نتایج فوری آن جلوگیری از پروژه آمارگیری سفارت بوده است. در سطوح محلی، پس از کنفرانس مطبوعاتی مذکور بسیاری از کالج ها به ویژه آنهایی که اطلاعاتی در اختیار سفارت گذارده بودند، دست به فعالیت زده‌اند. در پلی تکنیك های لیدز، هاورزفیلد، برایتون و ساوت بنك اتحادیهٔ دانشجویان از مسئولین پلی تکنیك های خود خواسته اند که در آینده هیچگونه اطلاعی را در مورد دانشجویان ایرانی فاش نکنند. بدنبال کنفرانس مطبوعاتی مذکور آقای مندوزا رئیس پلی تکنیك ساوت بنك گفت دادن اسامی دانشجویان ایرانی به دشتی اشتباه بزرگی بوده است و او به کارمندان پلی تکنیك دستور خواهد داد که در آینده این گونه اطلاعات را بکسی ندهند. از طرف دیگر چند تن از اعضای یکی از اتحادیه‌های معلمین موسسات آموزش عالی از اتحادیهٔ خود خواسته اند که اعضای خود را از همکاری احتمالی با مامورین سفارت ایران در هر زمینه‌ای برحذر دارند.

اسناد توطئه ساواک علیه دانشجویان ایرانی

در کنفرانس مطبوعاتی اتحادیه سراسری دانشجویان انگلیسی فاش شد

- یک محقق انگلیسی وقتی از ماهیت طرح سفارت آگاه شد، کلیه اطلاعات جمع‌آوری شده درباره دانشجویان را نابود کرد.
- اتحادیه سراسری دانشجویان انگلیس: از دادن هرگونه اطلاعی در مورد دانشجویان ایران به سفارت شاه جلوگیری می‌کنیم.
- اداره‌ٔ امور دانشجوئی سفارت با سازمان امنیت همکاری نزدیک دارد.

اتحادیه‌ٔ ملی دانشجویان سراسر بریتانیا N·U·S روز ۳۰ ژانویه طی یک کنفرانس مطبوعاتی از کلیهٔ دانشگاهها و دیگر موسسات آموزش انگلستان درخواست کرد از دادن هرگونه اطلاعی در مورد دانشجویان ایرانی به مامورین سفارت ایران خودداری کنند. زیرا چنین اطلاعاتی می‌تواند علیه این دانشجویان مورد استفاده سازمان امنیت ایران قرار گیرد. اتحادیهٔ مذکور تنها اتحادیهٔ دانشجوئی سراسری بریتانیاست و در حدود ۸۰۰ هزار نفر عضو دارد. ترور فیلیپس دبیر ملی این اتحادیه که در کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرده بود در طی سخنانی گفت اتحادیه دانشجویان سراسر انگلیس خواهد کوشید دانشگاهها و کالج های انگلستان را از دادن هرگونه اطلاعی در مورد دانشجویان ایران به سفارت ایران باز دارد. او افزود اتحادیه سراسری از کلیهٔ اتحادیه‌های دانشجوئی محلی خواهد خواست که در این جهت اقدامات لازم را انجام دهند. او همچنین گفت اتحادیه سراسری دانشجویان انگلیس از وزارت آموزش و علوم خواسته است که به مسئولین دانشگاه‌ها و کالجها دستور دهد از فاش کردن هرگونه اطلاعی در مورد دانشجویان ایرانی و دیگر دانشجویان خارجی خودداری کنند.

کنفرانس مطبوعاتی ۳۰ ژانویهٔ اتحادیه سراسر دانشجویان انگلیس برای افشای اسناد و مدارکی بود که مربوط به همکاری های مسئولان موسسات آموزش انگلستان با مامورین سفارت ایران بود. محتوای این اسناد برای نخستین بار در مقاله‌ای در صفحهٔ اول ماهنامهٔ اتحادیه مذکور به نام ناشنال استیودنت بچاپ رسیده بود. این ماهنامه با تیراژ یکصد هزار نسخه در کلیه موسسات آموزشی بریتانیا پخش می‌شود.

علاوه بر نمایندگان اتحادیه سراسری دانشجویان انگلیس و نشریهٔ ناشنال استیودنت، نمایندگانی از طرف کمیته ضد اختناق در ایران، انجمن دانشجویان ایرانی در بریتانیا و اتحادیه دانشجوئی دانشگاه "کنت" در کنفرانس مطبوعاتی شرکت داشتند. خبرنگاران معروف ترین روزنامه‌ها و هفته نامه‌های انگلیس به این کنفرانس مطبوعاتی آمده بودند و خبرهای مربوط به این کنفرانس مطبوعاتی و اسناد افشا شده در آن در بسیاری از روزنامه‌های مهم سراسری و محلی انگلستان از جمله در روزنامه‌های پر تیراژ و با نفوذ تایمز و گاردین منعکس شد.

■ اسناد افشا شده چه بود؟

اسنادی که ارائه شدند به طور عمده نامه‌هائی بودند که بین حبیب اله دشتی مسئول امور دانشجوئی سفارت ایران در لندن و تعدادی از پلی تکنیک های انگلیس رد و بدل شده بودند.

در این مکاتبات آقای دشتی اطلاعاتی در مورد دانشجویان ایرانی خواسته بود. برخی از این موسسات منجمله پلی تکنیک های برایتون، لیدز، ساوت بنک و هادرزفیلد اطلاعات درخواست شده مانند اسم، نشانی و رشته تحصیل را داده بودند. بعضی دیگر از این موسسات نسبت به ماهیت تحقیقات دشتی شک و تردید نشان داده و از دادن این اطلاعات خودداری کرده بودند.

تحقیقات دشتی در مورد دانشجویان ایرانی در سال ۱۹۷۵ صورت گرفته بود. در آنزمان دشتی هنوز به لندن نیامده بود و رئیس اداره اعزام دانشجو در تهران بود. و تحقیقات او به تعداد کمی از کالجهای انگلستان محدود می‌شد. از زمانی که آقای دشتی به لندن آمده، سعی داشته است که آمارگیری وسیع‌تری نیز انجام دهد. ماجرای این آمارگیری جدید که سال گذشته در جریان بوده است در نوامبر توسط روزنامهٔ سوسیالیست چالنج افشا شد. تحقیقات این روزنامه نشان داد که سفارت ایران شخصی بنام آقای "کریس هیل" را که در دانشگاه کنت در رشته علوم اجتماعی تدریس می‌کند برای انجام این آمارگیری استخدام کرده بود. سفارت ایران قرارگذاشته بود که مبلغ ۱۰۰۰ پوند اضافه بر ۸۵۰ پوند برای مخارج برای این کار به "هیل" بپردازد. مسئولین این پروژه در سفارت ایران، دشتی و مشاور انگلیسی‌اش آقای "هیلتراپ" بودند. آقای دشتی از طریق یک اقتصاددان ایرانی بنام آقای کاتوزیان که در دانشگاه "کنت" تدریس می‌کند با "هیل" تماس برقرار کرده بود.

"هیل" می‌گوید دشتی باو گفته بود که هدف از این آمارگیری "برنامه ریزی برای نیروی انسانی" است و از آن برای بهبود وضع دانشجویان استفاده خواهد شد.

"هیل در مرحلهٔ اول اجرای پروژهٔ کسب اطلاع به ۱۰۰۰ کالج زبان و کالج "جی-سی-ای" در سراسر انگلستان نامه نوشته بود و اطلاعاتی در مورد دانشجویان ایرانی خواسته بود. در حدود نیمی از این موسسات به درخواست او پاسخ مثبت داده بودند. اطلاعاتی که از آنها خواسته بود که اسامی دانشجویان ایرانی می‌شد. البته "هیل" از ابتدا کاملا آگاه بود که اسامی دانشجویان برای آمارگیری در مورد "برنامه ریزی برای نیروی انسانی" لازم نیست و طرح اول پیشنهادی او شامل اسامی نمی‌شد. تنها پس از اصرار سفارت بود که او اسامی را به پرسشنامهٔ خود اضافه کرد.

■ خطر استفادهٔ ساواک و نابود کردن نتایج آمارگیری

زمانی که روزنامه سوسیالیست چلنج با "هیل" تماس گرفت و باو تذکر داد که آمارگیری او به احتمال قوی مورد استفادهٔ سازمان امنیت قرار خواهد گرفت، او فورا تصمیم گرفت کار خود را در مورد آمارگیری قطع کرده، کلیهٔ اطلاعاتی را که تا آن زمان جمع آوری کرده بود نابود کند. او گفت که اگر از ابتدا اطلاعات

نوید آزادی شماره ۱ - سال ۱ - فروردین ۵۷



دانشجویان تظاهرکننده

در دادگاه فرمایشی شاه

دانشجویان دانشگاههای ایران که پیوسته در صف مقدم مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری ایران قرار داشته اند و تاکنون صدها تن از آنان در این راه به شهادت رسیده‌اند و یا گرفتار دژخیمان رژیم شده، در زیر شکنجه و آزار قرار گرفته‌اند، در ماههای اخیر مبارزهٔ دلیرانه خود را بازهم گسترش داده‌اند. به‌موازات گسترش مبارزات دانشجویان، رژیم شاه در ماههای اخیر دست به دستگیری های دسته جمعی دانشجویان زده است و در همان حال در محوطه دانشگاهها چماقداران خود را به جان آنان انداخته، گروه کثیری از دانشجویان را مضروب و مجروح کرده است. روزنامه‌های ایران هر هفته پراز خبرهای مربوط به بازداشت و محاکمهٔ دستهٔ جمعی دانشجویان است و تازه این دستگیری ها و محاکمات تنها مشتی از خروارست. تعداد دانشجویانی که به طور پنهانی از طرف مأموران رژیم دستگیر شده و به سیاهچال های رژیم افتاده‌اند و در دادگاههای دربستهٔ نظامی محاکمه و محکوم شده‌اند، دهها برابر بیش از شمارهٔ دانشجویانی است که خبر دستگیری و محاکمهٔ آنان منتشر می شود. با اینحال حتی همین خبرهائی که در مورد دانشجویان دستگیر شده و علت و چگونگی محاکمهٔ آنان انتشار می یابد، خود نشان دهندهٔ فشاری است که از طرف رژیم بر محیط علمی و تحصیلی ایران و بر دانشجویان وارد می شود.

آخرین محاکمه ازاین نوع، محاکمه ۱۵ دانشجوی دانشگاههای تهران و یك دانش‌آموز ۱۷ ساله به بهانه ایجاد اختلال در نظم عمومی است. در حالی که تنها "جرم" واقعی این دانشجویان، شرکت در یك جلسه سخنرانی اعلام شده در دانشگاه صنعتی تهران است. دادگاه این ۱۶ نفر که بیش‌از چهارماه بدون هرگونه محکومیت، در زندان‌های رژیم محبوس بوده‌اند در روز سه شنبه هشتم فروردین ماه ۱۳۵۷ تشکیل شد. برای گروهی از این دانشجویان چهار سال زندان تقاضا شده بود!

عکس زیر دانشجویان دستگیر شده را در دادگاه نشان می‌دهد. اسامی دانشجویان مذکور به این ترتیب است: علی رجبی، عباس محقق بهشتی، جواد سید کلانتری، محمد مهدی کاظمی، فضل الله دهدشتی اخوان، حبیب لزکی، احمد پیلهور، مهرداد اردبیلی، اسماعیل پناهی، محسن ریزه‌بندی، علی رحیم یوسف پور، حسن قوریان، وحیده پیرایش، ملیحه توتونچیان، راضیه کرمانشاهی، سعید بهبهانی نیا دانش‌آموز هفده ساله.



اعضای خانوادهٔ دانشجویان زندانی تهران نگران سرنوشت عزیزان خود پشت در دادگاه گرد آمده‌اند.

تهدید کرده بود اگر بشنوم دهاتی ها ، برای ژاندارمی جوجه کشته اند پدرآن ژاندارم را درمی آورم . پس از این تهدید ، در سراب صحنه کرمانشاه دریک قهوه خانه متروک ، حاشیه یک ده ، چند تا ژاندارم رسیدند بی هنگام . قهوه چی چیزی آماده در بساط نداشت . شاگردش را گفت بدو سه تا جوجه سرببر ! ژاندارمی فریاد زد ، نکن این کارا ، ضرغام بدش می آید . یک بره کافی است ! حالا همان نقش را امنیتی های شاه دارند بازی میکنند . آقای کارتر فرموده دیگر زندان وشکنجه نکنید . حضرات گفته اند چشم ! دیگر قول داده اند در زندان شکنجه نکنند ! شکنجه را آورده اند توی خیابانها ، بیرون زندان .

۱۶ آذر امسال ، دانشجویان بهترین تظاهرات را داشتند . تظاهراتی حاکی از نهایت شعور سیاسی شان وبه این ترتیب که تظاهرات را بدل کردند به ضد تظاهرات . یعنی صحنه را بکلی خالی گذاشتند . خلوت وآرام ودولت از این خلاء دارد دیوانه می شود . به اصناف سپردند ، هرصنفی ۵۰ نفررا بفرستد دانشگاه اصناف زیر بار نرفتند . عاقبت سی صد نفری را جمع کردند توی چمن کتابخانه مرکزی دانشگاه به اسم اولیاء دانشجویان ومتقاضی که کلاسها را تعطیل نکنید . واقلیت محرک را تنبیه کنید و بعد سمینار افتضاح مسائل دانشگاهی را براه انداختند .

از اساسنامه کمیته برای دفاع از حقوق بشر و پیشبرد آن در ایران

۶) دفاع عـــــام از حقـوق فـردی و اجتماعی کلیه مردم ایران درمبارزه با رژیـم سرکـوب واختنـاق و دفاع از زندانیان سیاسـی صـرف نظـر از طرز تفـکر و شکل وشیوه مبارزه آنان .

اصول روش کار

۲) اعضای کمیته « دفاع از حقوق بشر در ایران وپیشبرد آن در هرگونه فعالیت سیاسی ، فکری و تشکیلاتی خود که تباینی با هدفها و اصول کار کمیته نداشته باشد آزادند وجز در مورد فعالیت هائی که در چهارچوب کمیته و به نام آن انجام خواهد گرفت . کمیته صلاحیتی در اخذ تصمیم درباره ــ ونه هم مسولیتی دربرابر دیگر فعالیت های ــ آنان ندارد .

برای تماس با کمیته برای دفاع از حقوق بشر وپیشبرد آن در ایران با آدرس زیر مکاتبه کنید .
ACTION TRICONTINENTALE . COMITE POUR LA DEFENSE ET LA PROMOTION DES DROITS DE L'HOMME EN IRAN .
46,RUE DE VAUGIRARD ,75006 PARIS ,FRANCE

پشت وپهلو کبود شده وآرنج دست چپشکافی بیشتر از ده سانت باز کرده ، وشکاف با هشت ده بخیه دوخته شده
منوچهر هزارخوانی سر وصورت حسابی کوفته شده ، لبها متورم دندانها لق وافتاده وصورت در چند ناحیه خراش
دارد و زیر چشمها کبود ، واین ها دوتن از مصدومین تظاهرات شاه دوستانه مامورین امنیتی و شهربانی لاهیجان
بودند . گروه دانشجویان مصدوم هم به‌همین قرارند .

شرح واقعه . لاهیجان مدرسه عالی مدیریت دارد . سال آینده باید جمعش‌کنند . چون در گیلان دانشگاه
بزرگتری دارند می سازند . در حال حاضر مدرسه لاهیجان دویست وپنجاه نفر شاگرد دارد . در تهران جنگ
باران را دیده بودم که محصول دانشجویان آن مدرسه بود . یك ماه پیش- پس از شبهای انجمن ایران وآلمان
از هزارخانی قول سخنرانی گرفته بودند . با فشار دانشجویان رئیس دانشکده رسما از منوچهر دعوت می کند و
او همراه اسلام ظهر چهارشنبه ۱۶ آذر به آنجا میرود . شب میرسند معاون دانشکده با چند تن دانشجو به
پیشواز آمده بودند . برای آنها جا در مهمانسرا جا گرفته بودند . شب می خوابند صبح پنج شنبه ساعت ۱۱
می روند محل دانشکده . بچه ها سر کلاس بوده اند . معاون دانشکده ، نامه ای میدهد از رئیس که نوشته بود
من باید در تهران می بودم ، وزارت علوم جلسه داشتیم ، امیدواریم از شما خوب پذیرائی کنند . ظهر در سالن
رستوران ، غذا صرف می شود . ساعت یك ظرفها را خود بچه ها جمع میکنند و همانجا سخنرانی شروع می شود
صحبت هزارخانی درباره ضایعات اتمی بوده است . مجلس با سوال وجوابها تا ساعت ۳ طول می کشد . بعد
بچه ها آرام از سالن بیرون می روند . اسلام کاظمیه و منوچهر هزارخانی هنوز با چند نفر دانشجو داشته اند
گفتگو می کرده اند که خبر می رسد شاه دوستان (!) با چماق حمله کردند . صدای زنده باد شاه بلند می شود
دوستان نیمساعت در سالن می مانند وقتی سرو صداها می خوابد بیرون می آیند . منوچهر با دو سه نفر دانشجو
واسلام با دو سه نفر دیگر . صحبت کنان باید سی صد متری قدم می زده اند تا به ماشین شان برسند ، صد متر
نرفته (محل دانشکده بیرون شهر بوده) نیروی ضربتی می رسند با چماق وچوب وسرنیزه وچاقو . با چماق و مشت
تمام دندانهای هزارخوانی را سرویس می کنند . وبا کارد بلندی دست چپ اسلام را تا استخوان شکاف می دهند
(در ناحیه آرنج) . وقتی همه از پا می افتند نیروی لباسدار شهربانی در نقش ناجی سر می رسد . وتیر های هوائی
در می کنند ومثلا این ها را نجات می دهند . از ساعت ۳ تا ده بعد از ظهر در بیمارستان شیر و خورشید .
پزشگی قانونی وشهربانی می گذرد . در ین ساعت رئیس امنیت رشت (تیمسار موحد) با رئیس شهربانی می رسند ،
می گیرند وروانه رشت می کنند شان . اما این بار دیگر توی بیابان پیاده شان نمی کنند . می رسند رشت وآنجا
شب را ماندن جائز نمی بینند . یك سر می آیند تهران با یك دوتن از دوستان وآشنایان . اما توسط دو سه ماشین
تا "سد تاری " بدرقه می شده اند .

به این ترتیب دولت دارد آرام وبدون عجله دوتا دوتا . اعضای کانون نویسندگان را به تله می کشاند ومی کوبد
اول (در ۲۸ آبان وجلوی دانشگاه آریا مهر -) هما ناطق ومیرزا زاده را کوبید . که هنوز در رختخوابند . بعد
نوبت جلال سرفراز واحمد اللهیاری بود از روزنامه نگاران (هردو شاعر) وعضو کانون که اینها را در روز عید قربان
(۳۰ آبان) ودر حادثه کاروانسرا سنگی کوبید . سر آخر - تاکنون - نوبت هزارخانی واسلام کاظمیه بود (روز ۱۷
آذر) در لاهیجان . وهر سه با روش یکسان . یعنی مامورین در لباس شخصی . یعنی که مردم شاه دوست .
کارگران وکشاورزان و پدران دانشجویان ! وپیدا است این شتر را به نوبت در خانه های . اعضای کانون خواهند
خواباند . به همین سبك واز الآن به تدارك پیشواز کارتر مشغولند .

با سه نمایشنامه اخیری که دولت بازی کرده . مشی کار تازه اشان اینست که شکنجه را از درون زندانهای امنیتی
کشیده اند توخیابان . حالا در ملاء عام می زنند ومی کشند . سابق کشتار وشکنجه در زندان و در خفا از انظار
عامه بود . حالا قبح قضیه بـ زیر حمایت حقوق بشر کارتر ریخته است . یك وقت ضرغام فرمانده ژاندارمری شد می

سیاست حراج گذاشتن دخایر ملی ادامه دارد . دکتر فلاح عضو فنی نفت ـ وسط گود افتاده است که ملی کردن نفت حرف مفت بود . نفت وقتی ملی شد که شاه قرارداد کنسرسیوم را لغو کرد . این بابا نخست در کلوپ روتاری ونکی زد . بعد سنجابی اعتراضیه داد . بعد یکی از نمایندگان به دفاع از سنجابی برخواسته بود به اسم احمد بنی احمد نماینده آذربایجان . دیشب محسن پزشکپور نماینده دیگر به دفاع از ملی کردن نفت ودکتر سنجابی برخاسته و اقائی به اسم جمشید مالکی به حمله کردن به مصدق وسنجابی ودفاع از شاه . این جنجالها برای پوشاندن چوب حراجی است که شاه برداشته ودر تمام حراجگاهها دوران زنان دارد همینطور می بخشد . انوقت در اخبار همین دو سه روز بود که برنج کیلوئی یك تومن گران شد . شهرداری که ـ بهرا ی کوتاه مدت ـ از برابر مردم آلونك نشین عقب نشست ، تازه نفس واستراحت کرده ، دیشب اعلان جنك دوباره داده بود که خارج از محدوده هرچه باشد خراب می شود . عکس يك بولدوزر را انداخته بودند که وارد يك انبار کالای ساخته شده خارج از محدوده شده بود . از تله ویزیون يك برنامه زنده پخش کردند که مخبر با کارگران بیکار مصاحبه داشت . وهمه کارگران بیکار فعلی تهران ، کشاورزان فلر کرده از سرزمین را ، می حواست ارشاد کند که برگردند سرزمین اجدادی وآنها يك قول می گفتند رویش را نداریم دست خالی برگردیم به محل بعضی ها می گفتند محل نمانده است . هر شب توی روزنامه ها چند رتبه می دهند به کارمندان دولت خصوصا فرهنگیان که عده اشان زیاد تر است . ودولت هر شب برایشان يك نوید روزنامه ای دارد ، یا برایشان آپارتمان می سازد ، یا بهشان وام می دهد ، یا رتبه می دهد .

اما نگاهی به رستورانهای تهران ، شبها گویای واقعیت دیگری است . باز دوباره سر هر میز شامی در کافه های توده ای بیست سی نفر دورهم جمع شده اند . دیگر سخن ها فقط جوك گوئی نیست ، کافه های قدیم ، به ندرت يك میز چهار نفره را به چشم تومی کشاند ، اما حالا میزها ده نفره وبیشتر به فراوانی دیده می شود . و این نشانه آن است که مردم دارند به ترس ورعب قدیمشان غلبه می کنند . واینطوری هاست که مردم از گوشه های دنج وانزواهای فردی شان توی خیابانها خواهند ریخت . هیچ وقت هیچ جوجه تازه سر از تخم درآورده ای شروع نمی کند درپهنه فضا به معلق زدن ، اول يك پرش کوتاه ، بعد پرش دوم ، تا کم کم افراد آماده شوند بیرون از کافه ها وفارغ از میزشامها و صرفا بخاطر تعاطی فکر ودرشان دورهم جمع شوند . درعید غدیر امینی از امیر مومنان حرف زد و شاه از اینکه اسلام خوب است اما نه مارکسیست اسلامی . دولتی ها سرگرم گره زدن تمام نیروهای فردی وجمعی اپوزیسیون بهم هستند . امینی را به خمینی . کانون را به هردو . دانشجویان را به کانون و دست آخر همه را به شماها ئیکه بیرون نشسته اید وداد تان از این بیداد به هوا رفته است . سعی دارند همه این مقاومت های حسته وگریخته درون مرزی وبرون مرزی را بهم گره بزنند واین ها را در يك شبکه ارتباط منظم با یکدیگر ودر ارتباط با ارباب خارجی (!) جا بزنند تا مفری برای خشونت های فاشیستی خود بیابند . به همین علت ها است که در تهران تا آنجا که مشاهده می شود همه متوجه این سیاست هستند به همین علت هم اصرار دارند که حقانیت خواسته هایشان را با سکوتی متین ومنطقی . ودر چهار چوب قانون اساسی کشور و حقوق بشر جار بزنند . به آذین بالاخره با وجه ضمان بسیار سنگینی آزاد شد . وجه ضمان را بالا گرفته بودند که نتواند به پردازد و بازهم اورا بیدلیل درزندان نگاه دارند . عنوان مسخره توقیفش تحریك دانشجویان بود . مبلغ وجه ضمان چهار میلیون تومان بود که دوستان سند سپردند .

هما ناطق ونعمت میرزاده هنوز بستری هستند . شدت ضربات وارده برآنها چنان بوده که تازه دیروز راه افتاده ودر اطاقش چند قدمی زده است . خود روزنامه ها نوشتند سی ونه نفر دانشجو را بازداشت کرده اند . دیشب نوشتند ده نفر دیگر را در اصفهان توقیف کرده اند واین ها همه کسانی هستند که حتی اسمشان را کسی نمی داند . بسیاری از وکلاداوطلبند که بروند وکالت این جوانان را قبول کنند . اما دولت همچنانکه اسم این کسان را مکتوم داشته تعداد شان را نیزکه بیقین بسیار بیش از این رقم است ـ پنهان می دارد . چرا که اسم این دانشجویان اگر منتشر شود آنوقت چگونه دولت می تواند ادعا کند که این ها نوکران امپریالیسم هستند ودر ارتباط با اربابان خارجی !

۱۸ آذر ۵٦ . تهران ۱۲۰ شب ۱۰. الا کاشامیه سرسره چند نقطه آما سیده . پیشانی وصورت خراشیده

کمیته برای دفاع از حقوق بشر و پیشبرد
۲۸ آذر ۵۶)

روزنـــــــــــامه تـــهران

تهران ۱۶ آذر ۱۳۵۶ ـ چند روز است نمایشنامه تازه ای روی سن حزب رستاخیز گذاشته اند . بازیگنان اصل
دکتر باهری است ، لیدر حزب جعفریان است ، متفکر امنیت وتله ویزیون . دکتر کاظم ودیعی . پرویز نیکخواه
دکتر عاملی نماینده مجلس . دکتر مهران رئیس مدرسه علم وصنعت فسیل هائی مثل دکتر رضائی معاون دانشگاه .
دکتر بحرالعلومی مرتضی شکوه زاده . نمایشنامه را در محل استادیوم سرپوشیده ، باسم سمینار مسائل دانشگاه
اجرا میکنند . سیصد چهارصد نفر معلم وشاگرد را جمع کرده اند که همه توپچی های دولتند وسرگرم شلیک به س
اپوزیسیون ، " گروه حقیر شبنامه دهندگان " و " گروه قلیل دانشجویان آلت شده " و " گروه اندک نوکران ارباب بیرون از
مرز نشسته " . تمام سمینار داد دارند از تعطیل درس وکلاس . در حالیکه مخالفان را قلیلی خود فروس ووطن فروش
می خوانند . ومرتب نویدمی دهند که اسناد محرمانه ایرا منتشر میسازند تا آنان لو روند . غیر مستقیم اذعان می
کنند که دانشگاه تعطیل است . دکتر مهران رسما اعلام کرده است اگر تا ۱۸ آذر شرکت کنندگان در کلاسهای
درس به حد نصاب نرسد . دانشگاه را برای یك سال تعطیل خواهد کرد . تمام دانشکده‌ها برای تمام اولیای
دانشجویان نامه داده اند وتهدید کرده اند که عدم شرکت فرزند شما ، درعهده شما نیز هست . اجرای جنجالی
این برنامه که تمام رستاخیز چند روز اخیر و روزنامه های عصر تهران ورادیو وتله ویزیون را اشغال کرده . در زمانی
انجام میگیرد که تمام کلاسها تعطیل است . تمام دانشگاهها اعتصابند . دانشجویان به دو علت ، بزرگداشت
شهادت قندچی وبزرگ نیا وشریعت رضوی شهدای مدرسه فنی وبه علت ایلغار پلیس گارد با لباس رسمی در روز
۲۵ آبان وبه علت یورش همان گروه در لباس آزاد در روز ۳۰ آبان اعتصاب عمومی اعلام کرده اند . دست دولت
وگارد وامنیتی ها برای دانشجویان باز شده است . ازینکه صحنه دانشگاه را خالی گذاشته اند . دولت سخت
ناراحت است . به اصناف سپرده اند که امروز هر صنف پنجاه نفر را بفرستند جلوی دانشگاه و واعلما سر بدهند
دامنه اعتصاب دانشجویان به شهرستانها کشیده شده است . اصفهان عده ای را گرفته اند (نوشتند ده نفر) و
یك نفر را هم کشته اند . وبه روش همیشگی اعلام کردند که " خرابکار متواری بوده وقصد مقاومت داشته) . تبریز
شلوغ است . بابل اعتصاب بود . در مسجد اعظم قم ـ هفته پیش . جماعتی بیشتر از بیست هزار نفر جمع بوده اند
به مناسبت چهلم حاج سید مصطفی خمینی پسر آیت الله خمینی که شایع است به شهادت رسیده . بالای منبر
تقاضا کرده اند که خمینی به ایران بازگردد . خمینی پیامی فرستاده است که نوارش را در تهران کسی شنیده بود
بیشتر دعوت معممان تا هرکسی را به انگ مارکسیسم نرانند و توصیه اینکه این دانشجویان چند صبای دیگر وزیر و
وکیل خواهند شد اینطور به آنان بی مهری کردن صلاح دین نیست . وتوصیه دیگر به جوانان که با انگ آخوند .
علمای راستین مذهب را کنار نگذارند . با آنها تماس بگیرند . نظراتشان را برای آنان توضیح دهند . خلاصه ام
به اتحاد نیروهای مذهبی وملی . وامر به رستاخیز عملی وعمومی . این حوادث هنگامی دارد رخ میدهد که چیزی
به شروع محرم نمانده است . اگر نظارت وکنترل ومتفرق ساختن چهار هزارتن دانشجوی اجتماع کرده در یك جا برا
نیروهای امنیتی آسان است کنترل ونظارت وتفرق دهها گروه چند هزار نفری که در طول محرم در مساجد جمع خوا
شد کاری است غیر ممکن . مساجدی که در ایام محرم محل تجمع مردم خواهند شد . یکی ودوتا نیست . منابر و
مساجد در اختیار آخوند های امنیتی یا منبری های خنثی وبی موضع از نظر مردم شناخته شده است . ما حصل ای
وقایع دولت را مضطرب کرده است . تمام توپچی هایش را پشت توپ های اتهام ، ارعاب ، بلوف وتهدید نشانده
است تا از امری در شروع وقوع از هم اکنون جلو گرفته باشد . شاه در طول محرم ممکن است مرتب در سفر باشد .
فعلا ظفار است . با عراق دارند لاس می زنند که بزودی تشریف ببرند اعتاب مقدسه . واگر لازم باشد لابد به
بعضی از کشورهای افریقائی .